آذری

آل دیلی و ادبیاتی

فصلنامهٔ (بین المللی) ترکی- فارسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، ادبی و هنری شماره : ۱۲ سال سوم تابستان ۱۳۸۵



اسماعیل هادی
(کند اوشاغی)

AZƏRİ-12 Yay 2006

آذری

شماره ۱۲ تابستان ۱۳۸۵

فصلنامه‌ی (بین‌المللی) به زبان ترکی و فارسی
مجله‌ی فرهنگی- اجتماعی- ادبی- هنری
شماره‌ی ثبت: ۱۲۴/۳۸۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: بهزاد بهزادی
مدیر داخلی: حشمت حافظی
مدیر اجرایی: حسن ریاضی (ایلدیرئیم)

ویراستار: اکبر صالحی (قاداش)
حروف‌نگار: کاوس نصیری
با همکاری هنری: لاچین اسماعیلی- وقار فرشباف

ناظر چاپ: نشر نخستین، تهران- میدان انقلاب- خیابان ۱۲فروردین- نبش روانمهر- پلاک ۹۲ کدپستی: ۱۳۱۴۷۱۳۱۱۵تلفن:۶۶۴۱۸۹۷۹
چاپخانه: چاپ تصویر، تهران- خیابان آذربایجان،تقاطع اسکندری، اول اسکندری جنوبی، کوچه‌ی اصلانی، پلاک ۴۷۹/۱ تلفن: ۶۶۸۳۲۷۲۰
بهای تک‌فروشی:۱۵۰۰۰ریال
نشانی : تهران، سعادت آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری- تجاری سرو، طبقه ۷، واحد ۲، دفتر وکالت بهزاد بهزادی. کدپستی: ۱۹۹۷۸۵۵۳۴
تلفن: ۲۲۰۹۴۹۰۰ فاکس: ۲۲۳۵۲۲۶۷
پست الکترونیکی : Azari_Eldili@yahoo.com

مجله در حک و اصلاح مقالات وارده آزاد است.

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

اجرای اصول قانون اساسی ناظر به حقوق اقوام ضرورت فوری دارد	بهزاد بهزادی	۳
در میزگرد مطبوعاتی هیات پیگیری کننده‌ی طرح آموزش مکاتبه‌ای و...	مرتضی مجدفر	۶
اسماعیل هادی	ائل اوغلو	۸
نه دئمیشم بئله دئمه‌ذکراسینا!!	کند اوشاغی	۱۱
سؤلئیمان روستم ۱۰۰ یاشیندا		۱۳
مؤللانصرالدین تورک ادبیاتیندا	دوکتور محمدتقی زهتابی	۱۷
شعر	حبیب فرشباف	۲۲
بیردن- بیره	عمران صلاحی	۲۳
«گؤیرچین‌لریمیز بیر گون تاپیلار»	ح.م. صدیق	۲۶
صنت، حقیقت و سیاست	هارولد پینتر	۳۳
شعر	حمید آرش آزاد	۴۰
کؤرپوده بیر قوجا	اثرنشت همینگوئی	۴۱
مشروطه اینقیلابی و آذربایجان ادبیاتی	م. کریمی	۴۵
مکتوب یئتیشمه‌دی	عبدالله شایبق	۵۰
سابقه‌ی تاریخی کاربرد حرف «ا- الف»	بهزاد بهزادی	۵۶
آذربایجان ادبی دیلی گونئی آذربایجان‌دا:	فیروز رفاهی	۶۰
شعر	حسن ریاضی	۶۶
داستایوفسکی‌نین «جینایت و جزا» رومانی	محمد عاریف	۶۷
جئرتدانیئن ماهنی‌سی	ناصر داوران	۷۰
تاختالی کؤیدن مکتوبلار	عزیز نسین	۷۶
پری و چوبان	محمد قاضی	۸۱
اردملی شاعیر،	مرتضی مجدفر	۸۸
آکوارئوم	علیرضا ذیحق	۹۰
شعر	رامین جهانگیرزاده-رقیه مسیحا-توکل کیانی اصل	۹۳
اوزو بزک...	قوجامان مؤعللیم	۹۵
عؤمور بورولقانیئندان قورتولان قوجا	جواد دربندی	۹۹
شعر	بختیار نصرت عدالت امی (دومان)	۱۰۴
کئچه‌دن اوجیک	علی اشرف درویشیان	۱۰۶
«عیسا باربد»:	مجید تیموری‌فر (صفا)	۱۱۱
دی و دیر	م. رزاقی	۱۱۴
گؤلگو	رضا نوه‌سی	۱۱۷
«همشهری» روزنامه سینین تورکجه صحیفه‌سی/ یاشماق درگی‌سی		۱۲۱
بیلقامیس	ای. ولی‌یئو	۱۲۴
یئنی کیتاب‌لارئن سیاهیسی	یوسف قوسی(فرزانه)	۱۲۸

اجرای اصول قانون اساسی
ناظر به حقوق اقوام ضرورت فوری دارد

روزنامه‌ی ایران در روز جمعه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ کاریکاتوری را چاپ و منتشر کرد که توهین آشکار به مردم آذربایجان و ترکان و تحریک‌آمیز و مغرضانه و تفرقه‌افکنانه بود. آذربایجانی‌ها در تبریز و سایر شهرهای آذربایجان و تهران و مناطق ترک‌نشین تظاهرات باشکوهی به منظور اعتراض و ابراز نفرت به این قبیل تحریکات فتنه‌انگیز برگزار کردند.

بنا به گزارش ایسنا «... روز دوشنبه در چند نقطه‌ی مختلف شهر تبریز با پخش اعتراضیه‌هایی ، به سردادن شعارهایی با مضمون اعاده‌ی حیثیت آذربایجانی زبانان شروع کرده بودند. براساس این گزارش با افزایش تعداد معترضان آنان به سمت استانداری آذربایجان شرقی حرکت کردند و حضور مسئولان را در جمع خود خواستار شدند که با عدم حضور مسئولین، برخی از تجمع کنندگان با هجوم به سوی ساختمان استانداری و پرتاب سنگ به طرف آن اعتراض خود را اعلام کردند. اما در پی دخالت نیروی انتظامی تجمع کنندگان متفرق شدند و به نقاط دیگر شهر حرکت کردند.»

برخی از مقامات این فتنه‌انگیزی را توطئه‌ی دشمنان خارجی تلقی کردند که بدینوسیله قصد دارند آرامش موجود در آذربایجان را برهم زنند.

دامنه‌ی تظاهرات و اعتراضات به سایر شهرهای آذربایجان و تهران کشیده شد.

رجال محترم شهرستانها، روحانیون، مقامات دولتی و قضایی، نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای اسلامی و مطبوعات به اظهار هم دلی با معترضین و مردم آذربایجان پرداختند که به چند نکته اظهارات ایشان اشاره می‌گردد:

– کاریکاتور چاپ شده در روزنامه‌ی ایران به حیثیت مردم آذربایجان و اهالی ترک زبان توهین کرده، تحریک‌آمیز و فتنه‌انگیز و تفرقه‌افکنانه بوده و این حرکت روزنامه‌ی ایران محکوم گردید. و باین ترتیب به اعتراض کنندگان پیوستند و حرکت ملی و مردمی معترضین را تأیید نمودند.

– به دنبال قیام مردمی شورای نظارت بر مطبوعات دستور توقیف روزنامه‌ی ایران را صادر کرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرونده‌ی روزنامه و مدیر مسئول و کاریکاتوریست را به دستگاه قضایی ارجاع نمود. بازپرس قرار بازداشت این دو نفر را صادر کرد و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه فرستاده شد و نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای اسلامی پیگیری رسیدگی به این پرونده را برعهده گرفتند.

– برخی از مقامات عالیرتبه با توجه با اوضاع حساس سیاسی، این فتنه‌انگیزی را توطئه‌ی دشمنان خارجی تلقی نمودند تا آرامش موجود در آذربایجان را بر هم زنند. (پیداست چنانچه در رسیدگی‌هایی قضایی ثابت شود که چاپ کاریکاتور موهن از طرف مدیر مسئول و

کاریکاتوریست غیر عمدی بوده است انتظار می‌رود که مقامات قضایی و اطلاعاتی ریشه‌یابی و اعلام دارند و عوامل ناشناخته این توطئه را افشا نمانید).

– اظهار همدردی مقامات نامبرده با مردم آذربایجان که مورد اهانت قرار گرفته بودند، با تأخیر صورت گرفته است. در هر حال این امر از طرف بعضی از مقامات مورد تأیید قرار گرفت.

– تأخیر در همسویی با اعتراضات مردم و سرکوبی تظاهرات موجبات خشونت را فراهم کرد و بنا به گزارش مقامات رسمی عده‌ی زیادی مجروح و بازداشت شدند که اکثریت آنها پس از چند روز آزاد گردیدند.

– همه مقامات نامبرده به تجلیل از فداکاریهای مردم غیور آذربایجان در راه حفظ تمامیت ارضی ایران در انقلاب مشروطیت و خیزش‌های بعدی بویژه در انقلاب اسلامی، و لزوم رفتار عادلانه با مردم آذربایجان، رعایت حقوق قومی و حیثیت آنها، احترام به زبان و فرهنگ اهالی ترک زبان و اهمیت و جایگاه والای زبان ترکی و ضرورت اجرای اصول قانون اساسی ناظر به حقوق اقوام و تدریس زبان آذربایجانی و انتقاد از تأخیر در این زمینه داد سخن دادند.

در گردهمایی که بنا به دعوت مقامات در تبریز و برخی از شهرستانهای آذربایجان تشکیل یافت قعطنامه‌هایی صادر شد که ضمن آن خطوط اصلی اعتراض و تقاضای مردم آذربایجان مورد تأیید قرار گرفته است.

چند نکته:

روند حوادث نشان دهنده‌ی این حقیقت است که معترضین تبریز برای اعلام اعتراض و نفرت خود نسبت به کاریکاتو موهن به استانداری آذربایجان شرقی مراجعه می‌کنند. این حرکت کاملا قانونی و مسالمت‌آمیز بوده و حق مردم بوده که تقاضای خود را به مقامات رسمی ارائه دهند.

بی‌اعتنایی مقامات استانداری و دخالت نیروی انتظامی برای پراکندن اجتماع کنندگان به هیچ وجه توجیه قانونی نداشته و نیروی انتظامی می‌بایست با واقع بینی به تلاش ارشادی خود ادامه می‌داد.

– حرکت خودجوش مردمی معمولا از طرف سازمانی رهبری نمی‌شود. و افرادی ممکن است به سلیقه‌ی شخصی احساساتی از خود نشان دهند این قبیل حرکات استثنا است و در ارزیابی ماهیت کلی جنبش بی‌اهمیت است.

نمونه‌ی این قبیل تظاهرات پس از انتشار خبر پیروزی رضازاده جهان پهلوان ایران در مسابقات وزنه‌برداری و یا در اعتراضات مردمی بر علیه کاریکاتور موهن منتشره در دانمارک از طرف مسلمانان در سراسر جهان و ایران هم دیده شده. این تظاهرات را سازمانی تشکیل نمی‌دهد و اشخاص با سلیقه‌های مختلف احساسات خود را نشان می‌دهند و نیروی انتظامی همسو با احساسات مردم رفتار می‌کنند.

خیزش مورد بحث آذربایجانی‌ها نیز خیزش خودجوش و مردمی بوده است که پس از بروز خشونت‌ها، همه‌ی مقامات مسئول مملکتی اعتراضات و مطالبات آنها را تأیید کردند.

- «موج سواران» بد اندیش خارج نشین به تحریف واقعیت‌ها پرداختند و ضمن تحریف واقعیت این حرکت را به عنوان قیام برعلیه نظام قلمداد کردند و ماهیت ملی و مردمی این جنبش را نفی کرده و آن را ابزار تبلیغاتی خود ساختند.

از طرف دیگر برخی عوامل داخلی با بکاربردن برچسب «تجزیه طلب» و نظایر آن به توجیه نادرست و متهم ساختن معترضین پرداختند.

- بنا به اعتراف مقامات رسمی تأخیر در همسویی با معترضین موجب خشونت گردید.

مسئله‌ی حقوق اقوام از آنچنان اهمیتی بر خود داراست که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است ولی تابحال مفاد این اصول از قانون اساسی به صورت کامل به مرحله‌ی اجرا در نیامده است. بویژه در مورد تدریس زبان آذربایجانی در مقاطع تحصیلی، با وجود تقاضاهای مکرر فرهیختگان آذربایجانی، مقامات دولتی سکوت اختیار کرده‌اند و هیچ توضیحی در این باره به مردم نداده‌اند. به این ترتیب نه فقط موجبات نارضایتی اقوام و بویژه آذربایجانیها را فراهم ساخته‌اند، بلکه عوامل پر سوئیت خارجی فرصتی یافته‌اند تا آنرا ابزار تبلیغات شوم خود قرار دهند.

عده‌ای از امامان جمعه و مقامات رسمی در تأیید حقوق اقوام و لزوم اجرای اصول قانون اساسی ناظر به حقوق اقوام و بویژه لزوم تدریس به زبان آذربایجانی در مقاطع تحصیلی را خواستار شده‌اند و حتی این سوال را مطرح کرده‌اند که چرا اجرای این اصول در طول این سالهای طولانی معطل مانده است و مسئول آن کیست؟!

حادثه‌ی اخیر هشداری است بر این که باید هر چه زودتر نسبت به تحقق حقوق اقوام اقدام گردد. و در مرحله‌ی اول حقوق فرهنگی آنها و تدریس به زبان ترکی آذری در مقاطع تحصیلی به اجرا درآید.

- بنا به مراتب بالا ما می‌خواهیم:

۱- رسیدگی قضایی علنی و ریشه‌یابی این حادثه در مطبوعات منتشر گردد.

۲- بازداشت شدگان هرچه زودتر آزاد گردند.

۳- اصول قانون اساسی ناظر به حقوق اقوام بویژه تدریس زبان ترکی آذری در مدارس رسمیت یابد و در وهله‌ی اول تأسیس دوره‌ی کارشناسی زبان و ادبیات آذربایجانی و آموزش مکاتبه‌ای آن سازمان داده شود.

بهزاد بهزادی

در میزگرد مطبوعاتی هیات پیگیری کننده‌ی طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی در مقاطع تحصیلی عالی اعلام شد:

درخواست شخصیت‌های علمی و فرهنگی آذربایجانی از وزارت علوم

اعضای هیات پیگیری کننده‌ی طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی در مقاطع تحصیلی عالی، که طرح مربوطه را همراه با امضای صدها نفر از فرهیختگان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی آذربایجان به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تقدیم کرده‌اند، در یک نشست مطبوعاتی شرکت کردند.

دکتر رحیم چاوش‌اکبری، دکتر فیروز رفاهی و مهندس مرتضی مجدفر در این نشست به عنوان اعضای هیات پیگیری کننده‌ی طرح، مفاد طرح و سیر مراحل آن از زمان آماده شدن تا تحویل به وزارت علوم را توضیح دادند.

این طرح که به استناد اصول پانزدهم و نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیرو تقاضاهای قبلی فرهیختگان آذربایجانی تنظیم شده و مورد تاکید صدها نفر از آنان نیز قرار گرفته، درخواست راه‌اندازی طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی در مقاطع تحصیلی عالی را مطرح می‌کند.

به گفته سخنگوی هیات پیگیری کننده، این طرح در تاریخ یازدهم بهمن ماه ۱۳۸۴ همراه با توضیحات مربوط به چگونگی اجرای طرح، ضمایم مربوطه و اسامی امضا کنندگان، از طرف بهزاد بهزادی، مدیر مسئول فصلنامه‌ی آذری و صاحب ۶جلد فرهنگنامه‌ی ترکی به ترکی، ترکی به فارسی، و فارسی به ترکی و به نمایندگی از طرف امضا کنندگان طرح، به دفتر دکتر محمد مهدی زاهدی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری تحویل داده شده و با شماره‌ی ۲۰۱۵۲ در دبیرخانه‌ی دفتر وزارتی به ثبت رسیده است. همچنین رونوشت نامه و مدارک مربوط به طرح، با همان تاریخ، به دفتر معاون آموزشی وزارتخانه نیز تحویل شده، ولی تا این تاریخ، هیچ پاسخ مثبت یا منفی به این پیشنهاد از طرف وزیر، معاون آموزشی وی، و یا هیچ یک از نهادهای وزارتی داده نشده است.

سخنگوی هیات پیگیری کننده‌ی طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی، در پاسخ با این سوال که آیا صرفاً براساس اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی تهیه شده و یا به مستندات دیگری نیز توجه شده است، گفت: بر اساس اخباری که در سال ۱۳۸۲ و به نقل از وزارت علوم و تحقیقات و فناوری در خبرگزاری‌ها و مطبوعات انعکاس یافت، این وزارتخانه با تصویب برنامه‌ی آموزشی به زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی در دانشگاهها موافقت کرده و این مسئله در شورای گسترش آموزش عالی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در همان زمان، همچنین چهار دانشگاه آمادگی خود را برای دایر کردن دوره‌ی کارشناسی زبان و ادبیات ترکی آذری اعلام کردند، ولی اجرای آن متوقف گردید که گفته می‌شد یکی از علل آن کمبود استاد و مدرس تمام وقت بوده است. این هم از نکاتی است که ما به آن استناد کرده‌ایم.

به گفته‌ی اعضای هیات پیگیری کننده‌ی طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی، در میان امضاگنندگان، اسامی تعدادی به چشم می‌خورد که دکترای زبان و ادبیات آذربایجانی دارند و اگر بر مبنای شرایط اعطای موافقت اصولی راه‌اندازی رشته به دانشگاههای کشور هم عمل کنند، این شرط برقرار است.

همچنین اعضای هیات مذکور، ضمن ارائه‌ی توضیح بیشتری درباره‌ی مفاد طرح، از وزارت علوم خواستند نامه‌ای را که حدود چهارماه از ثبت آن در دبیرخانه‌ی وزارتی گذشته، به احترام تجربه، تحصیلات و علاقه‌مندی صدها نفر از هموطنان آذربایجانی کشورمان پاسخ دهند تا عدالت محوری در برنامه‌های فرهنگی که از شعارهای دولت نهم است محقق شود.

در پایان نشست مطبوعاتی، اعضای هیات ابراز امیدواری کردند که بتوانند اصل طرح را که چهار ماه پیش همراه با نامه به وزیر علوم تحویل داده‌اند، با اعلام خبر وزارت علوم مبنی بر موافقت با اجرای طرح، در مطبوعات منتشر کنند.

(برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن ۲۲۰۹۴۹۰۰ و نمابر ۲۲۳۵۲۲۶۷ تماس حاصل فرمایید.)



اسماعیل هادی

ائل اوغلو

هر بیر اینسان بیر بؤیوک سیردیر. بیر جؤمله‌یه سیغماز، خوصوصیله بیر یازیچی. «اسماعیل هادی»نی دا طبیعی کی، بیر جؤمله‌ده خولاصه ائتمک هئچ اولماز، آمما او اؤزونو بیر جؤمله‌ده بئله خولاصه ائدیر. «نوح عصریندن ایندی‌یه‌دک یئنی دونیانی آتیلمیش بیر کند اوشاغی»! او «مزره»ده دونیانی گؤز آچارکن، صابیر دئمیشکن «نئجه کی سالمیش حضرت-ی نوح اؤیله‌جه‌دیر!» نوح دؤورونون یاشاردی. نه یول، نه برق، نه سو، نه حتتا رادیو، قیرامافون! سونرا دونیا دییشدی، اسماعیل هادی شهره دؤشدو و ... آمما دونیا یوز کره دییشسه‌ده، هادی اوچون بیر زاد دییشمز قالمیش و قالاجاق: ائله-اوبایا باغلیلیق، خالق دیلینه، ادبیاتینا وورغونلوق!... اونون ذؤوقو ایله یاشار، او ذؤوقو یاشاتماق، خالقا دادیزماق ایستر.

آذربایجانیمیزین تانینمیش یازیچی، تدقیقاتچی و دیلچی عالیمی اسماعیل هادی ۱۳۳۶- جی گونش ایلی قاراداغین دیزمار ماحالی‌نین «مزره» کندینده آنادان اولور. رحمتلیک باباسی مولا فتعلی چوخ ساوادلی، خوش‌نیویس بیر عالیم ایدی. مولا فتعلی یوخسول اولسایدی دا، نوه‌سینی تربیئه ائتمه‌ده جیددی فعالیت گؤسترییر. هئچ نه‌ئی اسیرگه‌میر. اسماعیل هادی ایلک تحصیلینه ائله باباسی‌نین کندینده یاراتدیغی مولا مکتبخاناسیندا باشلایی‌ر. اورادا گولوستان، قرآن و آیری-آیری اسکی درسلیک‌لری اوخویوب اؤیرنیر. سونرالار ایسه تبریز شهرینده دوام ائدیر. او گوندوزلری مولا مکتبینده گئجه‌لر ایسه تبریزین یوکسک مدرسه (دبیرستان)لاریندا رسمی تحصیل آلی‌ر. اینگیلیزجه‌نی ایسه، اینگیلتره‌نین تبریزده یاراناں «بیریتانیانین مدنیت اوجاغی» آدلی مدرسه‌سینده اؤیرنیر. دین حوزه‌لرینده «سطح»ه قده‌ر تبریزده اوخویور. عالی دین تحصیلاتینا «قم» شهرینده دوام ائتدیریر. سونرالار

تئهران دانیشگاهیندا حوّقوق فاکوّلته‌سینه گلیر، ۱۳۶۳-نجی ایلده تئهران دادسراسیندا قاضیٔ اولور. (۱۳۷۱)-نجی ایلده عدلیه‌دن آیریلیب وکالت پئشه‌سینه اوز قویور و ایندی‌ده همن پئشه‌ده چالیشیر.

۲۵ ایل قاباق تبریزده یارانان «آذربایجان شاعیرلر و یازیچیلار جمعیتی»نده ایلک دؤنه گؤردوویوم «اسماعیل هادی» حاققیندا، قیسسا دا اولسا دیرلی آذری نشریه‌سینین اوخوجولاریٔ ایله فیکریمیزی بؤلوشدورمک ایسته‌ییرم.

دئمک بیر قرینه‌نین دؤرد دن بیر حیصه‌سینی عئینی ادبی ایجتیماعییاتدا یاشادیغیمیز قلم دوستوم «اسماعیل هادی»نین یارادیجیلیغینا گؤره قلمه آلینان بو یازیٔ آز حجمیله اونون چئشیدلی ادبی حیاتیٔ و یارادیجیلیغیٔ باره‌ده آنجاق اوته‌ری قیسا بیر گیریش دئمکدیر. هادی سس‌سیز چالیشماغیٔ اوزونه هدف آلدیغیٔ اوچون، حتّا چاغریلان کونفرانس و سئمینارلارا آزاریٔ گئتدی، گئتدیکده ده عوهده‌سینه قویولان ایشی تام باجاریقلا یئرینه یئتیردی. واختی ایله اینقیلابین ایلک گونلرینده تبریزده یارانمیش شاعیرلر و یازیچیلار جمعیتی‌نین صادیق عوضوو کیمی او ایللرده گنجلیک ایللری‌نین سیناغیندان باجاریقلا چیخدیٔ، بعضی داریسقال فیکیرلرین داغیلماسینا سبب اولدوغو او جمعیتین عوضولریندن بیر چوخو پئشه‌کار اولماسالاردا، هئچ واخت قلمی یئره قویماییب، یارادیجیلیغا داوام ائتدیلر. اسماعیل هادی ایسه همان ایللرده «حباب» مجموعه‌سینی نشره بوراخدیٔ. سونرالار: «ترکی هنر است»، «لاچین»، «دومانلیٔ گونلر»، «گؤیٔ قورشاغیٔ»، «فرهنگ نوین ترکی» کیمی سامباللیٔ اثرلرین موّاللیفی اولدو، اسماعیل هادی «کند اوشاغیٔ» ایمضاسیٔ ایله ایلک دفه وارلیق ژورنالیندا ساتیریک نثر اثرلری یازیب، چاپا یئتیردی. سونرالار ایسه یؤل، ائل دیلی و ادبیاتیٔ، آذری و ... نشریه‌لرین قلمداشلاریندان اولوب داوام ائدیر. اونون ساتیراللاریندا اوزونه مخصوص بیر شیوه ایله راستلاشیریق. دوم-دورو ائل-اوبا دیلینی ادبی قالیبه سالیب خالق دیلینه داپانمیش بیر آخارلیٔ نثر اوسلوبوندا یاراتماقدا، او بیر اوستاد یازیچیٔدیر. عوموّر بویو خالق ایله بیرگه یاشایان اوز خالقیندان آرالانمایان یازیچیٔ، ائله خالق وارلیغیندان فایدالانیب، خالق حیاتیندان تاثیرلر آلیب، اونو ایسته‌دیی فورمادا خالقا قایتارماقدا هم باجاریقلیٔ همده سئویلن ادبی شخصیتلردن اولوبدور. اسماعیل هادی‌نین ساتیریک و جیددی قلمی، عئینی درجه‌ده کسکین و تاثیر ائدیجی‌دیر. او اوزون ایللرین موّطالیعه و تدقیقلریندن الده ائتدیکلری تجروبه‌لرینی اوز قلم اثرلرینده حیاتا کئچیریر. خالقیٔ و اونون ایسته‌دیی بدیعی شیوه‌لری باجاریر و اوخوجونو اوزو ایله ایسته‌دیی نوقطه‌یه گوتوروب چیخاریر.

موّختلیف ژانرلاردا قلم چالان اسماعیل هادی، حوّقوق، طنز، شعر و دیل‌چیلیک باره‌سینده دیرلی کیتاب و مقاله‌لرین موّاللیفی اولموشدور. اونون ان سون حاضیرلانمیش چاپ

ایجازه‌سی آلا بیلمه‌دیئی اثری «حاشیه‌ای بر زبانشناسی» دیر کی، فارس دیلی‌نین تاریخی، کؤک تانئیتئیمئ ساحه‌ده وئ اؤنون آیریئ-آیریئ دیللرله کؤک باخئیمئندان علاقه‌سی حاققئندادیر. بو باخئیمدان خوصوصیله روس دیلی‌نین وئ قیرامئری‌نین فارسجادا ایزلری وئ تاثیری عئلمی شکیلده آراشدیریلمئشدیر. اثرین ائلئکترونیک یاییئیمئ، اینترنئت وسیله‌سی اؤلموشدور. تاسسوفله هله‌ده کاغاذ یاییئیمئ اوچون ایجازه وئریلمه‌میش. آرزولاییریق کی، گله‌جکده یازیچیئیمیزین اثری بیر گون، ایشیق اوزو گؤرمک‌له، اؤلکه‌میزین عئلمی-تحقیقی ایشلرینه بیر یئنی‌لیک قازانئیلمئش اؤلسون.

اؤتن اؤن ایل‌لیک‌لردن بری بیر چوخ اؤخوجو قروپونون ماراغئنئ قازانا بیلیب، حتا اؤنون دایئره‌سینی گئشت-گئده گئنیشله‌ندیره بیلن نثر یازانلاریمیزین قاباقجیلاریندان اؤلان اسماعیل هادی ساتئیرا یؤنلو یازانلاردان اؤلسادا حیاتدا چوخ جیددی آدام‌دیر. او ساتئیرایا یؤلوندا گؤنوموزون جلیل ممدقولوزاده‌سی اؤلسادا، اؤزو اوچون سبک-سایاق یاراتدیئ. نه ایسه بو یوموشاق گؤزونوشلو ساکیت آدام، یارادیجیلئیق عالمینده هئچ دینج دورمایئیب رسمی فورمالاریئ به‌ینمه‌دن کیمسه‌نی یانئیلامایئیب، اؤزونه اؤزل بیر یول یاراتمئش، جیغئیر آچمئشدیئ.

یقین کی، گله‌جکده اؤنون اثرلری داها درین‌دن اللشدیریلیب، داها دیققت‌له تدقیق اؤلوناجاق وئ اؤخوجولاریئن چئشیدلی باخئیشلاریئ بو یؤلدا بیزه دؤزگون بلدچی اؤلاجاق. آذربایجانئیمیزین قوچاقلئیق وئ مدنییئت اوجاقلاریئندان اؤلان قاراداغئین دیزمار اؤزومدول آیریمئندا یئرله‌شن «مرزه» کندینده دونیایا گلیب، اؤرادا بویا-باشا چاتان اسماعیل هادیئنئین سیناریست اؤلماسیئدا ماراقلئدیر. او اینقیلابدان سونرا ایکراندا اؤلان «بالاش» فیلمی‌نین سیناریاسیئنئ یازدیئ. حتتا اؤزوده بیر نئچه ثانیه‌ده فیلمین ایلک باشلانئیشیئندا آماتور کیمی صحنه‌ده گؤرونمو. (فیلمی رمضانی فر، اسماعیل عمرانی وئ ... اؤینامیشدیئ.)

۲۵ ایلدن آرتئیقدیر کی، اسماعیل هادی، بعضن جیددی وئ بعضن ده ساتئیرا یؤنلو مقاله‌لر یازیر، ائتیمولوژی ایله مشغولدور. ائل دیلی ادبییاتئ وئ آذری نشریه‌سینین ایلک سایئیدان بری ثابیت همکاریئدیر. خالقئمیزین مدنی ایره‌لیله‌یئشینه اؤنون ادبییاتئنا جان یاندیرماقلا، ائلیمیزین قوللوغوندا اؤلان بو عالیمین حاققئندا داهادا گئنیش دانیشاجاغئمیزیئ باشقا بیر گئنیش زامانا بوراخئیریق، الی قلملی، یؤلو اوغورلو، قلبی نورلو اؤلسون.

نه دئمیشم بئله دئموکراسییا!!

کند اوشاغی

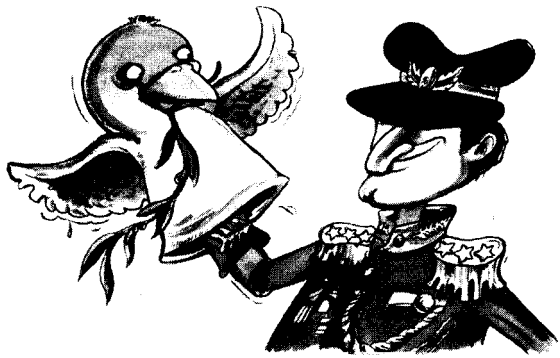
فئیرانسادا بیر نئچه میللت وکیلی قانون حاضیرلاماقدادیرلار کی، سؤزده دائرمنی سویی قئیریمی، ایدیعاسیئنی دانماق جؤرم سایئیلئیب، اونو دانان تاریخچی و یا باشقالارینا حبس جزاسی وئریلسین!!

للهش فئیرانسانئین دئموکراسیسئینا ازلدن حئیران ایدیم. بو خبری ائشیدندن داهادا سئوگیمه آرتدی! باخما بیزیم کنده کی آدی گؤزل هارا گلدی کدخودانئین دالئیجا صفه قؤیور آغزینا گله‌نی دانئیشیر، کدخودادا قولاغئینا چاتیر، اؤزون اؤیانا قؤیمور کی، آماندی دنئیه‌رلر کیشی دئموکراسیئیا اینانمیر خلقین آغزین یومور... خئییر، بئله گؤدنسیز ایشلر بیزیم کنده اؤلور، فئیرانسا کیمی بیر قایدا قانونلو یئرده البته هر کس هر سؤزو دانئیشا بیلمز، قانون آغزینی جئیرار. اؤرادا هر نه‌یی قانون دئییه‌ر، تاریخی ده‌ا. هر چند بئله کی گئدیر، یازیق پارلئیماندا‌کی‌لارین ایشی چتین گؤرونور. چون کی، نوح توفانئیندان توتدو ناپئلئونون آوروپادا آت گزدیردیینه قده‌ر، داغ بؤیدا تاریخی حادیثه‌لر وار، یازیقلار گرک بونلاری بیر- بیر آراشدیریب سیییاستچی‌لرین بو باره ده کی نظرلرینی آلئیب اؤرتاق بیر قراره گله‌لر کی، بوندان بئله تاریخ نئجه یازیلمالی‌دیر سؤنرا قانون گئچیب بویورالارکی: بئله یازین! یؤخسا گؤزونوزو اؤیارام!!... یاخشی‌سی کی، تاریخ‌چی‌لر پسه- پؤسه‌نی یئیغیشدیریب گئتسینلر قاریئز زاد ساتماغا، میللتده انگی بؤشا قؤیوب تاریخ- ماریخدن دانئیشماق یئرینه گؤل کیمی هاوانئین ایستی سؤیوقلوغوندان دانئیشسینلار، یا دا اصلن هئچ دانئیشمایئیب ساققیز چئینه‌سینلر! گئچمیش حادیثه‌لری قوردالایئیب، کؤهنه پالان ایچی سؤکمکدن نه چیخاجاق؟!

ایندی دئییه جکسیز جانئیم نئجه اؤلور کی، فئیرانسادا هیتلئرین فئیرانسایا نیسبت جیناییت‌لرینی بیله- بیله- بئله، آلقیشلاماق جؤرم دئییلکن، مطبوعاتدا گئدن مین‌لرجه اساس‌سیز زادلارا مطبوعات آزادلیغی، دئموکراسی اساسیندا جزا یؤخ‌کن... ائرمنی‌نین یازدیغی قارایا آغ

دئمک جوّرم سایئیلئیر؟! ائرمنی‌لر فئیرانسالئیلارا اوّزلریندن ده یاخئیندئ می؟! بیر تاریخچی نیئه قانون قوّرخوسوندان وارديغئ نتیجه‌لری، اله گتیردیئی حقیقت‌لری یازماقدان چکینسین؟! سیئاستین تاریخ ایله نه ایشی؟! تاریخ باش وئرمیش حقیقت‌لر اساسیندا یازیلئیر، بخشنامه ایله؟!

اوّراسیئنئ من بیلمیرم، بئله فلسفه‌لردن باشیم چیئخماز. آنجاق بیلیرم کی، فئیرانسا نه ائتسه، نه دئسه تکجه اینسان سئوّرلیک اوّزوندن‌دیر، سیئاست- میئاستله ایشی یوخ... نئجه کی، آذربایجانلئ‌لارئن قاراباغدا ائرمنی‌لر طرفیندن آروّاد اوشاق دئمه‌دن قتل ائدیلمه‌سینی ده اوّ اوّزدن قئیناماییش‌دیر. چوّن کی، ائرمنی‌لر مظلوم بیر خالق ایکن، توّرتدیک‌لری جیناییت عئشئن-ی عدالت سایئیلئیر! خوّصوصیله‌ده کی، آذربایجالئ‌لار مسیحی اوّلمادیقلارینا گوّره اوّنلارئ قئیرماقعایی دئییل! نئجه کی، فئیرانسا الجزایئیرده قئیردئ بیز زاد اوّلمادئ، ایسرایئیل فیلیسیطینده گوّنده قئیرار، کیمسه‌نین توّکوّ ترپنمز!. بیرده کی، خوّجالئ سوّئ قئیرئیمئ گوّنده‌لیک مسله‌دیر، هله تاریخه چئوّریلمه‌میش کی، فئیرانسا پارلئیمانئ‌نئین بوّینونا دا بو باره ده بیر وظیفه دوّشه!! بلی قارداشئیم فئیرانسا قانون اوّلکه‌سی‌دیر، هر زادئین بیر قایدا قانونو وار، باشئ چووالامادان دئییل کی!



رحیم بقال اصغری

سۏلئیمان رۏستم ۱۰۰ یاشئندا



سۏلئیمان رۏستم ۲۰–جی عصر آذربایجانین یئنی شئعری‌نین بایراقدارئ کیمی تانئییر. اۏنون ۏ **صمد وورغون، رسول ریضانئین، عۏثمان ساریۀ وللی‌نئین، محمدراحیم ۏ...** فعالییت ۏ یارادیجئ‌لئق‌لارئ سایه‌سینده، آذربایجان شئعری بۏیۏک بیر مرحله‌یه کئچمیش ۏ دۏنیا قاباقجئل شئعری سۏیه‌سینه یۏکسلمیشدیر.

سۏلئیمان رۏستمین شئعری‌نین مایاسئ، جۏۏهری اینسانئ آمال‌لارئ منیمسه‌میش ۏ بۏیۏک آرزولارلا یاشایئیب، قوران ۏیاراداان اینسان‌لارئن آرزو ۏ ایستکلریندن یۏغرولموشدور. سۏلئیمانئین ساده، صمیمی ۏ دۏلغون شئعرلری: اۏنون دۏغما خالقئ‌نئین حیاتئیندان، آنا ۏطنی‌نین طبیعتیندن، یاشادئغئ دۏۏرۏن، مۏحیطین احوال روحییه‌سیندن سو ایچیر. بو شئعرلر سۏزۏن حقیقی معناسئیندا خلقی شئعرلر، مۏعاصیر مۏندرجه‌لی یۏکسک بدیعی سۏیه‌لی اثرلردیرلر.

سۏلئیمان شئعرینده کی ساده‌لیک داهییانه ساده‌لیک‌دیر. درین دۏشۏنجه‌نین، آلۏوئو سئۏگی‌نین، دۏنمز ایراده‌نین، مۏباریزه عزمی‌نین تۏره‌تدیجی ساده‌لیک‌دیر.

بۏیۏک شاعیرین اثرلری خالق آراسئیندا گئنیش یایئیلمئیش، داها دۏغروسو خالقئن مالئ اۏلموشدور. اۏنلار ایندی خالقئن دیلینده ماهنئ‌لاشمئیش تصنیف‌لرده، موغام گوشه‌لرینده یاشایئیر!

۱۰۰ یاشلئ سۏلئیمان سانکئ هله گنج‌لیک ایللرینی یاشایئیر!

اولو شاعیرین ۱۰۰ ایل‌لیئی ایله باغلئ عزیز اۏخوجولاریمیزا بیر نئچه شئعرینی تقدیم اندیریک.

خیانت اؤلماز

هر کس اؤز خئیرینی گؤدسه دؤنیادا
آرادا، البته، محبت اؤلماز
اؤرکلر دیل تاپسا، بیرگه دؤیؤنسه
اؤرتادا کین اؤلماز کؤدورت اؤلماز.

یئرسیز بر-بزه‌یه بؤرؤنن کسده
آغ گؤنده ان باشدا گؤرؤنن کسده
دار گؤنده خلوتده سؤرؤنن کسده
ذرره قئیرت اؤلماز، صداقت اؤلماز

بیزیم دؤنیامیزین جلالینا باخ
ایگیدلر بسله‌ییر هر ائوه هر اؤجاق
اؤنلار گؤزل بیلیر، دؤیؤشدن قاباق
دؤشؤنه دؤیَن‌ده جسارت اؤلماز

یاییلسین دؤنیایا بو سس، بو خبر
سارسیتسین دؤشمنین قلبینی کدر
بیزیم نسیل‌لرده تا قبره قدهر
وطنه، میللته خیانت اؤلماز

آختارارسینیز

بیر گؤن یادیمیزا دؤشرسم، منی،
بو دؤغما ائللرده آختارارسینیز
بئش-آلتی نغمه‌نین مؤالیفینی
سئوَن کؤنؤللرده آختارارسینیز.
ایلک باهار چاغیندا
عیسا بولاغیندا
آراز قیراغیندا
سؤنالی گؤللرده آختارارسیئیز

گؤزللر گؤزلیم وطن‌دیر، وطن
نه دومان گؤره‌جک آمالیم نه چن
منی کروان-کروان معنالی کئچن
آیلاردا، ایللرده آختارارسیئیز
گؤرن گؤزؤمؤ
اؤرک سؤزؤمؤ
منیم اؤزؤمؤ
نغمه‌لی دیللرده آختارارسیئیز

آذربایجاندان آیریلماز

گؤزللیک، اینجه‌لیک، سئوگی، وفا اینساندان آیریلماز
جؤشان سئللر، آخان چایلار نئجه عؤممانداندان آیریلماز.
اوزاق دؤشسه گؤزؤمدن دیلبریم، کؤنلؤم دؤزه‌ر، چؤن کی،
سئوئلر بیلمه‌میش اؤلماز، وؤصال هیجراندان آیریلماز.
وفاسیزدان وفا اومما، وفادان یؤغرولوب عئشقیم
جائیندان آیریلار عاشیق، فقط جاناندان آیریلماز.
بؤتؤن دؤنیا یئرینندن، مئحوئرینندن قوپسا آیریلسا،
«سؤلئیمان روستم»ین قلبی آذربایجاندان آیریلماز.

باخدیم

من اؤزؤمدن اؤتؤل یؤل گئدنلرین
جئغیریئینا باخدیم، ایزینه باخدیم.
وطنین، میللتین دار گونلرینده
جؤراتله اؤلؤمون گؤزونه باخدیم

سئیر ائدیب، یوردومون گؤلزارینئ من
خزان‌سیز، ابدی باهارینئ من
خؤشبخت نسیل‌لرین وؤقارینئ من
ساندیم کی، بختیمین اؤزونه باخدیم

یائیندان کئچمه‌دیم، مئیخانه‌لرین
مئعماریئ آدلاندیم کاشانه‌لرین
باخمادیم سؤزونه بیگانه‌لرین
اؤز شاعیر قلبیمین سؤزونه باخدیم

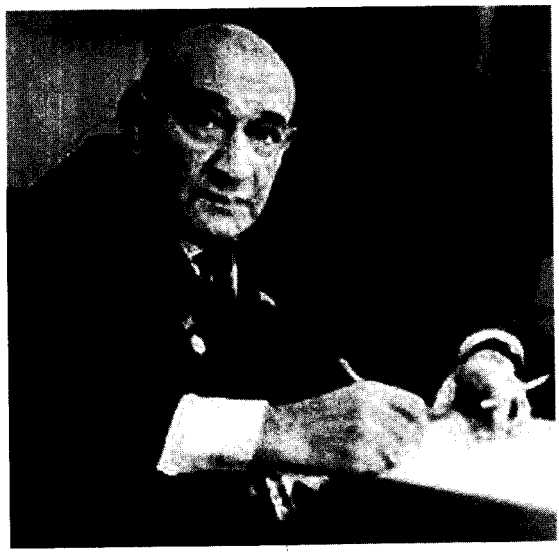
رفتاریئ قیریقلار قیرا بیلمز

هر کیم کی سئویر سئوگی‌دن اؤلمز
قلبیمده جؤشان تئللری هئچ واخت
رفتاریئ قیریقلار قیرا بیلمز

من وورغونویام نازلیئ نیگارین
اؤنسوز بو باهار گؤلشنه گلسه
شاعیر باغا، بؤلبؤل گؤله گلمز

عئشقین یئنه سئوداسیئ باشیمدا
شوخ دیلبره باغلاندیئ بو کؤنلؤم
او گؤلسه گؤلر، گؤلمه‌سه گؤلمز

قلبیمده جؤشان تئللری هئچ واخت
رفتاریئ قیریقلار قیرا بیلمز



سنی ایستر

کؤنلؤم یئنه مین شؤوقیله جانان، سنی ایستر
آند اولسون عزیز جانئینا کی، جان سنی ایستر

چکمز اته‌ییندن الینی، چکسه‌ده هیجران
ائیلر جانئینئ جانئینا قوربان، سنی ایستر

ایلهام آلئرام اینجه سسیندن، نفسیندن
تک من دئییلم، شانلئ بو دؤوران سنی ایستر

سن قلبی تمیز، آلنئ آچئق، شوخ گؤزلیم سن
ائللرده اولوب حؤسنونه حئیران سنی ایستر

ایش‌دیر، منه اؤز وئرسه فراغئندا کدر، قم
کؤنلؤم یئنه‌ده دردینه درمان سنی ایستر

گؤن کئچسه زامان کئچسه وفاسئز بئله اولسام
اؤمر کی محبت‌له سؤلئیمان سنی ایستر!

گؤنلؤمه تبریز دؤشدؤ

گلدی مین دیللی باهار کؤنلؤمه تبریز دؤشدؤ
گؤللؤ، بؤلبؤللؤ باهار کؤنلؤمه تبریز دؤشدؤ

تبریزین دردی منیم دردیم اولوب ایللردیر،
اؤردادیر، نازلئ نیگار، کؤنلؤمه تبریز دؤشدؤ

چؤخ‌دا دؤنیادا گؤزل، آدلئ شهرمین- مین‌دیر
هر یئرین اؤز یئری وار، کؤنلؤمه تبریز دؤشدؤ

باجئیمئ- قارداشئیمئ، سئوگیلیمی گؤرمه‌لی‌یم
یؤخ، دییشمز بو قرار، کؤنلؤمه تبریز دؤشدؤ

من سؤلئیمان، کؤر، آراز نغمه‌لی شاعیر بابایام-
چکیرم عالمه جار، کؤنلؤمه تبریز دؤشدؤ



موللانصرالدین

تورک ادبیاتیندا

دوکتور محمدتقی زهتابی

یازیلیق تاریخین گوستردیگی سندلر و فاکتلارا اساسن، عوموميتله تورکلر، او جوملهدن ایران تورکلریندن م.ق. دوردونجو مین ایللیکدن زنگین فولکلورو، اونون منظوم و یازیلیق شکله دوشهرک، بوتون یاخین شرق خالقلاریق داخیلینده یاییلمیش قهرمانلیق داستانلاریق، اوسطورهوی ناغیللاریق و بو داستان و ناغیللارین چئشیدلی سیمالاریق، قهرمانلاریق اولموشدور. قیلقهمیش قهرمانلیق داستانیق بو حیماسی، افسانهوی داستانلارین ان گوزل نومونهسی اولا بیلر، واختیق ایله سومئر تورکلری داخیلینده، آراتتا(ارتته)/ او زامانلار آذربایجاندا یارانمیش حوکومت، دولت ومدنیتین آدیق/ ایله ایلگیلی یارانمیش ومواختلیف مضمونلو قهرمانلار، افسانهوی صورتلره مالیک اولموشدور. بو قهرمانلیق داستانیق، هابئله او دورون مواختلیف ناغیللاریق، اوسطورهوی داستانلاریق و تاریخی حادیثهلرینده مواختلیف خاراکتئر و خاصیتلی صورتلره تصادوف ائدیریک. بو صورتلردن بیریده او دربار کاهینیدیر کی، گوللونج شکیلده اوزونو اویون، اوزونو ایگید اوردو باشچیسیق، انیلمز و دوشمنلری ووروب آتماغا قادیر بیر پهلوان گوستریر. کاهین بو سوزلری آراتتا شاهیقنین حوضوروندا، اوروک شاهیق طرفیندن گلمیش نومایینده هئیأتی پهلوانلاریقا دئییر و دوشمن نومایندهلرینی، گوییا قورخوتماق ایستهییردی.

بو و بو کیمی اسکی داستانلار و ناغیللاریقدا، شوبههسیز، بئله چئشیدلی صورتلر، او جوملهدن طنزلی مضمونلار و اونلارین قهرمانلاریق اولموش و زامان کئچدیکجه بو صورتلر، جمعییتین اینکیشافی، ایدهلیلهمهسی، مورکبلشیب مواختلیف صینیفلره بولونمهسی، نتیجهده ایسه ایستیبداد و دیکتاتورلوق سیستیمی و موستبیدلرین یارانماسیق ایله علاقهدار، اولجه شیفاهی ادبیاتیمیز، داها سونرا یازیلیق ادبیاتیمیزدا مواختلیف طنزلی صورتلر و قهرمانلار یارانمیشدیر.

ایسلامدان قاباقکیق تورک، او جوملهدن آذری فولکلورو و ادبیاتیندا طنز اثر و ساتیریک صورتلرین اولماسیندان الیمیزده هلهلیک فاکت یوخدور. لاکین ایسلامین لاپ اولرلندن، حتا

جاهیلی دؤورؤندن عرب ادبیاتیندا هجو شعری‌نین بیر ادبی نؤوع کیمی اولماسی و ایسلامین اوللرینده اموی‌لر دؤورؤنده **الاخطال، الفرزدق** و **جریر** کیمی شاعیرلر آراسیندا یایغینلماسی گؤستریر کی، او دؤوردن تورکلر و فارسلارین آذربایجان فولکلورو داخیلینده ده طنزلی اثر و شعر اولموش و زامان کئچدیکجه اونون موشخص صورتلری و قهرمانلاری یارانمیشدیر. تورک شیفاهی ادبیاتیندا طنزلی نثر و شعر نؤوعونون ایسلامدان نئچه عصر اول و اونون ایلک یوز ایللیک‌لرینده اولماسینا شوبهه یوخدور، چونکی بئله طنز اثرلر، یوخاریدا گؤستردیییمیز کیمی، اسکی ایران تورکلری فولکلوروندا اولموش و زامان کئچدیکجه، ایسلامین ایلک یوز ایللیک‌لرینده تکمیل‌لشیب، گئنیش‌لنمیش و شوبهه‌سیز، موعین طنزلی صورت و یا صورتلرده یارانمیشدیر. اموی‌لر و عباسی‌لر دیکتاتورلوغودا بو طنزلی اثرلر و صورتلرین یارانماسینی سورعت‌لندیرمیشدیر.

ایسلامین اوللرینده یعنی اموی‌لر و عباسی‌لر دؤورؤ طنز اثرلری‌نین مئیدانا گلمه‌سی و شیفاهی تورک ادبیاتیندا اونون موشخص قهرمان و صورتلرین اولماسی‌دا قطعی و حتمی‌دیر، چونکی بو گون تورک فولکلورونداً، او جومله‌ده آذری ادبیاتیندا ایکی طنزلی صورتین هر ایکی‌سینین یارانماسی ایسلام دؤورؤ اونون ایلک یوز ایللیک‌لرینه عاییددیر.

بو ایکی طنزلی صورتین بیری آذری فولکلورونداً «موللانصرالدین»، آنا دولو ادبیاتیندا «نصرالدین خوجا» و اورتا آسیا تورکلری و تاجیک‌لری داخیلینده «خاجه نصرالدین» آدلانیر. ایکینجی طنز قهرمانی «بهلول داننده» صورتی‌دیر کی، آذری خالقی داخیلینده دئییلدییینه گؤره، گوییا عباسی خلیفه‌سی «هارون‌الرشید» ین قارداشی‌ایمیش.

عوموميیتله طنزلی اثرلر و صورتلرین خالق فولکلورو داخیلینده یارانماسی، یوخاریدا ایشاره ائتدییمیز کیمی، اساسن ایستیبداد، دیکتاتورلوق، موستبید شاه‌لار، خلیفه‌لر و اونلارین موطلق حاکیمییت‌لری ایله علاقه‌دار اولموشدور. «بهلول داننده» صورتی‌نین خالق طرفیندن «هارون الرشید»ین قارداشی اولاراق یارانماسی بو فیکری آچیق ثوبوت ائدیر.

شیفاهی آذری ادبیاتیندا ان موهوم طنز قهرمانی اولان «موللانصرالدین»ین آدی ایله باغلی لطیفه‌لرین بیر سیراسینی‌نی‌دا دیکتاتورلارلا علاقه‌دار یاراندیغی بو فیکریمیزی تأیید ائدیر، اونلاردان بیری کوره‌کن تئیمورلا ایلگیلی اولان «موللانصرالدین» لطیفه‌سیدیر.

موللانصرالدین صورتی آذری فولکلورونداً ایسلام دؤورؤنده عصیرلر بویو اولموش و اونون آدینا لطیفه‌لر یارانمیشدیر کی، دئمک اولار هامیسی جامیعه‌ده یاراماز حادیثه‌لری تنقید ائدیر. بو لطیفه‌لر کئچمیش دؤورلرده موعین شخصلر طرفیندن توپلانیب باسیلمیش و اونلارا گوزل تنقیدی کاریکاتورلار چکیلمیشدیر. نهایت میلادی ۱۹۰۶ – جی ایلدن اعتیبارن میرزه جلیل ممد قولوزاده طرفیندن طنزلی «موللانصرالدین» مجله‌سی یایینلانماغا باشلامیشدیر.

بو مجله باره‌ده دانیشمادان اونجه تورک و ایسلام دونیاسیندا، اساسن تورکلر طرفیندن یارانمیش طنزلی مجله‌لر و مطبوعاتا ایشاره ائتمه‌یی لازیم بیلیریک، اونا گوره کی، بو مسله‌نین میرزه جلیله تأثیر ائتمه‌سی ائحتیمالی چوخدور.

ایسلام دۆنیاسیندا ایلک دفه طنز درگی میصیرده نشر اۆلموشدور. بو درگی‌لر همدانئین قربینده یئرله‌شن اسدآباد شهری‌نین تۆرکلریندن اۆلموش مشهور جمال‌الدین اسدآبادی‌نین(۱۸۹۷- ۱۸۳۸) رهبرلیئی وٓ گۆستریشی‌ایله میصیرده یاییئن‌لانمیئشدیر. جمال‌الدین ایران، عۆثمانلی، میصیر وٓ اینگیلیستان دیکتاتۆر شاه‌لاریٔ ایله عۆمۆر بۆیو مۆباریزه ائتمیش وٓ میصیرده اۆنون شاگیردلری طرفیندن یاییئن‌لانمیئش طنز مجله‌لرده همین دیکتاتۆرلوقلارا قارشیٔ یۆنلمیش مجله اۆلموشدور. بو شاگیردلردن بیری میصیرلی «عبدالله ندیم» (۱۸۴۵- ۱۸۹۶) ایدی کی، «التنکیت و التبکیت»، » هابئله «الطائف» مجله‌لرینی مۆنتشیر ائتمیش‌دیر. «عبدالله ندیم»ده اوستادی «جمال‌الدین» کیمی، اینگیلیستان وٓ میصیر دیکتاتۆرلوغو طرفیندن تعقیب اۆلدوغو اۆچۆن ایستانبولا گلمیش وٓ اۆردا دا وفات ائتمیشدیر.

عربجه نشر اۆلموش بو وٓ بو کیمی قیسمن طنز مجله‌لر اۆ زامان ایستانبولدا ضییالیٔلار داخیلینده گئنیش یاییئلمیئش‌دیر. نظریمیزجه میرزه جلیل ممد قولوزاده اۆ زامانلار بو مجله، هابئله روسجا نشر اولموش طنز درگی‌لر وٓ اثرلرله تانئیش اۆلموشدور.

بیز اۆنا گۆره میرزه جلیلین عربجه نشر اۆلونموش بو مجله‌لرله تانئیش اۆلماسیٔ فیکرینی ایرلی سۆرۆرۆک کی، اۆلن بو ایللر ایستانبول تۆرک وٓ ایسلام وٓ دۆنیاسیٔنین اساس مرکزلریندن‌ایدی، ایکینجیسی، اۆنا گۆره‌کی، ۱۹۰۶- جی ایلدن یاییئنلانماغا باشلایان «مۆللانصرالدین» مجله‌سینده میرزه علی اکبر صابیرین طنز شئعرلری نشر اۆلماغا باشلامیئش وٓ همین ایللرده ایستانبولدا یاشامیئش عرب شاعیرلری، اۆ جۆمله‌دن تۆرک مبعوثلار مجلیسین‌ده عراقئین نۆمایئنده‌سی اۆلموش شاعیر «معروف ارصافی» (۱۹۷۵- ۱۸۷۷) صابرین آچیئق وٓ آیدئین تأثیری آلتیئندا طنز عرب شئعرلری یازمیئش وٓ عرب خالقلاریٔ وٓ ادبیاتلاریئندا شۆهرتلنمیشدیر.

میرزه جلیل ممد قولوزاده درین مۆطالیعه‌لر نتیجه‌سینده ۱۹۰۶- جی ایلدن تیفلیس شهرینده طنز «مۆللانصرالدین» مجله‌سی یاییئنلاییئر. نه اۆچۆن میرزا جلیل مجله‌سی‌نی آذری فۆلکلۆرونون مشهور سیماسیٔ وٓ بۆتۆن مۆسلمان تۆرکلرینه معلوم اۆلان بو آد آلتیئندا نشر ائتمیشدیر؟

اۆنا گۆره میرزه جلیل آذربایجان خالقیٔنئین آغیر ادبیاتیٔنئین بو صورتین‌دن ایستیفاده ائتمیشدیرکی، اۆ تۆرک وٓ آذری فۆلکلۆروندا اۆ قودرتلی گۆلمه‌لی صورت وٓ لطیفه‌لرین باش قهرمانیٔدیر. «مۆللانصرالدین» آذری خالقیٔنئین فیکری، شۆعورو وٓ دیلینده مۆرتجئع حاکیم دایره‌لری، قصب‌کارلاریٔ، مۆرتجئع‌لری، عادی حیاتئین یارامازلیئقلاریٔنیٔ وٓ عئیبه‌جر جهت‌لرینی ایفشا ائدیر. «مۆللانصرالدین» صورتی دۆنیا گۆرمۆش، بیلیکلی، حاضیر جاواب، عدالتی بیلن، سئوٓن، اۆندان مۆدافیعه ائدن مۆدرۆک بیر قهرمانیدیر. بونا گۆره ده اۆنون بعضی سۆزلری وٓ لطیفه‌لری مثل کیمی خالق دیلینه دۆشمۆش، یۆخاریٔدا اۆنا آبیده قۆیولموش وٓ اۆنون باره‌سینده مۆختلیف تۆرک میللت‌لری ادبیاتلاریئندا اثرلر یازیلمیئش وٓ فیلیم‌لر چکیلمیشدیر.

«مۆللانصرالدین» مجله‌سی هفته‌لیک شکیللی درگی ایدی وٓ شکیل‌لری عۆمومییئتله درین ایجتماعی وٓ طنزلی اۆلاردیٔ. «مۆللانصرالدین» ۱۹۰۶- جی ایلده تیفلیسده، ۱۹۲۱- جی ایلده

تبریزده و ۱۹۲۲- جی ایلده باکیدا نشر اولموشدور. ۲۵ ایل سوره‌سینده «مولّلانصرالدین» ۷۴۸ نؤمره‌سی یاییلانمیشدیر (۳۴۰ نؤمره‌سی تیفلیسده، ۸ نؤمره‌سی تبریزده و ۴۰۰ نؤمره‌سی باکیدا).

میرزه جلیل محمد قولوزاده «مولّلانصرالدین» نؤمره‌لرینده موترقی و قاباقجیل فیکیرلرین جارچیسی اولموش، زحمتکشش طبقه‌دن مؤدافیعه انتمیش، دئموکراتیک جبهه‌ده دورارق، همیشه آزادلیقدان مؤدافیعه انتمیش، آزادلیق دؤشمنلری اولان تئزارلاریا، شاه‌لاریا، سولطانلاریا، بوروژوالاریا، کند صاحیبلرینی، ایمپریالیزمی، مؤستمکله‌چیلیک سیاستینی، گئریلیقی، خورافات و مؤوهوماتیا، پانتورکیزم، پان‌آریاییزم و هر جور منفی میللت چیلیقی جیددی طنز آتشینه توتموشدور. میرزه جلیلی توپلومدا و ایلک نؤوبه‌ده آذربایجان و تورک جمعیتینده مؤعاریف و مدنیتی مؤدافیعه ائدیر، قادینلارین کیشی‌لرله برابر حوقوقلولوغونو تبلیغ ائدیر، آنا دیلینین تمیزلنمه‌سی، صافلاشماسیا و ایرلی گئتمه‌سی اوغروندا جیددی مؤباریزه ائدیر.

بو سبب‌لره و تنقیدلرینه گؤره «مولّلانصرالدین» دفه‌لرله تئزار حؤکومتی طرفیندن باغلانمیش، بیر سیرا نؤمره‌لری مؤصادیره اولونموش و مؤدیری دفه‌لرله محکمه‌یه چکیلمیشدیر. بؤتؤن بونلارا باخمایاراق، او قدهر کئچمه‌دن «مولّلانصرالدین» بؤتؤن یاخین شرق، تورک دونیاسیا و ایسلام اولکه‌لرینده یاییلیب تانینمیش، شؤهرت‌لنیب اوخونموش و ضییالیا طبقه‌سی‌نین نظر دیقتینی جلب ائتمیشدیر. مجله اورتا آسییا، کریمه، ایروان، قازان، هشترخان، ایستانبول، تبریز، تئهران، رشت، قاهیره، بمبه‌یی، کلکته، و سایره شهرلرده یاییلار و اوخوناردیا.

«مولّلانصرالدین»ین درین ایجتماعی مضمونو، عؤمومیتله شرق و ایسلام شرقی‌نین گئری قالماسینیا ایفشا ائدیب، اونو بشر کاروانینا چاتماغا چاغیریردیا. بونا گؤره ده اکثر مؤسلمان خالقلاریا‌نین دیقتینی جلب ائده‌رک، اونلاردا دا همین شکیل‌لرده مجله‌لرین یارانماسینا سبب اولموشدو. مثلن قازان،ایستانبول،رشت، تئهران، تبریز، اورتا آسییانین بعضی شهرلری و سایره ده.

«مولّلانصرالدین»ین بیلاواسیطه تأثیری آلتیندا مجله‌لر و صابیر سبکین‌ده یازان شاعیرلر مئیدانا گلمیش‌ایدی، حتّا مجله و اونون طنز شیوه‌سی بیر سیرا عرب اولکه‌لری شاعیرلرینی جیددی اوز تأثیری آلتینا آلمیش‌ایدی و بیز یوخاریدا اونا ایشاره ائتدیک.

مجله‌لرین یاییلانماغا باشلادیغیا ایللر یاخین شرق خالقلاریا داخیلینده میللی آزادلیق حرکاتی، مشروطه حرکاتی باشلانیر. میرزه جلیل بو حرکت‌لری دیقتله ایزله‌ییر و جنوبی آذربایجانیدا گئدن میللی حرکاتی، اونون رهبرلرینین فداکارلیغیا، قهرمانلیقلاریا و مؤفقییت‌لری باره ده مقاله‌لر یازیر و دیقته لایئیق هم جیددی، همده طنز شکیللر چاپ ائدیردی.

مجله‌نین درین ایجتماعی مضمونو و دؤزگؤن میللی حرکاتی دؤورؤن بؤیؤک یازیچیا و شاعیرلرینی اونون اطرافیندا توپلامیش ایدی. بو ادیب و شاعیرلردن «نعمان‌زاده»، میرزاعلی اکبر صابر، حقوتردی‌یئف، نظمی، «غمگسار»، محمد سعید اوردوبادی، میرزه‌علی مؤوجوز و باشقا قلم صاحیب‌لرینی و «او. شیمئرلینق»، «انیّ روتئر» و عظیم‌زاده کیمی رسام و کاریکاتور اوستادلاریناا گؤسترمک اولار.

«مؤللانصرالدین»ین درین فیکیرلری، بؤیؤک یازیچیؤ و شاعیرلری، خالق داخیلینده و گئنیش اؤلکه‌لرده مجله‌نین یاییلماسیؤ نتیجه‌سینده اؤ دؤورؤده «مؤللانصرالدین»ین چی‌لیک کیمی بؤیؤک و شرفلی ادبی ایصطیلاح یارانمیشدیؤ، بودا آذری ادبییاتیؤ طنزی‌نین بینؤوره‌سینی مؤحکم‌لندیرمیش و بیر سیرا باشقا اؤلکه‌لر و شهرلرده، اؤ جؤمله‌دن ایران، رشت، تؤرکیئه، قازان و ساییره ده همین سبک‌ده طنز مجله‌لری‌نین یارانماسینا نؤمونه و اؤرنک اؤلموشدور.

کئچمیش شؤروی زامانیؤ ایللرینده «مؤللانصرالدین» مؤترقّی فیکیرلردن جیددی مؤدافیعه اندەرک، کئچمیش فیکیرلر، کؤهنه حیات قالیقلاریؤ و گئری‌لیک عؤنصؤرلرینی جیددی شکیلده تنقید آتشینه توتموش و عئینی زاماندا بین‌الخالق مسله‌لره، ایمپیریالیزمه قارشیؤ مؤباریزه‌یه و خلق‌لرین میللی آزادلیق حرکاتینیؤ دستکله‌مه‌یه داوام ائتمیشدیر. شؤروی زامانیندا قدیم یازیچیلاردان علاوه جعفر جبارلیؤ، «علی آغا واحد»، ب. طالیبلی و باشقالاریؤ «مؤللانصرالدین»ه قؤشولموشدولار.

«مؤللانصرالدین» مجله‌سی اؤرتا آسییا و یاخین شرق اؤلکه‌لری‌نین ایجتماعی و ادبی فیکیر تاریخ‌لری‌نین فؤرمالاشیب اینکیشاف ائتمه‌سینده اؤلدوقجا موهؤم رؤل اوینامیشدیر؛ شیمالی آذربایجان و خؤصوصیله ایراندا فارس و تؤرک دیللرینده طنزین فؤرمالاشماسیؤ و ایره‌لی گئتمه‌سی بیلاواسیطه «مؤللانصرالدین»مجله‌سی ایله باغلیؤدیر، ایران طنز مجله‌لری اؤ زاماندان بو گؤنه قده‌ر «مؤللانصرالدین»ین بو ساحه‌ده یاراتدیغیؤ خطله گئتمیش و گئدیرلر.

۱۹۸۱- جی ایلده باکیؤدا «مؤللانصرالدین» نشره باشلاماسیؤنین ۷۵ -ایللییی قئید اؤلموش و مجله‌نین بیرینجی نؤمره‌سی عرب و کیریل الیفباسیندا یئنی‌دن باسیلمیش‌ایدی.

«مؤللانصرالدین» مجله‌سی جمعییئتیمزین مؤعیّن دؤورؤنده میللی وارلیغیمیزا بؤیؤک خیدمت ائتدی، ادبییات و طنز تاریخینده میثیل‌سیز رؤل اوینادیؤ، بیر سیرا منطقه‌لر اهالیسیؤ و تؤرک خالقلاریندا یؤل گؤستریب یاردیم ائتدی و نهایت ۱۹۳۲- جی ایلده مؤدیری میرزه‌جلیل ممد قولوزاده‌نین وفاتی ایله حیاتی باشا چاتدیؤ. لاکین «مؤللانصرالدین» اؤز لطیفه‌لری ایله، آذربایجان و بیر سیرا باشقا تؤرک و فارس خالقلاریؤ فؤلکلؤروندا، اؤز طنز حیاتینا، تؤپلوموموزا خیدمتینه داوام ائدیر و یارامازلیقلارلا دایانمادان دؤیؤشؤر.

حبیب فرشباف

خسته خانادا

اؤلؤم قؤندو دووار اؤسته،
اؤره‌یمدن بیرداغ کئچدی
بیرده سن!

آنجاق سنی
ائله گیزلی- ائله گیزلی
خاطیرلادیم کی
اؤرک اؤلچن دزگاهلاردا دؤیمادیؤ
اؤنلار تکجه
کاغاذ اؤسته
داغ عکسینی چکدیلر

آغریما اؤره‌یم

سنه نه قیزیل یئیغیب
داش — قاش صادندیغیؤ انتدیم.
نه ده
اؤترگی انهتیراسلارین یووآسیؤ.
سنه من
یئر اؤزونؤن بزه‌یی
یئر اؤزونؤ بزه‌ین اینسانلارین حؤرمتین
محبتین یئیغمیشام.
آغریؤسان دا
نه من دن نه ده سئوگی‌دن اینجی.
یقین بیل
آد- سانیؤ محبّته بؤرجلوسان.
سئوگی‌سیز
بیرجه پارچا- ات‌دن باشقا نه اؤلاردین؟
آغریما اؤره‌یم!
سن اؤخو حیاتین قیزیل نغمه‌سین
من ده چاتیم عهدیمه.

حسرت

خط لر ایتی،
رنگ لر توتقون
سس‌لر قولاق یؤران.
یادیرقامیش انحساسیمیؤ قینامیرام
نه که‌پنک اوچوشوندان دؤداغیم قاچیر!
نه بیر چیچک سؤلماغیندان گؤزلریم دؤلور!
ایتیرمیشم سرحددینی
سئوینجین ، قمین.
اونوتموشام لذتینی بؤتؤن عالمین.
هارایؤ
دؤستوم توت الیمدن!
ایزلریمی،
شئه چیلنمیش جیغیرلارا سال!
باخیشیمیؤ،
یاشیل مخمر چمن‌لره سر!
قولاغیما،
بولاق‌لارین نغمه‌سین دامیز!
قؤیؤ یتنه ده، اینسان کیمی آغلایاییم، گؤلؤم!



بـــــیردن- بـــــیره



آوارا قوشون یاددداشلارئندان

عمران صلاحی

قاتار، اوچ دفه فـئیشقـیرئیب، ئوْلا دوْشوْر. آتام‌لا من سوْنونجو واقوْنون دامئیندا اوْتورموشوق. قاتارئ ئوْخلویان بیر آز آرالـئ، سئنـئیق بیر واقوْنون قاباغـئیندا دوروب و قاتارلارئن نوْمره‌سینی یازئیر. کیمسه بیزدن بیلیط ایسته‌میر.

قاتار، گـئتمک‌ده‌دیر. آغاجلارئن آلتـئیندان کـئچن‌ده، بیز باشئمئزئ ایچیمیزه چکیریک، بعضن‌ده اوْلور کی، من دیمدیییمله بوداقلاردان بیر یارپاق قوْپارئرام. آتام‌لا من بیر- بیریمیزله اوْیناشئیرئق، هئـئ آتـئیلـئیب-دوْشوْروْک. هاوْلانـئیرئق قاتاردان اوزاقلاشئیرئق ئـئنه‌ده قاتارئن دامئینا دوْشوْروْک. آتام دئـئیر: «گوْزله کی، قاتاردان دالـئ قالمایاسان.»

قاتار ئـئئینله‌میر بیزده بو واقوْندان اوْ واقوْنا آتـئیلـئیرئق. نه مئهربیان قاتارلاردئیر. سانکی بیلیر بیز اوْنا مینمیشیک. هر زامان سئیخ بوداقلارئن آراسئندان کـئچه‌نده فـئیشقـئیرئیر کی بیز باشئمئزئ چکه‌ک. ئوْل بوْیو بوْتوْن آغاجلار اوْنونلا تانـئیشدئیر. اوْنو گوْرن کیمی اوْنا ال ائله‌ئیرلر. اوْدا ایئیلیب بیر خططین اوْزه‌رینده سوْزوْر کی، اوْ بیر خط اوْستوْنده کی قارئیشقانـئ ازمه‌سین. اوجا بیر سئیلدئیرئیم قایایا ئاخـئیلاشئیر تـئیراوْتئرس‌لردن نردبان کیمی توتوب ئوخارئ قالخـئیر. توْتئلین ایچینه گیرنده، ئـئنه‌ده فـئیشقـئیرئیر وْ بیز واقوْنون پنجره‌سیندن باشقا بیر بوْش

واقوْنا گیریریک کی، قاتارئن توْستوْسوْ بیزی قارالتماسئن. من اوْز-اوْزوْمه دئییرم کی: «قارقالارئن خوْش حالئینا، توْنئل ایچینه‌ده گیرسه‌لر قارالماق دان قوْرخولارئ یوْخدور.»

آتام گوْلوْر. من سوْروشورام کی: «آتاجان! قارقالارئن قارئلتئیسئ دا قارا اولور؟» آتام، یئنه‌ده گوْلوْر. قاتار توْنئل‌دن چیخئیر. بیز یئنه‌ده قاییدیب قاتارئن دامئندا اوْتورورق. قاتار توْوشوْیوْر، له‌له وْورور، منه ائله گلیر کی، اوْ سوسوزدور. موْسافیرلرین بیری باشئنئ قاتارئن پنجره‌سیندن چیخاردیب یارئیاجان بدنی ائشیکده‌دیر. بیر نئچه کوپه بیزدن ایره‌لی‌ده پنجره‌دن سو توْکوْرلر. اوْ موْسافیرین اوْزوْ ایسلانئیر. بیر آز اوزاقدا، چوْلوْن اوْرتاسئندا، دوم-دورو بیر گوْل گوْرونوْر. اوْردکلر گوْلده اوْزوْشوْب، اوْیناییرلار. گوْلوْن قیراغئ، یام-یاشئل‌دیر، گوْللوْ-چیچکلی‌دیر، سوسامیش قاتاردا دوْزه بیلمه‌ییب، خطدن چیخیب یوْنه‌لیر گوْله ساریْ. باشئنئ اوزادیب سو ایچیر. یئنه‌ده قاییدیب خططین اوْستوْنه یوْلا دوْشوْر. بیر آز گئتدندن سونرا، بوْیوْک بیر سو آنباریْ گوْرور کی، ایلیب دمیر یوْلون اوْستوْنه وْ لوْله‌سیندن سو سوْزوْر.

قاتار بوْتوْن موْوازی خطلرین اوْستوْندن کئچمک ایسته‌ییر. دئییرلر کی، ایکی موْوازی خطلر هئچ واخت بیر-بیرینه چاتیشمازلار وْ سونسوزلوغا دوْغرو اوزانارلار. بو اوْ دئمک‌دیر کی، قاتار ایسته‌ییر سونسوزلوغاجان یوْل گئده؟

قوْجا دمیر یوْلچو تله‌سیک حالدا دامئندان چیخیب وْ خطلری دییشیر. قاتاردا قوْل-قانادلئ هوْندوْر بیر آغاجا ساریْ یوْنه‌لیب وْ گئدیر اوْنون ایچینه گیریر. قاتارئن شوْشه‌لری یاشیل‌لاشیر. قاتارئن توْستوْسوْ آغاجئ اوْسگوْردوْر. قاتارئن دامئنا کوْلوْرو‌فیل سوْزوْر. بیتگی حوْجره‌لری یاشیللئغئ موْسافیرلرین باشئنا سپه‌له‌ییرلر. قاتار یارپاق‌لارئن دامارلارئندا دان، دامارجیق‌لارئندان کئچیر.

یوْل گئتدیکجه اینجه‌لیر وْ بیز خئیردا بوداقلارا ساریْ یوْنه‌لیریک. قاتار گئدیر. گئدیر اوْ قده‌ر گئدیر کی، بیز بیر یارپاقدان باش چیخاردیریق. اینجه یارپاق قاتارئن آغیرلئغئنا دوْزه بیلمیر وْ یاواش-یاواش ایلیلیر. قاتار یئنه‌ده دوْشوْر دمیر یوْلو اوْستوْنه. یوْلون کنارئندا کئ دوْوشانلار شاشقئین حالدا قاتارا وْ اوْنون موْسافیرلرینه باخیرلار. موْسافیرلرین هامیسئ یاشیل بوْیانئیب‌لار. قاتاردان بیتگی‌لرین ایینی گلیر. قاتارئن دامئندا، اوْت، علف بیتمیشدیر.

«نه یاتئیسان؟ اوْیان! گوْزوْنوْ آچ باخ بو منظره‌لره».

- بو آتامئن سسی‌دیر کی، منی ترپه‌دیر. یوْخودان سیچئیرایئیب گوْزلریم آلاجالاشیر. دمیر یوْلو کنارئندا کئ باغلاردان آلبالئ، گیلاس دریر. آتاما دئییرم: «کاش کی منی اوْیاتمایایدین، گوْزل-گوْزل شئی‌لر گوْرورودوْم.»

آتام دئییر کی: «اوْیاقلئیق دا گوْردوْیوْن شئی‌لر یاخشئ‌دیر.»

آغاجلارئن آراسئندا کیچیک بیر داپاناجاق گؤرؤنؤر. قاتار داپانئر کی، نفسی تزه‌لنسین. داپاناجاغئن پانئندا کیچیک بیرسیمئنت حؤوؤض وار. قئرناسئندان سو دامئر، بیر نئچه سئرچه دیمدیکلرینی قئرنادان دامان سوپا ساریْ اوزادئرلار. آتام وْ من حؤوؤضون قئراغئندا اؤتوروب سو ایچیریک. سؤنرا اؤزؤموزه باخئرئق، سؤنرا گلیب داپاناجاغئن آغاج محجرینه داپانئرئق. سؤنرادا آتئلئرئق آغاجئن بوداغئنا وْ باشلاپئرئق گیلاس‌لاریْ دنله‌مه‌یه. مؤسافیرلره ساتماق اؤچؤن، کند اوشاقلاریْ داپاناجاغا سبد-سبد مئیؤه گتیریب‌لر.

نه گؤزل مئیؤه‌لرا مؤسافیرلرین بعضی‌سی قؤللارئنئْ چئرمایئب، سیمئنت حؤوؤضون قئراغئنا گلیب دستاماز آلئرلار. آتام وْ من گئندیریک باغلاردا گزمه‌یه.

قاتار، فئشقئرئر، گئتمه‌یه حاضئرلاشئر وْ بیز یئنه ده قاتارئن دامئندا اؤتورموشوق.





«گؤیرچین‌لریمیز بیر گؤن تاپیلار»

ح.م. صدیق

قئید:

مؤباریز فارس شاعیری احمد شاملؤ ۵۰-۱۳۴۰ اؤن ایللیئین‌ده، تبریز گنجلیئی مدنی قالخئینما حرکاتئینا یاردیم اولاراق، اؤ زامانکی مؤباریز قلم صاحیبی اولان گنجلرین اثرلرینی دؤنه-دؤنه تئهراندا نشر ائتدیردیئی «کتاب هفته» و «خوشه» نشریه‌لرینده درج ائدیردی. بو مجله‌لرین صحیفه‌لرینده حبیب ساهر، صمد بهرنگی، علیرضا اؤختای، بهروز دهقانی، ح. صدیق و ... ایمضالارینا تئز-تئز راست گلمک اولار.

اؤخویاجاقسینیز مقاله، همین خاطیره‌لری یاد سالما اؤچؤن یازیلمیشدیر.

احمد شاملؤ (الف. بامداد) ایللر بؤیو پهلوی رئژیمی ایله وؤروشوب سیئاسی چالخانتیلارا دؤشن، چاغداش فارس ادبیئاتی‌نئین مؤباریز بایراغینی چیینینده داشیئیان ان وؤروشقان، ایتی، بارئشماز و دالاشقان شاعیری اولموشدور.

احمد شاملؤ آذربایجان مؤقاویمت ادبیئاتی‌نئین سارسیلماز تمثیل‌چی‌سی حبیب ساهر تاثیری آلتیندا یازان و چاغداش فارس شئعرینده یئنی جیغیر آچان، «نیما یوشیج»ین ایلک یاخینلاریؤ و تبعیئت ائدنلریندن ایدی[1]!

احمد شاملؤ گنجلیک دؤورونده مدرسه تحصیلینی بوراخمیش و ایرانی ایشغال ائدن «مؤتتفیق»لر طرفیندن حبسه سالینمیشدیر. همین ایللرده شئعر یازماغا باشلامیشدیر. اؤ حبسده ایکن آذربایجان دیلی ایله تانیش اولموشدور. روس دیلینی‌ده آز-چوخ اؤرادا اؤیرنمیشدیر. حبسخانادان چیخدیقدان سونرا، **«اونودولموش نغمه‌لر»**[2] کیتابینی نشر ائدیر و سونرا اؤزونؤن دئدیئی کیمی، «سطحی عاشقانه» شئعرلردن چکینیر **«قطعنامه»** و سونرا **«یئنی هاوا»** درین ایجتیماعی مضمونلو شئعر کیتابلاریئنی نشر ائدیر.

اؤ ایجتیماعی و سیئاسی ساحه‌لرده یازان ان فعال فارس شاعیری اولور.

---

[1] – حبیب ساهر، سعید سلماسی، جعفر خامنه‌ای هر اوچؤ نیما یوشیج دن قاباق فارسجا یئنی شئعرلر یازمیشلار...

[2] – آهنگ‌های فراموش شده تهران ۱۳۱۶

احمد شاملۇنون دۇغوم ایلی ۱۳۰۴–جی ایلدیر. اۇ تئهراندا دۇغولموش وَ لاکین اوشاقلیغی ایللرینی خۇراساندا کئچیرمیشدیر.

«یئنی هاوا[۳]» شئعر کیتابی ۱۳۳۶ وَ «گۇزگۇ باغچاسی[۴]» ایسه ۱۳۴۳–جی ایلده نشر اۇلموشلار. سۇنرالار «گۇزگۇده آیدا» وَ «تۇرپاق مرثیهلری» اثرلرینی نشر ائتدیرمیشدیر.

شاملۇ عۇمرۇنۇن چۇخ حیصصهسینی مطبوعاتچیلیغا صرف ائدن بیر شاعیر وَ ادبی–ایجتیماعی خادیم ایدی. اۇنون ۴۰– جی ایللرده نشر ائتدیردیی «کتاب هفته» مجللهسینین تیراژی اۇتوز مینه قالخمیشدی کی، ایراندا اینقیلابدان سۇنرا یالنیز «یۇلداش» مجللهسی بئله بیر تیراژا قالخا بیلدی[۵].

«کتاب هفته»دن سۇنرا «خوشه» هفتهلیینی نشر ائتدی. بو هفتهلیکده ایراندا ضییالیلار وَ آیدین دۇشۇنجهلیلر طرفیندن چۇخ سۇیلن بیر نشریه ایدی.

اۇ چۇخ ساحهلی بیر ادبییاتچی ایدی، هر ساحهده بیر ذیروه یاراداندا قۇرخماز قلم صاحیبی ایدی.

شئعر شیوهسینده خلق کۇتلهلرینه توجۇه وَ انعتینا ائدن بیر شاعیر کیمی، فارس فۇلکلۇریک شئعرینه بیر چۇخ بنزهتمهلر یاراتمیشدیر. بونا میثال «پریا» وَ «ننه دریانیین قیزلاری» شئعرلرینی میثال گتیرمک اۇلار.

احمد شاملۇدا کی اۇلان ایتیلیک وَ باریشمازلیق، اۇنو بۇتۇنلۇکله کئچمیش فارس شئعری نسلی قارشیسیندا قۇیور. اۇنا هر جۇر «سۇننت» وَ ادبی ارکانا یۇخ دئییر وَ حتتا نیمانیین دا یئنی شئعرینه تام تابیع اۇلمایاراق، یئنی بیر شیوهنی اۇ قدهر تعقیب ائدیر کی، فارسلار آراسیندا «سپید» وَ یا «شاملویی» سبک آدلانمیش بیر شیوهنین یارانماسیندا اساس رۇل اۇینایییر.

شاملۇ پهلوی بۇغونتوسوندان جانا جزانا گلن، اۇنون قارشیسیندا دایانان وَ هئچده بۇیۇن ایمهین «سیتاسی» بیر شاعیر اۇلور. یئنی فارسجادا یاراتدیغی ان گۇزل شئعرلری، سیتاسی مضمونلو منظومهلر، کیچیک شئعرلر وَ بیرده ان گۇزل لیریک عاشیقانهلری اۇلور.

من شاملۇنو ۱۳۴۰– جی ایللرده تانیدیم. آذربایجانین ناکام گنج یازیچی وَ شاعیرلری **صمد بهرنگی** وَ **علیرضا اۇختای** ایله اۇنون بعضی شئعرلرینین تۇرکجهمیزه ترجۇمهسینه باشلادیم. بو ترجۇمهلری تئهراندا «خوشه» هفتهلیینده وَ سۇنرا تبریزده «آدینه» وَ «هنر و اجتماع» مجللهلرینده نشر ائتدیردیم.[۶]

۳– هوای تازه تهران ۱۳۳۶

۴– احمد شاملو باغ آینه تهران ۱۳۴۳

۵– یۇلداش مجلهسی ۱۳۵۸ – جی ایلین آبان آیییندا

۶– «آدینه »نی صمد بهرنگی وَ یۇلداشلاری نشر ائدیردی وَ «هنر و اجتماع»، هفتهلیینی بو سطیرلرین مۇاللیفی صمدین فاجیعهلی اۇلۇمۇندن سۇنرا ۱۳۴۷– جی ایلین ایکینجی یاریسیندا نشر ائتدیم.

خوشه مجلله‌سینین باش یازاریڭ شاملۆ اؤزۆ ایدی. بیز اؤندا ایئیرمی-ایئیرمی بئش یاشلاریندا جوانلار، تزه قلم اله آلمیشدیق وَ بؤتؤن روح وَ وارلیغیمیز آذربایجان مدنیئتی وَ فؤلکلؤروندان نؤمونه‌لر یایماق ایسته‌ییردیک. اؤ زامان، احمد شاملو بیزه چؤخ یاردیم ائتدی وَ «خوشه» مجلله‌سینین هر سایی‌سیئنین بیر نئچه صحیفه‌سینی بیزیم ایختیارئمیزدا قؤیموشدو وَ جسارت‌ایله گؤندردییمیز تؤرکجه متن‌لری چاپ اندیردی. خوشه‌ده من، **صمد وورغون**، **حبیب ساهر**، **علیرضا اوختای**، ب.ق. **سهند**، **بهروز دولت آبادی** وَ بیر چؤخ باشقا شاعیرلریمیزین اثرلرینده نؤمونه‌لرینین فارسجا چئوریلرینی تؤرکجه متن‌لری ایله چاپ ائتدیره بیلدیم. همین مجلله‌ده **نسیمی**، **«فضولی»**، **«علی آقا واحد»**، **مختومقولو فراغی**، **«واقف»**، شاه **ختایی** وَ باشقالارینین تقدیم ائتدیم، آذربایجان فؤلکلؤرو خزینه‌سیندن توپلادیغیم آلتمیشدان چؤخ «ناغیل وَ افسانه» نشر ائتدیردیم وَ ...

تبریزین ۱۳۴۰- جی ایل ضیالیڭ نسلی شاملۆنو، ایرانیئن ان سئچگین شاعیری کیمی سئوَیردیلر. **صمد بهرنگی**، **مفتون امینی**، **علیرضا اوختای**، **علی کاتبی**، **رحیم رئیس‌نیا** وَ باشقالاریڭ اؤنون شئعرلری‌نین تؤرکجه‌میزه قازاندیرئیلماسیڭ ساحه‌سینده چؤخ زحمت‌لر چکدیلر.

احمد شاملۆ شاعیرلیکدن علاوه، فارس فؤلکلؤرونادا چؤخ خیدمت‌لر ائتمیشدیر. اؤ گنج‌لییندن «عوام» آدلانان خلقه تؤجؤه وَ ائعتینا ائتمه‌سی اوچؤن فارس دیلی‌نین کؤچه بازاردا دانیشیلان سؤزلر، ایصطیلاح‌لار، ضرب‌المثل‌لر، حیکایه‌لر وَ ترانه‌لرینی توپلایی‌ردیڭ وَ عؤمروَنؤن سؤن ۱۵ ایلینی بو اثرلرین تدوَینی وَ نشری ایله مشغول اولدو، وَ آدیئڭ «کتاب کوچه» قؤیدوغو یؤز جیلدلیک اثرین اؤن جیلدینی نشر ائتدیره بیلدی.

بونو قئید ائتمه‌لی‌ییک کی احمد شاملۆ ادبی، تاریخی وَ سییاسی نظریه ساحه‌سینده بعضن آزغین وَ آشیری گؤروَشلری ده اولموشدور.

احمد شاملۆ ایسلامی اینقیلابدان سونرا سییاستدن قئیراغا چکیلدی وَ لاکین ایرانیڭ ترک ائتمه‌دی وَ آوروپا یا آمئرکایا مؤهاجیرت ائتمه‌دی وَ بو ایسه اؤنون نه قدهر اؤلکه‌میزه باغلیڭ اولدوغونا بیر ثؤبوت اولا بیلر.

عؤمومییئت‌له احمد شاملۆ اؤز شئعرلرینده اینسانلاریڭ سئوَن، اؤنلارا سعادت آختاران وَ صؤلح وَ صفا ایسته‌ین بیر شاعیر کیمی گؤزلر اؤنؤنده جانلانیر. اؤ آذربایجانین گؤجلؤ یازیچی‌سیڭ مرحوم **«دوکتور غلامحسین ساعدی»** ایله ایللر بؤیو دوستلوق ائتدییینه گؤره، اؤنون قاباقجیل ادبی وَ ایجتیماعی دوشونجه‌لرینده درین ایلهام‌لار آلان، گلیشمیش قلم صاحیبی اولان بیر یازیچی، مؤترجیم، شاعیر وَ تدقیقاتچی‌یا چئوریلدی. اؤنون شئعرلرینده سئچیلمیش بیر مجموعه‌نین تؤرکجه‌میزده یئری بؤشدور. بو اؤلکه‌میزده تؤرک-فارس دوستلوغونو تعقیب اندن گنج یازیچی‌لاریمیزین بؤیئوندا بیر وظیفه کیمی دورور. من ۱۳۴۰- جی ایللرده اؤنون ترجؤمه ائتدییییم شئعرلریندن بیر نئچه‌سینی بورادا تکرارلایی‌رام:



حادیثه

بیریسی اؤتوردو، ئیئردن قالخمادئ
باشقاسئ ایلدئیرئیم تکی اؤیئنادئ
اؤ عارسئیز اؤزؤنه قالخان دؤزه‌لتدی
بونون ایسه قالدئ قهرمان آدئ

سؤنؤک قالا یانغئینئ

گئجه صؤبحه کیمی قادئن آغلادئ
سحر واختئ وئردی الیمه چئیراق
آغلادئ، آغلادئ، اؤرک داغلادئ
آمما حایئیف قالدئ قالا یاراق‌سئز
یانغئین دؤشدؤ خلقین قالالارئنا
گئجه اته‌یئمی توتوب باغلادئ

سؤنؤک دفن اؤلونموش قالام یانارکن
کؤله دؤندؤ بؤتؤن اؤنون درگاهئ
سؤنؤک قالا، البت یانغئینئ، اینان
قادئنئین صؤبحه‌دک آغلاماسئ ئؤخ.

آیدئن اؤفؤق

گؤئرچین‌لریمیز بیر گؤن تاپئلار
محبت اینسانلئیق الیندن توتار
بیر-بیریله هامئ دوست‌دور اؤ گؤن
باخ!
ان کیچیک نغمه‌ده اؤپؤشدؤر آنجاق
منده اؤ گؤن اؤچؤن اینتیظاردایام
حتتا
اگر بئله
داها اؤلمایام!

.....
.....
.....

مرثیه

گؤن اؤرتادیر،
گؤن اؤرتا...
گؤنشی قؤرخونج نصف‌النهار گؤرمه‌دن
ایری-اؤزرؤ بولودلار آردینجا آلداداندا اؤرتؤک
وَ مینلر یاغیش کؤکلؤ پرده‌لر
زامان سئچیلمیش گؤن اؤرتانیَ اؤتمؤشدؤر
ابدی گئجه ایسه چؤخ اوزاق دئییلدیر
اولدوزلار دا سؤن فرمان آردینجا سؤیوقلوغا ساریَ گئدیرلر
سانکی ابدی گئجه‌نی اؤیؤندؤرمک اؤچؤن!

□

گؤلؤنج‌لر یئنی دوداقلار آختارمادا
حاصیل‌سیز آختاریشدان قالیَنجا
بیزیم دؤداقلاریمیز قایئیدیرلار.

□

تؤزلو یؤللاردان یؤرغون یؤلچولار گلیر!...
«- ائیَ یؤرغون مرد کیشی‌لر!
سیزین قابارلیَ آیاقلاریَنیزیَ یوماق اؤچؤن
عطیرلی..... دیمز
انؤیمیزه گلین، بویورون!»
دیرسیز بیر یاتاقدا، اومددور دؤنیَایا گلن،
ائیَ اورشلیم باکیره‌لری! «بیت‌اللحم» یؤلو هارادادیر؟

یؤرغون‌زیپارت‌چیلر،نغمه‌دؤداقلاریَندا«بیت‌اللحم»دروازالاریَنیَ
[اؤتؤرلر وَ گؤزلری یؤللاردا
[اؤز تله‌سن دورغونلوغو ایله
[بؤیش گؤیه ساریَ اوجالیر.

□

گؤن اؤرتادیر،
گؤن اؤرتا...

«- بولودو اؤرتؤک وَ پرده آردیَندا
زامان گؤن اؤرتانیَ‌دا اؤرتمؤشمؤ؟
ابدی گئجه ایسه
یوبانمامیشمی؟»

وسؤیوقلوغاساریَیؤنه‌لن‌تؤرپاغیَن‌سؤزؤیؤخمو؟
اسکی ساواشچیلارین آغلادیقلاریَ یئرده
آغلاییش ایدی، سوسغونلوغا بیر جاوابدیر
عیسا یئرسیز خاچدا اؤلمؤشدؤر.
بؤیش خنجرلر، باشقا نغمه اؤخویورلار
[سانکی خسته تانریسیَ اؤلمؤشدؤر.
باخ! ابدی عزا نه زاماندان بری باشلامیشدیر؟

□

آغلاییش یاغمورلاریَ ابدی‌شوراکنده‌اینانمیرلار
آغلاییش یاغمورو ابدی شوراکنده اینانمیر
آغلاییش یاغمورلاریَ حاصیل‌سیزدیرلر
باشیَ اوجا خاچ شام آغاجیَ ائله بارلیَدیر
کی، عزالیَ مریَم
خاچلانمیش عیساسیَنیَ دا تانیمایاجاق
بؤیش گؤیؤن‌سؤنوندا،بؤیؤک‌دیوارلاریَنیَخیلمیش
وَ سنین دیده‌رگین فریادیَندیر
داها سنه ساریَ گلمه‌یه‌جکدیر...



گؤزگؤ باغچاسی

الیمده بیر چیراغ، قارشیمدا چیراغ،
قارانلیقلا ساواشاجاغام.
یؤرغون بئشیک‌لر
گل-گئت چکیشمه‌سیندن

دایانمیشلار

درین‌لردن گؤنش ایسه
کؤل اؤلموش کهکشانلاری

ایشیقلاندیریر.

□

ایلدیریمین عؤصیانچی فریادلاری
دؤلو
بولودون قرارسیز بطنینده
نؤطفه باغلایاندا
و آنالیقلاردا سؤنمؤش درد
عاغلیئن قؤرا باغلادیغی زامان

اوزون پئیچیئلتی‌لار شاخه‌سینین سؤنوندا
جؤجه‌ریر.
منیم فریادیم دردلردن قاچمادان ساری ایدی
چؤن کی، ان دهشتلی گئجه‌لرده گؤنشی بیر دوعا ایله
[اؤمید سیزجه‌سینه ایسته‌میشم
سن گؤنش‌لردن گلمیش‌سن، دان یئرلریندن گلمیش‌سن
سن گؤزگؤلردن و اپیک‌لردن گلمیش‌سن
□
تانری‌سیز واؤدسوز بؤشلوقداسینین باخیشیئی‌واینانجیئی
[اؤمیدسیزجه‌سینه ایسته‌میشم

ایکی اؤلؤم آراسیندا
جیددی بیر آخماجا
ایکی یالقیزلیق آراسیندا بؤشلوق
(سنین گؤزؤن و اینانجین بئله‌دیرا)

□

سنین سئوینجین رحم‌سیزدیر، یؤکسک‌دیر
نفسین ایسه، بؤش اللریمده ترانه‌دیر، گؤیرتی‌دیر
من قالخیرام
الیمده بیر چیراغ، کؤنلؤمده چیراغ
روحومون پاسیئنی صئیقل وورورام
سنین گؤزگؤنؤن قاباغینا بیر گؤزگؤ قؤیورام
کی سندن
بیر ابدیئت دؤزلدم

مزار داشی

گئتمک‌ده، ایشریشیش یوخ ایدی،
قالماقدا سوسغونلوق یوخ.
داللار کؤکلردن آیریلماز
سؤز آپاریب گتیرن ایئل
یارپاقلار ایله‌ده
سیررلشمه‌دی
منیم عئشقیم قیزیئ یابانجیئ آنادیر
وئ تله‌سن اولدوز
اؤمیدسیز کئچیدلرده
ابدی مدار اؤسته دورور

نیفرتدن دؤلو

بیز یازدیق، آغلادیق
بیز گؤله-گؤله اؤینادیق
بیز باغیرا-باغیرا جانئیمیزدان کئچدیک...
کیمسه بیزه باش قوئیمادیئ
اؤ اوزاقلاردا
بیر کیشینی داردان آسدیلار
کیمسه تاماشا اؤچوئن ده دورمادیئ
□
بیز اؤتوردوق، آغلادیق
بیز بیر فریاد ایله
اؤز قالیبیمیزدن
چیخدیق.

هامیلئیق عئشقی

گؤز یاشیئ بیر سیرردیر
گؤلؤشده بیر سیرردیر
عئشقده بیر سیرردیر
اؤ، گئجه‌نین گؤز یاشیئ
عئشقیمین گؤلؤشوئ ایدی.
ناغیل دئییلم سؤیله‌یه‌سن
نغمه دئییلم اؤخویاسان
سس دئییلم انشیده‌سن
یا ائله بیر زاد کی گؤره‌سن
یا ائله بیر زاد کی بیله‌سن
من هامیلئیق دردیئم
آغلا منی!
آغاج مئشه ایله دانئیشار
اؤت چؤل ایله
اولدوز گؤیئ ایله
وئ منده سن ایله
اینسانلار اؤچوئن
بیر آیدین خلوتده سن ایله آغلامیشام
وئ ان گؤزل نغمه‌لریمی
قارانلیق مزارلیقدا اؤخوموشام
چوئن کی بو ایلین اؤلؤلری
ان وئورغون دیری ایدیلر.
الین وئرِ منه
اللرین اللریم ایله تانیشدیر
سن ایله دانیشیرام ائیئ گئج تاپیلمیش
ائله سن بولود دومان ایله
یا اؤت چؤل ایله
وئ یا یاغیش دنیز ایله
یادا کی قوش باهار ایله
یادا آغاج مئشه ایله
چوئن کی سنین
کؤکوئنوئ دویموشام
چوئن کی منیم سسیم
سنین سسین ایله تانیشدیر.



صنت، حقیقت و سیاست

هارولد پینتئر

چئویرن: ع. آغ گونئیلی

۲۰۰۵- جی ایلین ادبیات اوزره نوبئل موکافاتینی، اینگلیسین مشهور دیراماتورقو هارولد پینتئر قازانمیشدیر. او ۱۹۳۰- جی ایلده لندن ده دونیایا گوز آچمیش و ۲۰- جی عصرین ایکینجی یاریسیندان اعتیبارن عومرونو صنته باغلامیشدیر. اونون اثرلری، فاشیزم، ایرقچیلیک عدالتسیزلیک علیهینه اولموشدور.

گورکملی یازیچی، نوبئل موکافاتینی آلما مراسیمینه بیر چیخیش حاضیرلامیش، آنجاق اوزونون «سرطان» خستهلیئی اولدوغوندان اوردا ایشتیراک ائده بیلمهمیش‌دیر. چیخیشی‌نین ویدیو یازی‌سینی اورادا نوماییش ائتدیرمیش‌لر. بو چیخیش دونیادا بویوک عکس صدا دوغورموش ودونیانین بیر چوخ دیلینه چئویریلمیشدیر.

هارولد پینتئر «صنت، حقیقت، سیاست» عونوانلی چیخیشی‌نین متینی حورمتلی امکداشیمیز ع.آغ گونئیلی جنابلاری آذربایجان دیلینه چئویرمیش و آذری مجلله‌سی‌نین ایختیاریندا قویموشدور. بیز اونون ایختیصار اولونموش متینی عزیز اوخوجولاریمیزا تقدیم ائدیریک.

بیز گوردویومۆزه گوره سیاست‌چی‌لرین چوخو حقیقتین دالیسیجا دئییل‌لر. اونلار قودرتی الده ائدیب و اونو ساخلاماغی‌نین دالی‌سیجا دیلار. قودرتی ساخلاماق اوچون حقیقتی خالقدان گیزلتمک لازیم‌دیر. حتا، خالق اوز یاشایئیشی‌نین حقیقتیندن‌ده بیر زاد بیلمه‌مه‌لی‌دیرلر. اونا گوره بیز، یالانلاردان هوروملوش، بویوک بیر توروون ایچینده یاشایئیریق.

بیلدییمیزه گوره عراقا باسقین ائتمک اوچون بئله بیر اویدورما ایره‌لی سورولدو کی، صددام، ائله کوتله‌وی قیرغین سیلاحلارینا مالیک‌دیر کی، ۴۵ دقیقه‌نین ایچینده اونلاری ایشله‌دیب

وٚ وٚرسعت‌لی وٚیرانلیٚق یٚارادا بیلر. بیزه‌ده بٚله گلیردی کی بو سوٚزلر دوٚزدوٚر. آنجاق دوٚز دئییلدی. بیزه دئییردیلر عراق، القاعیده‌ایله ال بیردیر وٚ ۲۰۰۱ -جی ایل سیپتامبرئین ۱۱- ده نیٚویوٚرک‌دا اوٚز وٚطرن حادیثه‌ده اوٚنون دا الی وٚارائیمئیش. بیز اینانئیردیٚق‌کی، بو سوٚز دوٚزدوٚر. آنجاق یٚئنه‌ده گوٚردوٚک‌کی دوٚز دئییل.

اینانئیردیٚق‌کی، عراق دوٚنیٚانئین امن- آمانلیٚغیٚنا قارشیٚ بیر تهلوٚکه‌دیر، بیر حالداکی، بو سوٚز یٚالان‌ایدی.

حقیقت باشقا بیر شئیٚدیر. حقیقت بو دورکی، آمئریکا، دوٚنیٚادا، باشقا بیر اوٚیون اوٚینا‌ماق خیٚیالیٚندا ایدی. وٚ بو اوٚیونو حیٚاتا کئچیرمک اوٚچوٚن عراقا یٚوٚروٚش ائتمک قرارئینا گلیر. آنجاق یٚاخشیٚ اوٚلارکی، ایندیکی وٚضییٚته توٚخونمازدان اوٚل کئچمیشده، ایکینجی دوٚنیٚا موٚحاریبه‌سیندن سوٚنراکیٚ ایللرده آمئریکانئین ایره‌لی سوٚردوٚیوٚ خاریجی سیٚیاستینده بیر آرایٚیش آپاراق.

هامیٚمیٚز، ایکینجی دوٚنیٚا موٚحاریبه‌سیندن سوٚنراکیٚ ایللرده شوٚروی‌ده، شرقی آوٚروپا اوٚلکه‌لرینده باش وٚئرن حادیثه‌لری بیلیریک.

من‌جه همین ایل‌لرده آمئریکانئین ائتدییٚی جینایت‌لرینی دوٚزگوٚن قلمه آلمایٚیب‌لار هله قالسین‌کی بو جینایت‌لرین سندی اوٚلسون یٚاخود بو جینایت‌لری رسمی‌لشدیریب وٚ اوٚنلارا قول قوٚیسون‌لار. من بٚله دوٚشوٚنوٚرم کی، بو مسله‌لری آراشدیٚرماق لازیمدیر. وٚ دوٚنیٚانئین اینديکی دورومونداٍ، حقیقتین اهمییٚت‌لی روٚلو وار.

واقئعییٚت‌ده، یٚوٚروٚش واسیطه‌سی‌له باشقا اوٚلکه‌لره گیرمک هئچ‌ده آمئریکانئین سئوٚدییٚی بیر واسیطه دئییل. اوٚ بٚله بیر مقصده چاتماق اوٚچوٚن «خفیف چکیشمه»لر آدلیٚ واسیطه‌نی داها آرتیٚق اوٚستوٚن توتور. اوٚدا بو دئمک‌دیر کی، ایٚر بو واسیطه‌ایله مین‌لرجه اینسان اوٚز جانئینیٚ الدن وٚئرسه‌ده بوٚمبا قیٚرغیٚنیٚ کیمی سس‌لنه بیلمز. باشقا بیر معنادا دا بو واسیطه بیر اوٚلکه‌نین اوٚره‌ییٚنی ایشدن سالماق یٚاخود اوٚ اوٚلکه‌یٚه یٚامان بیر یٚارا وٚوروب وٚ دایٚانئیب بو اوٚلدوٚرجوٚ قانقاریٚیٚانئین نئجه اوٚلدوٚردوٚیوٚنه تاماشا ائده‌سن. بٚله‌لیک‌له ایش‌لر بیتیب، کوٚتله‌لر ازیلیب، آرادان گئدیب وٚ یٚاخود اوٚنلار موٚطیع اوٚلاندان سوٚنرا، سنین دوٚستلارئین، بوٚیوٚک حربی شیرکت‌لر ایش اوٚسته گلیر سن‌ده مقصده چاتاندان سوٚنرا کئچیب دوٚز بونون قارشیٚ‌سیٚندا، دوروب دئییرسن کی، دئموٚکیراسیٚ گتیردیک.

ایشاره ائتدییٚیمیز ایل‌لرده آمئریکانئین ایرلی سوٚردوٚیوٚ خاریجی سیٚیاستی دئدییٚیمیز یٚوٚلارلا حیٚاتا کئچیریبیب.

نیکاراقوواٍنئین فاجیعه‌سی، آمئریکانئین دوٚنیٚادا، اوٚز دوٚشوٚنجه‌سی اساسیٚندا، اوٚینادیٚغیٚ روٚلونا، مارالقلیٚ بیر میٚثال وٚ دیٚرلی بیر اوٚرنک‌دیر. اوٚ، بو روٚلو کئچمیش زاماندا‌کیٚ کیمی اینديده اوٚینا‌ییٚر. هشتاد - جی اوٚن ایلیٚن آخیٚرلارئندا، من لندن‌ده، آمئریکانیٚ سفیرلی‌ییٚنده ایدیم. اوٚ گوٚنده

آمئریکائین «کؤنقیره»سینده، نیکاراقووا دؤولتینه قارشئ مؤباریزه ائدن کؤنترالارئن ایختیارئندا چؤخ پول قؤیماق حاققیندا مؤذاکیره کئچیریلیردی. من‌ده نیکاراقووا دؤولتینی تمثیل ائدن هئیئأتین عؤضوؤایدیم.

آنجاق هئیئأتین عؤضوؤ «**جان مکتاف**» آدلئ بیر کئشیش‌ایدی. آمئریکائین نؤماینده‌لیک هئیئأتی‌نین باشجئ‌سئ ایسه **دیمون ساتیس**‌ایدی. **مکتاف** اؤزؤنؤ **ساتیسا** توتاراق دئدی: «جناب من نیکاراقووائین شیمالی بؤلگه‌سینده بیر مذهب‌ین باشچئ‌سئ‌یام. بیزیم بؤلگه‌نین مؤمئنلری اؤردا بیر مدرسه، بیر صحیئه بیناسی بیرده مدنییت اؤی دؤزلتدی‌لر. بیز بو اؤلکه‌ده تام صؤلح‌ده، امین-آمانلیقدا یاشایئردیق. نئچه آی بوندان قاباق «کونتورالار» بؤلگه‌یه هؤجوم ائدیب هرنه ایله بیرلیکده اؤ مدرسه‌نی، صحیئه بیناسینئ و مدنییت اؤینی‌ده ویران ائدرکن شفقت باجئ‌لارئنا، مؤعللیم‌لره تجاوؤز ائدیب، دؤکتورلارئ وحشی‌جه اؤلدؤردولر. من سیزدن توقعؤ ائدیرم، آمئریکائین دؤولتیندن ایسته‌یین کی اؤز حیمایه‌سینی بئله وحشی‌لر و تئرؤرچولاردان گؤتورسون».

ریمون، سایتسی مسولییت‌لی، جیددی و ساواداولئ بیر آدام ساناراق دیپلؤماتیک محفیل‌لرده اؤنا چؤخ حؤرمت‌له یاناشاردئلار. او، کئشیشین سؤزلرینه قولاق وئریب بیر آز سوساندان سونرا تمکین‌له و آرام بیر لحن‌له دئدی: «آغا، ایجازه بویورون من سیزه بیر شئ دئییم. همیشه مؤحاربه‌ده گؤناهسئز آدام‌لار چؤخ مؤصیبت‌لر چکرلر». هامئ‌میز دونوغا گئتدیک و اؤلؤم جؤل بیر سؤکوت اوتاغئ بؤرؤدؤ. گؤزلریمیزی زیللەییب اؤنا باخئردیق. **سایتسین**‌دا هئچ ائله بیل وئجینه دئییلدی.

واقئعییت‌ده، گؤناهسئز آدام‌لار، همیشه چؤخ مؤصیبت‌لر چکرلر.

نهایت بیر نفر دئدی: «آنجاق، بودونه گؤناهسئز جاماعات سیزین دؤولت آرخا دوران وحشی عمل‌لرین قوربانئ اولوب‌لار. بو ساواق عمل‌لردن چؤخ سایماق اولار. «کؤنقیره» نه‌قده‌ر کؤنترالارئن ایختیارئندا چؤخ پول قؤیسا، اونلار بیر او قده‌ر چؤخ بو ساواق فاجیعه‌لره ال وئوراجاق‌لار. سیز بونو قبول ائدیرسینیزمی؟ سیز بونو قبول ائدیرسیزکی، سیزین دؤولت، خاریجی بیر اؤلکه‌نین وطن داشلارئنئن قئیرغئنئنا آرخا دورور؟

سایتس، انعتیناسئزلیقلا جاواب وئردی: «من‌جه ایشاره ائله‌دییئنیز مسله‌لر بو سؤزؤزؤن ئؤبوتوندا سیزه کؤمک ائده بیلمز». من سفیرلیک‌دن ائشیئه چئخاندا، آمئریکالئ بیر افسر منه دئدی کی: منیم نؤماییش نامه‌لریمی چؤخ سئویر. جاواب وئرمه‌دیم.

اؤنو اونوتمایئن کی، او گؤنلرده آمئریکائین رئئیس جؤمهورو «ریقان» دئییردی: «کؤنتورالار اخلاق‌دا، بیزیم آمئریکانئ قوران آتالارئمئزا اؤخشایئرلار».

آمئریکا، نیکاراقووا دا قئیرخ ایل **سوموزائین** دیکتاتؤرلوغونا آرخا دوردو. **۱۹۷۹** - جی ایل‌ده ساندنیست‌لرین رهبرلیئی آلتئندا، نیکاراقووانئین میللتی کؤتله‌وی و خاروق‌اولعاده بیر

اینقیلاب واسیطه‌سی‌ایله دیکتاتۆرلوق رئژیمینی ییخدیلار. شۆبهه‌سیزکی، ساندنیست‌لرده کامیل بیر اینسان دئییلدیلر. هامیڭ کیمی اۆنلاردا دا اۆزۆنۆ بیلمک واریدی. اۆنلارین سیاسی فلسفه‌سی‌ایسه ضیددیلی عۆنصۆر اساسیندا قورولموشدو.

اۆنلار، ضیالیڭ و مدنی آدام‌لاریدیلر. اۆ دۆۆرۆلرده، نیکاراقوا دا، اۆلۆم جزاسیڭ پۆزولدو، یۆز مین‌لرجه یازیق و یۆخسول کندلی‌لر اۆلۆم‌دن یاخا قورتاردیلار. یۆز مین عائیله یئر صاحیبی اۆلدولار. ایکی یۆز مین مدرسه دۆزلده‌رک ساوادسیزلیغا قارشیڭ کسکین بیر موباریزده اۆنون سۆیه‌سینی قاباقکیڭ دۆۆره گۆره یئددی فایئیزدان بیر فایئیزا اندیردیلر. صحیه و مۆعاریف خیدمت‌لری پولسوز اۆلدو. اوشاقلاریڭ اۆلۆم- ایتیمی اۆچ فایئیزدان بیر فایئیزا چاتدیڭ. اوشاقلار ایفلیج‌لیڭی کۆکۆندن قازیلدیڭ. آمئریکا بۆتۆن بو ایلده اندیلن‌لری مارکسیست‌لرین ایشی ساناراق محکوم اندیردی. اگر نیکاراقوا اقتیصادی- ایجتیماعی عدالتی‌نین اساس اۆلچۆلرینی ایجرا ائتمک‌ده، صحیه و مۆعاریف سۆیه‌سینی یۆکسلتمک‌ده ایجتیماعی بیرلیڭی و میللی یۆکسه‌لیشی گۆجلندیرمک‌ده مقصدینه چاتسایدیڭ، قۆنشو اۆلکه‌لرده اۆرا باخیب، همان ایشلری گۆرجک‌ایدیلر. خۆصوصی ایله، اۆ ایل‌لرده، ائلسالواداۆردا، بو ساحه‌ده، کسکین مۆقاویمت گئدیردی.

قاباقجان دئدیم کی، یالانلاردان تۆره‌نن دالغالار بیزی دۆۆره‌له‌دی. آمئریکانئین رئیس جۆمهورو «ریقان» همیشه نیکاراقوا‌آنیڭ «ایستیبداد دخمه‌سی» آدلاندیرئردیڭ. امپئریالیست‌لرین مطبوعات و رادیۆ- تئلۆیزیۆن‌لاریڭ، اینگیلیس دۆۆلتی‌ده بو یالان سۆزلری لاپ حقیقتین اۆزۆ سانئردیلار. آنجاق حقیقت بو ایدی کی ساندنیست‌لرین دۆۆرۆنده، اۆلۆم جوخه‌لرینده، ایشکنجه‌لردن، حربی و رسمی سیستیم‌لی ظۆلۆم‌لردن ایز — اثر یۆخ ایدی. اۆ دۆۆرۆده نیکاراقوا‌آ دا کئشیش‌ده اۆلدۆرۆلمه‌دی، هله اۆسته‌لیک، دۆۆلت عۆضۆلری‌نین اۆچ نفری کئشیش‌ایدیلر. اۆ کئشیش‌لرین ایکی‌سی «یسوعی» بیری‌ده «مارینولو» یاپانلاردان‌ایدی. ایستیبدادیڭ دخمه‌سی باشقا بیر یئرده ایدی. بیزیم قولاغیمیزین دیبی، ائلسالواداۆردا و قواتمالادا ایدی. آمئریکا، ۱۹۵۴- ده، قواتمالادا، دئموکراتیک بیر شرائیط ده سئچیلن دۆۆلتی، یئیخدی. ایندی تخمین وورورلارکی، بو اۆلکه‌ده، ۲۰۰/۰۰۰ نفر، نیظامی‌لرین، دیکتاتۆرلوق حۆکومت‌لری‌نین قوربانیڭ اۆلوب‌لار.

۱۹۸۹ —جی ایل‌ده **سانسالواداۆردا**، مرکزی آمئریکانئین دانیشگاهیندا، دۆنیا «یسوعی»لرینن آلتیڭ نفر اۆنملی آلکاتئل آدلیڭ تئرۆریست قوروپونون الی‌ایله وحشی‌جه‌سینه اۆلدۆرلدۆلر.

شۆجاعت‌لی، بۆیۆک اینسان «**رومرو**»- نو ئعشائی ربانی آئینی‌نین ایجرا ائتدیئی حال‌دا اۆلدۆرۆلدۆلر. حئساب اۆلونوبدورکی، تخمینن ۷۵۰۰۰ نفر هلاک اۆلوب. اۆنلار نه اۆچۆن هلاک اۆلوبلار؟

چۆنکی اۆنلار، اۆزلری‌له قۆشا دۆغولموش یۆخسوللوقدان، فلاکت‌دن خسته‌لیک‌لردن، ظۆلۆم‌دن، سیتمدن بئزیکیب مۆوجود اۆلان وضعیتی سۆرغو — سوالا چکمیشدیلر. اۆنلار

دۆشۆنۆردۆلر کی، یاخشئ یاشاماق ایمکانئ‌دا واردیر و بئله بیر یاشایئشئ الده ائتمک ایسته‌دیک‌لرینه گؤره بیرده دۆنۆب کۆمۆنیست اولوب، اؤلدۆلر.

ایل‌لر بۆیۆ چؤخلو مۆقاویمت گؤسترسه‌لرده، آنجاق نهایت‌ده ایقتیصادی چتین‌لیک‌لر و ۳۰۰۰۰ مین نفر اینسانئن اؤلۆمۆ باعیث اولودوکی، نیکاراقووا میللتی‌نین روحیه‌سی سارسئلدئ. سۆنرادا، قومارخانالار، عیاش خانالار و بۆیۆک شیرکت‌لر تام گۆج‌لری‌ایله مملکته قایئتدئلار. مجانی صحیئه و مۆعاریف خیدمت‌لرینه سۆن قۆیولوب و «دئموکراسئ» حاکیم اولدو.

آنجاق، بو تۆکنمز سیئاستی تکجه مرکزی آمئریکادا یۆخ، بلکه دۆنیانئن هر یئرینده ایشلدیردیلر. ایندیسه، هئچ اثله‌بیل بو ایتیفاق‌لار یۆخ ائمیش‌لار.

ایکینجی دۆنیا مۆحاربه‌سیندن سۆنرا آمئریکا، دۆنیانئن هر یئرینده، ساغچئ‌لاردان و یا نیظامی‌لردن ایش اۆسته گلن دؤولت‌لره آرخا دوروب و یاخود اؤنلارئن ایش اۆسته گلمه‌سینده، بۆیۆک بیر رؤلو اؤلوبدور. بو دئدیئیمین ایثباتئندا، **اندونئزی**‌نی، **یونانئ**، **اؤروگووانئ**، **بئرزیلی**، **پاراقوانئ**، **هائیتی**‌نی، **تۆرکیئه**‌نی، **فیلیپینی**، **قووآتمالانئ**، **انلسالوآدۆرو** و ان اؤنملی‌سی **شیلی**‌دن آد آپارماق اولار. ۱۹۷۳- جی ایل‌ده، آمئریکانئن **شیلی**‌ده تؤرتدیئی وحشتی، نه، اونوتماق اولار، نه‌ده اؤندان واز کئچمک اولار.

بو مملکت‌ده یۆزلر مین نفر اؤلدۆلر. اؤلمه‌دیلرمی؟ آمئریکانئن ایرلی سۆردۆژۆ خاریجی سیئاستی بونلارئن اؤلۆمۆنه مسول دئئیل‌می؟

جاواب بودورکی اؤلدۆلر و آمئریکانئن ایرلی سۆردۆژۆ خاریجی سیئاستی‌ده بونا مسول دور. آنجاق بونو بیلن کیمدیر؟ بونلارئن هئچ بیری یۆخوموش. هئچ بیر ایتیفاق اؤز وئرمه‌ییب‌دیر. حتا بو ایتیفاق‌لار اؤز وئردیئی حالدا دا اؤز وئرمه‌ییب‌لر. کیمسه‌یه اؤنملی دئئیل‌دی. کیمسه‌نی ماراقلاندئرمئردئ. آمئریکانئن جیناییت‌لری، سیستیم‌لی، داوامجئل، گؤجلو و رحم‌سیز ایدی. آنجاق اؤنون حاققیندا، چؤخ آز دانئشئلیب‌دئر. آمئریکا باشدان- باشا یئر اؤزؤنده، سس‌سیزجه‌سینه بعضی قودرت‌لری دیئیشسه‌ده آنجاق بشرین خئیرینه اؤلان ایش‌لر کیمی قلمه وئریب‌دیر.

بورادا چؤخ باجاریق‌لئ، تأثیر ائدیجی و حتا حیله‌لی بیر اؤوسونلاما اؤز وئریب‌دیر. من هئچ شؤبهه ائتمه‌دن سیزه دئئیرم کی، آمئریکا دۆنیانئن ان بۆیۆک نۆمایئشی‌نی اؤیناییبدئر.

آمئریکا بۆتۆن ظؤلم‌لرینی، اؤز باشئنالیق‌لارئنئ، رحم‌سیزلیک‌لرینی چؤخ بۆیۆک حیله‌ایله ایرلی سۆردۆبدۆر. او، اؤز ماتاهئینئ ساتماغئ ایزله‌ییبدیر. اؤنون ان دیرلی ماتاهی‌دا، اونون اؤزۆنه وۆرغونلوغو اؤلوبدور. آمئریکا اؤیونو اودوب‌دور. قولاق وئرین، گؤزۆن آمئریکانئن رئیس جۆمهورلارئ تئلۆیزیۆندا، ننجه دال- بادال «آمئریکانئن میللتین‌دن» سؤز ائدیرلر. میثال اؤچۆن: «آمئریکانئن میللتینه دئئیرم، ال دوعایه قالدئرماق و اؤز حاق‌لارئندان مۆدافیعه ائتمک واختی‌دئیر. من آمئریکانئن میللتین‌دن ایسته‌ییرم کی، رئیس جۆمهورون‌دا، میللتین طرفیندن ایرلی سۆردۆژۆ

نقشه‌لره اعتیبارلاریٔ اولسون».

یاخشیٔ بیر حیله‌دیر. دیلی ائله بیر جوّر ایشله‌دیرلرکی، آزاد بیر دوشونجه‌یه یئر اولماسئین «آمئریکا میللتی» کیمی کلمه‌لر آرخایئین‌لیق اوچون یاخشیٔ بیر دایاق‌دیر. دوشونمک لازیم دئییل. بو آرخایا، آرخالانسان کیفایت‌لنر. بو آرخالار، سنین آنلاییش‌ینیٔ، آغلینیٔ و ذهنینین اینتیقاد انديجی قوّه‌لرینی مغلوب ائتسه‌ده آنجاق آساندیر. البته بو سؤزه فقیرلیئن ان آشاغا سویه‌سین‌ده یاشایان قئیرخ میلیوّن نفرین و آمئریکائین بوّتوّن زیندان‌لارئندا دوستاق اولان ایکی میلیوّن قادئین و کیشی‌نین حاققئیندا صیدق ائله‌میر. آمئریکا داها ایندی «خفیف چکیشمه‌لر»ه ده دوشونمور.

عراقا باسقئین ائتمک، یوّل کسن‌لیک، آیدئین- آشیکار دؤولتی تئرؤرچولوق و بئین‌الخالق قانون‌لارئنیٔ سایماماز‌لیق ایدی. بو حربی عملیئات، مطبوعات و دیگر ایرتیباطی وسیله‌لرله یاییلیب ایجتیماعی دوشونجه‌نی آلدادان بیر سئرا یالانلارا اساسلانانلارئین، اوز باشئینا بیر ایشی‌ایدی. و بو حرکت اورتا شرق‌ده آمئریکانئین ایقتیصادی- نیظامی مقصدلرینی قوّت‌لندیرن بیر حرکت‌ایدی. اوتانماز- اوتانماز، بو حرکتی آزادپروّرلیک جیلوه‌لندیردیلر. حال بو کی بو حرکت مین- مین گوّناهسیز اینسانئین اؤلوّمونه و شیکست اولماسئینا سبب اولدو.

بیز عراقئین میللتی اوچوّن، بوّمبا، ایشکنجه، اؤلوّم، حیقارت، بدبخت‌لیک، سای‌سیز- حئساب‌سیز ظوّلوّم‌لر گتیرمیشیک. و ایددیعا ائدریک کی، «اورتا شرق اوچوّن آزادلیق و دئموکراسیٔ گتیرمیشیک».

قئیرغئین عامیلی و حربی جینایت‌چی اولماق اوچوّن نئچه نفری اؤلدوّرمک لازیمدئیر؟ یوّز مین نفر؟ من‌جه بو حرب‌ده، آرادان گئدن اینسالارئین سایئ اؤ یئره چاتیبدئیرکیٔ، حربی جینایتدن سؤز آچماق اولسون. «بوش»ایله «بئلئر»ین حاقلاریٔ «بئین‌الخالق جینایی محکمه‌ده» موّحاکیمه اولماق‌دیر. آنجاق بوش زیرک چیخیب، بئین‌الخالق جینایی محکمه‌یه قوّل قوّیمادیٔ. بونا گؤره‌ده هوّشدارلیق وئریب کی، انحیانن اونون سیئاست‌چی‌لرینden و یاخود عسگرلرینden بیرینه توّهمت وورولسا، اوز دنیز قوّه‌لرینی یوّللاییب و اونو آزاد ائدجک‌دیر. آنجاق «تونی بئلئر» بئین‌الخاق جینایی محکمه‌سینه قوّل قوّیدوغونا گؤره اونو تعقیب ائتمک اولار. بیز اونون عوّنوانئینیٔ بیلیریک.

اونون عوّنوانیٔ بودور: لندن- داونینگ خیئاوانی- ۱۰ جی نؤمره.

قاباق‌جادان ایشاره ائله‌دیم کی، آمئریکا، ایندی روّلونو چوخ آیدئین و آچیق اوینایئیر. آمئریکانئین رسمی خاریجی سیئاستی ایندی «هر طرفلی نیظارت ائتمک» دیر.

حال-ی حاضیرده، سوئدی چیخاندان سوّنرا، دوّنیانئین ۱۳۲ اولکه‌سینده آمئریکانئین ۷۰۲ نیظامی دوشرگه‌سی واردیٔ. بیلمیرم اونلارا نه جوّر یوّل تاپیب‌لار آنجاق ایندی اوردادیلار.

آمئریکانئین ۸۰۰۰ دنه نؤوه موشکی واردیٔر. اونلارئین ایکی مینی سرواخت دیلار و ۱۵ دقیقه‌نین ایچینده اونلاریٔ آتیش ائتمک اولار، ایندیسه تزه اتوّم سیستیمی قایئیرئیرلار. بئریتانیانئین‌دا

همیشه آمئریکاینان امک داشلیغئ اولوبدور. اونلاردا اوز نؤوه موشکلرین دییشیرلر. اوزومدن سوروشورام‌کی: بو موشک‌لری کیمه ساریٔ آتماق ایسته‌ییرلر؟ **اوسامه بئن‌لادینه ساری؟** منه ساریٔ؟ **جوودوکه** ساریٔ؟ **چینه** ساریٔ؟ یوخسا **پاریسه** ساریٔ؟ آللاه بیلیر من بیلدییمه گوره، آمئریکائین بو گونکو سیئاستی‌نین آپاریجئ یونو اونون اوشاق یانا آخماقلیغئ‌دیر (نؤوه سیلاحلارینئ گوز قاباغینا چکیب و اونو ایشله‌دجک دئیه، قورخوتماق) اونودمامالئ‌ییق کی، آمئریکا همیشه بیر نیظامی اساسا آرخالانیر و بو اساس‌دان ال چکمک نیشانه‌لری گوروونمور. حال-ی حاضیرده آمئریکادا میلیونلار نفر اولماسادا مین‌لر نفر اوز دوولت‌لری‌نین داوارائیشئندان بئزیکیب اوتائیرلار. آنجاق ایندیکی شرائیطده بونلار گوزه گلیم بیر قووه دییئیل.

آنجاق بو گونکو قورخو و ایضطیراب گون به گون آمئریکادا چوخالیب آرتیر. گورورم کی، بو تئزلیک‌له آرادان گئدن دئییل. من بیلیرم کی، آمئریکائین ریئیس جومهورونون چوخ باجاریقلئ یازیچئ‌لاریٔ واردیر کی، اونون دائیشئیق نیطق‌لری‌نین متنینی اونلار حاضیرلاییرلار. من دوولطلب‌جه‌سینه اوز حاضیرلیغیمئ بو ایشه بیلدیریب و آشاغیداکئ قیسا یازیئئ تئلویزیونداندان آمئریکا میللتی نه اوخوماغئ تکلیف ائدیرم. گورورم کی، او اوزونه دوزگون و جذبه‌لی قییافه، آلدادیجئ بیر داوارائیش آلاراق، دوداق‌لارینداً، بیج و جذبه‌لی بیر گولوش‌له متنی اوخویور.

«آللاه یاخشئ‌دیر. آللاه بؤیوک دور. آللاه یاخشئ‌دیر. منیم آللاهیم یاخشئ‌دیر. «بئن‌لادن»نین آللاهئ پیس‌دیر. پیس بیر آللاه‌دیر. **صدام حسین**-ین‌ده آللاهئ اولسایدئ اونوندا آللاهئ پیس‌ایمیش. بیز آزادلیغا اینانیریق. آللاهدا آزادلیغا اینانیر. من وحشی دئییلم. من، آزادلیق و دئموکراسئ سئون دونیانین باشچئ‌سئیام و آزاد بیر سسچکی گئدیشین‌ده سئچیلمیشم. بیز رحمی کونولو اینسانلاریق بیز آدامئ اثلیکتیریکی صندل‌له و زهرلی ماده‌لر تزریق ائتمک له اولدورورک. بیز بؤیوک بیر میللتیک. من دیکتاتور دئییلم. او دیکتاتوردیر. او وحشی‌دیر. بلی وحشی‌دیر. اونلارین هامیسئ وحشی دیرلر. منیم اخلاقی گوجوم واردیٔ. منیم بو یومورو‌غومو کی گورورسوز بو منیم اخلاقی گوجوم‌دور. هئچ واخت بونو اونوتمایین».



قوی آپارسئن

حمید آرش آزاد

منیم قرارئمیٔ الدن او نازلیٔ یار آپارئر
چوّن «اینحیصار طلب» اوْلموشدور،هر نه وار، آپارئر

قرار ایدی منه «آزادلیق» انـیله‌سین هدیئه
بیر آزدا کی وار ایدی قبلن، ایندی یار آپارئر

بیلیرکی، گئتمه‌رم «آزادلیق» اوْلسا آردیجا من
سالیب بو بوْینوما «نامرئی» بیر مهار، آپارئر

الینده «آفتابا»، اوْغلو گئدیر «فیلان یئره» چوّن
جیبین‌ده «یـئن» کیفی توتدوقجا دا «دوْلار» آپارئر

یاتـیرتدیٔ بختیمی اوْوسون‌لا، هیپنوْتیزیم اندرک
وارئمدیر هر نه الیمده، اوْ بختیار آپارئر

دوْران «اوْکوْز»، یاتانا «خیدمت» انیله‌یئر، بیلیریک
همان اساسدا اوْلوبدور منه سوار، آپارئر

ازل تومارلایاراق، فیکری، عقلی جایدئرمیش
زیرک‌لیک ایله، منی انیله‌یئب شیکار، آپارئر

اوْ «انیتلاج» ایدی، منیم، الیم- گوْزوْم باغلیٔ
من ایله باشالایاراق بئیله بیر قومار، آپارئر

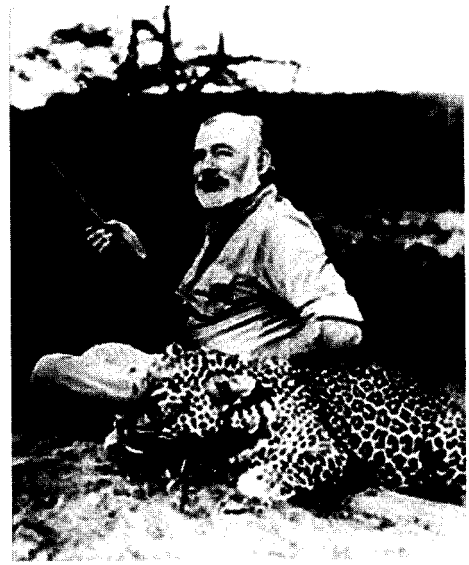
آپارسا بیر نئچه میلیارد، حقلی دیر بو یازیق
اوشاقلیٔ دئیر، اوْزوْنه بلکه‌ده «زومار» آپارئر؟!

اگر دئیه‌م «انوْیمی قضب اندیب»، یالان سوْزدوْر
یازیق فقط قورو یئر، بیر ده دام – دیوار آپارئر!

بیر عوْمر آج یاشایئیب بی‌نوا، گوْزوْ قوْرخموش
دنییرکی «بلکه قاینـیتدی یئنه فیشار» آپارئر

یئنیش – یوْخوش‌لا آپارمئیر کی، سینئندیرا، ایتیره
قاباقجا یوْل‌لاریٔنیٔ انیله‌میش هامار، آپارئر

اتین- یاغئین‌دا آپارمئیشسا، اینجیمه «آرش»!
سنی حئساب انیله‌یئب بلکه بیر داوار آپارئر؟!



کؤرپؤده بیر قوجا

اثر: نئست همینگوئی
چئویرن: فیروز علمدارلی

اوست- باشی توز- توزپاقلی، دمیر چرچیوه‌لی عئینک گؤزونده یوللون قیراغیندا اوتورموشدو. چایئین اوزه‌رینده‌کی تاختالی کؤرپودن فایئتونلار، یوک ماشینلاری، قوجا کیشی‌لر، آغ‌بیرچک قادینلار و اوشاقلار کئچیردی. جامئیشلار چکن داشقالار کؤرپودن ساحیله چیخان یوخوشدا دایاناندا سربازلار تکرلرین پره‌لریندن ایته‌له‌ییب، اونلارا یاردیم ائدیردیلر. یوک ماشینلاری توزپاغا باتیب چوخ گوجله اوندان چیخیردیلار. کندلی‌لر آیاقلارینین توپوغونا چن توز- توزپاقدا زحمت‌له آددیم‌لایئیردیلار. قوجا کیشی ائله ساکیت‌جه یوللون قیراغیندا اوتورموشدو. او، الدن- آیاقدان دوشموشدو.

منیم وظیفه‌م کؤرپودن کئچیب، دوشمانین ایره‌لیله‌ین یئرلری و بینالارینی اؤیرنمک ایدی. من بو ایشی یئرینه یئتیریب، کؤرپودن بویانا کئچمیشدیم، آیاق‌یالسین. داشقالارین سایئ آزالمیشدی. آیاق یالین یوروین بیر نئچه آدام گؤزه چارپیردی. آمما قوجا کیشی یئنه ده اوزادا اوتورموشدو. من اوندان سوروشدوم:

- سیز هارادان گلیرسیز؟

گولومسه‌یه‌رک دئدی:

– سان‌کارلوس‌دان.

بورا اونون دوغما شهری ایدی و بو شهرین آدینئ سؤیله‌مک اونـدا خـوش حـیس‌لـر یاراتدئ. او تبسّمله دئدی:

– ایشیم مال– قارا بسله‌مک ایدی.

یاخشئ آنلامادیم نه دئدی، آمما دئدیم:

– هن.

دئدی:

– من دایانمیشام کی مال– قارانـئ قوروتوم. من سـان‌کارلوسـو تـرک ائـدن سـونونجو آدامام.

نه چوبانا اوخشایئیردئ، نه ده مال– قارا بسله‌یه‌نه. توز– توزپاقلـئ قارا پالتارئنا، توزلو بوز اوزونه و دمیر چرچیوه‌لی گوزلوگونه باخـیب دئدیم:

– هانسئ حئیوانلارئ؟

باشینـئ یـئرغالایـیب دئدی:

– هر جوره حئیوانلار. مجبور اولدوم اونلارئ بوراخـیم.

من کورپوه‌یه و آفریقا اولکه‌لرینه اوخشایان «ابرودئلتایـا» گـوز تیکمیـشدیم و بیلیـردیم دوشمان گوزه گورونه نه قدهر نه واخت گوزلمه‌لی‌یم. من دوشمانـئن یاخـئن‌لاشـما خبرینـی، منـه چاتـدیران او سـیررلی سـس‌لـری گوزلـه‌یـئردیم و قوجـا هلـه ده اورادا اوتورموشـدو. سوروشدوم:

– هانسئ حئیوانلارئ بسله‌ییردیز؟

دئدی:

– هامیسئ اوچ حئیوان ایدی. ایکی کئچـی و بیـر پیـشیک. سـونرالار دوردجـونده گوزیرچین اونلارا قوشدوم.

سوروشدوم:

– دئمک سیز مجبور اولدوز کی، اونلارئ بوراخاسئز؟

– ائله‌دیر. تۆپخاناپا گۆره! کاپیتان، تۆپخاناپا گۆره منه امر ائله‌دی کی، اۆنلاریڭ بوراخیب گئدیم.

کۆرپۆنۆن سۆن باشیندا قالان بیر نئچه داشقاپا کی، تله‌سیک ائنیشدن آشاغیپا ائنیردیلر، باخیردیم. قۆجادان سۆروشدوم:

– سیزین عاییله‌نیز وارمیڭ؟

دئدی:

– یۆخ من یالنیز حئیوانلاردان دانیشیردیم. البتّه پیشی‌یین احوالاتیڭ پیس اۆلماز. پیشیک هر حالدا، اۆز چولونو سودان چیخاردا بیلر. آممما هئچ تصۆۆر ائده بیلمیرم کی، باشقالارین باشینا نه گله‌جکدیر.

سۆروشدوم:

– مقصدینیز نه‌دیر؟

دئدی:

– منیم هئچ مقصدیم یۆخدور. ایندی یئتمیش آلتیڭ یاشیم وار. ایندی‌یه قده‌ر اۆن ایکی کیلۆمئتیر یۆل گلمیشیم و فیکیر اندیرم کی، داها دا گئده بیلمه‌رم.

دئدیم:

– بورا دایانماق اۆچۆن مۆناسیب یئر دئییلدیر. ایر باجارا بیلسز، یۆلون اۆستۆنده تۆرتوسایا گئدن یۆل آیریمیندا، یۆک ماشینلاریڭ واردیر.

دئدی:

– بیر آز دا دایانیب، سۆنرا یۆلا چیخارام. یۆک ماشینلاریڭ هارایا گئدیرلر؟

دئدیم:

– «بارسئلونا»– یا ساریڭ.

دئدی:

– منیم اۆ طرف‌لرده تانیشیم– کیمسه‌م یۆخدور. آممما یئنه ده ساغ اۆلون. سیزدن چۆخ تشککۆر ائدیرم.

اؤ یؤرغون وَ آچیق باخیشلارلا منه باخیب سانکی اؤز قوّصّه‌سینی منله بؤلمک ایسته‌ییردی.

اؤ دئدی:

– پیشیئه بیر شئی اؤلماز، من بونا امینم. هئچ لازیم دئییل اونا گؤره ناراحات اؤلام. آمما باشقالار؟ سیزجه باشقا حئیوانلارا نه اؤلا بیلر؟

– یقین اونلار دا یاخشی قورتارارلار.

– سیزجه بئله‌می اؤلار؟

چاییئین اؤ تایئیندا آرتیق کیمسه یؤخ ایدی. من اؤ تایا باخیب دئدیم:

– نه اؤچؤن اؤلماسیئن؟

آخی اونلار تؤپلارئین آلتیئندا نه ایش گؤره بیلرلر؟ ائله اؤ واخت بونا گؤره منه دئدیلر کی، اؤرانی ترک ائدیم.

سؤروشدوم:

– سیز گؤیرچین‌لرین قفسی‌نی آچیق بوراخدینیزمی؟

– هن.

– اوندا ایسه اونلار اوچوب گئدیب‌لر.

– دؤزدؤر. اونلار اوچارلار. آمما باشقالار؟ یاخشی‌سی بودور کی، باشقالاری حاققیئندا فیکیرلشمه‌ییم.

دئدیم:

– ایر یؤرغونلوغوز چیئخدی، گئدک! قالخین، چالیشئین یؤلا چیئخاسیز.

تشککؤر ائده‌رک، آیاغا قالخدی. آممـا ساغ- سؤلا یئیرغالانیب، یئنه تؤز- تؤزپاقدا اؤتوردو. اؤز- اؤزؤنه دانیشئیردی:

– من حئیوانلاری بسله‌ییردیم. من یالنیز حئیوانلاری بسله‌ییردیم.

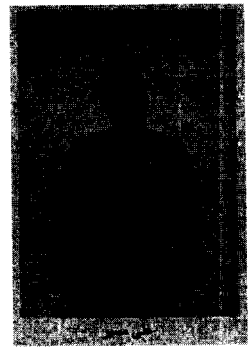
آرتیق اونا بیر ایش گؤرمک اؤلمازدی. اؤ گؤن بایرام ایدی وَ فاشیست‌لر «ابرو» شهرینه دؤغرو ایره‌لیله‌ییردیلر. هاوا اؤ گؤن توتقون ایدی وَ دؤشمانئین طیاره‌لری آز اوچوردولار. بیر بو، بیر ده پیشیک‌لرین اؤز چول‌لارئینی سودان چیئخاردا بیلمک فیکیری قوجا کیشی‌نین یئگانه خوش طالئعی ایدی.

مشروطه اینقیلابی ؤ آذربایجان ادبیئاتـــی

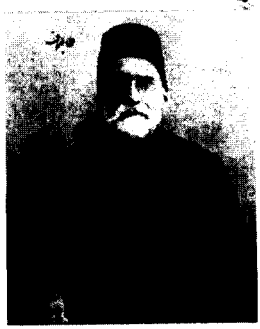
م. کریمی

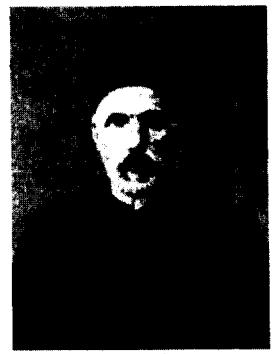


حیدر عمو اوغلی









حاج زین‌العابدین مراغه‌ای

اینقیلاب، جامیه‌نین آیاغا قالخماسیلا یارانـیر، آنجاق بیر طرفلی اولمایـیب تکجه سیئاسی جیبهه‌ده حاکیمییـت‌ین دؤنمه‌سیله کیفایـتلنمیر؛ بلکه اینقیلاب بؤتؤن ساحه‌لرده

جامیه‌نی چاخناشدیریب دییشیک‌لیک‌لر یارادیر. مشروطه اینقیلابیندا، آذربایجان خالقی اؤزونده اؤلاراق چؤخلو ساحه‌لرده اؤزونه بیر تکان وئریب «اینتیباه» دؤورونو یارادیردی؛ صنت ساحه‌سینده باکی شهری بؤیوک قافقاز و ایران خالقلاریندا ایش اؤچون اؤزونه چکیرسه، تبریزده چاپ، توخوجولوق و کیبریت کرخانالاری ایؤلا دوشور، بیرینجی یون دسگاهی (نخطاب ماشینی)، بیرینجی توپ ومؤسلسل تبریزده دؤزلیر؛ صنت آیاق توتور، ایختیرالار اؤرتایا گلیر؛ هؤندؤر تیکنیتی‌لر یاییلیر؛ عئلم آداملاری مئیدانا گلیب مؤختلیف ساحه‌لرده کیتابلار یازیلیر و مؤباحیثه‌لر مئیدان آچیر. او بیری طرفدن مؤختلیف درگی‌لر چیخیر. ادبیات دیرچه‌لیر، شئعر خالقین ایچینده اؤخونور، کیتابلار، رومان، حیکایه، نومایش خالقین یاشایاییشینا داخیل اؤلور، شرق دؤنیاسینین بیرینجی اؤپرالاری موسیقی دؤنیاسیندا، آذربایجاندان سسلنیر؛ بیرینجی موسیقی کؤمئدیالار یازیلاراق صحنه‌یه چیخیر و... بئله‌لیکله اینتیباه دؤورو یاراناراق، ادبیات گلیشمه‌سی هامیدان آرتیق گؤزه چارپیر.

اینقیلاب بیر اؤلکه‌ده او زامان یارانیر کی، خالق، داها قاباقکی سیستئمه دؤزه بیلمیر وحاکیم طبقه‌ده کئچمیش سؤلطه‌سینی ساخلایا بیلمیر. بئله‌لیکله مؤوجود سیستئم داغیلماغا یؤنه‌لیر. بورادا یاشاییشین اساسلی عامیل‌لری اؤلان سیاسی، ایقتیصادی وایجتیماعی دوروم دییشیک‌لیکه باشلاییر. مشروطه اینقیلابی خالقین فیکرینده، دؤشونجه‌سینده و معیشت طرزینده اثر بوراخیب. بیر اؤیانیش دؤورو یاراتمیشدی؛ داها قاباقکی دوروم پوزولمالی اؤلموشدور. دؤیوش، تکجه سیلاحلا ایره‌لی گئتمیر، بلکه ادبی ساحه‌لرده بؤیوک آددیملار گوتورولوب، ادبیات دا بیر سیلاحا چئوریلمیشدیر. مؤختلیف درگی‌لر مئیدانا گله‌رک، سابیقه‌سیز بیر حالدا، شئعر، حیکایه، طنز و ادبیات خالقین ایچینده یاییلیردی. شئعر یاشاییشین اؤزونه چئوریلمیشدی، داها شاعیرین خولیاسیندان آیریلیب، خالق یاشایاییشینا گیرمیشدی. ادبیات یئنی اؤسلوبلارلا تؤره‌نیب، یئنی حیات باشلاییر.

اینقیلاب کؤتله‌لر آراسیندا دییشیک‌لیک یارادیراق، ادبیات دا یئنی بیر یون اؤزونه آلمیشدیر؛ ادبیات، قورو نصیحت‌لر، ایچی بوش شیکایت‌لر و زاریماقلارلا راضیلاشمیر. اونون- بونون مدحینده قصیده‌لر مئیدانداn چیخیر، بونللارین رنگی آتیر و شئعر، داها دؤزگون اولاراق خالقین سیاسی- ایجتیماعی یاشایاییشینا یاخینلاشیر، ایتی بیر سیلاحا چئوریلیر؛ خالقین ایستک‌لرینی، آرزولارینی، سیاسی- ایقتیصادی و ایجتیماعی مؤشکول‌لرینی حل ائتمک اؤچون آرایا گلیر.

شاعیرلر شئعرلر ایله برابر، اینقیلابا قووشوب، اینقیلاب بایراغی آلتیندا گئدن مؤباریزیه یاردیمچی اؤلورلار. بو زامان اونلارجا درگی، یورلرجه شاعیر، یازیچی وصنتکاری بیر یئره توپلانیب، اینقیلاب حرکتینی گؤجلندیریب دؤز یؤلو گؤسترمه‌ده گئری قالمیر. سنگرلرده یاتان عسگرلر، شئعرلر اؤخوماقلا روحیه تاپیر. تاریخدن آلدیغیمیز معلومات گؤستریرکی، بو زامان درگی‌لرله برابر شئعر، کؤچه‌ده خیاوانda، بازاردا اؤخونور، ایستیعداد

قووه‌لری، **موللانصرالدین**، درگی‌سی‌نین ایرانا گلمه‌سی‌نین قارشیئنسیئ آلیرسالاردا، اؤنون یازیلاریئ وئ شئعرلری دیللرده ازبر اؤلوب، اللرده گزیردی. شوبهه یوخدور کی مشروطه ادبیاتیئ درگی‌لرله یارانیب، یاییلیب وئ گلیشیبدیر. بورادا دا دیرلی شاعیرلر وئ یازیچیلار بیر- بیری‌نین دؤروره یئیغیشیب، شرق دونیاسیئنین بیرینجی، دیراملاریئ، حیکایه‌لری، رومانلاریئ یازیئیا آلیئنیر، بیرینجی پیئس‌لر صحنه‌یه چیخیر. شئعر ساحه‌سینده، آذربایجان شئعری، کیلاسیک فورمالاریئ سیندیریب، زامانیئن دیلینه سیلاحلانیب، **هیندن میصره** قدر خالق ایچینده اؤیاتما وظیفه‌سینی ایره‌لی آپاریر، سیاسی ادبیات قول- قانادآچیر. بو زامان ادبیات خالقلاریئن اؤیانیشیئندا موهوم رول اؤینایئیر، **کاریکاتورلار**، حتّا ساوادسیز خالقیئ اؤیاتمادا بؤیوک اثر قوییور؛ موسیقی، اؤپئرالار، موسیقی کومئدیا، دیراملار صحنه‌یه چیخیر، کاریکاتورلار چکیلیر وئ دونیایا یاییلیر. اونوتمایاق کی، شیفاهیئ ادبیات دا یوکسه‌لیر، دیرچه‌لیر وئ خالقیئن موباریز اؤغول- قیزلاریئ اوچون- **ستارخان**، **باقرخان**، **حیدرعمی اوغلو**، **زئینب پاشا** اوچون قوشولان شئعر دیللرده گزیر وئ بونلاریئن حاققیندا خالق یارادیجیلیغیئ دیللره دوشور.







آذربایجان ادبیاتیئ، مشروطه اینقیلابیئ ایله اؤز زیروه‌سینه چاتیر،یئنی‌لیک‌لر یارانیر وئ یوزلرجه شاعیر،یازیچیئ نقاش، صنتکار اؤز یارادیجیلیغیئ ایله اینقیلابا قووشور. **جلیل‌ممد قولوزاده** زامان ایستک‌لرینه دوزگون جاواب وئره‌رک دونیا سویئه‌سینده دیرلنن اثرلر یارادیر، پیئس‌لر یازیر، رومان وئ حیکایه‌لر یازیر. اونون یازدیغیئ **پوست قوتوسو «اوستازئینال**، **اولولر**، **آنامئن کیتابی**، **دلی‌لر** یئیغینجاغی، **ساققاللیئ اوشاق**، **کامانچا** وئ ساییره رومان- حیکایه وئ پیئس‌لری آذربایجان‌دا رئالیزم مکتبی‌نین قورماسیئ ایله برابر، اونو ان یوکسک سویئه‌یه قالدیریر؛ رئالیسم ده ممد قولوزاده **«ملانصرالدین»** مجلله‌سینی تبریزده، تیفلیسده، وئ باکیدا چیخارتماقلا، آذربایجان ادبیاتیئندا بیر دونوش نوقطه‌سی یارادیب، شرق

اؤلکه‌لری ادبیاتی‌نداً درین وگ‌نیش ائتگی بوراخ‌ییر. اؤنون اثری ایراندا و فارس ادبیاتی‌نداً اونودولماز بیر حادیثه‌دیر.

میرزه علی‌اکبر صابیر آذربایجان شئعرینی داها یؤکسک بیر زیروه‌یه چاتدیرارا‌ق، اؤنو یاشایی‌شلا بیر- بیرینه باغلایی‌ب، نفس چکمه‌ده هاوانی‌ن نه قده‌ر ضروری اؤلدوغوجاق، مشروطه اینقیلابی‌نی ایره‌لی چکمک اوچون ضرورتی حیس اؤلونور. صابیر گؤجلو، تأثیرلی و دؤشونجه‌لی شئعرلری ایله خالقا قووشور. دفتری‌نین یازی‌سی‌نی ایراندا اوز وئرن مشروطه حرکاتی‌نا باغلانی‌ب و اوز دیرلی رؤلونو مشروطه اینقیلابی‌ندا ایفا ائتمیشدیر. «**عبدلرحیم حق‌وئردی یئف**»ده نثر ساحه‌سینده حیکایه‌لری ایله اینقیلابا قاتی‌لی‌ب و ادبیاتی‌میزا اؤلمز اثرلر باغی‌شلامی‌شدیر. **علی نظمی**، «ظفر ترانه‌سی»، «گلیرم»، «انجمن»، «ایرانلی‌دیر» و باشقا شئعرلری ایله اوز دامغاسی‌نی ایرانی‌ن مشروطه اینقیلانی‌نا وورو. **محمد هادی**، لیریکا شاعیری اؤلدوغونا باخمایاراق، اینقلاب حرکاتی‌نا لاقئید قالا بیلمیر. آنجاق «ایرانلی‌لارین دیلی»، «روح شراره‌سی» کیمی درین مضمونلو شئعرلر یازی‌ر. **عاباس صحت** شاعیرانه باخی‌شی‌نی ایله اینقیلابا توخونور و آغی‌ر مؤحتوالی‌نی شئعرلری ایله چی‌خی‌ش ائدیر. **صراف تبریزی** بو حرکت‌لرده گ‌نری قالمایی‌ب، خالقی‌ن اؤیانماسی‌نا چالی‌شی‌ر. **نریمان نریمانئف** سیاسی مقاله‌لری ایله برابر، گؤزل رومانلار و حیکایه‌لر یازی‌ب، خالقی‌میزا داياق اؤلور. **محمدسعید اوردوبادی** بؤیؤک رومانی‌نی اؤلان «دومانلی‌نی تبریز» ایله بو حرکته قاتی‌لی‌ر. و گؤزل مقاله‌لری ایله، میللت و وطنیمیزین دؤشمنلری قارشی‌سی‌ندا دایانی‌ر..

آنا دیلیمیز، ادبیاتی‌میزین گلیشمه‌سینده مؤهوم رول اؤینایی‌ب، اوز گؤجو، باجاریغی‌ و گؤزل‌لی‌ینی گؤسترییر. خالق موسیقی‌میزدن باش قالدیران **میللی موسیقی‌میزده** گؤن به گؤن جانلانی‌ر. اؤزئی‌یر حاجی بی اؤز کیمی مؤحتشم بیر آهنگساز، ادبیات ساحه‌سینده گؤزل اثرلر یارادی‌ب و گؤزل اؤپئرالاری ایله آذربایجان موسیقی‌سینی دؤنی‌یایا چاتدیرمی‌شدیر. او، «لئیلی و مجنون»، «شئخ صنعان»، «اصلی کرم»، «**مشهدی عیباد**»، «آرشی‌ن مال آلان» و نهایی‌ت **کؤراوغلو** اؤپئرالارینی‌ یارتماقلا، آذربایجان وارلی‌غینی‌ دؤنی‌یایا تانی‌دیردی. اؤزئی‌یر مشروطه اینقیلابی‌نا حصر اؤلموش نئچه- نئچه مقاله‌لری ایله اوز وظیفه‌سینی ادا ائدیر.

اینقیلابلا ادبیات، چی‌یین- چی‌یینه، یاشایی‌شی‌ن بؤتؤن ساحه‌لرینده دییشیک‌لیک یارادیرلار. ایستیبدادا قارشی‌ خالقی‌ن جسارتلی حرکت‌لری، شاعیرلری ده، روحلاندیرمی‌شدیر. اؤنلار ایجتیماعی عدالتین اؤدلو جارچی‌سی‌نا چئویریر. اؤنلار، خالقی‌میزین و اؤلکه‌میزین گ‌نری ساخلاندیرما عامیل‌لرینی تاپی‌ب، مؤباریزه اوددونا اودون قالایی‌رلار. هئچ بیر اؤلای اؤلمامی‌شدیر کی، شاعیرلریمیز، یازی‌چی‌لاریمیز اؤنا یاناشی‌ب و آچی‌قلاماسی‌نلار. شؤبهه یؤخدور کی، مشروطه اینقیلابی‌ندا تبریزین رؤلو مؤهوم و دانی‌لمازدیر و بورادا یارانان قهرمانلار: **ستارخان**، **باقرخان**، **حسین‌خان**، و باشقالاری اینقیلابی رهبرلیک ائدیب ایره‌لی

آپاریلار، آنجاق قوزئی آذربایجاندان فیکری یاردیملار اولماسایدی حرکت ناقیص قالاردی. تبریزده «آذربایجان» درگی‌سی او قدەر دیرلی تأثیر یارادیر کی، بیرینجی نؤمره‌سی چیخدیقدا، ستارخانین گؤزلری یاشاریان دئییردی: «بو گون آذربایجان خالقی‌نین بایرامی‌دیر» آذربایجان درگی‌سی «مولانصرالدین» تأثیری آلتیندا گئدیرسه‌ده، اوز دامغاسینی ورا بیلیر. بورادا او **سیدعلی بهزاد، عظیم عظیم‌زاده‌نین** ایزی ایکن کاریکاتورلاری چیکیر. آذربایجان و «مولانصرالدین» درگی‌لری ایله برابر، **«بهلول»، «زنبور»، «مرات»، «آری»، «لک‌لک»، «طوطی»، «مزه‌لی»، «تارتان- پارتان»**، و باشقا درگی‌لر چیخیر. هله ایراندا دا فارس دیلینده نئچه- نئچه درگی‌لر بوراخیلیر، آنجاق هامیسی «مولانصرالدین» یارادان مکتبین آردیجا گئدیرلر و هامیسی اونون تأثیری آلتیندادیرلار. «ملانصرالدین» ۱۰۰ ایل بوندان اونجه یازدیغی مقاله‌لر، فیله‌تون‌لار، چکدیئی شکیل‌لر، کاریکاتورلار، شئعرلر بیر زاماندا دایانمایی‌ب، بو گون،بونلارین هامیسی هله دیری، جانلی و تأثیرلی‌دیر.

آذربایجان ادبیاتی بؤیوک بیر گلیشمه ایله اوز-اوزه گلیر، بورادا داها مدحیه ادبیاتی‌نین یئری یوخدور، بلکه یاشایی‌شلا سیخ باغلی‌دیر. بو شئعر ده تکجه موضوع یوخ، بلکه فورما باخیمیندان دا یئنی لیک اورتایا گلیر. آذربایجان شئعری کؤهنه قالیبلاری سیندیرئر و **تقی رفعت، سعید سلماسی** کیمی ادیب و شاعیرلره یول آچیر. اونلار دا تجدّود بیناسینی قوواراق، یئنی شئعرین فورماسینی بسله‌یی‌ب، شئعرله حیاتی بیر- بیرینه باغلایی‌رلار. تکجه مشروطه ادبیاتی‌نین تأثیری آلتیندا مومکون دور **موعجوز** کیمی نهنگ بیر شاعیر عرصه‌یه گلسین. بو ادبیات، **علی فیطرت، محزون، بالاش آذر اوغلو** و باشقالارینا یول آچیر. دوغروسو، مشروطه ادبیاتی اولماسایدی ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ -جی ایللرده میللی حوکومت و ادبیات جانلانی‌ب حیاتا کئچمز ایدی یوزلرجه دونیا سویه‌سینده دیرلی شاعیرلریمیز اولمازدی. بو گونوموزون ادبیاتی دا، مشروطه ادبیاتی‌ندان قایناغی‌ب گلیر، یئنه‌ده ایلهام قایناغیمیز همان مشروطه ادبیاتی‌دیر.



مکتوب یئتیشمه‌دی

عبدالله شایئیق

قیشئین دؤندوروجو بیر گؤنؤ ایدی. سؤیوق، قیلئینج کیمی کسیردی. گؤیلر یاسلئ آدام‌لار کیمی، قارا چارشابا بؤرؤنمؤش، داغ‌لار، دره‌لر، چؤللر آغ کفنه اؤرتؤلمؤشدؤ. کؤچه‌لرده کؤمه دوران قارلار اؤزه‌رینده قارغالار، قؤرخاق باخئیش‌لارلا گزینیردی. قالئین پالتؤلو باش‌لارئ، آیاق‌لارئ اؤرتؤلؤ آدام‌لار بزکلی ؤ ایستی اؤتاق‌لاردان چئخئیب، پیشادا یا فایتؤنلار ایچینده راحات- راحات کؤچه‌لردن کئچیردیلر. بو دؤندوروجو قئیش، بو یاندئرئجئ شاختا، اؤنلار اؤچؤن ایلنجه‌دن باشقا بیر شئ دئییلدی.

دؤنیادا بؤتؤن بدبخت‌لیک ؤ فلاکت، آنجاق اینسانلئغئین یؤخسول قیسمینه نصیب ایمیش!؟

«قوربان» «شئیطان بازار» اوجوندا، مکتوب یازان همشهری‌سی «میرزه فرضعلی»-نین یانئندا اؤتورموش، سؤیوق‌دان الری، اؤزؤ بؤزارمئش، بیر الی ایله کؤهنه ؤ یئیرتئیق پالتارئنئین آچئیق یاخاسئنئ توتاراق، اؤ بیری الی ایله ده آیاق‌لارئنا بوز کیمی یاپئشان یئیرتئیق باشماق قارئنئ تمیزله‌یه- تمیزله‌یه:

- میرزه، منه بیر مکتوب یاز، بیلیرسن کی، هر ایل سنه نه قدر خئشیر وئریرم. وطن‌دن گله‌نی بیر ایل اؤلمادئ، بونونلا سنه بئش مکتوب یازدئرئرام- دئدی.

«مؤللا فرضعلی» سؤیوق‌دان دؤنموش الرینی اؤزوشدوردو. اسنه‌یه- اسنه‌یه بیر کاغیذ پارچاسینی دیزی اؤزه‌رینه آلاراق:

- همشهری، نه یازیلاجاق، سؤیله! - دئدی.

- «قوربان»، میرزه فرضعلی»- یه بیر آز دا یاخشین‌لاشدی. گیزلین بیر سؤز سؤیله‌یه‌رمیش کیمی فیسیلدایاراق:

- میرزه اوللجه، مندن اوشاق‌لارین آناسینا سالام یاز- دئدی- یاز کی، خانیمین، ممیش‌یین گؤزلریندن منیم عوضیمدن اؤپسؤن و اونلاردان گؤز- قولاق اولسون. سؤنرا یاز کی، من ده شؤکؤر آللاها ساغ و سلامتم. «قولام ریضا» ایله، سیزه اون بئش مانات گؤندردیم. بایرام آغزی یئنه گؤندره‌جه‌یم اوشاق‌لار کؤرلوق چکمه‌سین‌لر؛ اؤزوم ده یازین آخیر آیلاریندا گله‌جه‌یم.

«میرزه فرضعلی»، قلمی مؤرکّبه باتیریب، یازماق ایسته‌دی. مؤرکّب قاتی اولدوغوندان یازمادی. مؤللا آغزینین سویوندان بیر دامجی داواتا دامیزدیریب، قاریشدیردیقدان سونرا یازماغا باشلادی.

«قوربان»، دؤشؤ آچیق آرخالیغینین و کؤینه‌یینین آراسیندان گؤروَنن سؤیوق‌دان تیکان کیمی‌دیم- دیک دوران توک‌لرینی، آرخالیغینین یاخالیغی‌نی برک- برک اورته‌رک، سؤموک‌لرینه قدهر ایشله‌ین سؤیوق‌دان بیر یوماق کیمی بؤزؤشدوکدن سونرا دئدی:

- میرزه عمی، یامان آدامین قویوسوندا ایشله‌یرم. قویو ایندی دؤخسان آرشین آشاغی اتنمیش، نه قدهر یالوارئرئق:

«آی آغا حققیمیزی بیر قدر آرتیر، چونکی آشاغیدا گئتمک چوخ چتین‌دیر. مازوت گازین قوخوسوندان تنگه نفس اولورق.

ظالیم اوغلو راضی اولمور. «اولکی شرطیزله قازاجاق‌سیز، یوخسا حققینیزی وئرمه‌یه‌جه‌یم»، دئییر. میرزه بورادا پول قازانماق چوخ چتین‌دیر. سنین پئشه‌ن یاخشی‌دیر- گونده بئش- اون مکتوب، دؤرت- بئش دوعا یازسان یئتیشیر. آللاه برکت وئرسین داها نه ایسته‌یرسن؟

«میرزه فرضعلی» قلمی قلمدانا قویدو. دوداغین کونجوندن ایکی بارماغی آراسیندا بیر قدهر توزپاق آلیب، مکتوبون اوستونه سپه‌رک قورودا- قورودا جاواب وئردی:

– همشهری، اوزاق‌دان دؤیؤش اینسانا آسان گلیر. منیم صنتیم بیلدییین قدهر آسان دئییل. قیش، یاز کؤچه باشیندا یؤلو گؤزلمک‌دن، اینسانین گؤزلرینه قارانلیق چؤکؤر. ائله گؤن اؤلور کی، بیر نفر ده مؤشتری گلمیر.

عاباسینا برک سارئلدیغیندان سؤنرا مکتوبو «قوربان»ا اؤخودو. «قوربان» میرزه آغزیندان چیخان کلمه‌لری گؤیدن گلمیش کیمی، آغزینی آچمیش باش‌دان آیاغا قولاق آساراق، دیققت‌له اؤنو دینله‌دی. سؤنرا گؤزلرینده سئوینج قیغیلجیم‌لاری اوچوشاراق:

– میرزه «قولام حؤسئین»ه سالام یاز، – دئدی– یاز کی، من گلینجه اوشاق‌لاردان گؤز– قولاق اؤلسون وَ مکتوب‌دا یازیب گؤندرسین کی، بیزیم قیزیل اینک دورورمو؟ کؤر یابی‌نی ساتمایئیب کی؟ بیر ده یاز کی، گلن‌ده آنا خانیما، ممیشه قیرمیزی گؤللؤ کیچیک دسمال گتیره‌جه‌یم.

«میرزه فرضعلی» مکتوبو یازیب بیتیرن‌دن سؤنرا بؤکؤب پاکئته قؤیدو وَ اؤزؤنؤ «قوربان»ا توتوب:

– همشهری، اؤزؤ کیمین آدینا اؤلاجاق؟– دئیه سؤروشدو.

– هه میرزه! یاز کی، «قوربان»– ین اوشاق‌لاریندین آناسینا یئشتیشه‌جک.

میرزه پاکئتین اؤزؤنؤ یازیب، «قوربان»ا اوزاتدی. «قوربان» مکتوبو آلیب، سؤینجک ایکی الی آراسیندا دیققت‌له باخدیقدان سؤنرا، قؤینونا قؤیماق ایسته‌دی. مکتوب الیندن یئره دؤشدو. مکتوبو تئز گؤتؤردو. اؤیان– بویانین تمیزله‌ییب، یئنی‌دن قؤینونا قؤیدو. کیسه‌سینی چیخاریب ایکی شاهی میرزه‌نین اؤنجونا سیخاراق:

– آل! همشهری بایرام آغزی یئنه مکتوب یازدیراجاغام. مندن سنه چؤخ خئییر یئشتیشه‌جک. – دئییب، قالخدی.

«قوربان» الی ایله قؤینوناکی مکتوبو برک توتاراق یئریییردی. بیر آن اؤل همشهری‌سی «قولام ریضا»– نین منزیلینه گئدیب، هم مکتوبو اؤنا وئرمک، هم ده دیل جاوابی بیر– ایکی سؤز سیفاریش ائتمک ایسته‌ییردی. یؤلدا یئریییرکن دؤشؤنؤردو:

«خؤش‌بخت آدام، کیفایئت قده‌ر پول تؤپلامیش، گئدیب اوشاق‌لارینا قؤنوشاجاق، اؤن بیر آی سؤنرا اؤ یئرلر، دؤزلر، داغ‌لار، یاماج‌لار زؤمرؤد خالی‌لارلا دؤشه‌نه‌جک، چیچک‌لر

آچاجاق، آغاج‌لار یاپراق‌لاناجاق، باهار ائلچی‌لری اؤلان، قارانقوش، سئغیرچین و لئی‌لک سؤزؤلری دؤنؤب، یووالارئنئ تیکه‌جک، سحر- آخشام دادلئ- دادلئ نغمه‌لرله روح‌لارئ، اؤرک‌لری اؤخشایاجاق. هر یئرده اکین و بؤستان ایش‌لری باشلاناجاق، بالئیق‌چی‌لار چای‌لاردان و گؤل‌لردن بالئیق اؤولایاجاق. آه منی بو گؤزل‌لیک‌لره، اوشاق‌لارئما حسرت قویان- یؤخسول‌لوق» دئییه، سئزئلدادئ.

بو سئزئلتئ قلبینین ان درین گؤشه‌سیندن ائله برک قوپدو کی، بؤتؤن وجودو تیتره‌دی. ایچینده ازیجی و آجئ بیر عذاب دویدو. سئنئرلارئ گریلدی. قلبی بیر آن دوردو. آرتئیق دیزلرینده طاقت، وجودوندا قووت قالمامیشدئ. بیردن- بیره آیاق‌لارئ آلتئندا خئیشئلداپان بوزلار اؤزه‌رینده، اؤزو قویلو دؤشدو.

ال‌لری، آیاق‌لارئ قان‌لار ایچینده، اؤلگؤن و بئحال باشئنئ قالدئیردئ. قاباغئندان تؤنلؤیؤ یاریب، کئچن فایتؤن‌لارئ، ایستی پالتارلئ، شن اؤزلؤ اینسان‌لارئ او داشقئین حیات صحنه‌سینی آجئ و نیفرت‌لی باخئیش‌لارلا سؤزدو. ایختیارسئز اؤلاراق، سؤلوق دؤداق‌لارئندان بؤتؤن عذاب و قم‌لرینه ترجؤمان اؤلان «اوف» اوچدو.

اؤزؤنو دؤغرولداراق دؤشدؤیؤ یئردن قالخدئ، تئز الینی قویئنونا سؤخدو و مکتوبو یانئیق اؤره‌یی اؤزه‌رینه سئیخاراق یئریدی. بیر آز سؤنرا همشهری‌سی «قولام ریضا»- نئین منزیلینه یئتیشدی.

قاپئ باغلئ ایدی. قمگین و فیکیرلی بیر حالدا دؤندو. قاریشقا کیمی قاپاناشان فهله‌لر ایچینده سر- سری کیمی دؤلاشارکن همشهری‌سی «صفدر»- ی گؤردو.

اونا یاخئین‌لاشاراق، احوال سؤروشدو. «قولام ریضا» شهره گئتمیش ایمیش، «قوربان» «صفدر»ه یالواردئ کی، منی گؤرمه‌میش گئتمه‌یه‌سن. آماناتئیم دا، دیل جاوابئ سیفاریشیم ده وار. بونو دئییب منزیلینه قایئیتدئ.

***

- نامردلر، آلچاق‌لارا نه قدهر کی، قویو درین‌لشمه‌میشدی، من باش ایدیم، اونلار قویروق. هر طرفه دؤنؤردؤم، اونلار دا اؤستؤمه سؤرؤنؤردو. ایندی کی، قویو درین‌لشمیش، منه باش

اؤلماق ایسته‌ییرلر. اؤلؤم آیاغی‌ن وار، داها بیلمیرم نه ... نه ... دئییه هر گون ییئنی شرطلر قؤیورلار. تؤف سیزین کیمی اینصاف‌سیز آدام‌لارا. سیزه قییرمانج لازیم‌دیر.

قییرمانج، «تاریخ‌وئردی» و «صفر» چکدیک‌لری توپراغی‌ن بؤشالدیب، ییئنی‌دن دؤلو قویوییا بوراخدیقدان سونرا، «تاریخ‌وئردی»:

– آی آغا، بیز ییئنه قوروغوق– دئدی. بیلمیرسن کی، قویونون ایندی چتین واختی‌دیر. اژداها کیمی آغزینی‌ن آچیب قوربان ایسته‌ییر. «صفر» یؤلداشی‌ن «تاریخ‌وئردی»– نین سؤزونو کسدی و الی ایله گؤز ایشله‌دیپی سئیرا– سئیرا دؤزؤلن نفت بولاق‌لارئینا ایشاره ائده‌رک علاوه ائتدی:

– باخ بو ییئرلرین هر گؤشه‌سینه آیاق باسسان، هر اؤیوج توپراغیئینا قازما وورسان، فهله سؤموزو گؤره‌رسن، فهله فریادی‌ن ائشیده‌رسن. بو اوجا ائولرده، ایستی اوتاق‌لاردا مین‌لرجه ناز و نئعمت ایچینده یاشایان...

«حاجی‌قولو» «صفر»– ین سؤزونو کسیب، آیاق‌لاریئنی ییئره چیپاراق، باغیئرا– باغیئرا:

– جانیئن چیئخسین– دئدی– پول قازانماق آسان‌دیرمی‌ن؟ سیز جانیئزدان کئچیرسینیز، بیز ده اتک– اتک پولوموزدان.

– «صفر»– «صفر» [قوربان ایپی تره‌دیر].

«صفر» و «تاریخ‌وئردی» تئز قویونون آغزینا قاچیب، باش‌لاریئنی‌ن آشاغی‌ن دیکیب باخارکن، قویو ایچینده پارتلایان قازین گؤزؤلتوسوندن دیکسینیب چکیندیلر. هر ایکیسی هیجان‌لی‌ن بیر سسله:

– آللاه اوزو باغیئشلاسین، قوربان دا بئله گئتدی– دئدی‌لر.

«حاجی‌قولو» بیر ششی‌ن ائشیتمه‌میش کیمی قؤرخا– قؤرخا قویونون آغزینا گلدی و ائحتیاطلا قویونون یانیئندا اوزانیئب دیققت‌له باخدی‌ن. بیردن– بیره گؤزلرینده، اوزونده داشقین بیر سئوینج قیئغیلجیم‌لاری، دوداق‌لاریئندا شادلیئغی‌ن آندیران گولوش گؤرونده‌ییو حال‌دا اوجا سسله:

– چئشمه‌نین باشی‌ن آچیلمیشدیر. یاواش– یاواش نفت قاینایئیر– دئدی.

«تاریخ‌وئردی» سؤیوق بیر تؤرله:

– حاجیٔ! «قوربان»– نئین مئییدی قویودا قالاجاق‌میٔ؟ – دئییه سوٚروشدو.

بو سوٚزدن «حاجیٔ‌قولو» دا دلی یوخوسوندان اویانمیش کیمی، اوٚلدو. گوٚز قاپاق‌لاریٔ ایری–ایری آچیلدیٔ. کیسه‌سیندن ایکی ایگیرمی بشلیک چیخاریب:

– کیم بو ایشی ائده‌رسه، بو اللی مانات اوٚنون‌دور– دئدی.

«تاریٔ‌وئردی»:

– وئر منه، بیری اوٚلمه‌سه، بیری دیریلمز. اوٚنو راحات‌جا قویونون بیر طرفینده یئرینه تسلیم ائده‌رم.– دئییه «حاجیٔ‌قولو» ایله قویونون آغزیٔنا یاناشدیٔ. نفتین قاینایاییب، قالخدیغینیٔ گوٚروٚنجه:

– یازیٔق «قوربان»، قبرینی اوٚز الی ایله قازمیش، نه ائتمه‌لی، بونون دا نصیبی بو ایمیش– دئدی. سوٚنرا بیر اوٚوجونا سیٔخمیش اوٚلدوغو پول‌لا بیر ده حاجیٔیا باخدیٔ. حاجیٔ اوٚنون فیکرینی درحال آنلادیٔ:

– اوٚ اللی مانات سیزیندیر. بوٚلوٚشوٚن. آنجاق بو ایشی آغزیٔنیزدان قاچیرمایاییٔن– دئدی.

«صفر»:

– پالتاریٔ نه اوٚلاجاق؟– دئییه سوٚروشدو.

حاجیٔ الینی اوٚنون چیینینه قوٚیاراق، دادلیٔ بیر دیل ایله:

– اوٚغلوم، اوٚنو دا بیر یئر قازیب باسدیٔرییٔن– دئدی.

«صفر» له «تاریٔ‌وئردی» «قوربان»– یٔن پالتاریٔنیٔ چیخاریب، گوٚتوٚره‌رکن آراسیٔندان یئره بیر مکتوب دوٚشدوٚ. مکتوبون پاکئتی اوٚزه‌رینده:

«بو مکتوب «قوربان»– یٔن اوشاق‌لاریٔنیٔن آناسیٔنا یئتیشه‌جک» جوٚمله‌سی یازیٔلمیٔشدیٔ.

«صفر»– له «تاریٔ‌وئردی» بیر موٚددت مکتوبو آجیٔ باخیٔش‌لارلا سوٚزه‌رک «یازیٔق قوربان مکتوب یئتیشمه‌دی»– دئییه سیٔزیٔلدادیٔلار.

سابقه‌ی تاریخی کاربرد حرف «ا- الف»

برای نوشتن مصوت(ə - فتحه) در نوشتار ترکان

بهزاد بهزادی

در جریان تدارک برای تألیف فرهنگ‌های آذربایجانی مسئله‌ی مهمی که در پیش رو داشتم تعیین قواعد املایی برای نوشتن واژه‌ها بود. به ویژه برای تلفّظ صحیح واژه‌های مدخل شیوه‌ی آوانگاری درست‌تر به نظر رسید. به این منظور، مشخّص کردن الفبایی که مصوّت‌ها نیز با حروف نوشته شود ضرورت داشت.

حروف مصوّت نه‌گانه ترکی بر پایه‌ی حروف عربی با نشانه‌هایی مشخّص گردید؛ به نحوی که هر حرف برای نوشتن صایت خاص منحصراً به کار رود.

در مورد فتحه به این نتیجه رسیدم که از «ا- الف» که برای نشان دادن فتحه در ابتدای کلمه رایج است در وسط و آخر کلمه نیز بجای نوشتن «ه» استفاده شود و در اوّل، وسط و آخر کلمه در جای خود به کار رود. مثلاً: «اردابیل» و در این صورت صوت «A» در آغاز، میانه و پایان واژه‌ها فقط با حرف «آ» نوشته شود: «آستآرآ». به همین شیوه نیز جهت نوشتن تلفّظ واژه‌های مدخل مورد استفاده قرار گرفت که در فرهنگ‌هایی که انتشار داده‌ایم موفّقیت‌آمیز بودن آن محرز است.

سپس در کتاب مقدمه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا در مقاله‌ای به قلم استاد دکتر محمّد معین نکته‌ی زیر نظرم را جلب کرد:

«در قاطع برهان ذیل کلمه‌ی «تومان» چنین آمده است:

«لفظ ترکی است و در تحریر لغات ترکی اعراب بالحروف نوشتن رسم افتاده است. واو علامت ضمّه‌ی تای فوقانی و الف علامت فتحه‌ی میم. هر آینه «تومان» نویسند و «تومن» خوانند، به تای مضموم و میم مفتوح».[1]

---

[1]- مقدمه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، ص ۲۱۵.

به عبارت دیگر، «الف» را برای نشان دادن فتحه به کار می‌برده‌اند.

پس از انتشار کتاب «فرهنگ آذربایجانی- فارسی» زنده‌یاد احمد شایا طی یادداشتی مصداق دیگری از المعجم را برای من فرستاد به این شرح:

«شمس‌الدین محمد بن قیس رازی در کتاب المعجم صفحه‌ی ۴۰ چنین نوشته است:

و کتّاب ترکان در مثل این کلمات به جای ها، الف نویسند. برای آنک الف خفی‌تر است از ها. ... التون، انا ... و بوغجا .و امثال آن الف نویسند. چنانک در تألیفی که در لغت ترکی ساخته‌ایم بیان کرده آمده است».

همزمان، یک برگ فتوکپی از دوست شاعرم کریم مشروطه‌چی دریافت کردم، تحت عنوان «۱۲-نجی قرنده تۆرک دیلیندن بیر نۆمونه». از اشعار یادشده که با املای قدیم نوشته شده مصراع‌هایی را خواهم آورد که به جای فتحه، «الف» به کار برده شده است:

در مقدمه‌ی فتوکپی آمده است: «این شعر قطعاتی از یک مثنوی بلند است که لطفعلی بیگ آذر این مثنوی را در دیوان خود چاپ کرده است. ما اشعار را عیناً به شکلی که در نگارش ترکی آن زمان معمول بوده نقل کرده و...».

مصراع‌هایی از مثنوی فوق‌الاشعار با املای قدیم و معاصر:

«بیر دا گولار یاد اوزومه گل تیکی؟	بیر ده گۆلر یاد اۆزۆمه گۆل تکی؟
یا دییارام قان قانی تون ای فلک	یا، دئیه‌رم هانی دۆننکی گۆن ائی فلک؟
بیردا بولبول کیم گیتامین، قایتامین؟	بیر ده بو بۆلبۆل کی گـنده‌یم، قایندارام؟
بیر دا دوشار شهره (؟!) یولوم تاخدین؟	بیر ده دۆشه‌ر شهره یۆلوم داخدان؟
بیر دا اولور گل تیراییم باخدین؟	بیر ده اۆلار گۆل دره‌ییم باخدان؟
آیرینی گورسا اولی توتسا میسن؟	اۆزگه‌نی گۆرسه اۆلار منی توتسون؟

در این مصراع‌های برگزیده، فتحه با «الف» نوشته شده است. به شرح زیر:

بیردا / بیر ده، گولار / گۆلر، دییارام / دئیه‌رم، گیتامین / گـنده‌یم، دوشار / دۆشر، تیراییم / دره‌ییم، گورسا / گۆرسه.

به نظر رسید که جهت تکمیل این مطالعه از محقّق پرتلاش آذربایجانی، دوست دانشمندم دکتر حسین محمّدزاده صدیق کمک بگیرم. اینک یادداشت ایشان را می‌خوانید:

در سیستم الفبای «گۆیۀ تۆرک» برای دو واکه‌ی A/ə یک نشانه وجود داشت که به این شکل نوشته می‌شد:[ﺍ] مانند: [ﺍﻕ aç] (گرسنه)، [ﺑﻴﻠﻜﻪ bilkə] (دانشمند). در الفبای اویغوری نیز هر دو صایت فوق به یک صورت نگارش می‌شود. پس از انطباق الفبای اویغوری با گویشهای فارسی، این نشانه‌ی واحد با یک دندانه، به دو نشانه تبدیل شده. یعنی نشانه‌ی[ﺍ]

که در سیستم الفبای اویغوری برای A/ə هر دو به کار می‌رفت، در الفبای معروف به پهلوی و دین دبیره، به دو صورت زیر در آمد:

ـَـ = فتحه در اول و وسط و آخر کلمه.

ـَا = آ، یا مدّ طویل در اول و وسط و آخر کلمه.

دلیل آن، این است که زبان ترکی کوتاه آوا، ولی گویش فارسی بلند آوا است. در تاریخ زبان ترکی، تنها در قرون وسطی و پس از اختلاط لفظ ادب ترکی با عربی و فارسی واکه‌ی مدّدار آ – هم در شعر کلاسیک به کار رفته است و حتی به کلمات ترکی نیز ساری شده است. مثلا در بیت زیر از فضولی:

منده مجنوندان فزون عاشیقلیک استعدادی وار،

عاشیق صادق منم، مجنونون آنجاق آدی وار.

در بیت فوق واکه‌ی آ–A در ترکیبات و کلمات «مجنوندان»، و «وار» کوتاه، ولی در «عاشیق»، «صادق»، «استعدادی» به صورت «آ» کشیده تلفظ می‌شود.

به نظر می‌رسد در متون ترکی نگاشته در سیستم الفبای عربی نیز هر دو واکه‌ی کوتاه آوای A/ə پیوسته به صورت الف بی مدّ نوشته می‌شده است. نسخه‌های خطی موجود پیش روی ماست و امثال و شواهد فراوانی را می‌توان در این باب در آنها مشاهده کرد. برخی نسخ خطی نیز که به صورت فاکسیمیله چاپ شده، در دسترس همگان است. مانند: «دیوان یونس امره» و کتاب «نهج‌الفرادیس» که کهن‌ترین نسخه‌های خطی آنها از سوی انجمن زبان ترکی در آنکارا و کتاب «خطای نامه» که از سوی ایرج افشار در تهران عکسبرداری و تکثیر شده‌اند. در هر سه دستنویس فوق و دستنویس‌های مشابه، که پیش از دوره‌ی صفویه استنساخ شده‌اند، و تلفظ فارسی، چندان در آنها کارگر نیفتاده، هر دو واکه‌ی A/ə به صورت الف بی مدّ استنساخ شده است.

وجود یک واکه‌ی بینابین این دو واکه که می‌توان آن را با نشانه‌ی Á مشخص کرد و در برخی از لهجه‌های ترکی آذری (مانند لهجه‌ی اردوباد) موجود است، این گزینه‌ی املایی را تا اواخر دوره‌ی قاجار تثبیت کرده است. هنوز هم گویشوران برخی روستاهای اطراف نخجوان و اردوباد، این مخرج آوایی را حفظ کرده‌اند.

می‌دانیم که در نسخه‌های خطی دوره‌ی صفویه به بعد تنها بر بالای واکه‌ی ممدوده‌ی Â که در اول قرار نمی‌گرفت الف مقصوره می‌گذاشتند و در اول بر بالای آن علامت مدّ قرار می‌دادند. ولی در واکه‌ی کوتاه آوای A، الف مقصوره و یا مدّ وجود ندارد و از این رو، برای فتحه نیز همین نشانه به کار می‌رفته است.

دکتر محمدزاده صدیق فتوکپی صفحه۲۱۵ کتاب «نهج‌الفرادیس» چاپ دیل کورومو – آنکارا آورده و اضافه نموده‌اند.

«در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده، فتحه با الف نشان داده شده است. این کلمات ترکی هستند.

در «دیوان لغات الترک» «کاشغری» ترجمه‌ی شایسته‌ی دکتر محمدزاده صدیق نیز فتحه با «الف» نشان داده شده است.

علامت مصدری «مک» به صورت «ماک» نوشته شده است.

بنابر این دلایل و شواهد فوق الذکر ترکان برای نشان دادن فتحه از «الف» بهره می‌جسته‌اند. و این راه حل کار آمدی بود.

یکی از دوستان می‌گفت که پس چطور شد که این ابداع ادامه نیافت و فراموش شد؟

بی‌تردید تسلط قواعد زبان عربی و اجبار به تبعیت از آن و تعصب عربی دانان زمانه در متروک شدن آن مؤثر بوده است.

امروز هم برخی تحصیل کردگان به زبان فارسی هر نوع نوآوری در رسم‌الخط را مردود می‌دانند.

اینک، ما در نگارش زبان آذری به تبعیت از املای زبان فارسی، فتحه را در اول کلمه با «الف»، در آخر کلمه و در مواردی در وسط کلمه با حرف (ه، ـه) می‌نویسیم و غالباً بدون اینکه فتحه را با حرف نشان بدهیم و بنویسیم در کلمه مستتر است.

مستتر ماندن صدای فتحه در کلمات دارای همان نقیصه است که در زبان فارسی وجود دارد.

انتخاب «ه، ـه» مشکل دیگری را پیش می‌آورد به این شکل که «ه» گاهی در نقش صامت و گاهی در نقش صایت ظاهر می‌گردد.

این بررسی کوتاه تاریخ کتابت ترکان نشان دهنده‌ی درستی طریقه‌ای است که آنها برای نوشتن « ə/ ا» برگزیده بودند.

آذربایجان ادبی دیلی گؤنئی آذربایجان‌دا:

رسمی اؤسلوب

دوکتور فیروز رفاهی
Firuzrefahi@yahoo.com

ادبی دیلین باشقا بیر اؤسلوبو عئلمی اؤسلوبدور. عئلمی اؤسلوب هر هانسئ بیر معلوماتئ باشقالارئنا چاتدئرماق اؤچؤن ایشله‌نیلیر. عئلمی اؤسلوب یازئلئ فورمانئن مثیدانا گلمه‌سیله یارانئبدئر. آذربایجان ادبی دیلی‌نین عئلمی اؤسلوبونون فعالیشتینی بیر نئچه مرحله‌یه بؤلمک اولار؛

۱- اسکی مرحله؛

۲- یئنی مرحله‌نین بیرینجی چاغئ

۳- یئنی مرحله‌نین چاغداش دؤورؤ.

بیرینجی مرحله ده آذربایجان ادبی دیلی‌نین عئلمی اؤسلوبو قوزئئ و گؤنئئ اؤچؤن اورتاق بیر دؤور سایئیلئیر. بو مرحله‌ده گؤنؤموزه چاتان بؤتؤن عئلمی یازئلئ اثرلر اورتاق عئلمی گئچمیش وارلئغئمئزئ عکس ائتدیریر. بورادا، بو اؤسلوبدان یارانلانان طیب، ریاضیئات، منطیق، جوغرافئ، هئئت، دیل- ادبیاتئن نظری مسله‌لرینه عائید کیتابلار، تاریخی اثرلر، سیاحتنامه‌لر و سایئر بو ساحه‌نین گئنیش‌لیئینی گؤسترییر. کیتابخانالارئمئزدا و اؤلکه‌میزدن کنارداکی کیتابخانالاردا مینلرجه بئله اثرلر آراشدئرجئ یؤلونو گؤزله‌ییرلر. اسکی الیازمالارئ تدقیق ائدن **جهانگیر قهرمانوف** یازئر: «قطعی ائعتیراف ائدیلمه‌لیدیر کی، یاخئن و اورتا شرقین، خوصوصیله ده آذربایجانئن ایجتیماعی-ایقتیصادی، سیاسی، مدنی تاریخی‌نی اؤیرنمک اؤچؤن رئسپوبلیکامیزدا «الیازمالار فوندو» خزینه‌سینی عوض

ائده بیلجک ایکینجی بیر ئیئر تاپماق مؤمکؤن دئییلدیر»[1]. ایراندا ئالنیز «آیت‌اله مرعشی نجفی کیتابخاناسی»-ندا ئؤزلرجه آنا دیلیمیزده اؤلان علمی کیتابلارلا راستلاشئیرئیق[2]. سایئیر کیتابخانالاردا مؤوجود اؤلان آذربایجان دیلینده یازیلمیش یا دا بو دیله ترجؤمه ائدیلمیش مینلرجه کیتاب همین اؤسلوبون مؤحتواسی‌نئین دیرلی تانئیغی سایماق اؤلار.

ایکینجی مرحله‌ده شیمالی آذربایجانئین روسلار طرفیندن ایشغال ائدیلمه‌سی و بونون نتیجه‌سینده روس دؤولتی و مدنییتی اؤزؤندن اؤرتایا چیخان علمی اثرلر داخیل اؤلور. آرتیق بو دؤورردن سؤنرا بیز علمی اثرلریمیزده ایکی سایاقدان یارارلانیریق. بیرینجی شیمالدا یازیلان علمی اثرلر کی، آرتیق ئیئنی بیر مضمون ایله اؤرتایا گلیر. بو دؤورده یارانان علمی اثرلرین اؤسلوبوندا لؤغت باخیمیندان بیر دؤنؤش اؤرتایا گلیر. شیمالی آذربایجاندا یازیلان علمی اثرلرده خؤصوصیله دقیق علملر مضمونلو کیتابلاردا روس دیلیندن آلینان سؤزلر یاواش-یاواش آذربایجان دیلی‌نین علمی اؤسلوبونا آددیم باسیر.

ایکینجی دؤورؤن باشقا بیر ئؤنؤ ده بوندان عیبارتدیر کی، شیمالدا علمی اؤسلوبلار رسمی شکیلده ایشلنمه‌یه باشلاییرلار. تئزار حؤکومتی اؤز ایجرایی تشکیلاتلاریندا ئیرلی کادرلارا اؤلدوغو ائحتیاجی اؤزؤندن ئیئنی ایشغال ائدیلمیش اراضی‌لرده ئیرلی دیللرده مکتبلر، عالی تحصیل اؤجاقلاریئنی آچیر. بو علم اؤجاقلاریئن بیر پارا ائحتیاجلاریئنی ئیرلی دیلده علمی کیتابلاری یایماق ایله ئیرینه ئیئتیریر.

گؤزئی‌ده،«کؤهنه حامام کؤهنه تاس» احوالاتی دوام ائدیر. دئمک اؤلار کی، کئچمیشده اؤلان علمی اثرلرین یارانماسی تئمپی داها دا ضعیف‌له‌ییر. آرتیق علمی اثرلر دؤورؤن سییاسی- ایجتیماعی شرایطینه گؤره ایجتیماعی علملره محدود اؤلور. سؤز ائحتیاطی باخیمیندان ئیئنه‌ده دیلیمیز فارس- عرب دیللری تأثیری آلتیندا اؤلور. اؤروپا منشالی سؤزلر ده، دئمک اؤلار کی، فارس دیلی واسیطه ایله دیلیمیزه آخیر.

علمی اؤسلوبون اؤچؤنجؤ مرحله‌سی ایییرمینجی عصرین باشلانغیجیندان فعالییته باشلایئیر. بو مرحله‌ده شیمالدا باش وئرن «اؤکتوبر» اینقیلابی نتیجه‌سینده ئیئنی سییاسی- ایجتماعی دؤورؤ باشلایئیر. آرتیق آذربایجان دیلی مکتب‌لرده، اؤنیوئرسیته‌لرده و عالی تحصیل اؤجاقلاریندا اؤز قابیلییتینی سئنایئیر. اؤ تایدا مینلرجه علمی کیتاب همین

۱- قهرمانوف جهانگیر، خالقئین معنوی ایرثی بیزیم ثروتیمیزدیر،-«ال‌یازمالار خزینه‌سی»نین توپلوسو، ۷-جی جیلد، باکی ، ۱۹۸٦، ص.۵

۲- فهرست نسخه های خطی ترکی در کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، نگارش حسین متقی ، قم ، ۱۳۸۱

اؤسلوبدا یازیلیر و ایشله‌نیلیر؛ علملمین بؤتؤن ساحه‌لرینده ایصطیلاح‌لار یارادیلیر. دؤزدؤر بونلارین اساس منشأیی آوروپالی سؤزلردیر، آنجاق همین سؤزلر روس دیلی واسیطه‌سیله آذربایجان دیلینه سؤخولدوغو اوچؤن روس دیلی‌نین خؤصوصیتی‌لرینی اؤزؤنده عکس ائتدیریر. «فیزیکا»، «آسترونومیا»، «کیمیا»، «لئکسیکا»، «قیراماتیکا»، «آپتئک»، «آرکئتیپسا»، «آرکئسترا»، «کؤسمیک»، «ساماللیؤت»، «بیبلیوقیرافیا»، «آنتئنا» و ساییر بو کیمی ایصطیلاح‌لاردا روس دیلین ایزلرینی گؤرؤرؤک. بو سؤزلرین داخیلینده روس دیلی‌نین دیل قورولوشو قاپدالاری‌دا گؤرؤنؤر.

گؤنئی‌ده علملی اؤسلوبون ایشلک دایره‌سی محدودلاشیر. اسکی چاغلاردا اگر مؤختلیف مؤضولاردا علملی اثرلر دیلیمیزده یازیلیب یا دا ترجؤمه اولونوردورسا، آرتیق اؤچؤنجؤ مرحله‌ده بو ایش دایانیلیر. علملی اثرلرین ساحه‌سی محدودلاشیر. یئنی مکتب‌لر، علملی اؤجاقلار هامیسی فارس دیلینده اولور. بونون نتیجه‌سینده آنا دیلیمیزده علملی اثرلرین یازیلماسی و یاییلماسینا چؤخ فیکیر وئریلمیر. بونو قئید ائتمه‌لییک کی، ائله بو زاماندان خالقیمیزین یئنی میللی – دئموکراتیک ایستک‌لری فؤرمالاشیر. ایشیرمی بیرنجی عصرین باشلانغیجیندان آذربایجان دیلی اوغروندا موباریزه یئنی بیر چاغیناسی سیناییر. آنا دیلینده مطبوعات یارانیلیر. بو مطبوعاتدا ایجتیماعی- سیاسی سجییه‌لی علملی مقاله‌لر یازیلیر. خالقیمیز چالیشیر دؤنیا وارلیغینی اؤز آنا دیلینده درک ائتسین و شؤعورونو دؤغما دیلینده فؤرمالاشدیرسین. قارا قؤه‌لر ایسه بونو گؤزه بیلمیرلر. بونون نتیجه‌سینده علملدن ده بیر ایجتیماعی- سیاسی موباریزه وسیله‌سی کیمی یارارلانماق ضروری اولور. بونون نتیجه‌سینده بو مرحله‌ده گونئی ده علملی اؤسلوب یالنیز ایجتیماعی- سیاسی علملر چرچیوه‌سینده فعالییت گؤسترە بیلیر.

ایسلام اینقیلابیندان سونرا اؤز دؤغما حاقلارینی طلب ائدن دیلداشلاریمیز آنا دیلینده مکتب‌لرین آچیلماسینی یاشاییشلاری‌نین بیرینجی ایسته‌یی بیلیب بو یولدا آددیم آتیرلار. بونا گؤره ده، تاریخ، کئچمیش و حیات دؤشونجه‌سینین مضمونو آنا دیلی چرچیوه‌سینده یاییلیر و بئله‌لیکله علملی اؤسلوب یالنیز دیل، ادبییات، تاریخ، جوغرافیا و سیاسی مضمونلو اثرلرده اؤز وظیفه‌سینه داوام ائدیر. **نیظامی جعفروف** جنوبی آذربایجان ادبی دیلینی تدقیق ائدرکن چؤخ دوغرو سؤیله‌ییر کی، «جنوبدا علملی اؤسلوبون ایجتیماعی علملر قولو نسبتن دیققتی جلب ائدیر؛ تاریخ، ادبییات شوناسلیق، دیلچیلیک کیمی علم ساحه‌لرینه عاییید اثرلر مؤجود دور، لاکین شیمالدا مؤقاییسه‌ده جنوب علملی

اوسلوبون ایمکانلاریٔ باخیمیندان چوخ- چوخ گئری قالیر»[۳]. دئمک گونئی‌ده ادبی دیلی‌نین فرقلی خوصوصیئت‌لریندن بیری ادبی دیلی‌نین کمیئت ایمکانئیدیر. باشقا یوندن عئلمی اوسلوب‌دان فایدالانان توپلوم-کوتله یوخ، یالنیز موعین بیر قروپلاردیر. نه‌قدهر بو قوروپلارین-ماراق دایئره‌سی گئنیشلنسه عئلمی اوسلوبون فعالییتی بیر او قدهر آرتاجاقدیر. بو گون عئلمی اوسلوبدان یارارلانان قوروپلارین قارشیسیندا آرتیق الیفبا موشکولو یوخدور؛ آذربایجان جومهوریسی یارانمادان اونجه کیریل الیفباسیٔ عئلمی اوسلوبون یاییلماسیندا بیر سیرت مانیعه اولموشدور. بو گون آرتیق بو موشکول اورتادا یوخدور. دئمک اولار کی، گونئی‌ده آذربایجان ضیالیلاریٔ عالی تحصیل آلدیغیٔ زامان لاتین الیفباسینی اویره‌نیرلر. بو دا شیمالدا یازیلان عئلمی اثرلردن موختلیف واسیطه‌لرله فایدالانماغا ایمکان یارادیر. بونون نتیجه‌سینده شیمالدا و جنوبدا اولان عئلمی اوسلوبلار آراسیندا اولان تئرمینولوژی فرقلر یاواش-یاواش آرادان قالخاجاقدیر. گونئی‌ده گئشه -گئده خیریم خیردا فرقلر اورتادان یوخ اولور و واحید بیر اوسلوب عئلمی اثرلریمیزده ایشله‌نیلیر. بو چوخ طبیعی بیر مثیل‌دیر. عئلمی اوسلوبون دیلی و دیل قورولوشو واحید بیر اثحتییاجا جاواب وئرمه‌لیدیر. یعنی اوخوجونون شوعورونا اوخشار بیر تاثیر بوراخمالیدیر. بئله بیر تاثیر آنجاق ایستاندارد بیر دیل چرچیوه‌سینده باش وئره بیلر. بونا باخمایاراق، گونئی‌ده ادبی دیلین فعالییتینده مئعیاردان کنار حاللارا دا راستلاشیریق. مئعیاردان کنار حاللار آشاغیٔداکی شرائیطده اوزونو گوستریر:

۱- گونئی‌ده یارانان عئلمی اثرلرین دیلینده شیمالدا ثابیت‌لشمیش عئلمی تئرمینلر ایشلکدن قوولولور. منجه بونون اساس سببی اوندان عیبارتدیر کی، بو تایدا عئلمی اوسلوب داها چوخ کوتله‌وی کاراکتئره مالیک‌دیر. عئلمی اثرلر بورادا موعین بیر قوروپ اوچون یوخ، بوتون کوتله اوچون حاضیرلانیر. بونا گوره ده او بیر چوخ حاللدا خالق دیلینه یاخین‌لاشمالیٔدیر. عئلمی اثرلر داها چوخ مطبوعاتی، بدیعی اوسلوبونون تاثیری آلتیندا اولور. میثال اوچون: لومو سویو – بورنون قانئین قوروتماق اوچون بیر تیکه پامبیغیٔ لومو سویوندا ایسلادیب قویون بورونا قانیٔ قورور (عبداله حسین زاده، اوردان- بوردان، دان اولدوزو روزنامه‌سی، سال چهارم، ۲۱ فروردین ۱۳۸۴، شماره‌ی ۱۳۹،ص.۵). ائله بونا گوره مئعیاردان کنار حاللار اورتایا چیخیر. بئله یازیلاردا ثابیت‌لشمیش تئرمینلردن یارارلانماماق یا سهو نتیجه‌سینده باش وئریر، یا دا یازان بیله- بیله شیمالدا اولان تئرمینلری ایش‌لتمه‌یر. میثال: **آد سوزجوکلری** جومله‌ده چوخلو اونملی گوزگو (وظیفه) اوستون‌لنمیش اولارلار؛ اورنک اورالاق: **ایشلو** (عملکرد) و یاناشما باخیمیندان (ایشیق سونمز، آد سوزجویو و عوضلیک

۳- نیظامی جعفروف ، جنوبی آذربایجاندا ادبی دیل ، باکی ، ۱۹۹۰، ص.۱۱۲

مقاله‌سینده، قایناق اینتئرنئت). همین مقاله ده **موّطلق آدلار، شئی آدلاری، یاپیشقان دیللر، سوّرقو** عوّضلیکلری، **خالق آغزی** (لهجه یئرینه)، **اک** کیمی تئرمینلره راستلاشئریلیق کی، آذربایجان دیلچیلیک تئرمینولوژیسیاسیندا ایش‌لنمیر. همین تدقیقاتچیلاردان باشقا بیر میثال: بیر شئی‌ین دورومونو آچیقلایا (ایضاح ائده) بیلن ان کیچیک **بیریم** (واحید) جوّمله‌دیر (ایشیق سوّنمز، جوّمله مقاله‌سیندن، قایناق اینتئرنئت). ائله همین مقاله‌ده **اوّیرنیم** جوّمله‌سی، **بویروق** جوّمله‌سی، **گئرچک‌لیک** جوّمله‌سی، **سوّروّ جوّمله‌سی، سوّرقو** جوّمله‌سی کیمی دیلچیلیک تئرمینلره راستلاشئریلیق کی، یوّز ایلدن چوخ اوّنون آذربایجانجا قارشیلیغی موّجوددور. بونونلا یاناشی بیر دیلچیلیک کیتابیندا قارشیلیق//موّتقابیل نوّن، شوّهودی کئچمیش //ماضی موّطلق، دوّاملی کئچمیش//ماضی ایستیمراری، اوزاق کئچمیش// ماضی بعید، غیرشوّهودی شکیل//فوّرم، فئعلین لازیم شکلی//فوّرمو کیمی موّترادیف تئرمینلرین ایشلنمه‌سینه‌ده راستلاشئریلیق ٤. باشقا بیر میثالدا علمی تئرمینلر عئینی منشألی اولسادا یازار اوّنون آذربایجاندا اوّلان فوّرماسیندا بیگانه یاناشیر: «سوسور سنکروّنیک (چاغداش) توّصیفی **descriptive** دیلچیلیک‌له دییاکروّنیک (تاریخی) دیلچیلیئی بیر-بیریندن آیئردی و قئیرامئر کتابلاریندا تاریخی دیل خوّصوصیئت‌لرینی بو گوّنکوّ دیله قارشدیرماغی رد ائتدی».

۲- ایکینجی گوّنئی‌ده مئعیاردان کنار حالی دیلین داخیلی قورولوشوندا گوّروّک. بودا، هله‌لیک، قاچینیلماز بیر حالدیر. ایللر بوّیو فارس دیلیندن آلینان علمی معلومات بیزی اوّرایا چاتدیریبدیر کی، آرتیق علمی دوّشوّنجه‌میز همین دیلین قورولوشو اساسیندا فوّرمالاشیر. بونون نتیجه‌سینده یئنی یازیلان علمی اثرلریمیزده دیلیمیزین نحوّینده جوّمله‌لرین قورولوشوندا و سوّزلرین سیّرالانماسیندا فارس دیلی‌نین تاثیری بیزی ایستاندارد دیلیمیزدن اوزاقلاشدیریر. میثال اوّچوّن: ان اساس اوّدور کی زلزله قورتاردیقدان سوّنرا سویوق قانلیلیق وضییئتینی قوّرویوب ساخلایاسان. داغینتی‌لاریّن آلتیندا قالان آداملاری خیلاص ائتمک یانغینی و پارتلایئیش اوّلدوغو حال دا ایسه تلفاتین قارشی‌سینی آلماق واجیب‌دیر. (زلزله‌دن سوّنرا نه...) بو نوّمونه‌ده حتا مقاله نین عوّنوانی‌دا فارسجا قوّرولوبدور و شخص عوّض‌لیئی یوّخدور). بو میثالی اوّنون ترجوّمه‌سیله موّقایسه ائدک: (مهم آنست که پس از زلزله خونسردی خود را حفظ کنیم. برای نجات فردی که زیر آوار مانده است و به هنگام آتش سوزی و انفجار جلوگیری از تلفات بسیار واجب است).

بئله مئعیاردان کنار حالا علمی یازیلاریمیزدا تئز-تئز راستلاشیریق. منجه آنا دیلیمیزده تحصیله باشلادیقدا بو حال تام آردان چیخاجاق.

٤- زهتابی محمدتقی، موّعاصیر ادبی آذری دیلی (سس- صرف) ، تبریز ، ۱۳۷۰

عئلمی اوسلوب بدیعی وَ مطبوعات اوسلوبوندان اوْنا گؤره فرقلنیر کی، بورادا دیل چوْخ دقیق ایشلنیلیر. سؤزلری حقیقی معنادا ایشلتمک طلب اولونور. دیلین منطیقی قورولوشونو اؤن سیرایا چکیر. بونو دا قئید ائتمک یاخشیْ اولار کی، بیزیم کئچمیش عنعنه‌میزده عئلمی اثرلری شئعر ایله یازماق مئیلی اولوب وَ بئله اثرلر بوگؤن الیمیزه چاتیبدیر.

نهایت بئله نتیجه آلمالیْیئیق کی، عئلمی اوسلوبدا اوْ تایْ ایله بو تایْ آراسیندا چوْخ فرق یؤخدور. یالنیز تاریخی شرائیط بئله اولوبدور کی، بیز اوْ تایْ وَ بو تایدا عئینی واحید ایفاده‌لری موْختلیف شکیل‌ده یازیب ایشله دیریک. عئلمی ایفاده چوْخو آلئینما سؤزلردن عیبارتدیر وَ همین سؤزلر اوْتایدا روس دیلیندن وَ بوتایدا فارس دیلیندن آلئینیب‌لار کی، تلفوْظ وَ ایملارلاریندا ایکی‌لیک یارادیبدیر. گرگ ضیایالیْلاریمیز بو مسله‌یه فیکیر وئرسینلر وَ اؤز عئلمی ایشلرینده بو ایفاده‌لردن یارارلانسینلار کی، نه شیش یانسین نه کاباب. بونو آیدینلاشدیرماق اوچون بیر نئچه عئلمی ایفاده‌نی تطبیقی صورتده میثال گؤسترمک یئرینده اولار:

بو تایدا دئییرلر	او تایدا دئییرلر
فیزیک	Fizika(فیزیکا)
بالرین	Balerina(بالئرینا)
بیبلیوقرافی	Biblioqrafiya(بیبلیوْقرافیا)
آسم	Asma(آسما)
باکتری	Bakteriya(باکتئریا)
بلوز	Bluza(بلوزا)
بروشور	Broşura(بروْشورا)
تلئویزیوْن	Televiziya (تئلئویزییا)
بواسیر	Babasil(باباسیل)
بامبو	Bambuq(بامبوق)
وَیولوْنسئل	Violonçel(وَیولوْنچئل)
کالئج	Kolej (کوْلئژ)

اوچوش

حسن ایلدیریم

بولوت‌سوز ماوی گؤیه ساریئ
اوجالدیئ آغ گؤیرچین
آرخایئین- آرخایئین
اوچدو...اوچدو... اوچدو...
بیر میرواریئ دنه‌سی کیمی گؤرؤندؤ
ماوی‌لیئین بوجاغیندا
اؤره‌یئم چیرپیئندیئ... چیرپیئندیئ
حسرتلری سیلکینیب
نیسگیل‌لری سؤیونوب
اینجی‌لشیب، دینجلمک ایسته‌دی؛
آرزولاریئن قوجاغیندا

گؤیرچین اوچدو... اوچدو...
اوچوب یوخوما قؤندو:
«ایکی‌جه خؤروز ساواشدیئ
بیری قانا بولاشدیئ
قان آخدیئ چایا دؤشدؤ
چایدان گؤیرچین اوچدو...»
گؤیرچین اوچدو... اوچدو...
گؤزؤمدن یوخو قاچدیئ

قیزیئل گؤله بؤکؤلمؤش یوخولاردان اؤیاندیم:
آغزیمدا- آلمالاریئن قیزیئل دادیئ
اللریمده- که‌پنک‌لرین توزا دؤنمؤش قانادیئ!
باشیمدا- رؤیالاریئن هاواسیئ
کؤنلؤمده- سئودالاریئن نیداسیئ

بیر آیاغیم گئجه‌ده
بیر آیاغیم گؤندوزده
اوچماق ایسته‌ییرم.
شفقلی اؤفؤلری قوجماق ایسته‌ییرم.
سؤنسوز ماوی‌لیکده سؤزؤب،
قیزیئل آلمانیئ کهکشان بوداغیندان اؤزؤب،
اینسانلارلا پاییلاشماق ایسته‌ییرم.

آچیلمازیئ آچماق ایسته‌ییرم
اوچولمازا اوچماق ایسته‌ییرم.



داستایوفسکی‌نین «جینایت و جزا» رومانی



داستایوفسکی

آکادئمیک محمد عاریف
ایختصارلا کؤچورن: «همت شهبازی»

«جینایت و جزا» اؤخوجولارئن دیققتینی در حال جلب ائتمیش و یازئچئ‌نئن شؤهرتینی آرتئرمیشدئ. بونا سبب اثرین ایحاطه ائتدیئی ایجتیماعی- فلسفی مسله‌لرین اهمیئتلی و مؤعاصیر اؤلماسئ ایدی البته، بورادا صؤحبت «مقصده اویغون»، ویجدانئن ایشتراکی، عاغلئن مصلحتی‌ایله ائدیلن حرکتدن، جینایتدن گئدیردی. رؤمانئن باش قهرمانئ راسکؤلینکؤف یؤخسول بیر طلبه‌دیر، عالی مکتب‌دن قووولموشدور. اؤخوماغا و یاشاماغا ماددی ایمکانئ اؤلمایان بو طلبه اؤسته‌لیک آناسینئ و باجئ‌لارینئدا ساخلامالئ ایدی. یؤخسوللوق و آجلئق راسکؤلینکؤفو قریبه فیکیرلره گتیریب چئخارئر. او، حددیندن آرتئق پولو اؤلان و بو پولدان یارارلانمایان قارئنئ اؤلدؤروب، پوللارئنا ییه‌لنمک و راحات یاشاماق فیکرینه گلیر. او فیکیرله‌شیرکی، هئچ بیر شئیه یارامایان وئجسیز بیر قارئنئ اؤلدؤرمک جینایت دئییلدیر؛ آخئ، بو قارئ بو گؤن یا صاباح اؤزؤ اؤله‌جک، آمما من اونو اؤلدؤرمک‌له، یاشامالئ اولان بیر چؤخ آدامئ اؤلؤمدن قورتارارام، بو داها یاخشئ دئییل‌می؟ راسکؤلینکؤف بو حرکتی ایله جمعییتده‌کی عدالت‌سیزلیئی آرادان قالدیرماق، چکدیئی اذییت‌لرین عوضینی چئخماق، حیاتدا مؤوازینت عمله

گتیرمک ایسته‌ییر. او اؤز پلانئینئ یئرینه یئتیریر، قارئینئ اؤلدوروب، پوللارئنا صاحیب اولور. ایندی عؤمروئونون آخیرئنادک راحات یاشایا بیلر. لاکین ائله اولمور. ویجدان عذابئ اونو راحات بوراخمیر، او حیس ائدیرکی، ایشلتدیئی جینایت اونو آدامسلاردان، خالقدان اوزاق‌لاشدیرمیشدیر، بو جور یاشاماق چتین‌دیر.

راسکولینکوف مارمئلادوف‌لار عائیله‌سیله تانیش اولور. بورادا داستایوفسکی باشقا دهشتلی بیر عالمی قارشیمیزدا ایشیق‌لاندیرئیر. یوخسوللوغون، دیلنچی‌لیئین و سرخوشلوغون تؤره‌تدیئی سفیل حیات صحنه‌لری بیر- بیرینی عوض ائدیر. یازیچئ واختئ ایله گئنیش یایئیلمیش فاحیشه‌لیئین ایجتیماعی کؤکلرینی آچیب گؤسترییر...

مارمئلادوفون دفن مراسیمینده یئنی بیر فاجیعه مئیدانا چیخیر: زاوال‌لئ سونیانئ اوغورلوقدا تقصیرلندیریب، روسوای اتمک ایسته‌ییرلر. راسکولینکوف اونو مودافیعه ائدیر. بو قیزئین فاجیعه‌سی فونوندا راسکولینکوفون جینایت‌کار نظریه‌سی چوخ تأثیرلی سسله‌نیر. کئچیردیئی فاجیعه‌لره، سفالته و یوخسوللوغا باخمایاراق سونیا مارمئلادوفا اوره‌یینی تمیز ساخلایا بیلمیشدیر. اوندا چوخ خئیرخاه و فداکار بیر قلب واردیر. او، محبت یولوندا بوتون وارلیغینئ قوربان وئرمه‌یه حاضیردیر. سونیانین بو ایلاهی سیماسئ راسکولینکوفو واله ائدیر. بو یوخسول، جانی طلبه اؤز لوغالیغین‌دان، خودپسندلیئیندن اوتانیر، اینسان قلبی‌نین نجابتینه، معنوی قودرتینه، مردانه محبتینه تسلیم اولور. او اؤز جینایتی‌نین جزاسئنئ سونیانین پاک محبتی‌ایله، عولوی معنویاتئ ایله یوییور. سورگونده، بدبخت محبوس‌لار آرسیندا راسکولینکوف سانکی یئنی‌دن دونیایا گلیر. راسکولینکوفون «عوصیانئنئ» داستایوفسکی تقدیر انتمیر. بو مغرور، فردیئت‌چی، انقوئیست (خودپرست) اینسان خام خیالا دوشور و مغلوب اولور. اودا پوشکینین آلئکوسو (قاراچی‌لار) کیمی شهرین بوغوجو هاواسیندان قاچیب آزاد قاراچی‌لارین یانینا گلنده اورایا اوزو ایله نظریه‌سی‌نین علئیهینه گئدیر و قاراچی‌لار طرفیندن قووولور. راسکولینکوو‌ون‌دا دهشتلی پئیغمبرلیئی باش توتمور، مغلوب اولور. داستایوفسکی‌نین «جینایت و جزا» رومانئ موعین درجه‌ده موباحیثه‌لی سجیه داشییردئ. راسکولینکوفون

سیماسئندا ادیب چئرنیشئفسکی‌نین «نه ائتمه‌لی؟» رومانئندا قویولان مسله‌نی پیسله‌ییردی، راسکولینکوفو «نئهیلیست» کیمی قلمه وئریردی. ۶۰- جی ایللرده، خوصوصن تورگئنوفون «آتالار و اوغوللار» (۱۸۶۲) رومانئندان سونرا، بازاروف صورتی‌ایله علاقه‌دار اولاراق نئهیلیزم اوصولونو، اونون یاراتدیغئ سیاسی، ایجتیماعی و مدنی ناییلییتلری تامام اینکار ائدن بیر جریان کیمی مئیدانا چیخمیشدیئ. کوهنه‌لیک طرفدارلاریئ چئرنیشئفسکی‌نین اوز رومانئندا اساسلاندیردیغئ اینقلابچئ دئموکراتیزم فیکرلرینی نئهیلیزم آدلاندیراراق پیسله‌مه‌یه باشلامیشدیلار. ایجتیماعی- فلسفی فیکیرلرینده دئموکراتیزم ایله ایرتیجا آراسیندا تردددو ائدن داستایوفسکی اوز اثرلرینده نئهیلیزمین فاجیعه‌سینی گوسترمک و راسکولینکوفو تنقید ائتمک ایسته‌میشدی. لاکین بویوک صنتکارئن نئهیلیستی، عذابکئش اینسان‌دیر، او معنوی بوحران کئچیریر، مغلوبییتی‌نین فاجیعه‌سینی دریندن یاشایئیر. داستایوفسکی راسکولینکوفون فاجیعه‌سینی یالنیز شخصی فاجیعه کیمی یوخ، تاریخی گئدیشاتئین ضیددییت‌لری اوچون ایضطیراب چکن، کدرله‌نن هومانیست بیر اینسانئین فاجیعه‌سی کیمی گوسترمه‌یه چالیشمیش، اونون سهویئنه و بو سهوی درک ائتمه‌سینه فلسفی معنا وئرمیشدیر. «جیناییت و جزا» رومانئ هر شئدن اول اوز کسکین رئالیزمی، ثروت و تجاوزز اوستونده قورولان جمعییتین توره‌تدییی رذالت‌لری، سفالتی آمانسیز بیر قلم‌له تصویر ائتمه‌سیله قیینمتلی‌دیر. رومانداکئ رئالیزمین گوجو، حادیثه و خاراکترلرین گئنیش عوموملشدیریلمه‌سی، اینسان روحونون درین‌لیک‌لرینه نوفوذ ائدن پئسیخولوژی تحلیل، زامان و مکان اوفوق‌لرینی او قدهر گئنیشلندیریرکی، اثر یالنیز اوز موعاصیرلرینی دئییل، بوتون دونیانئین و بوتون دوورلرین آداملارئنئ ماراقلاندیرئیر، اونلارئن قلبینی و فیکرینی ناراحات ائدن بیر چوخ ایجتیماعی، اخلاقی، فلسفی مسله‌لره توخونور.

جئرتدانئین ماهنئسئ

عزیز سلامی‌نئین، «سوسماز ماهنی» آدلئ کیتابئنا، اؤتەری بیر باخئش

ناصر داوران

کیتابئین تملی، قاباران سئوگی و قوربت قمیندن عیبارتدیر. «سوسماز ماهنئ»دا، سئوگی‌نین دورلو- دورلو شکیل‌لری‌له توش اولوروق. اؤزل سئوگی‌دن توتدو، جمعیئت سئوگی‌سی، توپراق سئوگی‌سی و امک سئوگی‌سینه‌دک. بونونلا یاناشئ، کئچمیش‌لرین حسرتی، وطن حسرتی و ایتیریلمیش دوستلار و دوستلوق‌لارئین خاطیره‌لریندن قوپان قوخو، شاعیرین روحونا چؤکور. ائله خالق افسانه‌لرینه یؤنلمک و شیفاهی خالق ادبیاتئندان قئیدالانمالاری‌دا بو باخئمدان اینجه‌لمه‌لییک:

داغلارئین آسلانئدئ قاراجا چوبان،
آدئندان دؤشمن اسه‌ردی اوزاقلاردا.
کؤکسونده آنجاق بیر آسلانئین اؤره‌یی!
بیلمزکی نه وار دوزاق‌لاردا!

ائلیندن، اوباسئندان آیرئ دوشن شاعیرین وطن حسرتی، ایچیندن قاینایاراق، بو میصرالارئ سؤنوجلایئر:

قوپاردیلار منی سندن
بوداقدان مئیوه دئییل،
بؤغازدان
دیل کیمی
ان یاندیرئجئ دئییم‌له اؤرک گؤینه‌رتیسی!

داغلارئین قارئ اریمه‌کده‌دیر. سانکی قارلار دئییل، داغ اؤزوندور کی، ائنیر دره‌یه، یاز گلیر و شاعیرین گؤزو یؤلدادیر. اینتیظار شاعیر، گیزلی-گیزلی، ایستک‌لی‌سی ایله باهارئین ایلگی‌لریندن‌ده دانئشیر:

قایالار چیچک‌لنیردی،
داغلار دره‌لره ائنیردی،

من سنی گؤزله‌ییردیم.

شاعیر «کؤچنه‌ییینین قؤخوسو» آدلی شئعرینده، سئوگیلی‌سینین قؤخوسونو هله‌ده دویور، هله‌ده آلیر:

ایللر کئچدی اوزون-اوزون
ایللر کئچدی،
قالدی بورنومدا ییئنه
قؤخوسو کؤچنه‌ییینین.

عزیز سلامی‌نئین شئعرینده اؤنملی مؤوضوّلاردان بیری‌ده آزادلیق‌دیر. امک نامینه و آزادلیق نامینه موّباریزه آپاران شاعیر، «ائللر جیرتدان اوّلاجاق»، دان باشلادیغی یوّلو، «**سوسماز ماهنی**» دا ایسه گئتمک‌ده‌دیر. یالنیز بو فرق ایله کی، ایکینجی کیتابدا، آچیق یوّروّشلوّ و چوّخ شوّعار وئرن شاعیر کیمی چیخیشی ائتمه‌ییر:

قارانلیقلاردا ائندیکجه
ایشیغا اوجالدی آغاج.

توّرپاغا کؤک آتان آغاج، هوّندوّرلشیب، گوّنشه ساری یوّکسه‌لیر.

صنت دانیمن، آداملار اوّچون یارانیر و یقین کی، اونو تانیماق، صنتین منظوروندا اوّلان کیمسه‌لرین کیم‌لییینی تانیمامیش، اوّلاسی دئییل.

بو سؤز عزیز سلامی‌نئین‌دا شئعری حاقدا دئییله بیلر. اونون یازیب-یاراتدیغی شئعرلر، بدیعی‌لیک‌لری‌له برابر، قایغی‌کئش دیلرده، یالنیز سیمبوّل‌لار و بدیعی تصوّیرلره کیفایت‌لنمک، اینسان سئوّر شاعیرین اوّرک دؤیونتوّلرینه توّختاق اوّلا بیلمز. گئرچک حیاتین، گئرچک‌ده اوّلای‌لاری وار. شاعیر حیاتدا کئچن سربست واقئعییت‌لره گؤز یوما بیلمز. بیر چوّخ، سوّن واختلاردا تاپیلان اویدوروجو و عمل‌سیزلییه یوّنللدن بیر چوّخ «ایسیم»لره رغمن، قایغی‌کئش شاعیر جمعییت وارلیغیندان آسیلی اوّلان موّوضولارا یاناشمالی و شئعرینین جوّوهری‌ده همین واقئعییت‌لردن آلینمالی‌دیر.

عزیز سلامی «**ماوی اوّمید**» آدلی بیر کیچیک شئعرده، قورتولوشا اینانجینی، خزان وورموش و شاختا قوّوورموش، چیلپاق بوداقلی آغاجین یاپراقلانیب، پوّهره‌لنه‌جک ایستیقبالیندا گؤسترمک‌له، ماوی‌لشدیریر. عادت اوّزره «یاشیل اوّمید» دئمه‌لی ایدی. لاکین شاعیر، «ماوی» دئمک‌له هم سؤزوّنوّ قریبه‌لشدیریر، همده ماوی‌دن دویولان راحات‌لیغی، خوّشبخت‌لییی، سربست‌لیک‌له ائکیز گؤسترییر:

ایمداد دیله‌ین اللر کیمی
آچیلا قالدیغ چیلپاق بوداق‌لار
نه یاخشیغ کی
اؤوج-اؤوج
ماوی اؤمید وار.

ائله «سوسماز ماهنی» نین اساس فرقی، «ائللر جیرتدان اؤلاجاق» دان دا تصویرلرین‌دیر. شاعیرین ایلک کیتابیندا، خیال قوشو چؤخ اوزاقلارا اوچا بیلمیر. عیللت بو کی، خیالین درین‌لیغی، اؤزؤنؤ تصویرلرین بدیعی ؤ اؤزل‌لیک‌لرینده گؤسترمه‌لیدیر ؤ «ائللر جیرتدان اؤلاجاق» دا بو بدیعی‌لیک یؤخ کیمی‌دیر. «سوسماز ماهنی» دا آمما، بونون عکسینه شاهیدیک. شاعیرین مؤرککب‌لنمیش ذؤوقؤ،اونون ایسته‌تیک دؤنیاسیغینی زنگین‌لشدیرمکده‌دیر. کیتابدا گئرچک دؤنیانین ایچیندن سئزیلن، گؤزل تابلؤلارلا راستلاشیریق:

کئچمه‌ییین بو یؤلدان
اوچماسین اوچاق‌دا اؤزه‌رینده
آغاج‌لار ائله دورسونلار
بوداق‌لاریندا سؤن یارپاقلاریغ
یؤلدا بئله قالسین
اؤزه‌رینده سئحیرلی
رنگلرله توخونموش
بو اوزون خالیغ
کئچمه‌ییین بو یؤلدان
اوچماسین اوچاق‌دا اؤزه‌رینده

شئعرده پاییزدان سؤز گئتمه‌ییر. اؤخوجو یالنیز بوداقلاردا قالان سؤن یارپاقلاردان بیلیرکی، یؤل اؤستؤنه توکؤلن ؤ اونون اؤزه‌رینده شاعیری اؤوسونلایان، آل-الوان ناخیشلیغ خالیغ توخویان شئیلر، خزان وورموش یارپاقلاردان عیبارتدیر.

«بورخئس» دئییر:

شئعر، هر دؤنه، یئنی تجروبه‌دیر. شئعری هر اؤخودوقجا، تجروبه‌ده اؤز وئریر ؤ بو شئعر دئمک‌دیر.

عادیجه تجروبه‌لر، عادیجه یاشایئیش فاکت‌لاریئ، شاعیرین خیال وئ دویغو سوزگنجیندن کئچرک بسله‌نیر وئ شعر دوغور:

ایستی چوخرکدن دی گولوشون
سرین سودان،
بایرام یومورتالاریندان دیئ گولوشون،
بیر قیرمیزیئ شیرین قارپیزلا
خوشبخت اولدوغوموز زامانلاردان.

گولوشون ایستی چوخرکدن اولماسینئ نئجه یوزماق اولار؟ هانسیئ ایلگی‌لر بو بنزه‌تمه‌نین یارانماسینا تمل دوروب؟ منجه بعضن «ایشراق»ادا اینانمالیئیق. شاعیرین‌ده یوخ، اوخوجونون «ایشراق»ینا. بئله سوزلرین ان یاخشیئ اینجه‌لمه‌سی، اینجه‌لمه‌یه‌بیلیر. گرک باش ایتک وئ بیلک کی، بئله واختلار، یالنیز وئ یالنیز اوره‌یه‌میزی دینله‌مه‌لییک، دویغولاریمیزی دویوم‌لاریمیزیئ یوزماق‌لا شعری محدودلاشدیرماق، شاعیرین سربست جوشان خیالینا اینصاف‌سیزلیق دئمک‌دیر. بو همان بورخئس دئیه‌ن تجروبه‌دیر. هر دوئه هر کیمسه‌نین طرفیندن، اوزل دویوم‌لارلا معنا تاپان وئ دئییم سئینیرلاریئنا سیغمایان تجروبه.

بو کیمی اوزنک‌لر «سوسماز ماهنیئ» دا آز دئییل. «چیچک‌لر» آدلیئ شعرین بیر بؤلومونده، چیچک‌لرین تاریخ بویو یازیلماسیش وظیفه‌سینی، سئوگی داشیماق دوشونن شاعیر، سئون‌لرین بیر-بیرینه چیچک دئییل، کونول وئرمه‌لرینی، چیچک لطافتینده ده رسم ائدیر:

خبری یوخدور کی چیچک‌لرین
نه اولدوغوندان سئوگی‌نین،
آمما گوز نه سئوگی داشییئیرلار
ائولردن-ائولره
اللردن-اللره!

ائله شعرینده بدیعی‌لیئی بوندادیر. مین ایللرله تکرار اولان تجروبه‌نی یئنی‌دن تجروبه ائله‌مک. قویئ «بورخئس»ین سوزونو گئنیشله‌ندیرک وئ شعرین هر اوخونماسینیئ یالنیز اوخوجو طرفیندن دئییل، شاعیرین‌ده طرفیندن، یئنی شعر دوشونک. منجه، شعر، ائله شاعیرین‌ده اوخوماسیندا، تکرار اولان تجروبه‌دن عیبارت‌دیر وئ هر دوئه ایلکیندن فرقلی‌دیر. هله بونودا دئمک ایسته‌ییرم کی، بعضن شاعیر، شعرینی یازاندان سونرا کشف ائدیر. باشقالارئن گوزوئیله‌ده باخییر بعضن اوز شعرینه، شاعیر «سوسماز ماهنیئ» دا اوخویوروق:

ائـیْ بۆتۆن جانلـیْلار، گۆزلرینیزی
وئرین منه!
بیر گۆرۆم اۆنو.

شاعیر یالنیز بیر جۆت گۆز ایله گۆرمه‌یه کیفایـت‌لنمه‌ییب، بۆتۆن جانلـیْلاریْن گۆزلرینی امانت ایسته‌ییر، سئوگیلی‌سینین سودان چـیخاندان سۆنرا کی، «آفرودیت»دان اۆستۆن گۆزل‌لییینی گۆرمه‌یه. گویا شعری‌ده بئله گۆرمک اۆلار. شاعیرده، اۆخوجودا، باشقالاریْن گۆزۆیله اۆخویوب، اۆره‌یی‌له‌ده دویا بیلر. اۆنلاریْن دا تجروبه‌لرینی الده ائدرک، بیر آیریْ تهره‌ده اۆخوماق اۆلار شعری.

«سوسماز ماهنـیْ» نـیْن یارارلـیْقلاریْیلا دا برابر، یارامازلـیْقلاریْ دا وار. منجه کیتابیْن قابیْغـیْندا کی رسم، ایضاح‌سیز اۆلمالـیْدیْ. ۱۱- جی صحیفه‌ده وئریلن ایضاح‌لار، اۆنون چۆخ معنالـیْ اۆلماسیْنـیْ بیزدن اسیرگه‌ییر. کـیْشکه شاعیر منیم دویْغولاریْمیْ اۆزۆنۆن وْ رسسامیْن فیکرینه دۆغرو یۆنلتمه‌یه‌یدی. بلکه‌ده بالتالانمیْش آغاجیْ، حیات دۆغار، آل-الوان پۆهره‌لی شام وْ ... کیمی‌ده دۆشۆنمک، اۆخوجونون حاققـیْمیْش.

بو ایضاح‌لار، بعضن شعیرلرده‌ده گۆزه چارپیر. خۆصوصیله «روائی» شعرلرده. بو گۆن حیکایه‌نین شعیر گـیْیمی گـیْیمه‌سی، اینجه باخـیْشلـیْ اۆخوجونون ماراغـیْنا قارشیْ دورور. اۆخوجو اۆنو ناغـیْل-دئـیه (حیکایه وْ رۆمان یازارلاریْ منی باغـیْشلاسیْن‌لار)، قۆیور قـیْراغا. «سوسماز ماهنـیْ» نـیْن بئله شعری چۆخدور. «دۆنـیْا بیر پنجره‌دیر» وْ «عالمین یاتان واختـیْ» فصیل‌لر، اۆسطوره وْ فۆلکلۆر باخـیْمیْندان ده‌یرلی اۆلسالاردا، شعریـیْت‌لری سئـیْرک‌دیر. اۆنلار ایستر-ایسته‌مز، نثره یاخـیْنلاشیْر، بلکه‌ده نثره چئۆریلیرلر:

ایکی باجیْ وارمیْش، بیر قارداش،
اولو گۆیلرمیش اۆنلاریْن یوردو.
باجیْلار کیچیک قارداشیْ چۆخ
سئۆرمیشلر،
ایچدیک‌لری بولاق سولاریْ
یـئدیک‌لری اۆرمان مئـیۆه‌لری اۆلوردو.

تکرار، شاعیرین سۆزۆنه یـئنی معنالاردا آرتـیْرا بیلر:

گۆندۆزلرله دۆلو
فصیل‌لرین اۆزه‌ریندن
کـیْچدی گـیْنجه
کـیْچدی
کـیْچدی
کـیْچدی...

«کئچدی»نین تکراری بو حیسسی گویا شاعیرین اؤره‌ییندە بیر دیلک دالغالانیر و اؤدا گئجه‌نین کئچمه‌سینین سؤره‌کلی اؤلماسیدیر. بو تکرار بعضن ماراقلئ و سؤزون درین‌لشمه‌سینه‌ده یاردیمجی‌دیر. بونونلا بئله، تکرار همیشه مؤثبت رؤل اؤینامیر. عکسینه، یؤروجو و اوساندیریجی دا اؤلا بیلیر:

هئچ اؤلارمی قوش اوچماسین؟
هئچ اؤلارمی اؤیونجاق‌لاری اؤلماسین؟
هئچ اؤلارمی گؤندوزلری اؤینامیاسین؟
گئجه‌لری اویوماسین؟
هئچ اؤلارمی سوسایاندا سو ایچمه‌سین؟
آجیخاندا اؤ یئمه‌سین؟
هئچ اؤلارمی... هئچ اؤلارمی...
هئچ اؤلارمی...؟

اؤرنک وئردییئیم بؤلومده، تکرارین ایکی دورومو وار. هم مضمون تکرار اؤلوب، نییه کی، بؤتؤن میصرالار، تقریب‌له بیر معنانی داشییئیرلار، همده «هئچ اؤلارمی» سؤزو دفه‌لرله دئییلیب‌دیر. بو تکرارلار یئرسیز اؤلدوغو حالدا، سؤزون اوزانماسینا و نهایئتده اؤخوجونون بئزیکمه‌سینه باعیث اؤلور. بو کیمی تکرارلار، کیتابین باشا-باشیندا گؤزه چارپیر.

قافییه و خوصوصییله جیناسلی قافییه مجبورلوغوندا قالیب، گرک‌سیز کلمه‌لره باش ایمک، بعضن شئعرین موسیقی‌دن قئیداسیزلیغینا باعیث اؤلان حرفلر اویوشمازلیغینا لاقئید اؤلماق، شئعرده اؤیؤد وئرمک و بو کیمی آخساق‌لیقلاردا، «سوسماز ماهنی»نین زنگین‌لییینه یئری گلدیکجه آفت اؤلور.





تاختالـــیٔ کؤیدن مکتوبلار

عزیز نسین
چئوئیرن: اسماعیل شئخلی
کؤچؤرن: بابک-آرش

سئوئیملی ائششک آرئیسی!

بوندان اوئل مکتوبلارئمدا ئازدئغئیم کیمی اؤلمؤشدؤم، آمما اؤلمه‌ئیمی هئچ جؤر رسمی‌لشدیره بیلمیردیم. ئـئر اؤزؤنده «رسمی» ئاشاماقدا، «رسمی» اؤلمک‌ده چتین‌دیر.

خسته‌خانانـئین زیرزمی‌سینده منیم کیمی بیر نئچه اؤلؤ واردئ. ساغ طرفیمده گنج بیر کیشی، سؤل طرفیمده ئاشلـیٔ بیر قادئین اوزانمئیشدیٔ. گنج‌دن: - سیز نه‌دن اؤلؤبسؤنؤز؟ - دئـیه سؤروشدوم.

- اؤزؤمؤ اؤلدؤرمؤشم. — دئدی.

- نئجه‌دیر اؤزؤنؤ اؤلدؤرمک آساندیٔرمیٔ؟

- اوه... اؤزؤنؤ اؤلدؤرمک، اینتیحار ائـتمک، قدیمدن دبده‌دیر. ایندی اینتیحار ائـتمک، ئاشاماقدان دا چتیندیر. من اوئلجه اؤزؤمؤ دنیزه آتـئیب اؤلدؤرمه‌ئی قرارا آلمئیشدیئم. قؤجا ایستانبولون آنا دؤلو ساحیلینی رؤمئلی ساحیلینی باشدان-باشا دؤلاشدیئم، ساحیلده اؤزؤمؤ

دنیزه آتماق اوچون بیر پارچادا اولسا بوش یئر تاپا بیلمه‌دیم. ایستانبولون بوتون دنیز ساحیلینی زنگین‌لر ایشغال ائله‌ییبلر. هر یئرده یاپیلاقلار، ویئللالار کوشکولر قایئیق‌خانالار چیمرلیک‌لر دوزه‌لدیبلر. فیکیرلشدیم کی، بلکه بونلارئن بیری ایجازه وئره‌ر کی، اونون ساحه‌سیندن اوزومو دنیزه آتام. «اینسانلئیق نامینه بورادان اوزومو دنیزه آتماغا موساعیده ائدرسینیزمی؟» - دئیه سوروشدوم. «سن دلی می اولموسان؟ بو گوزللی‌یه تاماشا ائله. هئچ اینساندان بو گوزللیکدن ال چکرمی؟! اوزونو اولدوره‌ر می؟!» - دئیه جاواب وئردیلر. خولاصه آرادیم آختاردیم، آمما دنیز ساحیلینده اوزومو آتماق اوچون بیر پارچا بوش یئر تاپا بیلمه‌دیم.

- چیمرلی‌یه گئده‌یدین.

- آخیردا ائله ائله‌دیم. آمما چیمرلیک‌ده دنیز تاپماق موملکون دئییل. «الویدا ائی گوزل دونیا!» دئییب اوزومو دنیزه آتدیم. گوردوم کی، قارنیمئین آلتیندا بیر شئی ترپندی و «آمان!!» - دئیه قیشقیردیم. گوزومو آچیب گوردوم کی، سو جمدکله دولودور. اینسانلار پیچقیل بالیق کیمی سورو ایله دولوشوبلار سویا هئچ ترپنمه‌یه یئر یوخدور. اوزونو سویا آتاندا یا بیرینین بئلینه یا قارنی‌نئین اوستونه دوشه‌جکسن. ایندی بیلدین می چیمرلیک وار آمما دنیزده بوش یئر یوخدور.

- قایئیغا مینه‌یدینیز.

- ائله بیلیرسن مینمه‌دیم؟ قایئیقلارئن ایچینده ده ترپنمک اولمور. آغزیناجان آداملا دولو اولور. اوزونو دنیزه آتماق اوچون گرک قایئیغئین بورنونا گئده‌سن. کئچه بیلسن ایگیدسن. اگر بیر تهر گئچمیش اولسان دا اوزونو آتا بیلمزسن. چونکی ال-قول ترپتمک موملکون دئییل. ایشدیر، شاید اوزونو آتماغا ایمکان تاپساندا خئییر یوخدور. یا الین یا دا آیاغئین بیرینه ایلیشه‌جک بوندانda یاخا قورتارا بیلسن فرقی یوخدور، سنی دنیزدن چیخاردا جاقلار. سوزون قیسساسی دنیزده اینتیحار ائتمه‌یه ایمکان یوخدور.

بس نه ائله‌دینیز؟

- قازلا اینتیحار ائتمک قرارینا گلدیم. بوتون دوستلارا، تانیش-بیلیش‌لره مکتوب یازدیم کی، «بیزیم فوتبال تیمیمیز جامئ الدن وئردیکدن سونرا دونیادا یاشاماق منه حارام اولدو. سون اویونداdا اودوزدولار؛ بونا دوزه بیلمه‌دییمدن اوزومو اولدورمه‌یه قرار آلدیم. اینشالاله یاخینلاردا گورو‌شه‌ریک.» مکتوبلاری یوللادیم. قازین آغزینی آچدیم. یئره اوزاندیم. یاریم ساعاتا قدر کئچدی. اوزومو یاخشی حیس ائتمه‌یه باشلادیم، گوردوم کی، آچیلیر خوشحال‌لانیرام، نشه‌له‌نیرم، سئوینیرم. بو نه‌دیر؟ یوخسا اینسان اولن‌ده بئله گومراه‌لاشیب سئوینیر، اگر بیلسه‌یدیم کی، اولمک بو قدر لذت‌لی ایمیش هئچ اذیت

چکیب یاشایاردیم می؟ بئله فیکیرلشیردیم کی، قاپئ دؤیؤلدو دؤشؤندؤم کی، یقین «هینکیر- مینکیر» ملک‌لری دیر گلیبلر «قاپیمئ آچیم‌می، آچمایئیم‌می» - دئیه تردیدؤد ائتدیم. اؤلمؤش اؤلدوغومدان من قاپئنئ آچا بیلمزدیم. اونلاردا ملک اؤلدوقلارئندان قاپئ-باجا بیلمز ائله لاپ دیوارئ یارئیب ایچری کئچه بیلردیلر. ائله‌ده اؤلدو. قاپئنئ زؤرلا آچئیب گیردیلر ایچری. بیرده گؤردؤم منیم مکتوب گؤندردییم آداملارئن هامیسئ ایچری دؤلوشدو.

- دئمک منیم آیرئلئغئما دؤزمه‌دینیز، سیزده اؤزؤنؤزو اؤلدؤدؤنؤز و منیم یانئما گلدینیز. باخ دؤستلوق بونا دئیه‌رم.

- سن دلی می اؤلوبسان؟

- نئجه؟ اؤلؤنؤن ده دلی‌سی اؤلور؟

- نه اؤلؤا سن دیپ دیری سن.

- یؤخ قارداشلار، من اؤلمؤشم، اؤزؤده اؤلمه‌ییمدن چؤخ راضئیئام.

- اؤزؤنؤ نه ایله اؤلدؤردؤن؟

- قازلا.

- دئیه‌ر- دئمز قهقهه‌یه باشلادئیلار.

- آی بالام قاز وار کی، اینتیحار ائده‌سن؟ او بؤرودان قاز یؤخ ائله-بئله عادیجه هاوا گلیر، هم ده تر-تمیز هاوا. پولو اؤلمایان خسته‌لر هاوالئ یئرلره گئده بیلمه‌دیکلریندن ایندی بورونلارئنئ قاز بؤرولارئنا توتوب تمیز هاوا اودورلار. ایندی ایستانبول‌دا هاوا قالمایئیب ماشاللاه سنین رنگیندن دؤزه‌لیب چؤن کی، زهرلی قاز عؤضینه تمیز هاوا اودوبسان.

- دئمک بئله! من ده دئییرم گؤره‌سن قاز اوددوقجا نییه احوالئیم یاخشئلاشیر گؤمراه‌لاشیرام. اؤزؤمؤ اؤلمؤش حئساب ائدیردیم....

من اونا قولاق آسدیقدان سونرا دئدیم:

- یؤخو درمانلارئ آلئیب ایچه‌یدینیز.

- آلدیم- دئدی.

- سیز قزئت زاد اؤخومورسونوز؟ قزئت‌لرده هر گؤن یؤخو حب‌لری ایله اؤزؤنؤ اؤلدؤرن قئیزلاردان یازئرلار. سونرادا قئید ائدیرلر کی، اونلارئ اؤلؤمدن قورتاریبلار، یالاندئر اونلاری خیلاص ائدن زاد یؤخدور؛ ایندی کی، یؤخو حب‌لرینی اؤزؤمؤزؤن کی لر دؤزه‌لدیرلر اونون بیرینی آتاندا بیر هفته یؤخون قاچئیر. باخ تزه حب‌لر بئله حب‌لردی.

- خاریجی حب آلایدئنئز.

– هاردان آلـیم، تاپیلـیر کی؟! خاریجدن هئچ نه آلمیرلار ایندی اؤز درمانلاریمیزی یـئتیریک. نه باشیمی آغریدیم زهر ایچمه‌یی قرارا آلدیم. هر گؤن ان تاثیرلی زهری ایچدیم. آممـا گؤندن-گؤنه یاخشیلاشدیم. اینانـیلاسی دئـییل، من زهر ایچه-ایچه پهلوانا دؤندؤم، الیمه کـئچن شـئی قؤپاریب قـیرماغا باشلادیم، آخـیردا بیر حکیمه گـئدیب، هر شـئی اؤلدوغو کیمی اؤنا دانـیشدیم. او منی دینله‌ییب:

– چؤخ طبیعی‌دیر – دئدی. سیز ایستانبوللو دئـییل‌سینیز می؟

– بلی ایستانبوللویام.

– سیزه زهر دؤشؤر. اگر سیز زهرسیز تمیز هاوالـی بیر یـئره گـئتسه‌نیز، در حال بؤغولارسیئنیز. ایستانبول کؤچه‌لرینده ایی وئرن زیبیل‌لره، توزلو دومانلـی هاوایا آلـیشیب‌سیئنیز، تکجه «دیمانـیئن» زهرلی سویو کیفایـت ائدر قارداشیم! اؤردان قالخان زهرلی هاوانـی اودان آدامدا نه کیشی‌لیک قالار، نه ده آروادلـیق. سن ایستانبوللو اؤلدوغون اؤچؤن بدنین زهره اؤیره‌شیب. اؤلمک اؤچؤن زهر ایچیرسن آنجاق ماشاللاه گؤندن-گؤنه گؤمراه‌لاشیرسان.

– بیر ایپ آلـیب اؤزؤنؤ آسایدیئن– دئدیم.

– ائله بیلیرسن، سن دئـیئن کیمی ائله‌مه‌دیم؟! گـئدیب بیر یاخشی ایپ آلدیم اؤزؤمؤ تاواندان آسار-آسماز ایپ قـیرئللدی. ایپلرده چؤرؤکدؤر قارداش.

– دامارلاریئنی اؤلگؤج‌له کسه‌یدین.

– سولطان عزیز ده ائله ائله‌ییب آممـا سولطان عزیز گلسین ایندیکی اؤلگؤج‌لرله دامارئنـی کسسین گؤرؤم نئجه کسیر. عزیزیم ایندیکی اؤلگؤج‌لر آدامئن ساققالـئنـی کسمیر، دامار کسرمی؟ هامیسی تنیکه‌دی.

– هؤندؤر بیر یـئردن اؤزؤنؤ آتسایدیئن نئجه اؤلاردی؟

– اؤنودا ائله‌دیم. بیر نئچه اوجا بینانـیئن اؤستؤنه چـیخدیم؛ ایندی ایستانبولدا تؤرپاغـی ساتـیئن آلماق دا وار بیلمیرسن؟ من اؤست قاتا چـیخانا قدر بیرده گؤردؤم تؤرپاغـی ساتـیئن آلـیب آلت قاتـی اوچوردورلار.

– ائله‌سه قارداش دیء گؤرؤم اؤزؤنؤ نئجه اؤلدؤردؤن؟

– هه... قولاق آس باشا سالـیم. ایندی اینتیحارئن یـئگانه بیر یؤلو وار. قؤهوم اقرباندان بیر قـیز وارسا اونو اره وئرمه‌یه چالـیشیر. ایندی کی کؤره‌کن‌لر اگر صبیرلی‌دیلرسه اؤله‌نن‌دن سونرا، اگر صبیرسیزدیرلر اؤلنمه‌دن اوول، قـیزئن بؤتؤن قؤهوم-اقرباسیئنـی وروب اؤلدؤرؤرلر، پیس نیئت‌له یؤخ، محبت‌لری‌نین چؤخلوغوندان بئله ائله‌ییرلر

یاخشیلیغین عوضینی وئرمک اوچون. بیزیم‌ده اوزاق قوهوم‌لاردان بیری وارایدیر؛ بیر دلی قانلی اوغلان قیزلا اولنمک ایسته‌دی، قیزین عاییله‌سی بوتون قوهوم اقرباسی:

– امان الله ایندی بیز نه ائدک؟ – دئیه تلاشا دوشدولر.

– قیزی وئرک جانیمیز قورتارسین – دئدیلر.

من اونلارا:

– بو کوره‌کن‌دیر قیز وئرسه‌نیزده وئرمه‌سه‌نیزدن هامیمیزی قیراجاق! – دئدیم.

– ایسته‌دییندن می؟

– جانیم، ایسته‌دی، ایسته‌مه‌دی نه فرقی وار. بونا کوره‌کن دئییرلر. ایسته‌ییر ده بیزی اولدوره‌جک، ایسته‌مه‌ییر ده. قیزی وئرمه‌سه‌نیز «نییه وئرمه‌دینیز؟» – دئییب اولدوره‌جک وئرسه‌نیز «وئردینیز باشیمی بلایا سالدینیز»– دئییب اولدوره‌جک. آروادی ساخلایا بیلمه‌دیمی اولدوره‌جک، پولو اولوب کیشی‌لیئی اولمایاندا دا اولدوره‌جک، بیلدییینیز کوره‌کن دیر، بو هامیمیزی قیراجاق!

– قیزی وئردیلر، کوره‌کن آروادینی آپاردی، بوتون قوهوملارا باش چکدی.

– باخ سنین دئدییین کیمی اولمادی، گول کیمی دولانیرلار. بیر–بیر قوهوم‌لارا باش چکیرلر.

– او قوهوملاری اولدورمک اوچون سئچیر اونا گوره باش چکیر. اوزونوز بیر آزدان گوره‌جکسینیز.

دئدییم کیمی ده اولدو؛ کوره‌کن هامیمیزی اولدوردو، اونون دا جانی قورتاردی بیزیمده.

– نییه اولدوردو؟

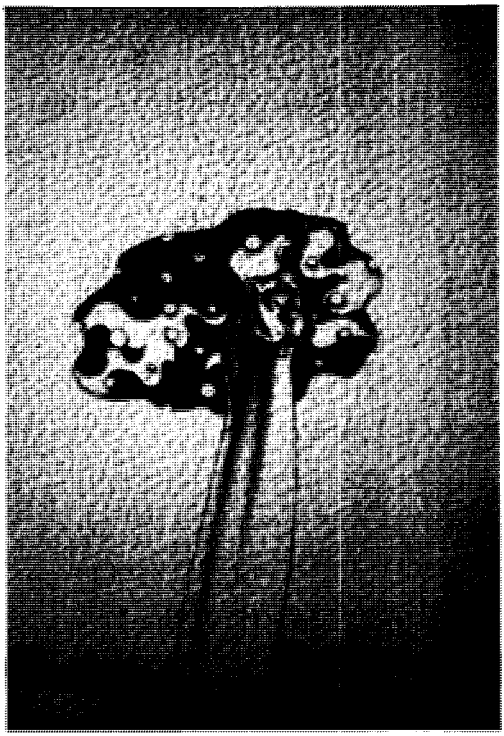
بللی دئییل. «بیر دفه پیچاغی الیمه آلدیم سونراسینی بیلمیرم» – دئییر. آمما تاقصیر قیزدا ایدی، من اونا تاپشیرمیشدیم کی: «آماندیر قیزیم اونون الینه پیچاق وئرمه!» کوره‌کن‌لرین الینه پیچاق کئچدیمی قورتاردی نه ائتدیک‌لرینی بیلمیرلر. بیزیم سفئه قیز یئمک زامانی: «سئوگیلیم، بو چوره‌یی کسرسن می؟» دئییب کوره‌کن پیچاغی الینه آلان کیمی گوزو قیزیب سونرا نه ائله‌دییینی یادینا سالا بیلمیر. بئله‌لیک‌له من او دونیادان بورایا گلدیم.

سئویملی قارداشیم انششک آریسی گله‌جک مکتوبلاریمدا او بیری‌لرینین نئجه اولدوک‌لرینی یازاجاغام. مکتوبومو بورادا قورتاریر و گوزلریندن اوپورم.

اولموش انششک آریسی

پری و چوبان

محمد قاضی



اردشیر رستمی

سهندین اته‌یینده یئرلشمیش «قیرخ بولاق» کندینده، ایللر بوندان اوّل بیر گنج چوبان یاشارمیش. بیر سوییوق قیش آخشامی گنج چوبان بیر قیز سئودی. تکجه چوبان سئومه‌دی، ایکی گنج سئویشدیلر. او گوزلین آدی «پری» ایدی. نئچه گوندن سونرا گنج چوبان اوز عئشقی‌نین ماجراسینی آناسی ایله آرایا قویدو. آنا کیشی‌سی ایله دانیشدی، قیز ائوینه ائلچی گئتدی، پری‌نین آتا- آناسی راضی اولوب اونلاری آداخلادیلار. آناسی قرار قویودو گلن پاییزدا توی توتولسون و پری ار ائوینه گئتسین. قیشین داریخمالی، گونش‌سیز گونلری گلیب کئچدی.

بایراما ایکی هفته قالمیش آغ یئللر اسمه‌یه باشلادی. قارلار اریدی، سولار آخماغا باشلادی، یاز آچیلدی. گنج چوبان یوّر- یوّکوّن توتوب کندین سوّروسونو قاباغینا قاتیب داغا چیخدی. داغلارین آشناسی اولان، گنج چوبان، گئجه‌لی گوندوزلو سوّروونو داغدا، دره‌ده اوتاریب و آخشاملار گولون اطرافینا آپاریب و اورادا یاتیردارديی. بو زامان کندلی‌لر، کیشی‌دن، قادینلان، قوجادان، جاوانلان اوز آت ـ قاطیرلاری ایله گولون طرفینه گلیب سوّروونو ساغاردیلار. آیین چیخماسیتیلا اونلار ایشلرین قورتاریب گنج چوباندان آیریلیب و اونو

باشئ اوجا داغلارلا تک قوپاردئلار. گئجه گلردی، سوکوت گلردی، آی گلردی و گنج چوبان ویصال حسرتی ایله، محزون و کدرلی نغمه‌لر اوخویاردئ. گنج چوبانئین نغمه‌لری، ماهنی‌لارئ حزین و ملال‌لئ اولسادا اونون اورپئین‌ده سئوینج وار ایدی. آخئ او پاییزئ گوزله‌ییردی و بو اومید اونون اوره‌ینی اوجاق کیمی ایستی ساخلایاردئ. یازئن آخشامئندا اوزاقلاردا دورموش آی، گلین کیمی گوزه چئخئردئ. گنج چوبان گوللون قیراغئندا اوز سوفره‌سینی آچئب شام ییئیه‌ردی. او شادلئقدان و سئوینجدن بیلمیردی کی نئیله‌سین. آخئ اونون پری‌سی اوز اینجه اللری ایله اونون اوچون خیتاب بیشیریب و گوبه‌لک قیزاردیب گوندرمیشدی.

چوبان شامینئ قورتارمامیشدئ کی ایتلرین سسی گلدی. او، ایتلر هورن طرفه باخئب بیر قریبه گوردو.

ـ سلام علئیکوم! ـ قریبه دئدی.

ـ کیم سیز؟!

ـ قریبم... درویشم، اوزاق یولدان گلیب، اوزاق دیارا گئدیرم. گوردوم هاوا قارانلئقلاشیر فیکیر ائله‌دیم کی گئجه‌نی سنله سحر ائدیم. ایذن وئریرسیزمی؟!

ـ خوش گلیبسیز! گوزوم اوسته یئریزوار.

قوجا درویش سوفره‌نئین باشیندا اوتوروب یئمه‌یه باشلادئ. اونلار یئییب، ایچیب، صوحبته باشلادیلار.

چوبان: مقصدینیز هارادیر؟ هارا گئدیرسینیز؟

درویش: منیم یوردوم بللی اولماز. هارا اولسا اورا گئدرم هارا یئتسم اوردا قالارام.

ـ ائوین، انشییین یوخدورمو؟ چوبان سوروشدو.

ـ یوخ.

ـ عومور یولداشئن ننجه؟

ـ یوخ.

چوبان اوندان اوترو کی اوزونو همدرد گوسترسین دئدی:

ـ آللاه قادیردیر.

درویش گوللوب دئدی: من اوزوم بئله‌سی سئویرم، یوخسا من دونیا مالئندان بی‌نیازام. من بو آلچاق دونیادا هئچ بیر شئیه بئل باغلامامیشام، بو دونیا باشدان- باشا یالاندیر. فانیدیر، پوچ دور.

چوبان، درویش بابانئین سوزلرینی باشا دوشمه‌دی.

ـ سنین ننجه؟ آروواد اوشاغئین وار؟ ـ درویش سوروشدو.

ـ من نیشانلئیئام، پایئیز گلسین تؤیٚ ائده‌جه‌یم، سیزده گلین تؤیا.

درؤیش دئدی: من؟!

ـ البته. – چؤبان دئدی.

ـ یازئیق! – درؤیش جاواب وئردی.

چؤبان تعجؤبله سؤروشدو: من؟! یازئیق منم؟ نییه؟ نه اؤچؤن؟

ـ بنی آدم دؤغرودان دا یازئیق دئیر. ائـیٚ چیـیٚ سؤد امیش! – سؤنرا علاوه ائـتدی: سن فیکر ائدیر سن کی، سنین سئـوگیلین همیشه‌لیک سنی سئـوه‌جک؟! البتّه کی یـوخ! هئچ بنی آدمین سئـوگیلی‌سی آخـیره‌دک اؤز عـشقینه صادیق قالماز. قادینلارکی وفا ایئی بیلمزلر. بو شئعری ده یادئندا ساخلا: «سگ وفا دارد، ندارد زن وفا!» اؤ بو گؤن سنی سئـوه‌ر ساباه اؤزگه‌سینی. گـئجه سنله باش یاسدئغا قؤیار گؤندوز آیریسیٚ ایله. تامام قادینلار بئله دیرلر. آممما اگر سن بیر پری ایله سئـوئیشه‌سن، اؤ سنی اؤلنده ده اونودماز. من اؤزوم بیر دفعا پری‌سی ایله ائـولنمیشم، هر واخت ایسته‌سم اؤ دنیزدن سیلکه‌نیب چـیخار منی (بو قوجا درؤیشی) قؤینونا آلـیب، حیات، سئـوینج وٚ فرح باغـیشلایار. سؤنرا اؤ اؤز دیئارینا، یورد- یوواسینا گـئدر.

درؤیش علاوه ائـتدی:

ـ بلی، بونا معنوی حیات آد وئریلر. من بئله بیر حیات سؤروزم وٚ دؤوران گـئچیریرم.

چؤبانیٚ بو افکار، قم وٚ خیال دنیزینه آپاردیٚ وٚ اؤنو قرق ائله‌دی.

چؤبان: ایلاهی بو قریبه نه دئییر؟... پری تکجه دنیزلرده یاشایار؟

درؤیش جاواب وئردی: سن اگر یـئر اینسانلاردان الینی اؤزسن، اؤندا گؤره‌جکسن کی بیر پری سنله اؤلفت باغلادیٚ، اؤ دریادان وٚ همین بو گؤلؤن آراسیندان یا گؤیدن سنین قوللوغونا گلیب سنله دؤستلوق ائده‌جکدیر. اؤندان سؤنرا، سن هر واخت ایسته‌سن اؤ سنین یانـیئنا گله‌جکدیر.

آیٚ اؤنلارئین باشیٚ اؤستونه گلمیشدی. درؤیشی یوخو آپارمیشدیٚ، چؤبانـیٚ اؤیغو وٚ خیال.

سحرین سازاغـیٚ اسنده درؤیش، چؤبانـیٚ یوخودان اؤیادیب وٚ اؤندان خوداحافیظلـیک ائدیب یؤلا دؤشدو. چؤبان یوخودان اؤیانمیشدیٚ، لاکین اؤنون اؤزونو قم توزو آلمیشدیر. مشییل‌سیز سؤروئو داغا سؤروب بیر قارا داش تاپیب اونا سؤیکندی، بالاجا- نـئیئی چـیخاریب بیر هاوا چالدیٚ. هر گؤن کی کیمین قوشلارئین سسی اؤنو سئـوئندیرمه‌دی اونا صمیمی داغلار، یاد وٚ قریبه گلیردی، گؤللرده بؤیاقلارئنـیٚ دییشدیلر. چؤبان قوماردا

شیرکت ائدیب وٚ عقل وٚ سرمایه‌سینی اودوزموشدور. آخشام گوْلوْن باشینا گلن ساغیٔچیٔلار، چوْبانیٔ خسته گوْردوْلر. قوْیونلارئن دوْشلرینده آزجاسینا سوْد ییٔغییٔلمییٔشدیٔ.

یاییٔن ایستی گوْنلری بیربیرینین آردینجا گلیب گئدیردیلر. پاییزا آز قالیٔردیٔ چوْبان گوْنی- گوْندن خسته‌لنیردی بیر گوْن آخشام قاش قارالاندا چوْبان گوْردو بیردسته دورنا قاتاریٔ گوْنشییٔه ساریٔ کوْچوْرلر. همن گوْن آناسینا پییٔغام گوْندردی: ـ آناجان منه توْیٔ بوْساطیٔ تداروْک ائتمه؛ منیم گلین گتیرمک فیکریم ییٔوْخدور. آنا آغلادیٔ، باجیٔ آغلادیٔ، قییٔز ائوْینه خبر گئتدی. پری‌نین گوْزوْ دوْلدو. گوْل رنگی سوْلدو.

- ایلاهی! بو نه خبردیر؟ ـ پری دئدی.

دورنالار کوْچدوْ، سهندین اولو زیروْه‌سینی قار آلدیٔ، سوْروْ کنده قاییٔتدیٔ، تا طوْوْله‌ییه گیریب یازیٔ گوْزله‌سین. یاشیل اوْتلاریٔ گوْزله‌سین. پاییٔزین ییٔللری کند ائوْلرینندن قالخان، گوْیٔ توْستوْلری کنده داغییٔدیٔردیٔ. کندلی‌لر بو توْستوْلری آلقییٔشلاییٔردیٔلار. آخیٔ بو توْستوْلر توْیٔ ییٔرلرینندن قالخان توْستوْ ایدی. هانسیٔ ائوْده آداخلیٔ قییٔز اوْغلان وار ایدی اوْردا توْیٔ چوْره‌یی یاپیٔردیٔلار. چوْخ ائوْلردن بئله توْستوْ گوْیٔه قالخییٔردیٔ. لاکین نه چوْبانیٔن وٚ نه پری‌نین ائوْلری‌نین باجاسیٔندان بئله توْستوْ چییٔخمیٔردیٔ.

گنج چوْبان خسته، کهربا رنگلی اوْزله ییٔوْرغان- دوْشه‌ییه دوْشموْشدوْر. اوْ، خولیا دوْنییاسیٔندا پری گزیردی، اوْنون پریسی ییٔثره‌ده اوْلارکن اوْ پری‌نی گوْیٔده گزیردی.

گوْنلر کئچیردی، چوْبان سس‌سیز، سمیرسیز یاتمیٔشدیٔ، اوْنون گوْروْشوْنه دوْست، تانیٔش گلیردی، لاکین اوْ بیر کلمه ده دانیٔشمیٔردیٔ. اوْنون پری‌سی ده اوْنون گوْروْشوْنه گلدی. حالیٔنی سوْروشدو. اوْره‌یی چییٔرپارکن آغلار گوْزله چال- چاغییٔردان دانیٔشدیٔ. آنا ایکی گنجی بیر اوْتاقدا قوْیوب ائشییٔه چییٔخدیٔ.

پری: منیم عزیزیم سنه نه اوْلوبدور؟

چوْبان جاواب وئرمه‌دی. پری آغلادیٔ، ایصرار ائتدی، سئوْگیلی‌سی دردینی اوْنا دئسین.

چوْبان گوْزلرینی ییٔوموب دئدی: من اینسانلاریٔ سئوْمیرم. سنی ده سئوْمیرم. من دنیز پری‌لرینه عاشیق اوْلموشام.

پری: من قانمیٔرام...

چوْبان دئدی: من سنی سئوْمیرم!

قییٔز آغلادیٔ، اوْنو اوْپوْپ اوْتاغیٔ ترک ائتدی. قانادیٔ سینمیش قوش کیمی، اوْ ائوْی ترک ائله‌دی.

قیش سؤیوق و آغیر، گؤنلر گئدنه اوخشامیردیلار. لاکین هئچ قارانلیق، هئچ سؤیوق ابدی دئییل. بایراما ایکی هفته قالمیش قارلار اریمه‌یه باشلادی. آغ یئللر حیات نفسی یئره گتیردیلر.

بیرگؤن آنا اؤز بالاسینا اؤزؤن توتوب دئدی:

ـ یازدیر، بالا! بایرام گلیب‌دیر.

ـ یاز

ـ بلی، یاز، گؤللو یاز... ایندی سهندین باشیندا قومرولار اوخویور، تؤرخایلار، باغری قارالار یومووردلایئیب بالا چیخاراجاقلار.

ـ دؤغروداندا بو ایل یاز گله جک آنا؟

ـ بالا نه دئییر سن! چیخ یاماجلارا گؤرنه خبر دیرا ایندی قیزلار قوجاق ـ قوجاق نؤؤروز گؤلؤ تؤپلایئیرلار.

چؤبان آه چکدی، آنا آغلادی.

ـ سن‌سیز داغلار قارا گئییینسین گؤروم بالا. قؤیونلارین، کئچی‌لرین سؤدؤ قوروسون. ـ آنا دئدی.

چؤبان آسقیردی، یئرینden دوردو و دئدی: آنا! قؤی اؤلسم ده داغلاردا اؤلؤم. من باهار دا بو اؤتاقدا قالانمارام.

سؤروؤ داغا چیخیردی، قؤیون ـ قوزونون ملهشمه‌سی کندین کؤچه‌لرینی بؤروؤموشدؤر. گنج چؤبان، خسته حال‌لا داغا چیخیردی دام اؤستؤندن آل گئییینمیش پری، چاشقین‌لیقلا اؤز سئوگیلی‌سینی گؤروب و اونا تبسؤم ائتدی. گنج چؤبان اونو نظردن کئچیریب، باشیئی آشاغی سالدی. قیز اونا بیر سؤفره فتیر وئریب دئدی:

ـ ائی منیم عئشقیم، ائی داغلارین یؤرلماز قهرمانی، منی اونوتما! خسته چؤبان فتیر دسمالینی آلیب بیر سؤز دئمه‌دی؛ اؤندان بیر آز اوزاقلاشاندا بو سؤزلری تیکراری ائتدی:

بوندان سونرا منی هئچکس، هئچ زامان آلدادا بیلمز.

الویدا ائی منیم کهلییم... الویدا ائی یارالی گؤیرچینیم! ... الویدا

قارا یاز قورتارمامیشدی. دورنالاردان خبر یوخ ایدی. آنجاق بعضن یاسلی سمادا نئچه قارانقوش و قارتال گؤروندو کی، جنوب‌دان شیمالا ساری گئدیردیلر. چؤبان سؤروؤنو داغا ـ دره‌یه یایئیب بیر قارا داش اوستونده اوتورموشدور و بالاجا توته‌یینی چالیردی. توتک‌ده بیر آشیق هاواسی سیزیلدیردی. یارب بو «دیلقمی» دیر؟ یوخ... «قوربتی» دیر؟ یوخ ... اوشاقلیقدان اؤیرنمیش هاوالاردا چؤبانین یادیندان چیخمیشدی. یئنه ده توتک

سئزلادئ هاوا یادئنا دؤشدؤ: «یانئق کرمی... کرم، اؤ یازئق کرم، بو یانئق کرمی‌نی چالمئشدئ.»

– ایلاهی زییاد خان اؤغلونون دردی نه آغئر ایدی. – چؤبان دئدی.

گؤز یاشلارئ اؤنون اؤزؤنؤ ایسلاتدئ.

سنین آهئن‌دا خؤش آمانئندا خؤش
داغلاسینه‌میزی داغلا کرمی
زییاد خان اؤغلونون ناکام عئشقینی
یامان آغلایئرسان آغلا کرمی

اؤ ایل بؤتؤن سهندین داغئ، داشئ یاس توتدو، ناله اؤلدو، اینیلتی سسلری یالا، یاماجا یاییلدئ.

یای تزه گیرمیشدی. بیرگؤن، گؤن اؤرتا چاغئ چؤبان سؤرؤنؤ سووارماق اؤچؤن هرگؤن کی کیمی گؤلؤن دؤزؤره‌سنه یئیغمئشدئ. و اؤزؤده بیر بولاغئین باشئندا داغئین اته‌ییننده اؤتورموشدو. بیردن گؤردؤکی، بیر پریزاده سویون ایچینده اؤزؤر. باشئنئ گؤیه قالدئریب دئدی: ایلاهی چؤخ شؤکؤر بو پرینی منیم اؤچؤن گؤندرمیسن! حتمن بئله دیر! – بونو دئییب داغدان گؤلؤن باشئنا گئتمه‌یه باشلادئ. لاکین پری سودان چئخئیب یئنه ده اونو تنها بوراخدئ. بو ایش نئچه گؤن تیکرار اولدو. چؤبان بیر گؤن سؤرؤنؤ گؤلؤن باشئندا اؤتؤروب، اؤزؤ بیر چالئ کؤلونون دییبنده گیزلندی. گؤنش چؤبانئین باشئ اؤسته گلنده یئنه‌ده پری گؤلؤن باشئندا سویا دؤشؤب اؤزه ـ اؤزه چؤبان اولان طرفه گلدی. اونون قارا ساچلارئ، آغ اندامئ گؤنشین شؤعالارئنئین آلتئندا دؤغرودان دا گؤزل ایدی. قئز گؤلؤن کنارئنا یئتیشن‌ده باشئنئ قاوزادئ کی، داغ باشئنداکئ چؤبانا باخسئین، آمما گیزلنمیش چؤبان اونا فؤرصت وئرمه‌دی. کؤل دییبندن قالخئیب اؤزؤنؤ اونا ساریئ چئویریب دئدی:

ـ ائی پریزاده، ائی دریالارئن نازنئین پریسی. منی، بو یازئق چؤبانئ گزیرسن؟!

ـ دور یئرینده، یاخئین گلمه! – قئز دئدی.

ـ گؤزوم اؤسته، هرنه امرین اولسا باش ایه‌رم. ائی منیم عقلیمی زایئل ائدن! ائی منیم خیالئیمئ پریشانلئیغا سالئیب آشؤفته ائدن!

ـ سن کیم سن؟ نه ایسته‌ییرسن؟

ـ من بو داغلارئن چؤبانییام و آیلاردیرکی، سنین اینتیظارئندایام.

ـ سن همن چؤبان سان کی، اؤز ایستکلی سئوگیلی سینی بؤراخئیب و اونون الیف قدّین، بؤیتو بورولموش بنؤوشه تک ایدین؟ سن اونون نرگیز گؤزلرینی ابدی‌لیک آغلار قؤیدون! عار اولسون سنه... عار... ائی نان کؤر...

چوبان دئدی: ائی پریزاده آخی من سنی سئویرم!...

پری دئدی: سن منی گؤرمه‌میش نه‌جور سئوه بیلرسن؟ ... سن اؤز معشوقه‌نی آغلار قویدون ائی وفاسیز. سن خیالیله آلداندین.

پری یئنه اؤزمه‌یه باشلادی.

چوبان باشلادی هونکور- هونکور آغلاماغا. اونون سسینه داغلار آغلادی... قایالار تیتره‌دی.

چوبان لعنت سنه ائی درویش... لعنت سنه منی آلداتدین. سونرا دئدی: - منی تک قویما من یازیغام!

پری دئدی: آند ایچرسن کی منی تک قویمایاسان؟

چوبان دئدی: - من بو داغلارین چوبانی دئییلم اگر سندن بیرگون ده آیریلسام!

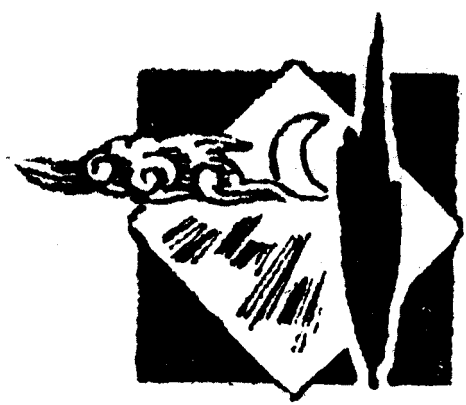
پری: سویون پالتارلارینی، اؤزونو سویا آت!

گنج چوبان پالتارلارینی سویونوب اؤزونو سویا آتدی. پری اونون الیندن توتوب گؤلو باهم اوزدولر. سونرا گؤلدن چیخیب بیر سویود آغاجینین دیبینده اوتوردولار. چوبان یاخشی باخدی اؤز پری‌سی‌نی گؤردو. اونون اوزوندن اؤپوپ دئدی:

- منیم گوناهیمی باغیشلا! من نه قانماز ایدیم، باغیشلا منی!

پری اونو قوجاقلایيب قولونو بویونونا سالدی و دئدی: تویوموزا آز قالیر پاییز یئتیشیر، چوبان دئدی: پاییز دا یوخ ائله بوگون!

اونلار هر ایکیسی گؤلوب قوجاق‌لاشدیلار.



اردملی شاعیر،



غلامرضا مجدفر

بو ایل شهریور آیی‌نین ۳-جی گؤنو گلدیکده، قوجامان شاعیریمیز «غلامرضا مجدفر»ین اؤلوموندن بئش ایل کئچه‌جکدیر.

مجدفر، ۱۳۰۶-جی ایلده، تبریزین دوه‌چی محلله‌سینده دونیایا گلدی. اوشاق ایکن، مشروطه دؤورونده ستارخان آتچیلارئندان اولان آتاسینئ الدن وئردی، آنجاق چوخ چتینلیکله ابتدایی و اورتا مکتب تحصیلاتینئ باشا چاتدیرئب، جاوان چاغلارئندا، اون سککیز یاشئ اولار کن، ۱۳۲۴-جی ایللرده تبریزده تشکیل اولان شاعیرلر مجلیسی‌نین گنج شاعیرلری سئراسئنا داخیل اولدو و بیر چوخ شئعرلری، او دؤورون تبریزده چئخان مطبوعاتیندا بوراخئلدئ.

میللی حؤکومت عرفه‌سینده، جاوان چاغلارئنئ کئچیردن شاعیرین روحییه‌سی ۱۳۲۵-جی ایلدن سونراکی گونلرده ده جاوان و دؤیوشجول قالدئ. او، ۱۳۳۵- جی ایلده باشئندان کئچیردیئی جریانلادان سونرا، ایللر بویو دوستاق و سورگونلره معروض قالمئش، حیاتئ چوخ چتین‌لیکلرله کئچمیشدیر.

«مجدفر»ین شئعری‌نین اینکیشافی ودیرچلمه‌سی اینقلابدان سونرا اولموشدور. و اوندان آذربایجان‌دا چاپ اولان مطبوعاتئین بیر چوخوندا شئعرلر و یازیلار چاپا وئریلمیشدیر. ۱۳۷۶-جی ایلین آذر آیئندا «مجدفر» ئددی باشقا آذربایجانلئ شاعر و یازیچئ ایله برابر، تئهراندا بهمن مدنیئت اوئینده عزیزلنمه مراسیمی توتولدو.

مجدفر، ۱۳۸۰- جی ایلین ایلک گونلریندن ناخوشلامئش و شهریور آیئنئن ۳۰-جی گونونده حیاتئنئ دیتشمیشدی. اونون اون جیلدن شامیل اولان اثرلری، اوغلو «مرتضی» و بیر نئچه ادیب و یازیچئلئن نظری ایله، چاپ اولماقدادیر. اونون آدینئ عزیزلمک اوچون بیر شئعرینی تقدیم ائدیریک.

اردملی گلسین

آدام لازئمدئ حالی، دملی گلسین
بو فانی دونیایا، اردملی گلسین
بشر نام و نیشانسیز درده دئمز
گرک نام و نیشانی بللی(برلی) گلسین
نیگاریم یل گئتینده چوخ یاراشیر
بویور هر واخت گلنده یللی گلسین
گئتیین‌سین زمهریریله حریره
گرکمز شادلیغا ماتملی گلسین
رقیب‌لر دسته‌سی صف باغلایئبلار
گلیر، تاپشیرگیلن چم – خم‌لی گلسین
طرف مئیدانیئنا قیرخ بئش گلنده
بو اوندان بئش قاباقجیل، اللی گلسین
اؤکوزلو، جوئنگه‌لی، هامپا اوئونده
گرکدیر تا گامیشلیئ، کللی گلسین
موقابیل شسلی- بسلی پهلوانه
حریف لازیم‌دی‌کی، هئیکللی گلسین
قاچار بعضی‌لری ایش واختیئ ایشدن
یئنه‌ده چوخ سئوئر، دوئرد اللی گلسین
بیر عیده مسجیده گئتمز کی فرشدی
گرک مسجید اولا صندللی گلسین

یانیئب پروانه، نار-ی شمعه اؤلدو
گلنده ختمه هر کیم شمعلی گلسین
چاتیئبدیئر مجدفر پایان-ی خطه
همان اینسان دئییل، گؤرکملی گلسین
سراسر یئتمیش ایللده قم چکیبدی
مبادا روز-ی حشره قملی گلسین
اوزون قیئخدیئرمایئین کئفسیزله‌ینده
گلنده محشره ساقاللیئ گلسین





آکوآریوم

علیرضا ذیحق

دوشونمک‌دن قورخوردوم و هئچ نه‌یه فیکیر ائتمه‌دن تکجه اوزومو دانلایئردیم: «باشیم کی منیم، آکوآریوم دئییل ایچینده نه وارسا گورونه پس نه‌دن قورخورام؟ بیرده لاپ بئینیمی باشیمدان چیخاریب الکول‌لو بیر شوشه ایچره آتسالاردا، فیکیرلریمی و دویغولاریمی کی کیمسه گورمه‌یه‌جک؛ بو قورخونون نه‌دنی نه اولا بیلر؟»

بو سوزلره جاواب وئرمک اوچون کی، سورغو سوالا چئوریلیردیلر دوشونمک لازیم ایدی، من مقبره‌یه گئدیب آند ایچمیشدیم: هئچ واخت فیکیرلشمه‌یم. بیر اوکوز کیمی یاشاماق نه‌ییمه گرکمزدی؟! باشیمی آشاغی سالیب اوتلاماق و دویدوقدا اورکدن گئیرمک دوغرودان‌دا کئف وئریجی بیر زادیدی. آمما حایئیف‌لار اولسون کی، حئیوان دئییلدیم و گرک اوز یئمه‌ییمی قافامی چالیشدیرماغینان اله گتیره‌یدیم؛ بیلدییم بیلگی‌لری قوشا گیلاسلار تک اوچره‌نجی‌لریمین قولاغیندان آسایدیم. اونلار یاشایئیشا، تاریخه، فلسفه‌یه و شئعره یوّل آچان سوال‌لاریناں ایستر-ایسته‌مز منیم بئینیم‌ده کئچن‌لری اوزه چیخاردیردیلار.

بئله‌لیکله آکوآریوم‌لاریں نیسگیلی‌ایله یاشایئیردیم و بیلیردیم کی، اونلاریں ایچینده جومان خیرداجا و اوچناق بالیق‌لار هئچ واخت آکوآریوم‌لاری سورغویا چکیب، اونلاریں سسینی ضبط ائدیب، اونا بونا سوغات یوللامازدیلار.

البته هئچ دوشونمه‌دن بونودا بیلمیشدیم کی، دونیا کلمه‌لرله دولو اولماسایدی شاید چوخ ایشلرده آدامین باشینا گلمزدی. البته لال اولماق بو ایشه کیفایت ائتمزدی کی، لال‌لاردان چوخ دانیشان بیرده اوزلری ایدیلر. لال‌لارا مدرسه‌ده دانیشماق و یازماق

اؤیره‌درکن، یازیب دانیشانلاردان دا سوسماق ایستیردیلر. بئله بیر زمانه‌ده کی آدام، آداملاردان قاچیردی. عئشقیم تکجه قوشلار ایله دانیشماق اؤلموشدو، قوشلاردا «قیریپ» توتموش قانادلاریندان اؤلوم ویروسونو هر یئره یاییماقلا، داها قوشلاردان دا چکینیردیم. کیلاسا گئده‌ن‌ده، ایسه داها سبد-سبد گیلاس یؤخ بلکه قؤلتوق دؤلو کاغاذ آپاراردیم کی، دانیشماق عوضی اونلارین اوزوندن اوخویوب اؤیره‌نجی‌لره یازدیرماغینان واختی بیر تهر اؤلدورم. چؤخ سونوجولوق ائدیردیم تا کی مؤعللیم‌لیک. بئله‌لیکله ده سؤرغو- سوال سؤروشماغا کیلاس‌دا واخت قالمیردی.

بیر گؤن بو دورومدان سیخیلارکن، تصمیم توتدوم، چؤل بایئیرا چیخیب مال حئیوانلارا باخماق ایله اؤره‌ییم بیر آز آچیلا. ناخیرلار و سؤروللر، یاشیل چیمن‌لر اته‌یینده یاییلیردیلار باشلاریندی آشاغی سالیب یئمک‌ده اؤلسالاردا، گؤزه چارپان و حیس اولان بیر سئوگی دالغاسینی اونلارین هر بیر ترپه‌نیشینده گؤرمک چؤخ چتین دئییلدی. بیر-بیری‌لرینین آیاغینی آیاقلامادان، پاییزینی قاپمادان، قارنینی بورنوزلامادان و قئیتینی ائتمه‌دن چیپین-چیپینه یاشاماق‌دان ذؤوق آلیردیلار. آنجاق اونلارین سالاخ‌خانادا باشلاریندین کسیلمه‌سی یادیما دؤشرکن، اؤره‌ییم داها سیخیلدی. اؤه قاییتدیقدا واختیمی گؤللره آییرماق قرارینا گلیب، باشلادیم پاساژلاری دولانماغا و سئودییم گؤللره هئچ پول وئرمه‌دن دؤیونجا باخماغا. اینترنئت‌دن ده دؤنیادا نه قدر بئه‌ندییم گؤل وار ایدی گؤتؤروب بیلگی‌سایاریمدا بیر «فایل»ا یئیغدیم. آنجاق گؤللره باخاندا اونلاردان بیر عطیر دویمایینجا سیّار ساتیجیلارین بؤیونلارینا آسدیغی عطیردولو تاباقچالاریندان، شؤشه-شؤشه عطیر آلیردیم و هر یئره سپمک‌له گؤل ایچی اؤیین هر یانیین گؤتؤروردو.

قؤرخو حیسسی بالا-بالا دهشتلی کابوس‌لارلا یوخوما گیریب بیردن گؤروردوم الیمی گؤزسؤز بئییین‌کاساسینی دیشینه اوزادیرام و نه گؤج وئریرمسه اونلاری چکه بیلمه‌دن قوجاغیما آلیب آپاریرام دیش دؤکتورلاریندا. دؤکتورلاردا بئییین کاساسینی باخمادان منه بیر نؤسخه، عصب حببی یازیب یؤلا سالیردیلار. بو حب‌لر منی یوخلادارکن کیلاس‌دا گؤل‌دن آغیر سؤز کیمسه‌یه دئمیردیم. چؤخ سؤینیردیم کی، بئله‌لیکله منی آدام یئرینه قؤیوب آیلیق معاشیمی کسمه‌دن یاغ و قند شکر کؤپونودا بیله‌مه وئریردیلر. دؤنیادان هئچ نه آنلاماسایدیم دا بونو قانمیشدیم کی، یاشاماق اوچون آدام دیلینه و دؤشونجه‌سینه زنجیر وورا بیلر آمما معده‌یه و باغیرساغا بیر ایش گؤرمک اولماز.

بیر گؤن آنام دئدی: «سن یوخودا هردن ائله اوجا دانیشیرسان کی، منیم یوخومودا پوزورسان!» آناما «نه دیلده دانیشیرام!» دئییرکن او گؤلؤمسه‌ییب «آنا دیلده بالادا، نئجه به‌یه؟» دئمک‌له یئنه یاساق بیر چرچیوه‌لرده گزدییمی آنلادیم.

بو دوروما سون وئرمک اوچون، ایکی دانا ۲۰۰ صحیفه‌لیک بوش و یازیسیز دفتری بیر صححافا وئریب، اونلاری بیر-بیرینه قاتیب قالینکوردان جیلید توتماغین ایسته‌دیم. او بیر

کیتابا اؤخشارکن اؤلکه‌نین رسمی دیلینده قورقوشوم حرف‌لرله بئله بیر زرلی یازئ اؤستؤنده یازدئردئم: «داش دئؤرینین آکؤاریؤم‌لاریئ». باشلادئم اؤ کیتابئن ایچینده دؤشؤنجه‌لریمی ایسته‌دییئم کیمی یازماغا وَ یازدئقدان سؤنرا باشقا کیتابلارئن یانئینا قؤیماغا.

بئله‌لیکله ائله‌یه بیلدیم آرامیش تاپئب گنج‌لیئی باشدان ساؤماغا کی اؤدا اؤ زامانلار بیر سوچ حئسابلانئیردئ.

رحمتلی آنام اؤلمه‌دن اؤنؤل منی ائؤلندیره‌رکن، بیر زامان گؤردؤم کی، فیکریم اؤلوب اوشاقلارئ دؤکتؤرا آپارماق، مدرسه‌یه ئیئتیرمک وَ خانئیمئ گؤزل‌لیک سالؤنلارئنا وَ خئیاطلارا چکیشدیرمک. بئله‌لیکله اؤ کیتابئ بؤسبؤتؤن اونوداراق اصناف‌لاردان نیسیئه آلماق وَ تقسیطله اؤی قئیرخ‌لئیق فرش‌لر وَ نفیس اشیالارلا دولدورماق، حیاتئیمئن بؤیؤک آمالئ اؤلموشدور.

یاشئیم ئیئتمیشه یاخئین ایدی کی گؤردؤم اینسان حؤقوقلارئنا فیکیرلشمه‌دن ئیئنه بیر بؤیؤک قؤرخو ایچیندایم. حیس اندیردیم بیر قؤیونلا هئچ فرقیم ئؤخدو وَ قصاب تؤکانلارئنئین اؤنؤندن کئچرکن شاققالانمئیش ات‌لر منی قؤرخودوردولار. آمما سئؤگیلی خانئیمئمئن منه گؤز آغارتمالارئ وَ اوشاقلارئمئن منه دیل قایئتارماقلارئ یادئما دؤشرکن قؤرخوم‌دان آزجا آزالئیردئ وَ گؤرؤردؤم هله بیر آدامام.



بیر گؤن دارئیخئیب خانئیمئن زئرزمیده قازان ایچینه ئیئغدئغئ کیتابلارئن سؤراغئنا گئئتدیم. کیتابلارئ گؤزدن کئچیره‌رکن اؤز ال یازئیم‌لا یازئلان کیتابئ دا گؤرؤب هوسله باشلادئم اؤخوماغا. یازدئقلارئمئ اؤخویارکن آنلادئم کی، گنجلی‌ئیمده نه قده‌ر مدنییئت‌دن اوزاق‌مئیشام وَ بؤتؤن خاطیره‌لریم داش دئؤرینده یاشایان داش بئیئین‌لی بیر آداما عائیدایمیش کی، اؤنو آکؤاریؤما سالمئیشدئلار.



رامین جهانگیرزاده

(۱)

ایزلرین
سؤیوق شهرین دامغاسئ
گؤزلرین
دالغالئ دنیزین آداسئ
وٚ من
دوٚشوٚک ـ دوٚشوٚک
ایزلرینه دوٚشوٚب
پئرتلاشئق کوٚچه‌لرده
شهر بوٚیو
ساچ‌لارئنئ دارایئرام



(۲)

چئراق قیزاردئ، قیز دایاندئ، من دایاندئم
چئراق گؤیردی، قیز گئتدی، من دایاندئم
چئراق یئنه قیزاردئ، قیز گئتمیشدی، من دایانمیشدئم
وٚ بیر **قار آدامئ** کیمی اریئیردیم اوٚره‌ئیمه



رقیه مسیحا

کوٚچه‌لرده...

بوٚلوٚک- بوٚلوٚک
هر گوٚن چئیخان
قئیرئق‌لارئمئ توپلایئرام
قوجاغئمدا...
بیر ئئل اسیر
سوٚروٚ گئتدی، ملامه‌دیم.
نه ایل‌لردی...
بیر قانادلا، شهرلره
اوچان «من»!
ئازئ‌لارئملا جئرئلئرام.
قابار قابار جیئه‌ریم.
پامئد... ! پامئد... !
پامئد... !
هاچاندئ توئ ایئسی گلمیر
اوٚیناماق کوٚنلوٚمه دوٚشوٚب!



توکل کیانی اصل

□□□

شهر آغلاغان
شهر گؤلن
شهر عادیجه بیر شهر.
آیاقلانان سئیرا داغلار اؤرتاسیندا
گاه آرخایئین، گاه قؤرخاق.
اوتوری خانا - خانا
اوتوری کؤندەلن.
آغاج‌لاریٔ تابلؤ
آغاج‌لاریٔ اٴعدام دیرک‌لری.
ؤ داها هر شئیٔ آجیٔ
هر شئیٔ سؤیوق.
اولدوزلاریٔ ایشیق‌سیز
قیزلاریٔ یاراشیق‌سیز.
ؤ بیلینمز هانکی قاره‌نین هانکی مملکتی‌دیر.
بیز یؤرقون - آرقینجا
دومانلیٔ اوفوق‌لرینی اوخویوروق
بیریمیز دوغودا شاه
بیریمیز مات.
که‌پنک بولوٹارلاریٔ باهارلاندیرمیش
ؤ بولودلار

***

یاغمایاجاق کیمی چؤکمؤش پنجره‌لره.
من قارا سو قیراغیندا
یؤرغون اوچوشلو بیر قوشام
قانادیمدا ساز
دیمدیییمده سؤز
دؤشؤمده گؤنشین قیزیل آلماسیٔ.
حیات، شهرین اوزونده
گؤگؤرد له یاندیردیغیمیز بیر سیغاردیر.
اولوم
هر گون ایچیب دویمادیغیمیز آجیٔ چایٔ.
ؤ عشق
نه یاپیلاغیٔ- یاپیلاق
نه قیشلاغیٔ- قیشلاق
اوتری بیر اوتوراق‌دیر خیالدا.
آخ، بو جنت!
سککیز قاپیٔ‌سیٔنین سککیزی ده باغلیٔ.
آخ، بو جهنم!
قان امیجی تانریٔلار اوچلاغیٔ.

اؤزؤ بزک...

قوجامان مؤعللیم

اوشاقلئیق‌دان قوْنشو ئ یؤلداش اؤلدوغوم ممیش ایله، نئچه آی‌دان سؤنرا، خیابان‌دا توش گلدیک، گؤرؤشدؤک. ممیش همیشه‌کی کیمی شیک ئ یاراشیقلئ گئینمیش‌ایدی. کیراواتئ، کؤینه‌یی ئ کؤت- شالوارئ‌نئین رنگی ئ طرحی بیر- بیرینه اویوشوردو. ممیش مؤد دؤشگؤنؤ ایدی. بیغ‌لارئین، کئچی ساققالئین، ساچ‌لارئین... مؤد ایله اویغون دؤزلدردی.

یادئما گلنی بیر یؤل قایئین‌آتاسئ اؤنا کیراوات ئ کؤینک ارماغان وئرمیشدی. ممیش بونلارا اویغون کؤت- شالوار آلمئشدئ.

نه ایسه، خوش- بئش‌دن سؤنرا بئله کسدیک کی، یاخئنداکئ پارکا گئدک.

یؤل اؤستؤ، اوزاق‌دان بیر ماغازانئین ویترینین ایچینده بزکلی قوتولار گؤزه چارپدئ. ممیش دئدی:

- اوشاقلارا سؤز وئرمیشم، اؤنلارا شوکولات آلام. بو بزکلی قوتولار شوکولاتا اؤخشایئیر. گئدک اؤ ماغازایا.

- گئدک، من ده سئیغار آلاجاغام.

بزکلی قوتولارا یاخئین‌لاشدئق. بر- بزکلی قوتولار سئیغار ایدی. هر جؤر سئیغار رف‌لره دؤزؤلمؤشدؤ. «گل- گل» دئییب، مؤشتری‌لری چاغئیرئردئلار. ممیش ماراقلا قوتولارا باخئیردئ. گؤزه یاتان گؤزل‌لیکلریندن دانئشئیردئ. من بیر قوتو سئیغار آلدئم. ماغازانئین اؤ بیری رف‌لرینده، سئیرا ایله دؤزؤلمؤش شوکولات قوتولارئنا ساریئ گئتدیک. ممیش‌ده اوشاقلارئنا شوکولات آلدئ. سؤنرا گزه- گزه دانئشاراق پارکا ساریئ یؤنلدیک. پارک‌دا کؤلگه آلتئندا بیر دیوان اؤستؤنده ایلشدیک.

یؤلداشئم سئیغار قوتوسونو، من‌دن آلئیب دؤنه- دؤنه اونو یؤخلایاراق دئدی:

- گؤر نه گؤزل بؤیالارلا بونو بزه‌میشلر. قوتونون اؤزه‌رینده یازئلان سؤزلری اؤخویورام قولاق آس.

«سئیغار سرطان تؤره‌دیجی عامیل‌لردن بیری‌دیر...»

- بؤتؤن اؤلکه‌لرده سئیغار قوتولارئنئین اؤزه‌رینده بونا اؤخشار سؤزلر یازئلئیر: «سئیغار سرطان تؤره‌دیجی عامیل‌لردن بیری‌دیر... بؤیلو قادئنلاردا اوشاق سالما تهلؤکه‌سینی آرتئیرئر» - دئمک سئیغار چکمه‌ییز!

– بو ئـئرلی– ئـئرینده وٚ دیٚرلی بیلدیریش‌دیر. کیمسه ایسته‌ییر چکسین، کیمسه ایسته‌میر چکمه‌سین. دوٚغرو– دوزگوٚن دئموٚکراسیٔ بئله اولار!

بزکلی قوتونو ئوٚلداشیم‌دان آلدیم، بیر سیٔغار آلیشدیٔردیم. کسگین، عطیرلی قوٚخو هنده‌وٚری بوٚروٚدوٚ.

ممیش بیر سیٔغار الینه آلیب بورنونون اوٚنوٚنده توتوب ایئله‌ییرک دوٚنه– دوٚنه دئییردی:

– نه گوٚزل ایئی، گرگین عطری وارمیٔر.

– بیلیرسیز کی، بو بزکلی وٚ کسگین عطیرلی سیٔغارلارئین ایکی مین‌دن آرتیق زیئان وٚتریجی زهرلی ماده‌لری وارمیٔر؟

– اونا گوٚره‌ده قوتونون اوٚزه‌رینده یازمیٔشلار: سیٔغار سرطان توٚره‌دیجی عامیل‌لردن دیر... بونو اوٚخویوب سیٔغار چکمه‌سینلر.

– دئمه‌لی، زهری بزکلی وٚ عطیرلی اوٚرتوٚیه بوٚروٚیوٚب ساتیشا بوراخیٔرلار. آدام‌لاریٔ سیٔغار چکمه‌یه شیرینکدیریرلر.

– ئوٚخ! یازیٔرلار سیٔغار چکمه‌ییں!

– کارتئل‌لرین بشریئته پایٔ وٚتردیکلری بئله اوٚلور: «اوٚزوٚ بزک، ایچی تزک». «بشر حوٚقوق‌لاریٔ»، «دئموٚکراسیٔ» آدیٔ آلتیٔندا اوٚلکه‌لره سیلاح‌لیٔ قوٚولرله باسقیٔن اندیب قیٔرغیٔن سالیٔب، اونلاریٔ تالایٔیٔرلار...

ممیش، سوٚزوٚموٚ کسه‌رک دئدی:

– ئیٔنه‌ده سیٔیاسی بحث‌لره باشلادیٔق... بویٔورون گوٚرک سیز نئجه اوٚلدو سیٔغار چکمه‌یه آلیشدیٔز؟

– قوٚیٔ سوٚزوٚموٚ قورتاریٔم. سوٚنرا سیزین سوٚرغویٔا جاواب وٚتره‌جه‌یٔم. باخ، کارتئل‌لر میلیوٚن‌لار دوٚلارلا ساتقیٔن بیلگین‌لری اجیر ائدیرلر وٚ اونلار فئل وٚ فیٔریٔلداق‌لاریٔ توٚخویورلارکی، کارتئل‌لرین قازانجیٔ داها آرتسیٔن. زهری، شربت ئیٔرینه ساتا بیلسینلر.

سوٚن دوٚنه سیٔغاریٔ دوٚش دوٚلوسو سوٚموروب کوٚتوٚیوٚنوٚ تولازلادیٔم. ممیش الیندەکی سیٔغاریٔ اوٚست دوٚداغیٔ ایله بورنو آراسیٔندا قوٚندارییٔب اونون عطیریندن نعشه‌له‌نیردی. ئوٚلداشیٔمیٔن سوٚرغوسونا بئله جاواب وٚتردیم:

– اوٚرتا مکتبین سوٚن سیٔناق گوٚنلری ایدی. مدرسه حیٔطی‌نین دینج بوجاغیٔندا، نچه نفر یاشلیٔ اوٚیٔرنجی‌لر گیزلی‌جه سیٔغار چکیردیلر. اونلار سیٔغار توٚستوٚسوٚنوٚ حالقا– حالقا دوٚداق‌لارئیٔن آراسیٔندان هاوایا بوراخیٔردیٔلار. هر حالقا قاباقکیٔ حالقانیٔن ایچری‌سیندن کیٔچیردی. حالقالار بو بیچیم‌ده بیر– بیرینی ایزله‌ییردیلر. بئله‌لیکله یاریٔشیٔردیٔلار.

بیز شاشقیٔن‌جا اونلارا گوٚز تیکمیشدیک. یاشلیٔ‌لارئین بیری دئدی: «نه‌یه بئله ماریٔتلاتیٔب‌سیٔز. اوٚغول ایسته‌ییر بو ایشی باجاریٔق‌لا گوٚره‌بیلسین.»

بیز ده بو بۆیۆک‌لری یامسیلاماق ایسته‌ییردیک. یاشلـیۀ اۆیرنجی‌نین‌ده سۆزۆ بیزه تۆخوندو. گـشـتدیک سیغار آلدیق، گیزلیجه سیغار چکمه‌یی وزدیش ائـتدیک.

بیر هفته‌دن سۆنرا قایـیدیب یاشلـیۀلارا گۆستردیک کی،بیزده اۆنلار کیمی پاپروز تۆستۆسۆنۆ حالقا- حالقا هاوایا اوچوردا بیلیریک.

یاشلـیۀلاردان بیریسی اۆزۆنۆ شیشیرده‌رک لۆغالاندیۀ:

- سیغار چکن اۆغول، گرک تۆستۆسۆنۆ اودوب بورون بۆشلوغوندان و آغـیزیندان ائشییه پۆسگۆرسۆن. سیز اوشاقلار بونو باجارمیرسیز.

ایکی – اۆچ هفته چالـیشدیق. بۆغازیمیز قاشیندیۀ، گیجیشدی، بورنوموز گۆینه‌دی کـشـییشدی، گۆزلریمیز قاماشدیۀ، بو سیناغـیۀدا اوغورلا کیچیرتدیک، بۆیۆک‌لره قوشولدوق. آنجاق سیغار چکمه‌یه آلـیشدیق.

من بیر سیغار دا آلـیشدیردیم. ممیش الینده‌کی سیغاردان درین نفس آلـیب ایچله‌یرک:

- ایندی کی سیغارین ضررلرینی باشا دۆشمۆسۆز بس نییه ترک ائـتمیرسیز؟

- آلـیشماق آسان‌دیرسا، اۆنو ترگیتمک قات- قات چتین‌دیر. دئـییرلرکی، سیغار فابریک‌لری، سیغارلارا اویۆشدوروجو ماده‌لر ده قاتـیرلار.

- ایراده‌نیز گرک اۆلسون!

- ایراده دئدین بیر شئـیۀ یادیما دۆشدۆ.

بی‌بی خانـیمیۀ تانـیـییرسیز، ۱۹ و۱۶ یاشلارینا ایکی اۆغلو وارایدی. بۆیۆک اۆغلو هئروئین آلوده‌سی اۆلدو. داوا- درمان، اۆیۆد، داوا- دالاش دان ایش چـیخمادی. کیچیک قارداش خۆروزلانديۀ، قارداشیۀ ایله اوزون- اوزادیۀ دانـیشدیۀ. اۆنا دئدی کی، سنین ایرادن ضعیف‌دیر. من چکرم سۆنرا ترک ائده‌رم گۆره‌رسن ایراده‌لی اۆغول نئجه اۆلار.

کیچیک قارداش هئروئین چکمه‌یه باشلادیۀ، آنجاق ترگ ائده بیلمه‌دی.

ساتقـیین بیلگین‌لر، سۆیغونچو کارتئل‌لرین ایستک‌لرینی یـئـرینه یـئـتیرمک مقصدیله، ائله تۆز قورورلارکی، ایلک آددیمدا ایراده‌نی فلج ائدیر....

بی‌بی خانـیم اۆغلان‌لاریۀ یاسیندا قره گـشـیدی....

بو آرادا نئچه نفر خانـیم قارشیمیزدان کئچیردیلر. باجیم، آلتـیۀ یاشلـیۀ اۆغلو ایله اۆنلارین سیراسیندا ایدی. باجیۀ اۆغلوم آلـیشدیرئلمامیش سیغاریۀ، بارماقلاریۀ آراسیندا توتوب دۆداغـینا یاپیشدیریب زاغار- زاغار سۆمورووردو. باجیۀ ایله سالام‌لاشدیق. من ماتدیم- ماتدیم باجیۀ اۆغلونا باخاراق سۆروشدوم:

- بو نه ایش دیر؟

باجیم گۆلۆمسه‌یرک دئدی:

- بو کی سیغار دئـییل، شوکولات‌دیر. اوشاق هۆس‌لندی من‌ده آلدیم.

اوشاق آناسیۀنین سؤزلرینی دؤغرولتماقدان اؤترؤ سیغارا اؤخشار شوکولاتیۀ دیشله‌دی، سؤموردو وۀ اوتدو.

اؤنلار اوزاقلارشارکن، دؤندؤم ممیشه دئدیم:

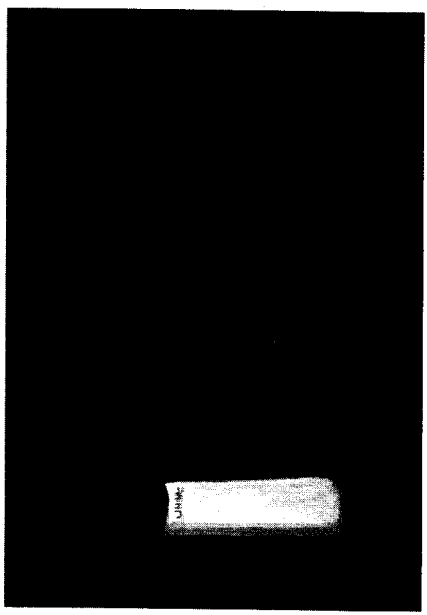
- بودا دئدییم بیلگین‌لرین قورغوسودور. اوشاق‌دان بؤیؤگه قده‌ر، آدام‌لارئین هؤس‌لرینی اؤیرن‌سینلر، آلدادیجیۀ یؤللارلا، اؤنلاریۀ زهرله‌ییب قازانج الده ائتسینلر. «سیغار چکمه‌ییر» بیلدیریشینه وئرمه‌سینلر.

ممیش ایله ساغ اؤل‌لاشدیق، آیریلارکن ممیش تاپشیردیۀ:

- ایراده‌ن اؤلسون، سیغاریۀ ترک ائت.

***

ممیش بیر ایل‌لیک مؤسافیرتدن قاییتمیشدیۀ، گؤروشسؤنه گئتدیم. ایکی یؤلداش بو گؤروشده اؤرک‌دن سئوینه‌یک. ممیش قیزیشاراق، الینی بیغ وۀ قیسا کئچی ساققالیئینا چکدی وۀ ایلک دؤنه گؤردؤیؤم گؤزلؤیؤنؤ اللشدیردی. (دئمک ایسته‌ییردی کی، بونلار یئنی مؤدلاردیر)، بیر الینده بزکلی سیغار قوتوسو وۀ اؤ بیری الینده آلیشقان دئدی:



- گل‌سن‌له بیر سیغار آلیشدیراق.

- من سیغاریۀ ترگیتمیشم! دئیه‌سن، سیز....

- یؤخ، یؤخ! من سیغارا عادت ائلمه‌میشم هر زامان ایسته‌سم چکمه‌رم. ایندی‌یه کیمی ایکی دفه ترگیتمیشم.

- من ده سیغار چکن زامان گؤنده اؤن دفه ترگ ائدیردیم! سیز ایسه بزکلی و عطیرلی تؤرا دؤشؤبسؤز.

سیغاریۀ بیر یؤللوق گرک ترگ ائتمک. ایراده لازیم‌دیر یؤلداش، ایراده!



عؤمؤر بورولقانئیندان

قورتولان

قوجا

جواد دربندی

قوجامان همکاریمین باشی‌نئین دؤم آغلئیغئ ساوالان داغی‌نئین زیروه‌سینده کی قارا بنزه‌ییر. اؤنون باشئیندا اؤتوران زامان قاریئ یؤکسک‌لییین‌دن حیکایئت ائیله‌ییر.

سینه‌سی آجیئ- شیرین دؤلو خاطیره‌لرله دئمک اولار جانلئ تاریخین وارلاری‌ندان سایئیلار. او حیاتئین اثنیش – یؤخوش‌لاریندان آشیب، کیچیک محکمه‌دن توتدو تا آنایاسا محکمه سینه‌جن (دیوان عالی کشور) یؤلا سالئیب. اؤزو آغ، آنلئ آچئیق تقاعوده چاتئیبدیر.

اؤتن ایللره‌دک اؤزؤندن اثوی یؤخ ایدی قارداشی‌نئین کیرایه‌کشی ایدی. کئچن ایل طبیب اوغلان‌لاریئ خاریجه‌دن گلیب، اؤنا و دؤزؤملؤ حیات یؤلداشئینا بیر آپارتموان تداروکو گؤروب جانلارین کیرایه‌کشلیکدن قورتاردیلار.

دوغروداندا عشق اولسون بئله دؤزگؤن، قوخماز، ساوالان اتیین‌ده دوغولان، بؤیئ آتان ساوادلئ، مفکوره‌لی حاکیم‌لره. اؤنون خاطیره‌لریندن یازماغئن اؤزومه بؤرج سانئیب بیر خاطیره‌سینی قئیساجا قئید ائدیرم.

کئچن دؤوره‌ده، عدلییه‌ده «بازپرس»ی اولماق آغیر شرایطلره باغلئ ایدی. ایلکی‌سی عایله قورماق ایدی. یعنی ۲۵- یاشئیندان آشاغی‌نئ، سوبایئ آدامئ مؤفتیش سئچمزدیلر و...

دؤستوم دئییر: «منه ایلک «بازپرس»لؤک حؤکمؤنؤ وئرنده قاباق کی مؤفتیش اولوب قالان اؤنملی – اؤنملی (مؤتّهم) دوسییه‌لری دده مالئ کیمی منه یئتیشدی کی، چؤخو جینایت (قتل) دوسییه‌لری ایدی. اؤنملی‌سی آغیزلارا دؤشمؤش بیر دوسییه ایدی کی، اثو صاحاحابئ (ارباب) کنیزینی زورلایئیب سؤنرا قتله یئتیریب. دووار آراسیندا باسدیرمیشدیئ. اوزون زاماندان سؤنرا ایشین اؤستو آچیلمیش ایدی. بو جینایتین سسی هر یئره یایئیلئیب، اثشیدن‌لر اؤلدؤره‌نین جزالانماسیئنا دار آیاغئینا گئتمه‌سینه گؤز تیکمیشدیلر.

گؤنلرین بیرینده زیندانی‌لرین بیری دوستاقدان منه بیر مکتوب گؤندریب، منی گؤرمک ایسته‌دی. من ده اؤنون ایسته‌ییندن قبول ائتدیم، دوستاغیڭ قاندالاق‌لیڭ حؤضوروما گتیردیلر.

زیندانی سیننی کئچمیش، قالین ذره‌بین‌لی گؤزلؤک‌لؤ بیر کیشی ایدی. سالام وئریب، اؤزؤنؤ تانیشدیریب دئدی:

– آغا بازپؤرس راپئلم! اکبر راپئل.

– راپئل کیم؟

– کنیز اؤلدؤرن...

– نه دئمک ایسته‌ییرسن؟

– سیزدن قاباقکی آغا، منیم سؤزؤمه قولاق آسمایئیب، انشیدمیشم آللاه آدامیڭسان بیر پارا سوزلریم وار، تقاضام بودور منیم بو سؤزلریمی انشیده‌سن. سؤنرا اؤزؤن بیلیرسن آللاهین بیلر.

من او قیزیڭ اؤلدؤرمه‌میشم، گؤناهسیزام! آدام‌سیزام! تقاضالاریما جاواب وئرمیرلر. سیزدن قاباقکیڭ قاضیڭیا نه قده‌ر یازدیم، قولاق آسمادیڭ منی هده‌لدی. آللاه‌دان سوواڭ هئچ کیمیم یؤخدور. آرواد اوشاقلاریم بی صاحاب، آللاه اؤمیدینه قالیبلار. منه کؤمک ائیله. اؤزؤم‌ده پؤست ایداره‌سی‌نین قوللوقچوسویام. بو راپئل شؤهرتینی ده من قره‌بخته بیلمیرم کیم وئریبدیر.

آدیمیڭ کامییؤن چکمیر. بئله بیلیرلر قانقشتئر زادام...

زیندانیڭ آغلایا– آغلایا سؤزلرینه داوام وئردی:

– منیم گؤزه‌رانیم یاخشیڭ ایدی. ایکی قیزیم، بیر اؤغلوم واریدی. اؤزؤمه گؤره بیر آدام ایدیم. کیمسه‌سیز بیر یئشتیم قیزیڭ دا گتیریب ساخلاییردیم. ائو ایشین‌ده گؤزؤردؤ. اونون قششی واریدی. قششی توتاندا دؤزه‌سینه جیزیغ چکیردیک بیر آز سؤنرا هوشا گلیردی.

گلمه‌ین‌ده، گلمز! بیر گؤن حؤووض باشیندا قاب قاجاق یوییوب قابلاریڭ یئتر به یئتر ائیله‌ین‌ده قششی توتوب یئیخییلاندا باشیڭ حؤووضون تینینه دییب، قالمیش ایدی. قضادان عاییله‌م ائوده دئییلدیلر؛ من ائوه گلنده او صحنه‌نی وؤ بئچارا قیزیڭین باشیڭ‌نین قانیڭ‌نیڭ گؤزؤب اؤزؤمؤ یئشتیردیم، گؤردوم هوشا گلمیر، اؤلؤبدؤر. الیم هر یئردن اؤزؤلدؤ، هؤوله‌سک قاچیب قاپیمیڭ خبر ائیله‌دیم قؤرخو جانیما دؤشدؤ. قاپیم وضعی بئله گؤزؤب، اونون گؤر باسدیر ائله‌مه‌سینی مصلحت بیلدی. منی لاپ قؤرخوتدو. ایداره‌دن، نظمیه‌دن بیلسه‌لر سنی قاتیل یازارلار دئدی. منیم آز آغلییم ایشله‌مدی. آللاه منی توتدو. چؤخ اللشدیک! گتیریب، یازیق قیزیڭین جسدین تنه‌بی‌ده، پئی‌ده باسدیردیق. دووار چکدیک... اؤز آروادیمین‌دا سؤزؤنه باخمادیم. نه باشیڭیزیڭ آغرییدیم، سؤنرا بللی اؤلدو کی، لعنته گلمیش قاپیم بو قیزلا آرا سازلاییب، قیزلیغین گؤتؤرمؤش ایمیش. اؤز قؤرخوسوندان بو یؤلو منیم قاباغیما قؤیموشدو. او بیلیردی عدلییه‌ده خبر وئریلسه بونون ایشی آغیرلاشاجاق یاخالاناجاقدیر.بونو گیزلتمک اؤچؤن یؤلسوز منه یؤل گؤسترردی. بو قرارا گلدیک، اؤلنه‌قده‌ر بو عمل دئییلمه‌سین. من قره‌یازیڭ قاپیمین عملیندن خبریم

یؤخ ایدی. نئچه- نئچه آیلار کئچدی بو جینایئت منی بوراخمادی، اونودولمادی. مجبور قالئیب دامداشئ ساتدیم. قضا دان قاچماق اولماز. سؤنرالار ائؤ آلان کیمسه‌نین گؤزؤشؤنه گلن قؤهوملاری بو دوواریئن یئرسیز اولماسینا نظر وئریب، دوواریئن گؤتؤرلمه‌سینی لازیم بیلمیش‌دیلر.

آنجاق دووار گؤتؤرؤلنده ایش آغاریلدی. نظمیه، عدلیه خبردار اولدو. هر یئره یاییلدی. روزنامه‌لر یازدی. گؤن سؤزؤ اولدو. پایتخته دک سسلندی. قزئتچی‌لرین الینه دؤؤ دؤشدؤ... واوئیلا- وا مؤصیبتا هر یئری گؤتؤردؤ.

آمما من‌دن سنه، سندن آللاها باشیما بؤرک کئچیب! چؤخ پیس ایش گؤرموشم! آللاه منی باغیشلاماسین. آمما من اؤ قیزی اؤز اوشاغیم کیمی بیلیردیم. الیم اونا دیمه‌ییب. ایندی قوؤوون یئیه‌ن قورتولوب، قایئغین گمیرن گیره کئچیبدیر. سؤزلریم یالان دئییل.

اؤ گؤز یاشلارین سیله- سیله دئییردی:

بو جینایئت منیم بؤینوما قؤیولوب. من آدام اؤلدؤرن دئییلم. آللاه باشیمیزین اوسته حق‌دیر. آللاهدان اؤترؤ منیم بو سؤزلریمه قولاق آس.

بیلمیرم نه ائدیم آللاهین اته‌ییه‌نه الیم چاتمیر پئیغمبرده دؤنیادان گئدیب...»

اؤ بو سؤزلری هؤنکؤره - هؤنکؤره دئییب آغلاییردی. هر حال‌دا من اونون سؤزلرین، کامیل‌جه انشیدیب یازدیم... بو بیر ایددیعا ایدی. بیر طرفدن ده جینایتین هر یئره یاییلماسی روزنامه‌لرین یازماسی، اؤدا تبریز کیمی یئرده وئ...

نه ائتملی ایدیم، بیلمیردیم. نئچه گؤن یوخوم گلمه‌دی، دوسیه‌نی اوخویوردوم. هر یئره باش چکیردیم.

رحمتلیک امکداشیما (ا.ق) دیرلی بیر قاضی ایدی قضیه‌نی وئ نظریمی دئدیم. ها بئله بیر مسله‌نی خلق ایچره من‌ده انشیت‌میشم. دئدی. اؤ منه اؤرک — دیرک وئردی. نه ائتمک قضاوت چتین‌دیر. ایندی بیر بئله های- کؤی‌دن سؤنرا، بو زئنقیروؤ پیشی‌ییین بؤینونا سال!؟

اوزون سؤزؤن قیساسی دفه‌لرله، زیندانیئنی دانیشدیردیم. سؤزلری‌نین دؤز اولماسی منه یقین اولدو. نئچه دفه اؤ یئره، محلله گئتدیم، چؤخلو آراییش آپاردیم.

- آللاها توکّؤل ائله‌ییب. نظریمی اونون کنیزی اولدؤرمه‌مه‌سینه، گؤناهسیزلیغینا وئردیم. بو نظر توپ کیمی سسلندی.

هر آغیزدان بیر سؤز چیخدی. گلن منی قینادی.

بیری دئییردی: جاواندی- تازا گلیبدیر، ایسته‌ییر اؤزؤنؤ تانیتدیرا. بیر دئییردی (جوان است و جویای نام آمده است). آیری‌سی دئییردی: مثلدیر ایصفهاندان گلن اولده بئش گؤن آنقیرار... منیم بو نظریم قاباقکی «بازپرس»ه ده دیمیش ایدی.

خؤلاصه، نظریمی «مدعی العلوم»، قبول ائیله‌مدی. من اؤز نظریمده دوردوم. یوخاری محکمه‌ده «مدعی‌العلوم»ون نظرین توتدو. نئچه ایل مؤحاکیمه چکدی.

راپئل قاتیل تانیئنیئب اؤلؤم حؤکمؤنؤ وئردیلر. آنایاسا محکمه‌سی نئچه ایلدن سونرا، دوسیئه‌نی قاینتاردیئ. تازادان عؤمؤرلؤک دوستاق حؤکمؤ وئریلدی! سونرا دا ۱۵ایله سئندیئ.

ایل‌لر اؤتدؤ آیلار کئچدی، سیننی‌مین دؤلو زامانیئندا «بؤیؤک جزا محکمه‌سیه» (جیناییی دادگاهی) سئچیلدیم. قضادان قاباقکی «بازپرس» ایله بیر محمکه‌یه دؤشدؤک... بیزیم‌ده ساچلاریمیزا دن دؤشدؤ، آهیل‌لاشدیق.

... گؤنلرین بیرینده، محکمه‌نین قاپیسیئ آچیلدیئ. بیر بئلی بؤکؤلمؤش قؤجا الینده چلیک ایچری گیریب منیم سؤراغیمیئ توتدو.

گؤزلری‌ده اوزاغیئ یاخشیئ سئچمیردی. منی اؤنا گؤستردیلر، قؤجا منه ساریئ گلدی سؤرشدوم:

– «غ-خ» آغا سن‌سن؟

– بلی.

– دیققت‌له سؤروشدو. – اؤزون‌سن؟

– بلی.

– هامان کی ۱۵ایل قاباق «بازپرس» ایدی؟

– بلی.

– منی تانیئمیریسان؟

– یؤخ، یادیما گلمیر.

– من راپئلم.

– هانسیئ راپئل؟

– اؤ کی دئییردیلر کنیزین اؤلدؤروب و... اکبر راپئل.

– ها! یادیما دؤشدو.

– ایله‌شین.

سینه تنگی‌سی وار ایدی. ایلش‌دی چؤخ قؤجالمیش ایدی. قددی ایئیلیب. بئلی بؤکؤلمؤش ایدی. تیتریه- تیتریه اؤتوردو، بیر چایئ دئدیم. ایچدی.

فلاکت، باش – گوزؤندن تؤکؤلؤردؤ. بیر دری بیر سؤمؤیؤدؤ. پالتاریئ ایئینینده دورموردو. قؤجا، من سؤروشمامیش‌دان، «نه‌لر گلمیش ایدی باشیئنا» تامام کامال تعریف‌لدی. سونرا دئدی:

اؤن بئش ایل عؤمروم گؤناهسیز، زیندانداکئچدی، باشیما نه‌لر گلیب هئچ... ایندی گؤزلریم گؤرمؤر، قولاقلاریم‌دا ائشیتمیر، اؤلؤمه‌ده آز قالیر، عزرائیل‌دان مؤحلت ایسته‌میشم، سنی تاپیب تشککؤرؤمؤ بیلدیرم. الیندن اؤپم شؤکؤر اؤلسون سنی تاپدیم.

دردلی دئییتنگین اؤلار. اؤ منه باشیئنا گله‌نی، آغلایا- آغلایا آچیقلادیئ. یئنه گؤناهسیزلیغیئنا، وئ چکدیئی ایشکنجه‌لری تیکرار ائیله‌دی.

همکاریم کی، گؤزلرینی اؤ قؤجایا زیللهمیش ایدی، دیققتله اؤنو ائشیدیردی.

ایندی قؤجانسئین سؤزؤنؤن دؤغرو اؤلماسئینا شؤبهه یؤخودو. اؤ سؤزؤنؤن داوامئیندا آرتئیردئ:

- ایندی ۱۵ایل گؤناهسئیز زیندان چکدیم، اؤلسون، باشئما نهلر گلدی قالسئین! آممما یوردومدا بایقوش بانلادئ. آروواد بؤشاندئ گئتدی، اؤغلوم تیرئهکی اؤلدو. قئیزلاریم صاحابسئیز قالئیب پیس یؤلا چکیلدیلر، «قره دام- داش‌دا» قالارلار. اؤزؤمؤنده قالمالئ ئیریم یؤخدو، دووار دیبینده قالئیرام.

آللاهدان بیر اؤلؤم ایستهئیرم، بیرده کی منی بو گؤنه سالانلارئ، ؤ قاباقکی «بازپرس»ی منیم گؤنؤمه سالسئین.

قئیزلارئ منیم قئیزلاریمئین گؤنؤنه دؤشسؤن.

اؤغلو وارسا، اؤ دا منیم اؤغلوما تای اؤلسون. آروادئ دا منیم آروادیم تکی اؤلسون. دای سؤزؤم یؤخدور.

قؤجا ایستهئییردی منیم الیمدن اؤپه، قؤیمادیم. گؤزلریم دؤلدو. دوردوم اؤنو یؤلا سالدیم. اؤنون گؤزلری سئچمیردی، آداملارئ یاخشئ تانئمئیردئ. بیلمیردی کی، منیم یانئیمدا اؤتوران کیمسه هامان اؤ دئیهن حاکیم دیر.

اؤ دؤنیا دا دا، اؤنلارئن یاخاسئیندان توتاجاغام.- دئدی.

قؤجا چلیئینی ئیره دؤیه- دؤیه ساغ اؤللاشدئیق.

منیم ده گؤزلریم دؤلموش ایدی. هله قؤجا عدلیئه قاپئسئیندان چئیخمامئیش ایدی کی، اؤنون سؤزلرینه دیققت ایله قولاق آسان همکاریم آلنئین الی‌نین اؤستؤنه قؤیوب فیکره جومدو.

بیردن – بیره تیترتمهیه دؤشؤب صندلین اؤستؤندن آشدئ. اؤنو توتوب، قنداب گتیردیک، اؤزؤنه سو چیلهدیک. فایدا وئرمدی. دؤکتور گلدی. اؤلمادی. بیر آننئین عرضینده دئمهلی سکته ائئیلهئیب دؤنیادان کؤچمؤشدؤ...

قؤجامان دؤستوم بو خاطیرهنی دیئهنده یئنه گؤزلری دؤلموشدؤ.

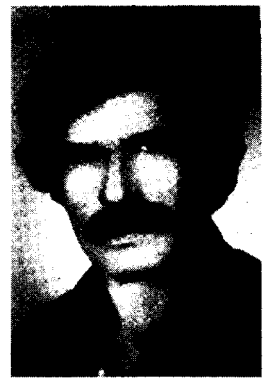
سؤنرالار یقین کی، قؤجا دا بو دؤنیادان کؤچنده بدبختلیک‌دن، قلمدن قورتولوب. سینهسی دردلی، گؤزلری یاشلئ بو دؤنیادان اؤزؤلؤب تؤرپاغا قؤوؤشموش ایدی...

من‌ده بو خاطیرهنی حاکم دؤستلاریم اؤچؤن بیر هدیئه وئریب، تقدیم ائئیلهئیرم. اؤمید کی، بو شئعری اؤنودماسئینلار، ...

حدیث خوب و بد ما نوشته خواهد شد

زمانه را ورقی، دفتری و دیوانی است.

بختیار نصرت



اینجه روحلو شیرین دویغولو، صمیمی شاعیریمیز، «قیزیل قان»، و «گؤنش پنجره‌سی» شئعر کیتابلاری‌ئین مؤاللیفی «بختیار نصرت» ده دؤنیاسیئی دییشدی.

آنجاق اؤنون شاعیرانه داورانیشی، تمیز و پاک دوستلوق دؤنیاسی، اؤره‌یی اؤخشایان شئعرلری، آنا دیللی شئعر دؤنیامیزدا زامان – زامان یاشایاجاق‌دیر. روحون شاد اولسون – مزارین نورلا دولسون «بختیار».

طبیعت

من طبیعتی سئویرم
بونا خاطیر کی:
شقایئیق
قیرمیزی چیچکلارینی
باها ساتماز
گیلاسین شؤکوفه‌سی
یالان دانیشماز
من طبیعتی سئویرم
بونا خاطیر کی:
سروین آغاجیندا
صولحون آیه‌سی
یازیلیب

بیر اؤفؤق اولدوز

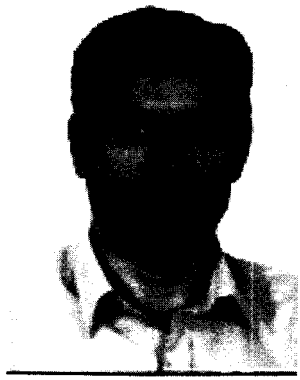
پاییز
بوداق‌لاریئن اوزه‌رینده وارلاق‌لاتیر
یازیئن بنؤوشه چیچکلاریئی
سؤندؤرؤر!
من هارای قوپارارکن
آتیمی
سحرین بؤللور چنلرینده ایتیرم!
سرین یاشیل اولدوزلاریئن
اؤبالاردا
آتیمیئن دمیر دیرناقلاری
سسلنیر
آهای ...
ترکیمده بیر اؤفؤق اولدوز
یئده‌یئیم‌ده بیر دنیز باهار
گتیرمیشم!

شبنمین تئللرینده

باهار یوخوسو گؤردوم
بو کئچن گئجه
اولدوزلار آلیشیردی.
شبنمین تئللرینده
من ایسه
قناری دیلی‌جه دانیشیردیم

باهار یوخوسو گؤردوم
بو کئچن گئجه
شلاله بؤرجونون آلتیندا
چؤبان قوشو اؤخویوردو

گؤی قورشاغی‌ئین آلتیندا
سحر نامازیمی
اؤخویوردوم!



عدالت امی (دومان)

سۆینج ایشیقلاری

اوزاق اۆلسایدیدا اۆ ایشیلتی لار
گۆرۆنر اۆرکده اۆمید دۆغاردی
اۆنلارین سۆزالمیش شۆعالاریندان
بیزیم کندیمیزه سۆینج یاغاردی

***

ظۆلمت گئجه‌لرده اولدوز ساپاغی
ساپریشا – ساپریشا گۆرۆنردیلر
حیالی ایستکلی بیر قیز ساپاغی
دومان یاپلیق لارا بۆرۆنردیلر

***

آراز آرامیزدا یۆخلاشیردی گاه
کۆرپۆسۆز آتلایی‌یب گلیردی ایشیق
قارانلیق تملدن لاخلاشیردی گاه
بۆتۆن ظۆلمت‌لری دلیردی ایشیق

***

بیر گئجه اۆنلاری گۆرمه‌ی‌نده بیز
صاباحی بۆرانلی – قارلی دوپاردیق
نه واخت کی اۆنلاردان گۆرۆنردی ایز
کندی ده دۆولتلی وارلی دوپاردیق

ایندی چیراقلاری سۆنمۆک گۆرنده
ائله بیل عۆمۆرۆن چیراغی سۆنمۆر
بیر خالقین بختینی دۆنمۆک گۆرنده
کدەر پارچا – پارچا قلبیمی یۆنمور

***

ایلاهی نه اۆلدو سۆندۆ چیراقلار ؟
ایندی کی دۆنیانین ایشیق واختی‌دیر !
اۆزلری ظۆلمته دۆندۆ چیراقلار
چۆن دۆنیا شیطانین قیزیل تاختی‌دیر .

***

قلبی قارانلیقلار ظۆلمت تۆرتدی
ظۆلمتدن تۆرنن فلاکت اۆلار
هاردا عدالتی شر بۆدۆرتدی
اۆردا چیچک‌لرده آچمامیش سۆلار.

کـئچه‌دن ائوجیک

علی اشرف درویشیان

چئویرن: حسین آیدئن یاشار

شاختا-سازاق یوخوسونو قاچـیرئردیئ. آیاقلاریئ دیزلرینه‌جن آغرئـیئردیئ، دده‌سینین دیزلری‌نین آراسئندا بوزوشوب، قالمئشدیئ. کوره‌ییئنی دده‌سینین بوش و چوخور قارئنـئنا سوئکه‌میشدی. آجئندان اوره‌یی اوئولوردو. جانـئندا هئـچ قالمامئشدیئ. اینجارسئزجا گوزلرینی آچدیئ. اوئان‌لاردا، دده‌سینین یاپئنجیئ‌سئنـئن ائشییئن‌ده چوخوغون سوسموشدورسا، آمما هله‌ده شاختا-سازاق یامانجا کسیردی. ایکی گون ایدی کی، اونلار کـئچه ائوجیئه سئغـئنـئب بیر-بیرلرینه یاپئشئب، قالمئشدیلار. دده، اوغلان جئغازئن ترپه‌نیب، تیتره‌مه‌سیندن دبریشدی و چوخوغو بیر سسله دئدی: «**سیرو**[1]! ائشیک یامان ساوقدور.» اوغلان جئغاز یاریئ آچـئق گوزلری‌ایله یاپئنجیئ‌نـئن یاخاسئندان قارشیداکیئ یاماجا باخدیئ. یاماج آغ-آپاق آغارمئشدیئر، بلکه‌ده بیر آز آچـئق ماوی‌یه چالئیردیئ. اوزاقلاریئ سئیخ دومان بوروموشدو.

- «**باپیر**[2]، آجام!»

دده الینی یاپئنجیئ‌دان ائشییه اوزالدیب، بیر سئیخما قار گوتوروب، اللری ایله قاریئ سئیخدیئ و «سیرو»نون آغزئنا ساریئ توتدو: «یـی‌ء»- دئدی. اوغلان جئغاز قار کومه‌سینی دیشله‌ییئن کیمی ایتی قانادلـیئ «جئت» باغـئردیئ، یئر تیتره‌دی. بیردن-بیره بوغوق و یومواشاق بیر سسله نه‌سه بیر شئیئ یاپئنجئـیا چـیرپئلدیئ و یاپئنجیئ‌نـئن اوست دئشییئن‌دن قورخموش بیر قوش اوزونو اوغلان جئغازئن قاباغـئنا آتدیئ. دده‌سی اوغلان جئغازئن چیئنین‌دن بوئلانـئب، قوش جئغازیئ سوردو:

«آخ، **چوک‌رشیله** نه‌دن قورخوبسان هه؟ طیئاره‌دن قورخدون، یوخسا لئـیدن‌می، هه؟» - دئیه دده، قوشو «سیرو»نون الیندن آلدیئ و ایکی بارماغـیئلا قوشون چینه‌دانـئنـیئ یوخلادیئ:

۱- سیرو: سیاه‌چرده، سیاوش، کوزرد دیلینده اوغلان آدیدیئر. - قاراش

۲- باپیر: باباپیر- بابابزرگ، دده.

- «آجدئ، باخ قارنـئ بؤشدور.»

«سیرو» دارتـئنـئیب، الینی جیبینه سالدئ:

- آخ، بیر شئـئیم یؤخدور کی، یـئـئه بیله‌سن؟

الینی جیبیندن چـئیخارتدئ، نارئن بیر شئـیلر بارماغـئینا یاپیشمیشدئ بارماغـئینـئ قوشون دیمدیئینه ساریئ توتدو:

- آل چؤک[۳] رشیله! یـئـیء!

قوش دیندی: «قیئامت! قیئامت!»

اوشاغـئین گؤزلری قوشا تیکیلی قالدئ. قوش سئرچه‌دن بیر آز ایری اوْلاردئ. گؤده قویئروغو، اوزون قانادلاریئ آزجا گؤجلؤ آیاقلاریئ وارایدی. اوْنون یومرو وْ توتقون بنؤوشه رنگلی باشیئ وارایدی. بدنینی آغ-آغ خال‌لار بؤرؤموْشدؤ. دده، گؤزلرین‌ده دهشت یووا سالمیش قوشو تومارلادئ. اوْنو آغـئیر-یؤنگوْل ائله‌دی:

- اتی حلال قوشدور. - دئدی

اوْغلان جئیغاز قوشو دده‌سینین الیندن قاپدئ:

- آجدئیر! باپیر، آجدئیر!

وْ قوشا «عزیزیم» دئدی. ایکی بارماغـئ‌لا یاپیئنجیئ‌نـئین قـئیراغـئیندان بیر چیمدیک قار گؤتوروْب، قوشون دیمدیئینه ساریئ اوزاتدئ. قوش تئز باشیئنـئ سیلکه‌له‌دی وْ اریمیش قار اوْغلان جئیغازیئن اوزوْنه سئچرادئ. دده آخـئینا-آخـئینا یؤرغونلوقلا دئدی:

- اتی حلال‌دئیر بو قوشون، سیرو حلال‌دئیر!

اوْغلان جئیغاز دئدی: «هه!»

- بو گوْن اوْچ گوْندوْر کی بیر شئـئ یـئـمه‌میشیک.

اوْغلان جئیغاز قوشون موْر رنگلی باشیئنـئ تومارلادئ: «عزیزیم!» وْ اوْز باشیئنـئ دده‌سینین خـئیسئین-خـئیسئین نفس آلان سینه‌سینه دایادئ: باپیر، دوْغرودور کی، آتام، آنام وْ زیوْر قوْناقلـئیغا گـئدیب‌لر؟

- دوْغرودور، دئدیم کی. گـئدیب‌لر قوْناقلـئیغا.

- هارا؟

۳- چؤک‌رشیله: قوش آدئ‌دئیر. سئرچه‌دن بیر آز بؤیوْک، گؤزل بیر قوش‌دور. دئییلن‌لره گؤره، اؤ طوطو قوشو کیمی اینسان سسینی تقلید ائده بیلیر.

– اؤ دؤنـیایا دای!

– اؤلماز بیزده گـئدک اؤنلارین یانـیـنا!

دده بؤغوق بیر حالدا اؤسکؤردؤ:

– واختـیئندا! هر کسین واختـیـ چاتدیـ گـئده‌جک.

– بس بیزیم واختـیمیز هاچان چاتاجاق؟

– تئز یا گـئج چاتاجاق، داریخما.

اؤغلان جیغاز یاواشجا پیچـیلدادیـ: «قؤناقلـیق»

دده‌سی بیر آز ساکیت‌لشدی، یـئنه سؤروشدو:

– دؤغرودور باپیر؟

دده باشیـنـیـ بولادیـ و فقط «آها!» دئدی.

اؤغلان جیغاز یاپیـنجیـ‌نـین دئشییندن، گؤزلرینی سیخ دومانلـیـ یاماجا زیللەدی.

□□□

کندلرینده، تپه‌نین اته‌یینده دده‌سی ایله بیرلیکده، ال آغاجیـ اللرینده، یازدا تزه جؤجرمیش بیتگی‌لری دریردی‌لر کی، بیردن «جئت»لر گلدی‌لر. دهشتلی باغـیرتـیـ‌لاریـ ایله هر یـئری تیتره‌تدی‌لر، کندی اؤدا چکدی‌لر، گؤیـ اؤزؤنو آوارا قوشلار بؤروؤدو.

بیر عیدده آدام قؤرخولو حالدا اؤدلاردان چـیخدیلار. تپه‌لره قاچدیلار، اؤنون آتاسیندان، آناسیندان، کیچیک باجیـ‌سیندان خبر–اتر اؤلمادیـ.

«جئت»لر یـئنه قایـیتدیلار، یـئنی بیر پارتلایـیش کندی تیتره‌تدی، قاچدیلار. گـئجه‌نی سحره کیمی قاچدیلار، آلا–توران‌لـیقدا قارا سانجیلـیب، قالدیلار.

دده‌سی یاپیـنجیـ‌سیـنـیـ اؤنون و اؤزؤنؤن اؤستؤنه چکدی. اؤ حالدا اؤتوردولار و اؤنلاریـ یوخو آپاردیـ. بیر آز سؤنرا شاختا–سازاق اؤنلاریـ اویاتدیـ. هر یـئری دومان بؤروموشدو، طیتاره‌لرین باغـیرتـیـ‌سیندان، اوزاقلاردا کی، پارتلایـیش‌لارین و سفیل بیر قوشون اینیلتی‌سیندن سووایـیـ بیر سس ائشیدیلمیردی.

□□□

دؤردؤنجو گؤنو یـئنه‌ده، دده، چؤک‌رشیله‌نین چینه‌دانـیـنـیـ ایکی بارماغـیـلا یؤخلادیـ و اینجارسیزجا دئدی:

– اتی حلال‌دیر بو قوشون، اؤلؤم آیاغـیندادیر، باخ!

قوش اؤلؤمجؤل بیر حالدا اینله‌دی: «قییامت! قییامت!»

اوغلان جیغاز دئدی:

– باپیر گؤزلرینه باخ! یامانجا قورخور ها، باخ آیاقلاریڭ اسیر.

دده دئدی:

– سیرو باپیروؤون اللرینه بیر باخ، باخ گؤر نئجه اسیرا!

اوغلان جیغاز چاتلاق–چاتلاق و قورو دؤداقلارینیڭ ددهسینین اللری اوسته قویدو، اونون دریسی قیریشمیش، ایری دامارلاریڭ قارالمیش، اللرینی اوپه – اوپه:

– اینجی‌یه‌جک باپیر؟

– یوخ، زیورجن اینجی‌مه‌یه‌جک.

اوغلان جیغاز قهرلندی، قهرینی اوتدو و قوشو ددهسی‌نین اوزونا قویدو:

– آل، باپیر آمما اینجیتمه، اینجیتمه باپیر.

دده دؤداق آلتیڭ نه‌سه پیچیلدادیڭ، قوشو سینه‌سینه سیخدیڭ و بیر الی‌له ال آغاجینیڭ یاپینجیسیا داياق ائله‌یب یاواشجا یاپینجی‌نین یاخاسیندان ائشیه‌یه چیخدیڭ. یاپینجیڭ کیچیک بیر اوتاق کیمی قارا سانجیلیب قالمیشدیڭ:

– سن ائشیه‌یه چیخما، ائله بورداجا قال سیرو.

اوغلان جیغاز بیر سوز دئمه‌دی. قویدو کی، ددهسی اوزاقلاشسین. او یاپینجی‌نین دئشییین‌دن باخیب، گؤردو کی، ددهسی تیترک آددیم‌لارلا قارین اوستونده اوزاقلاشیر. اونون پیچیلتیلاریڭ بوغلانا–بوغلانا یان–یؤره‌سینه یایيلیردیڭ. دده دایاندیڭ، گئری دؤنمه‌دن، اوسکورد. سونرا قارین اوستونده اوتوردو. هر یانیڭ سوکوت و سویوق بورومشدو. بیردن ددهنین دیرسک‌لری دالدان آهنگدار بیر حرکت‌له ساغا–سولا دارتیندیڭ. بیر بنوشه رنگلی له‌لک اوچوب هاوادا آسیلیڭ قالدیڭ. «سیرو» له‌یین یومو‌شاق‌لیغینیڭ اللرینین دالیندا دویدو.

«سیرو» یاپینجی‌نین یاخاسیندان سورو‌شوب ائشیه‌یه چیخدیڭ. گلیب ددهسیندن آزجا آرالیڭ دایاندیڭ! ایکی جه دامجیڭ قانیڭ دوشمو‌ش قوشون مخمل باشینیڭ گؤتورو‌ب تئز جیبینه قویدو و اوره‌یینده پیچیلدادیڭ: اینجیدین عزیزیم ها! «اینجیدین؟» یاواش–یاواش یاپینجیسیا ساریڭ یونه‌لدی. یاپینجی‌نین ایچینده اوتوران کیمی یئنه‌ده دئشیکدن ددهسینه باخدیڭ. ددهسی یئرینده‌جه اوتوروب قوشون له‌لک‌لرینی یولوردو.



دده ـ آستاجا آیاغا قالخدیـ. آیاغـیـ بودره‌دی، یـئیخـیلدیـ، یـئیخـیلـیب، دورا-دورا ـ دده‌نین هاوایا سؤیورموش لله‌ک‌لرین ایچیندن سؤیوشوب، اؤزونو یاپیشجیـیا چاتدیردیـ. «سیرو» ال-آیاغـیـن یـئیغـیشدیرئیب، دده‌سینه یـئر ائله‌دی. دده اؤتوردو و یـئشنه‌ده سیرونو اؤز دیزلری آراسیـنا آلدیـ. دیش‌سیز آغزیـندا بیر شئیـ خـئیرچـیلدایا-خـئیرچـیلدایا دئدی: «سیرو سنه‌ده ساخلامیـشام.»

اؤغلان جیـغاز هؤنکؤر-هؤنکؤر آغلادیـ:

- یؤخ باپیر، یؤخ، من فقط قار یـئیه‌جه‌یم!

اؤ الینی اوزالدیـب یاپیشجیـ‌نیـن قـیـراغـیـنداکیـ قاریـ چنگله‌دی.

دده یاپیشجیـ‌دان سؤیرؤشؤب بایـیـرا چـیـخدیـ:

□□□

- سیرو، من گـئدیرم بلکه بیر شئیـ تاپدیـم، سن بورداجا قال، منی گؤزله!

اؤغلان جیـغاز تک قالدیـ قوشون باشیـنـیـ جیبیندن چـیـخاریـب اؤپدو و دئدی: «گؤزلیم، عزیزیم!» باشیـ قاباغـیـنا قویدو، گؤزلرینی، قوشون دهشتدن آچـیـلا قالمیـش قـیـرمیـزیـ گؤزلرینه زیلله‌یه‌رک سؤیروشدو:

- چؤخ اینجی‌دین هه؟ قؤرخدون هه؟

قوش قؤرخو دولو گؤزلریله باخدیـ. اؤغلان جیـغاز هارداسا، اوزاقلاردا اؤنون سسینی ائشیتدی:

«قیـیامت! قیـیامت!»



«عیسا باربد»:

(۱۳۵۳/۸/۴هـ-ش
۱۳۹۵هـ-ق)

مجید تیموری‌فر (صفا)

عیسا ایسماعیل اوغلو باربد باکئ، شهرینده دوغولوب. اونون آتاسئ سارابئن شیروانجئق کندیندن دیر کی، اؤ زامانکئ آجلئیق و فئودالیسم ظولوملرین‌دن یاخا قورتارماق اوچون آرازئن اؤ تایئنا کؤچوب و بیر باکئلئ خانئم ایله عایئله قوروبلار. اونلار یالنئز بیر اؤغلاد صاحیبی اولموشلار. عیسائین گؤجلو ایستعداد دا مالیک اولماسئ و موسیقی‌یه وورغونلوغو اوشاقلئیق دؤورؤندن آیدئن‌لاشمئش، اونا گؤره ده ۱۵ یاشئندا «فیئالوتوف کولوپو» آدلانان موسیقی مکتبینه داخیل اولوب و تار آلتینده چالماق اوصول‌لارئنئ اؤیرنیب و دؤکتور «لیانسیدان» lyansdan آدلئ اورکئستر قورپوندا بیر عوضو کیمی قبول اولوندو.

سئویملی موغننی روس و اینگیلیس دیللرینی اؤیرنیر، سونرالار روس بیر قادینلا اؤلنیب و **رافائیل** آدلی بیر اوغول صاحیبی اولور.

عیساخان ۱۳۱۵- جی گونش ایلینده آتاسئ ایله بیرلیکده ایرانا گئری قایئدئب و **ساراب** شهرینده عایئله‌دن آیری و یالقئزجا یاشاماغا باشلایئر.

دئمک، وطنین موقددس و اؤدلو عئشقی عیسانئ یئنی‌دن اؤز دیئارئنا چاغئرئر. سئویملی موغننی اوزون موددت، اسدا... آدالئ قاوال چالان ایله کند و شهرلرده قورولان شن‌لیک مراسیم‌لرینده چئیخئش ائدیب و آرتئیق پوختەلشیر و خالق طرفیندن آشیق عیسا

– دئیه چاغیریلیرا! چونکی ائلیمیزین طرفیندن موقددس ساییلان آشیقلارین گوزل خوصوصییتلریندن بیر پاراسی اوندا گوزه چارپیردی.

۲۵– جی ایللرده، گنج عیسا، کوئنلونده جوشان عدالت سئورلیک و اینسان پروزلیک حیسلرینه گوره سئییید جعفر پیشه‌وری دوزورونون آزاده‌لری سیراسیینا داخیل اولوب و تبریز شهرینده قان ایچن شاه رئژیمی و ظالیم اربابلارین قارشیسیندا موباریزه آپاردی، لاکین شاه قوشونلاری قانلی باسقیچیلاندان سونرا، عیسا باربدی چوخلو آزاده اینسانلار کیمی سورگون ائتمیشلر، او ۱۸ آی میانا شهرینده پولیس نیظارتی آلتیندا یاشامیشدیر.[۱]

۲۵– ایلدن آرتیق عیسا باربد ایله ائل شن‌لیک‌لرینده ایشتیراک ائدن قاوال اوستاسی، «جابر احمدیان»، بو هونرلی اینسان حاققیندا بئله دئییر: «من بو آدامدا هئچ واخت عصبی‌لیک گورمه‌دیم. او مراسیم‌لرده موسیقی‌دن ساوای بیر موعللیم کیمی یاخشی عادت– عنعنه‌لریمیز و اونلاری قورورماقدان و اینسانی خوصوصییتلردن دانیشاردی».

باربد ایله اوزون ایللردن بری چیخیشلار دا ایشتیراک ائدن قاوال اوستاسی «محمدمیمندی» دئییر: «اوستادین یوموشاق اوره‌یی،آچیق الی وار ایدی، او یوخسول عاییله‌لرین توی مراسیمین اوجرت‌سیز یولا سالیب و مجلیسدن یئیغیشان انعام‌لاری تزه گلین و بی اوچون وئررردی، قیش گونلرینده یاناجاق سیز عاییله‌لره کومور و یاناجاق آلاردی.

عیسا خانین شاگیردلریندن اولان گورکملی تار اوستادی **محمود شاطریان** دئییر: «بو گون عیسا باربدین امه‌یی نین حاصیلی گوزوموزن اونونده ایجرا اولان کونسرت‌لرده چیخیش ائدن و اونلارین موسیقی مکتب‌لرینده چالیشیب و گله‌جک اوچون گورکملی تارزن‌لر یئتیشدیرمه‌سی‌دیر. میثال اوچون من بیر ایدمانچی کیمی چالیشیردیم، لاکین عیسا خانی گوروب و اونون اینجه‌صنتی و گوزل خوصوصییتلری و آلقیش‌لارینا گوره موسیقی‌یه چکیلیب و اینجه‌صنت وورغونو اولدوم. عیسا باربد دان ائرکن موسیقی‌میز بیر سیراکس‌لرین الینده ایمیش و اونلار باشقالارینا اؤیرتمک‌دن ایمتینا ائدردیلر. بو هونرلی

---

[۱]– آواز خوانان کوهستان بز قوش (آشیقلار کروانی)، جعفر کوهی ۱۳۸۱ تبریز.

اینسانئین اؤخوماسئ دا باشقا بیر عالمیدیر، اؤنون جانلئ سسینی ائشیدنلر اؤچؤن آرتئیق کسرلی اؤلوب وَ درین حیسلر یارادارد‌ئ، چؤنکی اؤ، موغاملارئ یاخشئ بیلیب وَ گؤزل ایفا ائدردی، شن ماهنئیلارئ کدرلی تصنیفلری گؤزل قزللرله، آیدئین شکیلده ائله اؤخویاردئ کی، ائشیدنلر اؤچؤن مؤناسیب روحییه- احوال یارانسئین. اؤ، بیر نئچه مؤددتده، تبریز رادیوسؤ- تئلؤیزیؤن ایداره‌سینده چالئشدئ وَ اؤ، بیر دیندار کیشی ایدی...».

تأسؤف کی، چؤخلارئ تک بو پارلاق ایستئعدادلئ اینسانا – دا آرتئیق مؤناسیب شرایئط یارانمایئیب وَ اؤندا اؤلان گؤجلؤ یارادئجئلئیق قؤوه‌سی چیچکلنه بیلمه‌دی. لاکین چؤرک قازانماق وَ چؤخ عایئله‌لی اؤزین دؤلانئشئ اؤچؤن گئجه- گؤندؤز چالئشمالار وَ آرتئیق یؤرغونلوق وَ سای‌سئز چتین‌لیکرله قارشئ‌لاشماق عیسا باربدی تئز آیاقدان سالدئ. اؤنون یؤرغون روحو ۱۳۵۳- جی گؤنش ایلین نیسگیللی پایئیز گؤنؤنده دارئسقال قفسدن آزاد اؤلموش، ابدیئته قؤوشدو، ایسته‌دی‌ینه گؤره ساراب شهرینده آنا تؤرپاغا تاپشئرئلئیب وَ مزارئ اؤسته اینجه صنت حاققئندا رسیم چکیلدی وَ بایاتی یازئلدئ وَ هؤنر سئوَر ائل طرفیندن گؤل- چیچک قالاندئ.



سو گلر آخار گئدر
وَرِیانئ یئیخار گئدر
بو دؤنیا بیر گؤزگؤدؤر
هر گلن باخار گئدر

دی و دیر

م. رزاقی

«کیتابدیْ» یا « کیتابدیر» هانسیْسیْ دوزدوْر؟ گؤروْنوْر بیز همیشه «دی»* ایشله‌دیریک وْ «دیر» (۴)-ی اوْنون ادبی‌لشمیش حالتی سانیْریْق. باشقا طرفدن ادبی دیلده یازیْلمیْش متن‌لرده «دیر» گؤرنده اوْنو «دی» اوْخویوروق. اوْنا گؤره لازیْم‌دیْر بو ایکی شکیلچی‌نین فرقینی دقیق بیلک وْ یازیْلاریْمیْزدا ایشله‌دیب، ادبی متن‌لری ده اوْخویاندا یانلیْشیْش دوْشوْنجه‌لره یوْل وئرمه‌یک.

گئنیش حالدا دئمه‌لی‌یک کی، «دی» وْ «دیر»-ین هر بیری‌نین تعریف اوْلونموش وظیفه‌سی واردیْر وْ بو وظیفه‌لر هئچ واخت بیر-بیری‌نی عوض ائتمیر. بیر قایدا اوْلاراق «دی» همیشه (ایسم‌له، فئعل‌له یا عوضلیک‌له ایشله‌ن‌دیکده) یالنیْز کئچمیش زامانیْ گؤسترییر. دئمه‌لی «دی» بیر فئعل‌دیر. «دیر» ایسه بیر خبر شکیلچی‌سی‌دیر وْ ایندیکی حال وْ نقلی کئچمیش (کامیل حال) زامانیْ‌نیْ گؤسترییر. عوْمومی حالدا فارسجانیْن ربطی فئعلی اوْلان «است»-ین قارشیْلیْغیْ‌دیْر. بئله کی، هر یئرده ربطی فئعلین ایشلنمه‌سی لازیْم گلسه، «دیر» ایشلنمه‌لی‌دیر.

دقیق حالدا «دی» وْ «دیر»-ین آیریْلیْق‌لاریْ وْ اوْنلاریْن ادبی دیل‌ده نتیجه ایشلنمه‌سی‌نی آشاغیْداکیْ جدوْل‌ده گؤسترمک اوْلار.

شیفاهی دیل‌ده	ادبی دیل‌ده	فارسجا قارشیْلیْغیْ
حسن صاباح گله‌جکدی.	حسن صاباح گله‌جک‌دیر.	
حسن دوْنن گلمیْشدی.	حسن دوْنن گله‌جک‌دی= گله‌جک ایدی	
منیم الیم‌ده‌کی کیتابدیْ.	منیم الیم‌ده‌کی کیتاب‌دیر.	کتاب است.
سن گؤردوْیوْن، دوْنن‌کی کیتابیْدیْ.	سن گؤردوْیوْن، دوْنن‌کی کیتاب‌دیْ=کیتاب ایدی.	کتاب بود.
آتا سفردن گلیب‌دی(دیر).	آتا سفردن گلمیش‌دیر.	آمده است.
آتا سفردن گلمیشدی.	آتا سفردن گلمیش‌دی = گلمیش‌ایدی	آمده بود.

* : دوْرت شکیل‌لی‌دیر(دی، دیْ، دو، دوْ).

میثال اوچون آشاغیداکی‌لارا دیققت یئتیرمک اولار:

- بو حئکایه‌نین موّاللیفی مقصود ایبراهیم بی‌وّونون بؤیوّک وطن موّحاریبه‌سی قورتاران ایلی ۱۰ یاشی واردی. (آنار، سیزسیز، باکی، گنجلیک نشریاتی، ۱۹۹۲، ص ۳۲۳)

- اگر یانیئنا گئدیب- گلمه‌سه‌یدیک، شوّبهه‌لنه‌جکدی. (آنار، قاباقکی، ۴۹۶)

- آنامی ایتیرمک ایسه هر ایکیسی‌نی ایتیرمک دئمک‌دی، چونکی آنامی یاخیندان تانیئیان‌لارین هامی‌سی تصدیق اندیر کی، او، نیگارسیز یاشایا بیلمزدی. (قاباقکی، ۴۷۵)

- دایئیم:- باخ، او آدا بیزیم‌دیر. (قاباقکی، ۴۸۳)

- خسته خانانین چؤل قاپی‌سیندا حکیم‌لرله گؤروشدوم. اونلاری عاباس موّشاییعت ائده‌جک آخشام موّسکوّایا اوّتوره‌جکدی، من ایسه آتام گیله، یاس یئرینه قایئیتمالیئیدیم. (قاباقکی، ۵۱۲)

- مشهور سوّوئت یازیچی‌سی س. زالیگین اکرم ایلیسلی‌نین «بوّللور کوّل قابی‌نین ناغیللی» کیتابینا یازدیغی اون سوّزده بو باره‌ده چوخ گوّزل دئمیشدیر. (قاباقکی، ۳۲۴)

- خسته‌لیک آنامی اولوّمه محکوم ائتمیشدی، آمما بو ائعدامین گونو، ساعاتی، ایجرا واختی تعیین اولونمامیشدی- رمزی اولوّم پاسپوّرتو موّددت‌سیز ایدی. (قاباقکی، ۵۱۶)

- گلمیشم، گلمیشسن (...) گلمیش‌دیر. (ابراهیم رفرف، تورک دیلی درس اوّجاغی، تهران، مرغ آمین، ۱۳۷۸ ، ص ۱۸۷)

دوّکتور فیروز رفاهی جنابلاری‌نین

رزاقی جنابلاری‌نین مقاله‌سینه بیر علاوه توّوضیح :

آذربایجان دیلینده خبر کاتئقوّریاسی فئعللدن باشقا، سایئر موّرفوّلوّژی حیصّه‌لره عاییددیر. هر هانسی بیر موّرفوّلوّژی حیصّه‌نی خبر فوّرماسیندا وئرمک اوچون اونا مخصوص شکیلچی‌لردن ایستیفاده اندیریک: (ام - سن- دیر)تک شخص‌لر اوچون و (ایک- سینیز- دیرلر) جمع شخص‌لر اوچون.

میثال: آدلار ایله (موّعللیم‌ام- موّعللیم‌سن- موّعللیم‌دیر- موّعللیم‌ایک- موّعللیم‌سینیز- موّعللیم‌دیرلر). عوضلیک‌لر ایله (من‌ام- سن‌سن- اودور- بیزیک- سیزسینیز- اونلاردیرلار). صیفت ایله (اوجایام- اوجاسان- اوجادیر- اوجایئیق- اوجاسینیز- اوجاسینیز-

اوجادیرلار). فئعلی صیغت ایله (قاچماقداییام- قاچماقداسان- قاچماقدادیر- قاچماقدایئیق- قاچماقداسیئینیز- قاچماقدادیرلار). سایئلار ایله (بیرم- ایکی‌سن- اوچ‌دؤر- بئش‌یک- آلتی‌سیئینیز- یئددی‌دیرلر).

خبر کاتئقؤریییاسی‌ هر سؤزؤ بیر خبره چئویرمک اوچؤندؤر ؤ کاتئقؤرییا اولدوغو اوچؤن دیلده عؤمومی خاراکتر داشییئیر. خبر کاتئقؤرییاسی‌نئین کئچمیش زامانی‌ «ایدی»، «ایمیش» شکیلچی‌لری ایله یارانیر: مؤعللیم ایدیم، اوجا ایمیش، قاچماقدا ایدین ؤ سایر.

فئعلین خبر فؤرماسی‌: بو فؤرما «ایمک» فئعلی یاردیمی‌ ایله یارانیر. بو فئعلین مؤختلیف صرف حالتلری اولمادیغی‌ اوچؤن اونا یاریمچیق فئعل یا ناقیص فئعل ده دئییرلر. اونون آنجاق ایکی فؤرمو ایشلک‌دیر: ایدی- ایمیش.

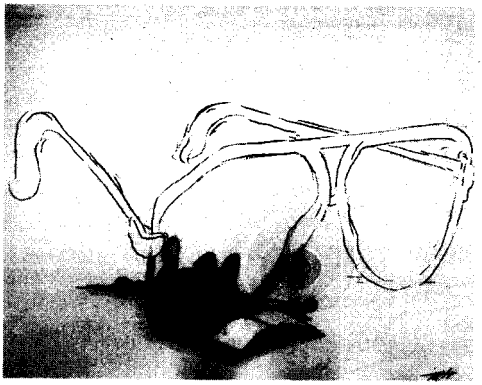
-:گلمیش‌ام-گلمیش‌سن-گلمیش‌دیر(گلیب‌دیر)-گلمیش‌یک-گلمیش‌سینیز-گلمیش‌لر

ایدی:گلمیش‌ایدیم- گلمیش‌ایدین-گلمیش‌ایدی-گلمیش‌ایدیک- گلمیش‌ایدینیز- گلمیش‌ایدی‌لر

یا :گلمیش‌دیم - گلمیش‌دین - گلمیش‌دی - گلمیش‌دیک - گلمیش‌دینیز - گلمیش‌دی‌لر

ایمیش:گلمیش‌ایمیش‌ام-گلمیش‌ایمیش‌سن-گلمیش‌ایمیش-گلمیش‌ایمیش‌یک- گلمیش‌ایمیش‌سینیز-گلمیش‌ایمیش‌لر

دانیشیئیق دیلده سؤزؤن سؤن سسی «ر» دؤشؤر ؤ بو حالت یالنیز دانیشیئیق دیلده اولمالی‌دیر. ادبی دیلده گرک «دیر» یازیلسین ؤ دئییلسین. کئچمیش زامانی‌ گؤسترن «دی» ایله یوخاری‌داکی‌ شکیلچی‌لرین بیر باشا هئچ رابیطه‌لری یؤخدور، چؤنکی کئچمیش زامانیین بؤتؤن شخصلرینده «دی» علاوه اولونمالی‌دیر، آنجاق خبرکاتئقؤرییاسی‌نئین اوچونجو شخصی ظاهیرن بونا اوخشاییر کی، تصادوفی اوخشارلیق‌دیر.



گؤلگؤ

ریوایت :رضا نوه‌سی

بنی آدام الینه دؤشمک!

گؤنلرین بیر گؤنؤ اؤردان قاییتمیش بیر شئر مئشه‌نین قورتاراجاغیندا اوجا بیر چینارئن کؤلگه‌سینده اوزانیب یاتمیشدی. اؤنو بیر هنیرتی یوخودان اویاتدی. یوخودان کال اؤیانمیش شئرین گؤزؤ آلاجالاشسادا، آنجاق یانیندان اؤتؤب کئچن بیر حئیوانین قیپاقه‌سی اؤنو چؤخ ماراقلاندیردی! شئر **باغیردی!** مئشه دیکسیندی! اؤ حئیوان‌دا دؤنؤب یئرینده جه دایاندی.

– آی یؤلدان اؤتن بورا گل گؤروم– دئیه شئر حئیوانی یانینا چاغیردی.

حئیوان قورخا– قورخا شئره یاخین‌لاشدی.

– آدین نه‌دیر قوچاق؟

– آدیم پیشیک‌دیر آغا

– عم اؤغلو، سن لاپ بیزلره اؤخشایئیرسان کی.

– بلی عم اؤغلو سیزلردنم.

– بس نه اؤچؤن بو گؤنه قالئیبسان؟

– آدام الینه دؤشموشم.

– آدام نه اؤلان شئی دیر!

– آدام، آدام‌دیر. ایکی الی وار، ایکی قیچی، و...

– هئه نه اؤچؤن اؤشؤنه– اؤشؤنه دانیشئیرسان.

– آخی آدام یامان بیر مخلوق‌دور، قورخولودور...

– اؤنو منه گؤسترە بیلرسن‌می؟

– بلی گؤسترەرم.

– بس ائله ایسه دؤش قاباغیما یئری، اؤنون یئرینی، یؤواسی‌نی منه گؤستر.

پیشیک قاباقدا، شئر ده اؤنون آرخاسئنجا یؤلا دؤشدؤلر. آز گئدیلر، چؤخ گئدیلر، بیر دؤزنلییه چاتدئیلار. پیشیک اؤیان- بویانا گؤز گزدیردی دؤزنلییین سؤل طرفینده گؤزؤنه بیر جؤتجؤ ساتاشدئ. پیشیک آیاق ساخلایئیب،جؤتجؤنؤ شئره گؤستریب دئدی:

- باخ! اؤدور بنی آدم. منی بو گؤنه سالان آدام اؤدور!

شئر بو سؤزؤ ائشیدن کیمی، جؤتجؤیه‌ساریئ گؤتؤروللدؤ. پیشیک ایسه یاواش- یاواش یؤلونا داوام ائتدی.

جؤتجؤ کی، اؤز عالمینده ایدی، شئرین باغئرتئسئندان دیکسینیب یئرینده جه بیر آنلئیق دؤنوب قالدئ. شئر باغئرا- باغئرا اؤنا ساریئ شیغئیدئ. جؤتجؤ گؤردؤکی، اؤزؤنؤ ایتیرسه شئر اؤنو پارچالایاجاق! شئر گلیب جؤتجؤنؤن بئش آدیملئیغئندا دوردو. آنجاق هردن بیر باغئرئیردئ. جؤتجؤده ترپنمیردی. شئر اؤزنؤ جؤتجؤیه توتوب آجیقلئ- آجیقلئ سؤروشدو:

- دیء گؤرؤم بنی آدم سنسن؟

- بلی کی بنی آدامم.

شئر بو سؤزؤ ائشیدن کیمی بیر آز ساکیت‌لشدی. داها دوغروسو بیر آز قؤرخان کیمی اؤلموشدو.

- دیء گؤرؤم سن منیم عم اؤغلومو نه اؤچؤن بو گؤنه سالمیسان؟

- هانسئ گؤنه،هانسئ عم اؤغلون،نه دانئشیرسان؟

- اؤزؤنؤ اؤ یؤلا وئرما.

جؤتجؤ ایله شئرین دئییشمه‌سینین بو واختئندا پیشیک گلیب چاتئیب اؤنلاردان بیر آز آرالئ دایانمیشدئ. شئر دؤنؤب پیشیئی گؤستریب دئدی:

- باخ بونو دئییرم.

جؤتجؤ مسله‌نین نه اؤلدوغونو آنلادئ. بیر آز گؤلؤمسه‌ییب دئدی:

- منیم ایشیم بودور. هر کس ایسته‌سه منیم‌له گؤله‌شه بو گؤنه دؤشه‌جک.

اؤغلان‌سان منیله گؤلش، گؤر اؤندا باشینا نه اؤیون آچاجاغام!

- چؤخ عجب گؤلشه‌رم.

- پس اؤزؤنؤ حاضیرلا.

- آنجاق بیر ایش وار آخئ! منیم گؤجؤم یانئمدا دئییل، گؤجؤم اؤده قالئیب.

- گئت گؤجؤنؤ گؤتؤر گل!

- بلکه من گلینجه سن قاچدئین. اؤندا من نئیلرم؟

- یؤخ! قاچمارام. باخ بوردا، بو خئیشئین یانئندا اؤتوروب، وَ سنی گؤزله‌یه‌جیم.

– یۆخ من قورخورام کی، سن قاچاسان. اگر دۆز دئییرسن گل قۆل– قیچینئ باغلایئیم سۆنرا گندیم.

شئر راضئ اولور، ۆ اوزانئیر. جۆتجۆ ده اۆنون قۆل– قیچینئ باغلایئیر. گۆتورۆر جۆت چوبوغونو دۆشۆر شئرین جانئینا. نه یئمیش‌سن تورشولو آش. اۆ کی وار وۆرور شئری... شئرین الی آمانئ کسیلیر باشلایئیر وئگیلده‌میه. آنجاق جۆتجۆ ال گۆتۆرن دئییل وۆر... وۆر... شئری لاپ ایشدن سالئیر. بو آندا شئرین گۆزۆ پیشی‌یه ساتاشیر. اۆزۆنۆ پیشی‌یه توتوب دئییر:

– آیٔ عم اۆغلو! گۆره‌سن بو بنی آدم منی‌ده سن‌جن ائدن دن سۆنرا بوراخاجاق یۆخسا یۆخ؟

– نه بیلیم واللاه!؟

گۆزۆمه بالیق باشئ گۆرۆنۆر

«آدئ گۆزل آغا» چۆخ بالیق یئییه‌ن ایدی. سۆفره‌سینده نه خورک اۆلورسا اۆلسون یانیندا مۆطلق بالیق اۆلمالئ ایدی. آمما آرواد‌ئ‌نین بالیقدان زهله‌سی گندردی. اۆ دورکی، ارینه یالوارادئ کی: «آیٔ کیشی نه اۆلار آرا بیر بالیق‌سیز خورک ده یئییه‌م. آمما «آدئ گۆزل آغا» قولاق آسمیردئ کیٔ آسمیردئ. آخیردا آرواد کیشی‌سیندن خبرسیز بازاردان بیر یۆک بالیق آلیب اۆیه گتیریر. مطبخده قۆیوب اۆستۆنۆ اۆرتۆر کی، اری گۆرمه‌سین.

آرواد گئجه اۆلان کیمی«آدئ گۆزل آغا»نی یۆخویا وئریب، بالیق‌لارئ حیطه، داما، یۆلا ۆ کۆچه‌یه سپه‌له‌ییر، اۆیه قایئیدیب یاواشجا ارینی اۆیادیب ۆ دئییر:

– آ کیشی حیطه چیخمیشدیم، آیاغیما بیر شئیٔ دیدی، گۆردۆم بالیق‌دیر. ایشیق یاندیردیم کی، گۆرۆم بو نئجه شئیٔ دیر. هر یاندا بالیق گۆردۆم. اۆلجه خیال ائتدیم کی، محلله اوشاقلارئ زارافاتجا آتیبلار. آخیٔ سنین بالیق یئمه‌ین هامیٔیا معلوم دور. چیخدیم داما، باخدیم کۆچه‌یه، یئنه بالیق گۆردۆم؛ دئییرم بلکه بو گئجه گۆیدن یاغیش عۆضینه بالیق یاغیب... نه قده‌ر کی، قۆنشولار خبر توتمایئیب، تئز اۆل دور یئیغاق.

«آدئ گۆزل آغا» سئویجک یئریندن سئچیرایئیب، گئییینیب، آرواد‌ئ ایله حیطدن، دامدان، کۆچه‌دن بالیق‌لارئ یئیغدیلار. ال– آیاق‌لارینئ یۆیوب، شاد و° خورامان یاتدیلار. صاباح اۆلجاق «آدئ گۆزل آغا» آرواد‌ینا تاپیشیردئ کی، شاما بالیق – پیلۆۆ پیشیرسین، اۆزۆده بو دفه بالیغا قناعت ائتمه‌سین.

«آدئ گۆزل آغا» آخشام اۆیه قایئیدیب، سۆینه – سۆینه آرواد‌ینا دئدی کی:

– آرواد گتیر گۆرک گۆی‌دن یاغان بالیغین پیلۆۆو نئجه اۆلار.

آرواد پیلوٚوٚو چکیب، «آغا»نین قاباغینا قوٚیدو، آمما سوٚفره‌ده بالیق‌دان خبر یوٚخ ایدی.

– آرواد! بس بونون بالیغی هانی؟

– آ کیشی ات گتیرمه‌میش کوٚفته ایسته‌ییرسن؟ سن بالیق آلمیشدین کی، من‌ده پیشیرم؟!

ـ آیْ آرواد، سن نه دانیشیرسان؟ بس گئجه یاغان بالیق‌لار نئجه اولدو؟

آرواد ارییندن بو سوٚزوٚ ائشیدن کیمی باشلادی قیشقیرماغا:

– «وای ددە اریم دلی اولوب، باشینا هاوا گلیب!»

قوٚهوم- قوٚنشو یئیغیشیب بو ایشه موٚعطّل قالدیلار. آرواد مأمور چاغیتدیریب کیشی‌نی یاخالاتدیردی! «آدی گوٚزل آغا» قاضی‌یه گئجه نه گوٚرموٚشدوٚ هامیسینی دانیشدی. حکیم‌لرده اونو یوٚخلادیلار. بو قراره گلدی‌لر کی، کیشی دلی‌دیر. خسته‌خانایا گتمه‌لی‌دیر.

«آدی گوٚزل آغا» بیر نئچه گوٚن خسته‌خانادا قالاندان سوٚنرا بیر تانیش یانینا گلدی، «آدی گوٚزل آغا»نین بورایا دوٚشمه‌ییندن سببینی سوٚروشدو. اوْ دا باشینا گلنی تانیشینا دانیشدی. تانیش اونا دئدی:

– دوٚستوم آروادین سنه کلک گلمیش‌دیر. گوٚی‌دن ده بالیق یاغار آخی؟ بو دفه حکیم‌لر سنی یوٚخلویاندا، بو بارده سوٚز سوٚروشاندا دئنه‌کی: «آیْ حکیم بالیق یاغدی نه‌دیر. منیم زارافاتیم توتموشدو. من سیزی سریمیشدیم. آخی گوٚی‌دن ده بالیق یاغار»

صاباح «آدی گوٚزل آغا» اوٚیرندیک‌لرینی حکیمه دانیشیر اونو بوراخیرلار.

آرواد یئنه‌ده «آدی گوٚزل آغا»یا پیلوٚ پیشیریر. بو دفه بالیغی نیمچه‌نین ایچینده، دوٚیوٚنوٚن آلتیندا گیزلدیر. «آغا» بیر – ایکی پنجه دوٚیوٚدن یئین کیمی، دوٚیوٚنوٚن آلتیندان بالیغین باشی گوٚروٚنوٚر. «آدی گوٚزل آغا» تئز الینی چکیب آغیزینی سیلیر! آروادی سوٚروشور:

– آیْ کیشی، نه تئز دوٚیدون؟

– آرواد، دوٚیماغینا دوٚیمامیشام، دئمیرم ده کی، پیلوٚودا بالیق وار، آمما گوٚزوٚمه بالیق باشی گوٚروٚنوٚر.

«همشهری»گؤندەلیئی‌نین آذربایجان تؤرکجه‌سینده اؤزل صحیفه‌لری!



اؤلکه میقیاسئندا یاییلان گؤندەلیک‌لر سئراسئندا، «همشهری» گؤندەلیئی آذربایجان خالقی‌نین حاقلی طلب‌لرینه جاواب اؤلاراق تقدیره لایئق گؤرموش! بو گؤندەلیئین مؤدیریئتی و یازئچی‌لار هئیاتی‌نین تشبوثو ایله «همشهری»: آذربایجانین **شرقی، غربی، زنجان، اردبیل** اوستانلارئندا، هر اوستانین اوزونه مخصوص آذربایجان تؤرکجه‌سینده صحیفه‌لر آیئرمئش و مونظم اؤلاراق هر هفته بو اؤزل صحیفه‌لری یاییماقدادئر، بیز بو تشبوثو اؤرکدن آلقیشلایئر و امکداشلارئمیزا اوغورلار آرزولایئرئق! آشاغیدا، بو اؤزل صحیفه‌لرین باش یازئ‌سئنی اؤلدوغو کیمی اؤخوجولارئن دیققت-ی نظرینه چاتدیرئرئق!

نه یاخشی اؤلار کی، باشقا گؤندەلیک‌لره هفته‌لیک‌لر، و آی‌لیق‌لارئن مسول‌لارئ «همشهری»نین اؤزل صحیفه‌لری‌نین تایئنی اؤز نشریه‌لرینده یارادبیله‌لر!

سیزه سالام گتیرمیشیک

«همشهری» گؤندەلیئی، ایرانئین ان چؤخ تیراژلی گؤندەلیئی اؤلدوغو اؤچون، ایرانئین دؤرد بیر یانئیندا یاشایان اوخوجولارئ‌نئین ایستک‌لرینی یئرینه یئتیرمک قصدینده دیر.

بو ایستکلردن بیری، همشهری نین ایراندا یاشایان و مؤختلیف دیللرده دانیشان اینسانلارئن دیل، ادبیات، فولکلور، عنعنه، عادت و صنت‌لرینه توجوه گؤسترمه‌سی‌دیر. همشهری کئچمیش اون دؤرد ایلده، دؤرد مین دن آرتئیق چاپ ائتدیردیئی نؤمره‌لرینده، الیندن گلدیئی قدەر، بو حاقدا چالیشمیشدیر. بوندان علاوه ۱۳۸٤-جی ایلین سون گؤنلریندن، روزنامه بو قرارا گلمیشدیر کی، «تؤرکجه همشهرینی»، علاوه اؤلاراق همشهری‌نین آذربایجانلئ اؤخوجولارئ اؤچون چاپ ائتدیرسین. ائله بونا گؤره، شنبه گونو ۱۳۸٤-جی ایلین بهمن آیئ‌نئین ایئیرمی دوققوزوندا، ۳۹۱۱-جی نؤمره‌نین علاوه‌سی آدئ ایله و محرم گونلری و تبریزین ۱۳۵٦- جی ایلده کی، **۲۹ بهمن** قیئامینی نظرده آلاراق، **آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان** اوستانلارئ، هم ده تهران شهرینده یاشایان و آذری تؤرکجه‌سی ایله دانیشان اؤخوجولار اؤچون،

همشهری‌نین اؤزل تؤرکجه علاوه‌سی مؤنتشیر اولدو. بو دؤرد صحیفه‌لیک تؤرکجه علاوه ده، عؤمومییئت ایله محرم و تبریزین ۲۹ بهمن قییامئ ایله علاقه‌دار یازئلار درج اولونموشدو. تؤرکجه همشهری، چؤخ ماراق و آلقیشلارلا قارشیلاندئ و ایرانئین دؤرد بیر یانئیندان، آذربایجانلئلار اؤز سؤیینج و تقدیرلرینی روزنامه‌نین مؤدیریئتینه بیلدیردیلر. قرار اولموشدو تؤرکجه همشهری، آیدا بیر دؤنه چاپ اولاراق، روزنامه‌نین علاوه‌سی آدئ ایله، شیمال قرب منطقه‌سینده، هم ده تئهران‌دا پایلانئیلسئین. آنجاق یئنی ایل باشلایاراق، روزنامه‌نین مؤدیریئتی بو قرارا گلدی کی، همشهری هفته‌ده هر اوستان اؤچؤن بیر اؤزل سایئ نشر انتدیرسین. بو ایش، اوردیبئهشت آیئین‌دان باشلاندئ و تدریج ایله هامئ اوستانلارئن همشهری‌سی مؤنتشیر اولدو. آنجاق بوندان بئله، هر هفته سیزین اوستانئیزدا یاییلان همشهری‌نین اوستانی علاوه‌سینده، ایکی صحیفه تؤرکجه همشهری اؤخویاجاقسئنئز و داها آیدا بیر دؤنه یؤخ، هر هفته سیزین اثولرینیزه قوناق اولاجاغئق.

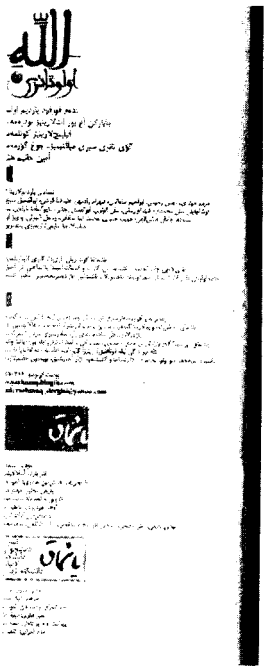
همشهری، آیدا دؤرد دؤنه بوراخدیغی بو سکگیز صحیفه‌لیک تؤرکجه همشهری‌نی سیزه ایتحاف ائدیر، سیز عزیز اؤخوجولارئ سسله‌ییر و سیزه سالام سؤیله‌ییر. همشهری‌نین سسینه سس وئردیزسه، بیز بوندان سؤنرا، هر هفته اؤخومالئ، انشیتمه‌لی، سؤیمه‌لی و دادلی - دوزلو سؤزلر ایله سیزه سالام گتیره‌جه‌ییک. بیز سیزه ایراندا، اؤ جؤمله‌دن سیزین اوستاندا یاشایان آذربایجانلئ شاعیرلردن، یازئچئلاردان، قؤجامان اینسانلاردان، آتا - بابالاردان، صنتکارلاردان و ایدمانچئلاردان دانئشماق نییتینده‌ییک. ایسته‌ییریک سیزلره شئعرلر چاپ ائدک. آتا- بابا سؤزلریمیزدن و دب‌لریمیزدن دانئشاق. آذربایجانئین، هم‌ده سیزین اوستانئین تانئینمئش بینالارئندان و گؤرملی یئرلریندن سؤز آچاق. بیز سیزین اؤرک سؤزلرینیزی اؤز قلمینیز ایله نشر ائتمک قصدینده‌ییک. بیز سیزلره حئکایه‌لر، ادبی قطعه‌لر، دانئشئقلار، گؤروش‌لر و بؤل - بؤل باشقا تؤحفه‌لر ایتحاف ائدجه‌ییک.

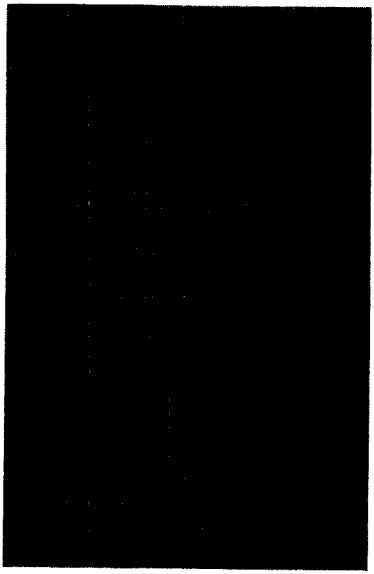
بیز سیز ایله ساغ اولاشماغئ، سؤزومؤزون سؤنوندا دا یئرلی بیلمیریک و یئنه‌ده سیزی سالاملاییرئق، چؤنکی بیز سیزه سالام گتیرمیشیک.

بیزیمله تاماسدا اولون. همشهری‌نین تؤرکجه صحیفه‌لری، سیزین اؤزؤنؤزؤن‌دؤر.

تؤرکجه همشهری تحریریه هیئأتی

اوغور اؤلسون!





آنادیللی مطبوعاتیمیزین

سیراسینا

«یاشماق»

دا

قوشولدو.

ادبی گنجلیئیمیزین چالیشقان و ایستئعددلی قلم صاحیبلری‌نین تشبوثو ایله، یئنی ادبیاتئ یاپماق آماجئ ایله قورولان «یاشماق» دا یئنی بیچیم‌لی یئنی مضمونلو اثرلری ایله اوخوجولاردا ماراق دوغورموش. **آذربایجان** ، **تورکیئه** و **دونیا** شاعیر و یازیچئ‌لارئندان، اثرلر، ترجومه‌لر، مقاله‌لر وار، عئینی حالدا ایران آذربایجانین ایستئعدادلئ قلم صاحیب‌لری‌نین دورلو- دورلو شئعر، حیکایه و تنقیدی یازئ‌لارئ و... «یاشماق» درگی‌سینی داها دا زنگین‌لشدیرمیشدیر.

آذری مجلله‌سی‌نین امکداشلارئ، «یاشماق» دا امک صرف ائدن اونو قوروب یاراداناللارا، **شاعیر**، **یازیچئ**، **رسام**، ایجرا ایش‌لرینده چالیشان آذربایجانین اوغول- قیزلارئنا اوغورلار دیله‌ییر و ساغ اولون دئییرلر!

آرزوموز بودور کی: نئچه- نئچه «یاشماق» سایاق درگی‌یمیز اولسون.

بیلقامیش

هر شئی بیلن آدامین داستانی



چئویرن: ای. ولی یئو
کؤچورن: ائل اوغلو

اؤنون دا قاباغیندا یئرین میرزه‌سی، اؤ قیز
بئلئت- سئری دیز چؤکؤب.
اؤنون اؤچؤن اؤخویور، طالئع یازیلاریندی،
اؤ باشیندی قالدیریب اؤنونده گؤردو منی.
دئدی کی، اؤ آدامی آرتیق اجل آلمیشدیر!
(سؤنرا اللی‌یه‌دک شعر چاتیشمیر، ائنکیدو یئنه یؤخو گؤرور.
بو یؤخو حاققیندا صؤحبت آشاغیداکی سؤزلرله قورتاریر):
«بؤتؤن اذییتلری بیز آرامیزدا بؤلدؤک،
یاددا ساخلا، اونوتما دوستوم عمل‌لرینی!»
اؤنون دوستو چوخ چتین، یؤرولماز یوخو گؤرمؤش،
یؤخو گؤرنده اؤنون طاقتی ده تؤکنمیش.
ائنکیدو اوزانمیش‌دیر،
بیر گؤن، ایکی گؤن کئچمیش
هله ده اوزانیب
بئش گؤن، آلتی، یئددی گؤن، سککیز،
دوققوزونجو گؤن،
اؤنونجو گؤن یئتیشدی، آغریلاری چوخالمیش.
اؤن‌بیرینجی گؤن اؤتدو، اؤن‌ایکینجی گؤن گلدی،
ائنکیدو یاتاغیندان بیر آزاجیق دیکه‌لدی،

بیلقامیسی سسله‌ییب، اونا بئله سؤیله‌دی:
«گؤرؤنؤر، دوستوم داها منه نیفرت بسله‌ییر،
اونونلا اوروک‌دا بیز بیر یئرده مصلحت‌لشدیک،
من دؤیؤشدن قورخاندا او منه کؤمک ائتدی،
دؤیؤشده دادا یئتن دوست ایندی هارا گئتدی؟
دوستوم ایکیمیزی ده اؤلوم گؤزله‌ییرمی بس؟»
(سونرا لؤوحه‌نین سونونادک ایییرمی‌بئش- اوتوز میصرا چاتیشمیر).

۸- جی لؤوحه
I.

اوفوقه صدا دوشوب، آغاراندا دان یئری،
بیلقامیس صوحبت آچیب دوستونا بئله دئدی:
«انئکیدو دوستوم، بونو سؤیله‌یئم یاخشی بیل‌سن،
آنان آنتیلوپ سنی دوغوب چؤل انئششه‌ییندن.
اوزاق اوتلاق‌لارداکی مال- قارا سورؤسوندن،
و وحشی حئیوان‌لاریئن سودؤیله بؤیومؤسن.
سیدر مئشه‌سینده‌کی سن سالدیغین جیغیرلار،
گئجه ـ گوندوز آرام‌سیز سنین دالینجا آغلار.
باش حاصارلی اوروک دا آغ ساقال‌لار آغلایار.
آرخامیزجا گؤز تیکیب، قول آچانلار آغلایار.
بیر زامان‌لار بیرلیکده باشینا قالخدیغیمیز
مئشه‌لی زیروه‌لرین اتک‌لری آغلایار.
هونکور- هونکور آغلاسین اوتلاق‌لار آنا کیمی.
بیر واخت‌لار مئشه‌سینه گیریب یول آچدیغیمیز
سیدرلر شیره تؤکر، سروار ده گؤز یاشی،
آغلایار آیی‌لار دا، کافتارلار، ببیرلر ده،
باشاق‌لارلا اؤکوزلر، کئچی‌لرله شیرلر ده.
مارال‌لار، جوئیورلر ده، مال- قارا دا- او کی وار،
آغلایار چؤل‌لرده‌کی وحشی‌لر، یئیرتیجی‌لار،

ساحیلینده قۆرورلا دۆلان‌دیغیمیز یئۆلئی،
سویونو ایچدییئیمیز فرات دا آغلایار هئی!
گۆز یاشئینئ آخیرار اوروکون ایگیدلری،
بۆغانئ اؤلدۆرنده بیزه تاماشا ائدن
آرواد اوشاق آغلایار.
آدئینی شۆهرت‌لندیرن اؤ خئییرخاه شهرین اکینچی‌سی آغلایار.
اؤ کس‌لر آغلایار کی، قدیم آدام‌لار کی،
سنینله اؤیونردی.
اؤ کس‌لر آغلایار کی، سنه اؤز سۆفره‌سینده
بیر واخت چؤرک وئره‌ردی.
آیاغئینا عطیر ـ یاغ چکن کنیز آغلایار،
سنه شراب ایچیرن قولون گۆز یاشئ آخار.
جانئینا زئیتون سۆرتن یاوا قادئین آغلایار،
سنین مصلحتینله اؤزۆنه آرواد تاپیب،
نیکاح اؤتاغئینا ایلک قدم باسان آغلایار،
قارداش‌لارئن آغلایار، باجئ کیمی های سالار،
یاس‌لارا باتار تامام، ناله چکیب ساچ یۆلار!
اوزاق سۆرۆلرده‌کی آتا ـ آناسئ کیمی،
ائنکیدویا آغلایئیب سئیخاجام گۆزلریمی،
ایندی منی ائشیدین، ائی ارنلر، ائشیدین!

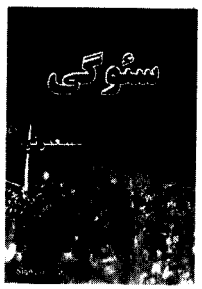




ایتگین اولدوز
(حیکایه)
علیرضا ذیحق
ناشر موالف
۱۳۸۵



گونشیمین پنجره‌سی
«شعر»
علی ظفرخواه
ناشر: موالف
۱۳۸۴



سئوگی
«شعر»
علی ظفرخواه
ناشر موالف
۱۳۸۴



شاهسون (ائل سئون)
اثر تحقیقی
مقصود اثنی عشری خیاوی
ناشر: باغ اندیشه
۱۳۸۰

حؤرمتلی اوخوجولار:

۱- آذری فصلنامه‌سی‌نین ۱۱- نجی سایئسیندا «کامپیوتر»ین چاتیشمامازلیقلاریندان آسیلیی اولاراق تاریخ‌لرین عددلری‌نین درجینده بیر سئیرا یانلیش‌لیقلار اوز وئریب خوصوصی اسیله حؤرمتلی عالیم دوکتور میرهدایت حصاری جنابلاریی‌ین مقاله‌سینده(ص. ۴۶-۳۸) داها آرتیق گؤزه چارپیر.

۲- حؤرمتلی عالیم دوکتور فیروز رفاهی جنابلاریی‌ین مقاله‌سینده (ص-۶۰) یانلیش اولاراق میرجلال پاشایئو یازیلیبدیر. کی،دوزو م.ق. پاشایئوا اولمالیدیر.

اونجه‌دن حؤرمتلی اوخوجولار و ائله‌جه‌ده یازیچیلارریمیزدان عوذر ایسته‌ییریک.

آذری

یئنی کیتاب‌لارین سیناهیسی

ترتیب ائدن: یوسف قوسی(فرزانه)

۱- **اوغوزنامه**- رشیدالدین فضل‌اله، نشر: ائلدار، تبریز.

۲- **بایاتی سازی**- سخاوت اردبیلی، نشر: اندیشه نو، تهران.

۳- **ائل سسی**- آشیق سلجوق شهبازی و اکبر حمیدی علیار، نشر: موالف، تهران.

۴- **زبان ترکهای تهران**- عباس دوارنیا، نشر: موالف، تهران.

۵- **سوّرگوّن**(حبیب ساهیرین سئچیلمیش اثرلری)- حمید فرشی، بهروز افغان، نشر: اختر: تبریز.

۶- **خود آموز ترکی استانبولی**،- ارسلان فصیحی، نشر: ققنوس، تهران.

۷- **تاریخ دیرین ترکان ایران**(چاپ سوم)- محمدتقی زهتابی، ترجمه: علی احمدیان (سرای)، نشر: اختر، تبریز.

۸- **هویت و زبان**- صمد چایلی، نشر: اختر، تبریز.

۹- **تبریز در ادبیات ایران و آذربایجان**- بهروز خامه‌چی، نشر: احرار، تبریز.

۱۰- **ارک (آذربایجان تورکجه‌سی سوّزلویو)**- اسماعیل جعفرزاده، نشر: احرار، تبریز.

۱۱- **معرفی شهرهای آذربایجان**، پرویز یکانی زارع، نشر: اختر، تبریز.

۱۲- **تاریخ زبان در آذربایجان**- پرویز یکانی زارع، نشر: اختر،تبریز.

۱۳- **ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم (ترکان جوان)** – رحیم رئیس نیا، نشر: ستوده، تبریز.

۱۴- **سئوگی (شعرلر)**- علی ظفرخواه، نشر: هادی، تبریز.

۱۵- **آختاریشلار و آراشدیرمالار**- بهروز اسدی، نشر: یاز نشریاتی- ارومیه.

۱۶- **آذربایجانین آشیق داستانلاریندان**- بهرام اسدی، نشر: یاز نشریاتی، ارومیه.

۱۷- **مقاله‌لر (آذربایجانین ادبیاتی حاققیندا)**- بهرام اسدی، نشر: یاز نشریاتی، ارومیه.

۱۸- **کلاس شعر (آموزش شعر برای شاعران مبتدی)**- بهرام اسدی، نشر: یاز نشریاتی،ارومیه.

۱۹- **نیسگیل**- فریده جباری، باباعلی جوانمرد، نشر: یاز نشریاتی، ارومیه.

۲۰- **ائلیمیزین نیسگیل قالاغی (پروفسور زهتابی)**- محمدرضا کریمی

ائل دیلی و ادبیاتی

۱۹

همکاران ثابت:

بهزاد بهزادی	سرپرست تحریریه
علیرضا صرافی	مسئول بخش ادبیات شفاهی مردم
اسماعیل هادی	مسئول بخش واژه‌های محلی و لهجه‌ها
جواد دربندی	مسئول ادبیات آشیغی
محمدرضا کریمی	مسئول بخش قصه‌ها و افسانه‌ها
ائل اوغلو(صدیار وظیفه)	مسئول بخش امثال و حکم (آتالارسوزو)

سردبیر: م. رزاقی

حروف‌نگار: کاوس نصیری

بو سایی‌ئنین ایچینده‌کیلر

		صحیفه
اینانج‌لار	بهزاد بهزادی	۱۳۱
شیکاری داستانی	آشیق یدا... عوض پور	۱۳۵
آتالار سؤزو	میهن کریمی	۱۴۲
آتالار سؤزو	حسین رجبی کلهر	۱۴۴
آلقیش‌لار	رحیم‌غلامی‌لنج آبادی	۱۴۵
تورکمن آتالار سؤزو	اثلهان چنه‌لی	۱۴۶
یئرلی سؤزلر	ماحمیت سئینمازتاپان	۱۴۷
آتالار سؤزو	رضا کاظمی	۱۴۹
آتالار سؤزو	ثریا بخشی	۱۵۲
بایاتیلار(۶)	ثریا بخشی	۱۵۵
لای لای لار (۵)	ثریا بخشی	۱۵۸
آتالار سوزو	محمد قاضی	۱۶۱
آذربایجان قدیم فولکلور رقص‌لری(۶)	کمال حسن‌اوو	۱۶۲
یئنیم سئیدی	محمد رزّاقی	۱۶۶
نجف داستانی(۴)	علیرضا ذیحق	۱۷۴
محمد شاهزاده ایله ملئیکه خانیم	محمد عبادی	۱۷۹
ساده اینسانلارین ناغیلی	ساسان ناطق	۱۸۵
زنگانین «ایشیق یوللی موزه‌سی ایله تانیشلیق»	محمّد رزّاقی	۱۹۱

اینانج‌لار

آستارا

بهزاد بهزادی

اوشاق‌لار، یاشلی‌لارئن چکیم‌لی ناغیل و روایت‌لرینی ماراقلا دینله‌یرک، چوخ زاد اونلاردان منیمسه‌ییب اؤیره‌نیرلر. بیز بی‌بی‌دن، ایش‌چی قادئن و کیشی‌لردن سؤز چکمه‌یه چالیشئیردیق. یادیما گله‌نی، ناغیل‌لارداکی جین-پری‌دن چوخلو سؤز-صؤحبت گئدیردی. اونلار دئییردیلر کی، جین حامام‌دا، خاراباليق‌دا، باتلاقلاردا، قارانليق یئرلرده، آغاج‌ليق‌دا، قویولاردا، ... اولار. جین گؤزه گؤرونمز، بیسمیللاه و دمیردن قورخار. اثو ایش‌چیلری دئیه‌ردیلر: قونشولوق‌دا اولان «بالا حامام» جین‌له دولودور. گئجه‌لر اوزادان کئچن‌ده، گرک بیسمیللاه دئیه- دئیه کئچه‌سن.

- گئجه‌لر قاپنار سو حیطه تؤکمزلر. چونکی گؤزه گؤرونمه‌ین جین بالالارئنا ضرر یئتیریلرسه، اونلار اینتیقام آلارلار.

- کؤللوق و مئشه‌جیک‌لرله چئوره‌لنمیش بولاق‌لار باشئندا، هر جومه آخشامئ جین‌لر و پری‌لر قاناد- قانادا وئریب، شن‌لیک انده‌رلر. بو زامان بولاق باشئ گؤز قاماشدیرئجئ ایشئیق ساچار.

بیزیم حیط بؤیوک و آغاج‌ليق ایدی. آغاج‌لارئن چیچک‌لری، یؤخسا انجیر، خزل وئورموش یارپاق‌لار، یابانئ اوت و کؤل‌لارئ تمیزلمک آغیر ایش ایدی.

بی‌بی دئیه‌ردی: اولو بابالارئمیزدان بیریسی، بیر جینی یوئیونان‌دا گؤرور. یاخاسئندان بیر اینه چئخاردیر، لاپیادان جینین سینه‌سینه سانجیر. جین دمیردن قورخدوغو اوزره اینه‌یه ال وئورا بیلمیر. کیشی اونو اوئینده نؤکر ساخلایئیر. آغیر ایش‌لری اونا تاپشیریر. گئنیش حیطین سوپورولمه‌سی ده اونون بوینونا دوشور. گونلرین بیر گونو، کیشی اوده یوخموش، جین، کیشی‌نین اوره‌یی یوخا حیات یولداشئ‌ئین یانئینا گلیر. اونا یالوارئر کی، بو اینه منی چوخ اینجیدیر. بونو منیم بدنیم‌دن چئخارت، بیرآز دینجه‌لیم. قادئنئن اوره‌یی یانئیر. اینه‌نی اونون بدنین‌دن چئخاردیر. جین، بیر گؤز قیرپئمئندا اوزاقلاشیر و بئله قارغئیش ائدیر: «هئچ واخت سیزین حیط تمیزلیک اوزو گؤرمه‌سین» - بونو دئییر و قئیب اولور. ائله او گوندن بیزیم حیط زیر- زیبیل‌لی اولموشدور.

***

جۆمه آخشامئ عائیله‌نین اولو بابالارئ‌نئین روحو گلیب، عائیله‌نی ئۆخلایارلار. روح‌لار، عائیله‌نی خۆشبخت گۆردۆکده سئۆینه‌جکلر.

اۆنلارئ سئۆیندیرمک اۆچۆن:

– ائۆ– ائشی‌ئی سیلیب– سۆپۆرۆب،

– جۆمه آخشامئ شام سۆفره‌سینده تۆیۆق پیلۆ، بالئیق پیلۆ، قۆناق‌لئیق خۆرک‌لری اۆلمالئیدئر.

– ائۆده‌کی‌لر، بۆیۆک‌لر ۆ کیچیک‌لر دئییب گۆلمه‌لی‌دیرلر ۆ یاخشئ سۆزلر دانئشمالئ‌دئرلار.

بئله‌لیکله گۆرۆشه گلن روح‌لار گۆره‌جکلر کی، اۆنلارئن ائولادئ نئجه یاخشئ یاشایئر، بوللوق‌لا کئچینیرلر ۆ شن حیات سۆرۆرلر.

***

سئییدلره حۆرمت، مذهبی اینانج‌لاردان تۆره‌نمیش بیر سۆننت‌دیر. اینانئرلار کی، تانئدئق‌لارئ سئییدلره نذیرلرینی وئرمکله، اۆز ایستک‌لرینه چاتاجاقلار. آنام ایمام زادایا، میرزادا خانئیما ۆ سئییده خانئیما نذیرلر ائله‌ردی. تهراندا یاشایان زامان، آستارایا گلنده، نذیر ائتدیئی پول‌لارئ اۆده‌ردی. عۆمرۆنۆن سۆن ایل‌لرینده آستارایا گئتمیشدیک. سئییده خانئیم آنامئن گۆرۆشۆنه گلمیشدی. سئییده خانئیم روحانی بیر خانئیم ایدی. من اۆندان سۆروشدوم کی، نیئه خالق سیزین اۆجاغئنئزا اینانئیب‌لار؟سئییده خانئیم بئله روایت ائله‌دی:

– لاپ قدیم زامان‌لاردان بیزیم اۆجاغا اینانارئلار. مصلحت آلماق اۆچۆن بیزیم اولو بابالارئمئزئن یانئنا گلرمیشلر. ائتدیکلری نذیرلر قبول اۆلارمئش.

اوزاق ایل‌لرده دنیز برک کۆلک اۆلور. دنیزین لپه‌لری آشئیب– داشئیب، شهرین بیر حیصه‌سینی سو باسئر، شهر ساکین‌لری قۆرخویا دۆشۆرلر. بۆیۆک بابامئن قوللوغونا گلیرلر. چارا یۆلو آختارئرلار. اۆندان ایسته‌ئیرلر کی، جددین‌دن بو بلایا سۆن قۆیماق اۆچۆن یاردئم دیله‌سین.

بابام شالئینئ بئلینه باغلایئر، عمامه‌سینی باشئنا قۆیور، دیوداردان آسئلان اوزون قامچئ‌سئنئ گۆتۆرۆر، چارئق‌لارئنئ آیاغئنا تاخئر، دنیزه سارئ یۆل‌لانئر ۆ خالق دا اۆنون آردئنجا یۆلا دۆشۆرلر.

دنیز قئیراغئنا یئتیشدیکده آدام بۆیو لپه‌لرین شهره هۆجومونو گۆردۆکده، دایانئرلار. بابام ناماز قئیلئر، دوعا اۆخویور ۆ لپه‌لره آجئق‌لاناراق دئییر:

- بسدیرین! گئری قاییدیئن!

آنجاق وئج وئرمیر. لپه، لپه‌نین دالیئنجا شهره ساریئ آخیر. بابام قامچی‌ئنی چکیر، دالغالارا حمله ائدیر، بیر نئچه شاللاق وورودوقدان سونرا دنیز لپه‌لری قوزو کیمی یاتیرلار و ساکیت‌لشیرلر. و دنیز سویو گئری چکیلمه‌یه باشلاییر. قادا- بالا شهردن اوزاق‌لاشیر.

ائله اؤ گؤندن بیزیم اوجاغا ایناناناریئن سایئ آرتیر.

***

ایکینجی دونیا موحاریبه‌سیندن بیر- ایکی ایل اونجه بؤللو بالیق توتولدو. بو گؤزله‌نیلمز خبر شهرده یاییلدی. بیز ده تاماشا ائتمک اوچون دنیز قیراغینا گئتدیک. دوغرودان دا، بالیق دؤلو تورلاری دنیزدن قیراغا چیخارتماق اوچون هامی بالیق‌چی‌لار بیرلیکده یاردیم ائدیردیلر. دنیز قیراغی سئللمه بالیق ایدی.

دئییردیلر کی، بالیق‌لاریئن دا شاهی واردیر. شاه‌بالیغین باشیندا قیزیلی رنگ تاجی واردیر. بالیق‌لار پادشاهی دنیزین درین‌لیکلرینده یاشایار. اگر اوولانسا، بؤتون بالیق‌لار اونو نیجات وئرمک‌دن اوترو اوزلرینی سودان قوروییا آتارلار. بو ایل، دئمک بالیق‌لاریئن شاهی اوولانیب، اونا گؤره ده بالیق‌لار ساحیله طرف آخیشیب گلمیشلر و تورلارا ایلیشیب توتولورلار!

***

- «یؤلچو قولو» آییئن اون‌دوردو گئجه‌سی، آیی گؤردوکده گؤزونو اونا تیکیب، آیاغی آلتینا باخمادان یؤل گئده‌ردی. دئیه‌سن سئحیرلنمیش اولاردی.

دئییردیلر کی، هر کیم آیا چوخ باخسا، آی اونون باخیشی‌نی اوزونه طرف چکر. بو بیر خسته‌لیک اولاراق، هر واخت خسته‌نین گؤزو آیا توخوندو بایئیلمیش کیمی آیا گؤز تیکر.

- یئنی دوغولموش اوشاغین اوزونده آنادان گلمه لکه گؤرونسه، دئیه‌رلر کی، آناسی اوشاغا بؤیلو اولان زامان آیا باخمیشدیر.

- آی و گؤنش بیر- بیرلرینه چاتا بیلمه‌یین عاشیق- معشوق‌دورلار.

- آی توتولان چاغی، ائوده‌کی‌لر حیطه چیخیب، میس، دمیر و فیلیز قابلاری توخماق و آغاج ایله دؤیوج‌له‌یه‌رک، سس- کوی سالارلار کی، جین‌لر و ... آیی بوراخسینلار.

- هر آییئن ایلک گونو آی هیلالینی گؤردوکده اونجه آیناییا باخمالی‌دیرلار. آیناییا باخمادان باشقا آدامین اوزونه باخسالار او آداما زیان دیه‌جک.

– هر کیمین گؤیده بیر اولدوزو وار. اولدوزون آخماسی، اونون صاحیبی‌نین اؤلؤمونو بیلدیریر.

– بیری‌نین بدنی‌نه جین گیرسه، دلی اولار. اونو جین‌گیره گرک گؤسترمک.

– قوراق‌لیق دوشنده، یاغیش دیله‌مک اوچون، قیرخ کئچلین آدینی چکه‌رک، بیر ایپ اوزونو هر کئچلین آدینا بیر دؤیون وورارلار. ایپی بیر آغاج گؤوده‌سینه ساری‌یئیب، شوو ایله او قده‌ر وورارلار کی، ایپ قیریلیب توکولسون.

– بئله بیر اینانج دا وار کی، بعضی ایشلرین دوشر– دوشمه‌زی اولار. مثلن: بیزیم اوده آبقورا توتماق یاساق ایدی. دئییردیلر کی، آبقورا توتساق، او ایل، بیر نفر عاییله‌دن اولر.

البته، بونون دا، یولو وار ایدی. قورانی حیطده اولان تنه‌کلردن دره‌ردیلر و قورا سویو توتان کیمسه‌نین آدینا آبقورا توتولاردی و آزجا پول قارشی‌سیندا قورا سویونو اوندان ساتیین آلاردیلار. بئله‌لیکله نحس‌لیک آرادان گئده‌ردی.

– زیگیل قورباغا سیدی‌یین‌دن توره‌نر. اونو آرادان آپارماق اوچون، نئچه دنه دؤیو گیله‌سینی زیگیله سورتوب نملی تورپاق‌دا باسدیرارلار. دؤیو چوروین کیمی زیگیل ده، قوپوب دوشر.

– گؤز قاپاغی سه‌ییرسه، خوش‌خبر گله‌جک. اونا گؤره گؤز قاپاغی اوستونه قیرمیزی ساپ یاپیشدیراردیلار.

– اوشاغا گؤز دیمه‌سین دئییه، اونون بویینونا و یا یاخاسینا گؤز میلجیغی تاخاردیلار.

– سفره چیخان کیمسه‌نین آرخاسینجا سو سپه‌رلر کی، تئز و ساغ قاییتسین.

– دئییرلر کی، کیمسه قوز آغاجی اکرسه، او، بار وئره‌نه دک عاییله داغیلاجاق.

***

شهرداش‌لاردان ریجا ائدیریک شهر و کندلرده یادلاردا قالمیش اینانج‌لاری توپلاییئیب درگی‌میزه گؤندرسینلر.

شیکاری داستانئ



آشیق یدالله عوض‌پور

یازان: آشیق یدا... عوض پور
مصطفی رزاقی
آرش عوض پور

بو داستانئن آدئ شیکاری‌دیر.
سازدا چالئب اوخویان: آشیق ید الله عوض‌پور(سیجیل‌ده عوض‌پور، دیل‌لرده عیوض‌پور)
قاوال‌دا: خیدمت یاری
بالابان‌دا: رحیم‌دل نوجوانی
بو داستانئن ناوارا اوخونماسئ ۱۳۵۰- ده باشلانئب و ۱۳۵۳- ده قورتاریب. بو داستان ۵۵ دنه بیر ساعات‌لئق ناواردیر. آشیق اوزو دئییر بونو کیتاب اوزوندن اوخویور و بو کیتاب ۱۲ جیلیددیر.

آشیق یدالله

آشیق یدالله ۱۳۱۷- ده تبریزین ایلخیچئ شهرینده آنادان اولوب. اون یئددی یاشئندان قاوال چالماغا باشلادئ و عسگرلیک دؤوره‌سینده ده قاوال چالماغئ داوام ائتدیردی. عسگرلیک دؤوره‌سینده مهاباد رادیوسوندا (۸ آی)، خانا (ایندی پیرانشهر) رادیوسوندا و تبریز رادیوسوندا اوخوماغا باشلادئ. هابئله آساطور صفریان اورکئستری ایله امکداشلئق ائدیب «دوغرو یوللارا باخماقدان یار گئده‌ر اولدو گلمه‌دی» ، «عاشیقم کیمه یالوارئم» ماهنئ‌لارئنئ اوخودو. عسگرلیکدن سونرا بیر ایل

ده (۱۳۴۱-ه دک) قاوال چالیب عئینی زامان‌دا ساز وَ سؤز اؤیرنمه‌یه باشلادی. آشیق‌لیغی «حاج علی عمی»، «حسین ناموری»، «مؤلکائیل»(مؤکائیل)»، «آشیق قولو تؤرکه دارو»، «آشیق محمد باقر»، «مشی پاشایی» وَ «آشیق عزیز شهنازی»- دن اؤیره‌نیب. فارسجایا مؤسلط‌دیر. قوران درسی اؤخویوبدور.

آشیق ید ا... بو داستاندان باشقا ۵۴- ۱۳۵۳ ده «حئیدر بی»(یاریمچیق ۴ ناوار) وَ «امیر ارسلان» (یاریمچیق دؤرد ناوار) داستانلاریندی دا اؤخویوبدور.

هابئله ایکی دنه دئییشمه؛ بیری ۱۳۵۳-۱۳۵۷ ایل‌لرینده آشیق عزیز شهنازی ایله (یاریمچیق ۱۳ کاسئت)، بیری ده آشیق سیروس کیانی ایله ۵ سی‌دی‌ده اؤخویوب. آشیق سیروس‌نان اؤخونان سی‌دی‌لر قراردیر ایدامه تاپسین.

هابئله ۱۳۸۳ - ده تهرانین «وزارت ارشاد» طرفیندن تبریزه گئدیبلر وَ آشیق یدالله «بدیع المؤلک وَ بدیع الجمال» داستانی‌نی اؤنلارا اؤچؤن اؤخویوب ضبط اؤلونوب. همین داستانی تؤرکیه‌لی آراشدیریجی «ناظیم عیرفان تانری قولو» دا اؤزؤ ایله تؤرکیه‌یه آپاریب. آشیق ید الله‌ئین نئچه دفتر شئعری واردیر کی، چاپ اؤلاجاق.

شیکاری‌نین تاریخچه‌سی

آشیق ید الله شیکاری داستانی‌نی آشیق حاج علی عمی(اسفنجان‌لی حاج علی عاشیقی، دیل‌لرده حاج علی عمی)- دن اؤیره‌نیب. اؤ دا آشیق علسگر(دیللرده عسگر) گؤموش کمردن، اؤ دا چاریقچی آشیق صمددن اؤیره‌نیب. شیکاری‌نین داستانی اؤخونان زامان آشیق حاج علی عمی دیری ایمیش وَ تبریزده تک ساز مجلیس‌لره گئده‌رمیش. آشیق ید الله ئین دئدی‌ییه‌نه گؤره:

«...بو امیر ارسلانی رومی‌نی یؤز اللی ایل زاد (بو سؤز ۱۳۵۵-ده دئییلیر) بوندان قاباق‌دان چاریقچی آشیق صمد و گؤموش کمر آشیق علسگر تبریزده معروف ایدیلر؛ وار، سینئی چؤخ شخص‌لردن بیلرلر ده، بونو آشیق داستانینا اؤلار پیاده الدیب‌لر، جئیئیرا سالئیلار و اؤلارین شاگیردی ده کی،

عیارت اولا آشیق حاج علی عمی ایدی کی، منیم (آشیق ید ا...ئین) اوستادیم‌دیر. بو دا اولارین شاگیردی ایدی، گؤموش کمر آشیق علسگرین؛ و اوندان دا یادگار بونا قالیبدیر. ایندی ده بئحسناب من کی، او امیر ارسلانی رومی‌دن دؤرد دانا ناوار عرض ائله‌میشم، عزیز دوستلارین خیدمتینده و آلاسیز و اینشا ا.. مؤطالیعه ائده‌سیز، کی، تبریزین اهالی‌سی ده همیشه بونون (آشیق حاج علی عمی‌نین) مؤریدی ایدی‌لر، مؤشتری‌لر ایدی‌لر. گلردیلر شیکاری‌نی قوتاراردی؛ امیر ارسلانی باشلاردی؛ امیر ارسلانی قوتاراردی؛ شیکاری‌نی باشلاردی؛ ایندی من او قدیمی کیتابین جیئیری‌یان بئحسناب اولاری کی، اوستادلار بونو نظمه چکیب‌لر پیاده ائدیب‌لر، او نوعی سیزین خیدمتیزه عرض ائلیرم...) (شیکاری‌نین ۴۱–جی ناواری)

آشیق یدالله‌ئین دئدی‌ئینه گؤره آشیق حاج علی عمی شیکاری و امیر ارسلانی رومی‌نین داستانلاری‌ئین هره‌سینی ایکی آی مؤددتینده دئیه‌رمیش. آشیق حاج علی عمی بو داستانلاری تبریزین گجیل قاپی‌سئیندا، گؤلؤستان باغی‌ئین یانیندا، گجیل بازارچاسئیندا معروف «احمد قهوه‌سی»- نده اوخویارمیش و اونون مؤشتری‌لری تبریزین اوزوندن و حتتا اطرافیئندان، دؤوره کندلردن گلردیلر سؤزلرینه، داستانینا قولاق آساردیلار.

بو داستان اولده بیر ساده داستان ایمیش و چوخ یئرلری ناقیص ایمیش. دئمک ۵۰ ٪ شئعرلری قوشولموش ایمیش و قالانی‌نی آشیق یدالله اوزو سؤنرادان قوشوبدور. آشیق یدالله‌ئین دئدی‌ئی‌نه گؤره سایئسیز گئجه‌لر یاتمایئب اوتوروب بو داستانی اوخویوب قیرئیق و ناقیص یئرلرینی قوشوب، شئعره و آشیق هاوالارینا کؤچؤروب. بئله کی، آشیق حاج علی ایسفنجانلی اونون چکدی‌ئی زحمتی حاققینده دئییب: «یدالله ! شیکاری داستانی اولموشدو. سن اونو دیریلدیب و یئنی‌دن یاراتدین. سن آشیق صنتینه بؤیوک پای وئردین». آشیق ید الله اوزو شیکاری داستانی‌نی «محسن دریابار»ئین شخصی اثرینده ناوارا اوخویوب.

شیکاری داستانی‌نئین خوّلاصه‌سی

بو داستانین قهرمانی شیکاری‌دیر. روم‌دا شاه دارائین ایکی اوغلو وارمیش، بؤیوّک اوغلونون آدی احمد معروف به ارچه، کیچیک اوغلونون آدی محمد لقب‌ده شیکاری. شاه دارا اؤلمه‌میش شیکاری‌نی اؤز یئرینده جانیشین قرار وئریر آمما بؤیوّک اوغول بو مطلبی هضم ائله‌یه بیلمیر، شیکاری‌نی بیر حیئله‌ییتن آپاریر شهردن کنار بیر قویویا سالیر. او اوردا قالیر. ارچه قاییدیر تخت-ی سلطنت‌ده اوتورور. دده ده دوّنیادان گئدیر. قهرمانین داستانی بوردان باشلانیر. بیر کاروان قویونون باشیندان کئچنده اونو نیجات وئریر و آپاریر «یمن»-ـه . بوردان بویانا شیکاری مملکت‌لرده گزینتی اوّلور، جنگ‌لر ائدیر، ایزدیواج ائله‌ییر، اوغلاد قازانیر، اوغلادلاری دا سین و سالا دوّلاندا دوّشورلر دده‌لری‌نین دالیسیجا، نهایت‌ده شیکاری و اوغلان‌لاری پری‌لر شاهی سرافراز شاهین مملکتی گوّلوّستان-ی رمی آلیر و قیرخ ایل اوردا شاهلیق ائدیر و سونرا شیکاری سوّلئیمان ثانی آدینا گلیر قارداشی ارچه‌دن اینتیقام آلسین کی، باجی‌سی سونبوّله لچه‌یی‌نی آتیر بونون قدم‌لرینه و بو نحوتن شیکاری ارچه‌نی باغیشلایر. داستانین سونوندا ایکی قارداش سلطنتی وئریرلر شیکاری‌نین بؤیوّک اوغلو جاهانگیره و داستان سونا یئتیر.

شیکاری اوغلادی اسکندردیر. آمما سرافراز جانیشینی سوّلئیمان‌دیر. شیکاری سرافرازا قلبه چالاندان سونرا قیرخ ایل گوّلوّستانی رم‌ده سلطنت ائدیر.

شیکاری اوّلین مرحله‌ده قارداشیندان آیریلیر. سونرا هر نه آراوّاد آلیر آرواد‌لاریندان آیریلیر. اوشاغی اوّلور اوغلان‌لاریندان آیریلیر. داستان اؤز آشاغی دوّشنده اوّل اوغلانلاریندی تاپیر. سونرا آرواد‌لاریندی تاپیر. نهایت‌ده ده قارداشی‌نی تاپیر.

داستانئین اؤزللیک‌لری

بو داستانئین اهمیتی اؤندادیر کی، ایندی‌یه کیمی هر نه آشیق داستانئ اؤخونوب ۴ یا ۵ ناواردان آرتیق اؤلمایتیب(آشیق عبد العلی‌نین امیر ارسلانئ نئجه؟) دای لاپ چؤخو اصلی کرم داستانئ‌دیر کی، آشیق مسلم عسگری زنجان‌دا اؤخویوب و یازیمچیق حالدا ۱۴ ناوار اؤلوب، آمما بو داستان اللی بئش (۵۵) ناواردیر. یعنی ایندی‌یه کیمی اؤخونان داستانلارئین ان مؤفصّلی. بونا گؤره بیر گنجینه سایئیلیر. هم ادبیات باخیمئیندان، هم آهنگ باخیمئیندان، هم داستانئین چرچیوه‌سی باخیمئیندان.

بو داستان‌دا حضرت-ی خیضر(ع) قهرمانا وئرگی وئریر.(آشیغئین دئدی‌یینه گؤره او بیری داستانلاردا دا حضرت-ی خیضر باده وئریر آمما حضرت-ی علی آدئ‌یئنان دئییلیر). بو داستاندا عیارلارئین چؤخ اهمیتی واردیر. بو داستان هم ناموس داستانئ‌دیر، هم مملکت‌دارلیق داستانئ(اینقیلاب داستانئ) هم دئولرین، پری‌لرین نقشی چؤخ اهمیئت‌لی‌دیر.

بو داستان دا باشقا داستانلار کیمی ۱۳۵۵ حؤدودوندا ناوارا اؤخونوب. دئمه‌لی ناوارا اؤخونان داستانلارئین چؤخو او دؤوره‌نین یادگاری‌دیر.

شیکاری داستانئ ایران تؤرکلری‌نین ایچینده داستان باغلاما صنتی‌نی گؤسترمک اؤچؤن عالی بیر نؤمونه‌دیر. اؤمید ائدیریک تئزلیک‌له داستانئین ناواردان یازیلمیش متنی چاپ اؤلسون.

باشقا روایت‌لر

«کلیات هفت جلدی شاهزاده شیرویه ملک شاه ابن رومی برادر کامکار شاهزاده امیر ارسلان رومی» ناشر: تهران- کتابفروشی و چاپخانه علی اکبر علمی- تاریخ: یوخدور

«کلیات هفت جلدی شاهزاده شیروئیه» فارسجا چاپ اؤلوب‌دور. بو داستان بیر نئچه باشقا خالق داستانلاریئ ایله بیرلیکده «منوچهر سلیمی» طرفیندن

تۆپلانتیب‌دیر. بو داستان عۆمومی حالدا آشیق ید الله اۆخویان داستان‌لا بیردیر. شخصیتلر، یئر آدلاریۀ عئینی‌دیر، آنجاق صحنه‌لر یئر به یئردیر وۆ حادیثه‌لر چۆخ رسمی گۆزاریش شکلینده سیرالانتیب وۆ اۆ جۆر کی، آشیق ید الله حۆصله ایله تعریف‌له‌یئر وۆ انشیدنلری قدم به قدم قاباغا آپاریر وۆ قولاق آسانلار هر صحنه‌نی کامیل درک انیدر، بو کیتاب‌دا اۆ مجال اۆخویانا وئریلمیر. هر حالدا بو ایکی روایتین توتوشدورماسیۀ دیرلی اۆلار.

شیرویه و شیکاری: تبریز- کتابفروشی فردوسی- تاریخ: یۆخدور .

بو کیتاب ۸۰ صحیفه‌ده خۆلاصه شکیلده داستانیۀ نقل انیدر.

شخصیت آدلاری:

شاه دارا+ (؟)← ارچه، شیکاری، سۆنبۆله

شیکاری+ (سیمیزار، خورشید بانو، نازیک بدن، قمرروخ، انجۆم پری، رئیحانه پری)← (جاهانگیر، جاهاندار، ؟، جاهانبخش، ؟، ؟)

ارچه + (؟)← شیرزادی تیغ زن

جاهانگیر + قۆنچه لب

خاجاند وئزیر+ (؟)← سیمیزار

سرهنگی شامی+نازیک اندام ← نازیک بدن

هوماییون پادشاه + (؟)← قمرروخ

سرافراز شاه + (؟)← رئیحانه پری، سیندیروس

(؟) + (؟)← سرافراز شاه(پریزاددیر)، علاوه شاه(دئوزاددیر)

علاوه شاه + (؟)← زردان

مملکت‌لر و پادشاه‌لار:

روم (دارا ویلایتی) – شاه دارا، ارچه، شیکاری، جاهانگیر

یمن- منظر شاه-ی یمنی

گوللبار ویلایتی – شاه-ی شوجاع

شام- سرهنگ-ی شامی

سراندیب- هومایون شاه

قاف داغی- علاوه شاه

گولوستانی رم- سرافراز شاه

فیرنگ- موزروق موسروق

عیارلار:

نسیم عیار، فیروز عیار، شباهنگ عیار، فرهنگ عیار، شمکور عیار، ساریق عیار ...

(بونلار هامی‌سی «بابایی امیر»ین اولادلاریندان‌دیر.)

دئولر:

شوتورسر دئو، دئولر پادشاهی، مانجالیس دئو....

جادولار:

زعفیران جادو، دمدمه جادو، همهمه جادو، واسواس جادو، فیتنه جادو، ننه جادو،...

پری‌لر:

رئیحانه پری، انجوم پری، سیمین پری،...

پهلوانلار:

خونخار-ی شامی، زلزله جنگی، زرقام(ضرغام)، کئیوان پهلوان، تاغل-ی فیرنگی ...



آتالار سؤزؤ

(اردبیل و هنده‌وریندە)

توپلایانی: میهن کریمی

أ

– آبئرلئ آبرئنئ ساخلار.
– آت نان‌چاپار، حق ئولونو تاپار.
– آتئ، آغزئنا باخئب نال‌لارلار.
– آتئ تؤرباسئئیلا‌ورو‌شدورورلار.
– آجئغئن دؤولته نه ضرری وار.
– آز ایشدن چؤخ ایش عمله گلر.
– آشاغادا اؤتورابیلمیر، ئوخارئدا ئتر تاپمئر.
– آش کاسادان ایره‌لی اؤلوب.
– آشینا آشینا، چئخدئ اوجاق باشئنا.
– آغاج بارگتیردیکجه باش ائر.
– آغاجدا بئش‌آلما گؤرمه‌ین اؤنا داش آتما.
– آغاجئ کسرسن، اؤز سمتینه ئیخئلار.
– آغا نظریک، اؤنا دا دؤزه‌ریک.
– آغرئماز باشئما نیئه ساققئز سالئم.
– آغلاییشئین بیلمه‌ین اؤلؤسونو گؤر با گؤر سالار.
– آغئر اؤتور، باتمان گل.
– آللاه قؤنشوما وئرسین، منیم ده اؤلار.
– آنا گزن آغاج‌لارئ، بالا بوداق ـ بوداق گزه‌ر.
– آندئنا دا ایناناندا، خؤروزون قویروغو گؤرسه‌نیر.
– آیاق اؤپمک‌له آغئز مئندار اؤلماز.
– آچئلان سوفرانئن مین ایرادئ وار، آچئلماپان سوفرانئن بیر ایرادئ.
– آدام آغزئندان سؤز چئخار، قازان آلتئندان کؤز.
– ائششه‌یئم اؤلؤب باشئ قئزئلدان.
– ائششه‌یی میندین بیر عایئب، دؤشدؤن ایکی عایئب.
– اؤکؤزؤ اؤلنه ئؤل‌گؤسترن چؤخ اؤلار.
– ائل گلیب همیشه بؤستان قیراغئنا دؤشمز.
– ائلینی هؤرکؤت آخساغئنئ تاپ.
– ائوه گیریرم قارئ دؤیؤر، چؤله چئخئرام تارئ دؤیؤر.
– ائوینی ئاخشئ ساخلا قفیل قؤناغئن گ اؤزؤنؤ ئاخشئ ساخلا قفیل اؤلؤمؤن گلر.

– ائوینی یاخشئ ساخلا، قونشونو اوغرو توتما.
– اتدن دیوار اولماز، کرمه‌دن تزه‌ک.
– ارـآروادئین ساواشئ، یاز گونونون یاغیشئ.
– اسنه‌مک، اسنه‌مک گتیره‌ر.
– اطلسه باخ بئزینی آل،آناسینا باخ قیزینئ آل.
– افلاطونو مات ائیلر، الده دینار اولماسا.
– الدن قالان اللی ایل قالار.
– اوبا گئدیرکؤچمه‌یه، گلین گئدیب گزمه‌یه.
– اوت یولون آلتیندا دا بیتر، اوستونده ده.
– اورک سوفرا دئییل هر گلنه آچاسان.
– اورک یانماسا، گوز آغلاماز.
– اوشاغا ایش بویور، اوزون ده دالینجا گئت.
– اوغول- اوشاق اوچون آنانین اوره‌یی آغریییر، آتانین بیله‌یی.
– ایپک گلیب بئز اولماز.
– ایپی‌نین اوستونه اودون یئغمالئ دئییل.
– ایت اوتوروب کوچوک هورور.
– ایت تولادان دا میندار.
– ایتدن اوتانما، ایتین یئیه‌سیندن اوتان.
– ایت یئیه‌سینه هوره‌ر.
– ایتی یئیه‌سینه سوروتدوره‌رلر.
– ایکی قیرغئ ساواشسا، سرچه‌یه دن دوشر.
– ایکی کل بوغا چارپیشیر، آرادا میلچک ازیلیر.
– ایکی ماماسئ اولائین بالاسئ ترسه گلر.
– ایکی‌نی اوچ ائله‌دیم، اوزاغئ یاخئین.
– ایگیدین‌آدئ چیخینجا، بویونو سینسا اوندان یاخشئ‌دیر.
– ایلانا قنیم اوز بالاسئ‌دیر.
– اینسان بیرآجاندا دوزمه‌لی‌دیر، بیر ده واراندا.
– اینسانئین قدرینی ساغلیغیندا بیل، نئعمتین قدرینی وارلیغیندا.

آتالار سؤزؤ



هریس

تؤپلایان: حسین رجبی کلهر

- آت تؤوله مئیخئ‌نئ چئیخارتسا، بیر یئره وورار، ایکی اؤزؤزنه.
- آخار سو میندار اؤلماز.
- آدام بیر قولاغئین کار ائله‌ر، بیر گؤزؤن کؤر.
- آرخئین سن چک، سویونا آللاه کریم‌دیر.
- آرمودو سای یئی، آلمانئ سؤی یئی.
- آرواد سئز ائوه بایقوش یووا‌سئینا اوخشایار.
- آرواد وار کیشی‌نی کیشی ائله‌ر، آرواد وار کیشی‌نی ناکیشی ائله‌ر.
- آرواد وار، یؤخ ائوده وار یئیغار، آرواد وار، وار ائوده ائوه یئیخار.
- آروادا بئل باغلاما.
- آروادئین حؤلقومو اؤلماز.
- آغ قارانئ باسماقدان، قارا آغئ باسئر.
- آللاه آدامئ بؤستاندا بیچاقسئز، چؤلده آتسئز، ائوده آروادسئز ائله‌مه‌سین.
- آللاه ایکی یؤمروغو بیر باشا وورماز.
- آللاه جئیغالا پای وئرمز، وئرسه ده خئیرین گؤرمز.
- آللاه وئردیکجه بنده گؤمانا دؤشر.
- آنلایانا بنده اؤل، آنلامایانا آغا اؤلما.
- الدن توتماق علی‌دن قالئیب.
- اوجوزدان باهاسئ اؤلماز.
- اوز آستاردان باها گلیر.
- اؤل مچیدین ایچی، سؤنرا ائشی‌یی.
- ایتین دوعاسئ قبول اؤلسا، گؤیدن یئره سؤموک یاغار.
- ایکی فیندیق بیر گیردکائین بئزین داغئدار.
- ایشدن آرتماز، دیشدن آرتار.
- ایشین یؤخدور شاهید اؤل، پولون چؤخدور ضامین اؤل.

آلقیش‌لار

رحیم‌غلامی‌لنج آبادی (اردبیل)

– آللاه فریادئینا یئتیشسین.
– آللاه قوْلووْا قووات وئرسین.
– آللاه دادئینا چاتسئین.
– آللاه الیندەن یاپیشسئین.
– علی دادئینا چاتسئین.
– آللاه سنه حالال سوْت امیشین یئتیرسین.
– آللاه آخیر عاقیبتینی خئیر ائله‌سین.
– آللاه دالوندا دورسون.
– آللاه الوْندەن یاپیشسئین.
– آللاه اوْزوْوه باخسئین.
– آللاه باشوننان توْکسوْن.
– آللاه ائوْیوْ تیکسین
– آللاه سنی یارئتسئین.
– آللاه ایشوْوه صورت(روْوْنق) وئرسین.
– آللاه قوْلوندان توتسون.
– آللاه عآییبوْئ اوْرتسوْن.
– آللاه آرزئسئینا چاتدیرسئین.
– سنی باشا چئخانلاردان اوْلاسان.
– سنی خوْشبخت اوْلاسان.
– آللاه اوْستوْنده یار و کار اوْلسون.
– آللاه باجاسئندان توْکسوْن.
– آللاه ایشیوْی راست گتیرسین.

قارقئیش‌لار

– آللاه کوْکوْنوْ داغئتسئین.
– آللاه بئلینده‌ن وورسون.
– قرنفیل سانجئ توتاسان.
– آللاه دیوْائین ائله‌سین.
– دوْغدوغوندان چکه‌سن.
– آللاه سنی یارئتماسئین.
– آللاه یوردونو باتیرسئین.
– آللاه ائوْ یئخسئین.
– آللاه تیفاقو داغئتسئین.
– آللاه جیئه‌روْوْ یاندیرسئین.
– آللاه قیچووْ قیرسئین.
– آللاه گوْزوْوْ چئخارتسئین.
– آللاه آللاه اوْلسا سنه گوْرسه‌ده‌ر.
– اوْزوْوْ آل یوْسون.
– جانوننان چکه‌سن.
– جمده‌گوْوْ قاپاسان.
– سنی ایت قوْلوندا (مذهبینده) گنده‌سن.
– ایت کوْکوْنده گنده‌سن.
– نفسوْن اوْزباشووْا دوْشسوْن.
– آللاه گوْروووْ اوْتنان قالاسئین.

تۆرکمن آتالار سؤزۆندن نۆمونه‌لر

یازان: ائلهان چنه‌لی

حاضیرلایان: مۆللا عاشور قاضی (تۆرکمن صحرا- گۆمۆش تپه کندی)

Özi yıkılan çaga (=uşag) ağlamaz.
اؤزی ییکیلان چاغا (=اوشاق) آغلاماز.

Bir günlük yola üç günlük azık.
بیر گۆنلۆک یۆلا اۆچ گۆنلۆک آزیک.

Suv akar daş ğalar.
سوۋ آکار داش غالار.

Yagşı ata bir gamçı yaman ata müng (=min) gamçı.
یاغشئ آتا بیر قامچئ یامان آتا مۆنگ (=مین) قامچئ.

Atın ölümi iting bayramı.
آتین اؤلۆمۆ ایتین بایرامئ.

Başa bela iki barmak dilden geler.
باشا بلا ایکی بارماق دیلدن گلر.

Süytde ağzı bişen suvi üflep içer.
سۆیتده آغزئ بیشن سووی اۆفلئپ ایچر.

İki goçung kellesi bir gazanda gaynamaz.
ایکی قۆچونگ کئللئسی بیر قازاندا قاینامار.

Atılan ok daşdan gaytmaz.
آتیلان اوک داشدان قایئتماز.

Gızım sanga aydyan gelnim sen eşit.
قیئزیئم سانگا آیدیان گئلنیم سن ائشیت.

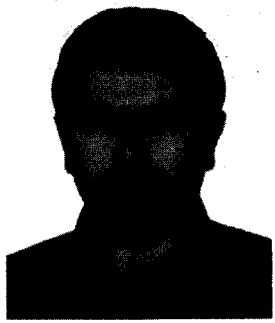
Goralan göze çöp düşer.
قۆرالان گۆزه چۆپ دۆشه‌ر.

İki pıçak bir gına sıgmaz.
ایکی پیچاق بیر قینا سیغماز.

Yagşı söz yılanı yinden çıgarar.
یاغشئ سۆز یئلانئ ییندن چیقارار.

Uki (=yuhu) yassık iselemez.
اوکی (یۆخو) یاسسیک ایسله‌مز.

Düye öz boynuning egrisini bilmen yılana egri diyermiş.
دۆیه اؤز بۆینونینق ائگریسینی بیلمن یئلانا ائگری دییه‌رمیش.



یئرلی سؤزلر

ماحمیت سئینمازتاپان

آلی بیلی کندی

چاراؤیماق ماحالیْ

آققیشماق: aqqışmaq آخین ائتمه‌ک، چؤخ آدامین بیر یئره یؤرؤش آپارماسیْ. (اؤلار بیزیم ائوئیمیزه آققیشیبلار).

اؤدگه‌لنمک: ödgələnmək قورشانماق، شوْجاعت‌لنمک، جسورلاشماق.

ائینیمک: eynimək سعادته چاتماق، خوْش گوْن گوْرمک.

اوربایی گئتمک: urbayi gedmək موْباریز ایسته‌مک، رجز اوْخوماق، الی بئکار دوْلانماق (آخشاماجاق آرالیْقدا اوربایی گئدیر). (روْباعی دئییب قمه مشق ائله‌مک).

اوشخونماق uşxunmaq (اوچقونماق) تلسمک، هوْسلنمک. (اوْ، آذربایْجانا گئتمه‌یه چؤخ اوشخونور: اوْنون آذربایْجانا گئتمه‌یه اوْره‌یی اسیر).

اوْزله‌مک: üzləmək سئچمک، آییرماق، ایری‌لرینی گؤتوْرمک. (مئیوْه‌نی اوْزله‌دی).

آیاق دیره‌مک: ayaq dirəmək ۱. اؤزگه‌نی اؤزوْنه اوجالماق پیلله‌سی ائتمک. (اوْ، اؤز یؤلداشیْنا آیاق دیره‌دی). ۲. باخ: سؤزلوْک.

ایتده‌مک: itdəmək (ایتله‌مک) قوْوْالاماق، دالیسیجا ایت سالدیرماق. (آدامیْ کنددن ایتده‌دیلر).

باسلاماق: baslamaq آیاقلاماق، اوْستوْنه دوْشمک، آیاق آلتدا ازمک. (قوْیون قوزوسون باسلاماز- آتالار سؤزوْ).

پؤشله‌مک: pöşləmək سانجماق، دیشله‌مک. (ائله قیشقیرئر ائله بیل بیله‌سین ایلان پؤشله‌ییب).

پسینمک: pəsinmək چیئریمک، اوْره‌یی بولانماق.

پوْرانیماق: poranımaq سینسیمک، ضعیف‌لشمک، آرْیقلاماق، اوْز- گؤزوْن سارالماسیْ.

پیسه‌لمک: pisəlmək اینجیمک، ناراحات اولماق. (بیر سؤز دئدیم پیسه‌لدی).

تتیله‌مک: tətiləmək خسیس‌لشمک، مال ییئیغما فیکرینده اولماق. (او بو ایلدن چوخ تتیله‌ییر).

تشغل ائله‌مک: təşğəl eləmək انگل اولماق، موزاحیم اولماق.

تنگیکمک: təngikmək دارییخماق. (دار شالوار گئیندن ائله تنگیکیر).

تومماق: tummaq فیکره دالماق. (اولان! نه توموبسان؟ گمی‌لرین قرق اولوب؟).

ماتیخماق matıxmaq مات-مات قالماق. باخ: تومماق.

تیخچالاماق: tıxçalamaq سیلکه‌له‌مک، چالپالاماق، ییئیرغالاماق. (خیرتده‌ییندن توتوب تیخچالادیئ).

تیمه‌نمک: timənmək یالوارماق، دیله‌نمک، یاخارماق.

تیمک timək عادت ائتمیش، وابسته. (تیمک قوزو: الدن سوت امن قوزو کی، آدامیئ گؤرنده اوزون ال – آیاغا سورتر).

جیرلشمک: cirləşmək جرر و بحث ائله‌مک، اوزله‌شمک.

چؤرک آسماق: çörək asmaq چؤرک یاپماق.

چوییمک: çüymək اورکوب قاچماق. (چپیش چوییوب داغا قاچیب).

چیپیئیتماق: çıpıtmaq قیرتماق، قاپماق، اوغورلاماق.

چیمچه‌شمک: çimçəşmək جیرئیلتیئ سسیندن گیجیشمک.

خیته‌جه‌لنمک: xitəcələnmək اوتانماق، شرمنده اولماق. (پیس دائیشدیغیئ سؤزلره گؤره خیته‌جه‌لنیر).

خیس‌لنمک: xislənmək خفه‌لنمک، آغیر نفس آلماق.

داشداماق: daşdamaq ۱. داشلاماق، محکوم ائله‌مک. ۲. باخ سؤزلوک.

دوغرولماق: doğrulmaq دورماق، دیکه‌لمک، داوطلب اولماق. (بیر حریف وار دوغرولا قاباغا).

دویکمک: dəvikmək اویان – بویانا باخماق، نابلد کیمی باخماق. (یاد آدام دویکه‌ر).

آتالار سؤزؤ

اردبیل ؤ هنده وریندە

ترتیب ائدن: رضا کاظمی

توپلایانلار: حسن فیضی، نوروزعلی فیضی، رضا کاظمی، محمود مهدوی، کاظم نظری بقا.

-ر-	
رئیسی قارقا اؤلانئین دیمدیئی پؤخدا اؤلار./ رئیسی قارقا اؤلائین دؤمدؤیؤ پؤخدا اؤلار.	سالاخانییا داش آتدی./ سالاخانایا داش آتدئ.
زحمتی فهله چکر، شؤهرتی مثمار آپارار./ زحمتی فعله چکر، شؤهرتی مثعمار آپارار.	سحر گؤنؤننن یاریئمییان، آخشام گؤنؤننن ده یاریئماز./ سحر گؤنؤندن یاریئمییان، آخشام گؤنؤندن ده یاریئماز.
زحمتی مشاطه چکر، لذتی بئ آپارار.	سحر گؤنؤننن یاریییان، آخشام گؤنؤننن ده یاریییار./ سحر گؤنؤندن یاریییان، آخشام گؤنؤندن ده یاریئیار.
زؤر بزرکدن یاغ چئیخاردار، ضرب دیهنکدن.	سعئ ائله آغلادائین یانئیندا اؤتی، گؤلدؤرەنین یؤخ./ سعئ ائله آغلادائین یانئیندا اؤتور، گؤلدؤرەنین یؤخ.
زورناچی اؤلا، اؤز تؤیی اؤلا./ زورناچئ اؤلا، اؤز تؤیؤ اؤلا.	سن ائلین اؤستؤنده سن، ائل سنؤن اؤستؤنده دؤییر./ سن ائلین اؤستؤنده سن، ائل سنین اؤستؤنده دئییل.
-س-	
ساچئمدا دؤییر ساش باغئمدادی، آچارام آتارام اؤ یانا./ ساچئمدا دئییل ساچ باغئمدادیر، آچارام آتارام اؤ یانا.	سن ایئردیغویی من تؤخومیشام./ سن ایئردیئینی من تؤخوموشام.
	سن نه بیلئیسن بئچه هاردا یؤمورتدئی./ سن نه بیلیرسن بئچه هاردا یؤمورتداییر.

سنی گره بی باتمان باریٚت دبرده./ سنی گرک بیر باتمان باریٚت دبرده.	سۏنسیز، مالین چۏخ ایستر./ سۏنسوز، مالیٚن چۏخ ایستر
سوبایلیٚخ سولطانلیٚخدی./ سوبایلیٚق سولطانلیٚق‌دیٚر.	سۏیوب سۏیوب قویٚروغیندا میندار ائلیٚ؟/ سۏیوب سۏیوب قویٚروغوندا میندار ائلیر.
سۏتدن صندل ایسی گلسه، مننن ده مۏسلمان ایسی گلیٚ؟/ سۏددن صندل ایسی گلسه، مندن ده مۏسلمان ایسی گلیر.	سیچان سۏدۏیۏنۏنده ده دریٚایا خیٚیری وار./ سیٚچان سۏدۏیۏنۏنده ده دریٚایا خیٚیر وار.
سۏرمه‌نی چکر پاخلائیٚن گۏزینه، نۏخود قالار آغارا- آغارا./ سۏرمه‌نی چکر پاخلائیٚن گۏزۏنه، نۏخود قالار آغارا- آغارا.	س....ـه‌نین س....ـین کسمزلر، گۏره‌نین گۏزین چیٚخاردالار./ س....ـه‌نین س....ـین کسمزلر، گۏره‌نین گۏزۏن چیٚخاردارلار.
سۏزۏن اوجونا ایپ باغلاسۏن اوزانار./ سۏزۏن اوجونا ایپ باغلاسان اوزانار.	**ـش‌ـ**
سۏزی دیء آلانا، قولاغیٚندا قالانا، نه کی گۏتۏننن سالانا./ سۏزۏ دیء آلانا، قولاغیٚندا قالانا، نه کی گۏتۏندن سالانا.	شاه عاباسا یٚارئی؟ کئچل عاباسا یۏخ./ شاه عاباسا یٚاراییٚر، کئچل عاباسا یۏخ.
سۏغان یٚئمئییبسن، ایچۏن نییٚه گۏینئی؟/ سۏغان یٚئمئییبسن ایچین نییٚه گۏینه‌ییٚر.	شاهیٚندا قاراچییٚا ایشی تۏشر./ شاهیٚندا قاراچیٚیٚا ایشی دۏشر.
سو گتیرن دۏییرئیدۏن، گۏلفی ایستاتدون./ سو گتیرن دئییلدین، گۏلۏفۏ ایسلاتدیٚن.	شریهلی مالی ایت یٚئمز./ شریکلی مالیٚ ایت یٚـئمز.
سومیگی آللاهدان اۏلسا، اتی مننده‌ی./ سۏمۏیۏ آللاهدان اۏلسا، اتی مندن دیر.	شوملییٚان دوهاریٚن آلتیٚندا یٚاتما./ شوملایان دیوارییٚن آلتیٚندا یٚاتما.
سۏنسیز مالیٚنا قییٚماز./ سۏنسوز مالیٚنا قییٚماز.	شیش، کابابدان ایره‌لی اۏلدی./ شیش، کابابدان ایره‌لی اۏلدو.
	ـص‌ـ
	صاباحاجاغ چۏخ بۏرهلر باشسیٚز قالار./ صاباحادک چۏخ بۏرکلر باشسیٚز قالار.
	صاغیٚر اوشاخ مشه‌ده چاققالا بنزر./ صاغیٚر اوشاق مشه‌ده چاققالا بنزر.

صاغئر اوشاخسان بۆزۆل ئات، سنه نه ئاراشئن اوزانماخ./ صاغئر اوشاقسان بۆزۆل ئات، سنه نه ئاراشئر اوزانماق. صاغئر جۆجه سن بۆزۆش ئات.	عۆمرۆمۆن آخئری، ایشیمین اۆلی./ عۆمرۆمۆن آخئرئ، ایشیمین اۆلی. عیناد بۆئنیما گلسه بی باتمان دوز ئیئه‌رم./ عیناد بۆئنوما گلسه بیر باتمان دوز ئئیه‌رم.
-ظ-	**-ف-**
ظۆلمتده بی داش وار، گۆتۆرن ده پئشماندی قۆئان دا./ ظۆلمتده بیر داش وار، گۆتۆرن ده پئشماندیر قۆئان دا.	فئل گلینیندی، ایز ائئشه‌ئین.
-ع-	فرری جۆجه ئومورتتادا جۆککۆلدر./ فرلی جۆجه ئومورتادا جۆککۆلدر.
عالمه ایمان وئرن جانئم، اۆزیم قالدئم ایمانسیز./ عالمه ایمان وئرن جانئم، اۆزۆم قالدئم ایمانسئز.	فهله‌نین آخئری نۆواکئش اۆلار./ فعله‌نین آخئرئ نۆواکئش(سوواخچئ) اۆلار.
عاییبلی عاییبئن بیلسه، اۆز باشئنا پالاز اۆرتر.	فیلانی اۆباشدان اۆغریسیدی./ فیلانئ اۆباشدان اۆغروسودور.
عزرائیل گلنده خبر ائله‌مز.	فیلانیدن قئشدا بوز آلماغ اۆلماز./ فیلانئدان قئشدا بوز آلماق اۆلماز.
عزرائیلن کیلینج- آغاج اۆئنئن/ عزرائیل ایله چیلینگ- آغاج اۆئناثیر	فیلانی عاشورا باققائیدی./ فیلانئ عاشورا باققائیدئ.



آتالار سؤزۆ

زنجان

تۆپلایان: ثریا بخشی

یۀ

- یا اؤزۆن آنلا، یا آنلایانین سؤزۆنه قولاق آس.
- یا اؤزۆندن بیل، یا اؤزگه‌دن انشیت، یا جنممرگ اؤل (جوانمرگ).
- یا اؤغرولوقدان‌دئر، یا دؤغرولوقدان.
- یا تارازئیئین داشئ وار، یا خانئمئین اؤیناشئ.
- یاتان اؤکۆزۆ تاپدارلار.
- یاتان اؤلمز، یئتن اؤلر.
- یاتما تۆلکۆ دالداسئندا، قۆی یئسین آسلان سنی.
- یاخاسئین بیت یئتیر، چؤره‌یین ایت.
- یاخچئ آروادا، کیشی‌نین باشئین اوجالدار.
- یاخچئ آروادئ توتمالئ، یامان آروادئ آتمالئ.
- یاخچئ دئدین، یۆخسا قیللئ یئشیه‌جه‌یدیم.
- یاخچئ قیزئ انشی‌یه وئرمک حئیفدیر، یامان قیزئ اؤزگه‌یه وئرمک عئیبدیر.
- یاخچئ قیزئم گلینجک، پیس گلینم یئردن گؤتۆر.
- یاخچئ‌مئز خئیر آغا ایدی، بوجاغئ قۆیدو، سئچدئ اوجاغا.
- یاخئین قۆنشو اوزاق قۆهومدان ایره‌لی‌دیر.
- یاخئین‌لیغئین گؤره بیلمیر، اوزاقلیغا دؤزه بیلمیر.
- یاد ائۆینه یئنگه گئدیر.
- یاد ایلن یارئیاجاق، قۆهوم ایلن دئیه‌جک.
- یاد قۆهوم اؤلنه‌جک یاددئر.
- یا دین‌دن کئچ، یا دیناردان.
- یارا واردئر باغلانار، یارا واردئر داغلانار.
- یارالئ چئیبان تک سئزئلدایئر.

- یارامئ باغلامایئرسان، بارئ دوز سپمه.
- یارانئ ایستی- ایستی باغلایارلار.
- یارانئ ایستی- ایستی دؤیه‌رلر.
- یاریسئ اؤلموش ایلاندیر.
- یاریسئین اؤجان یئدی، بیر آزئن کئچن یئدی، قالانئن آختالا سئچان یئدی.
- یارئ گؤج، یارئ داعوا.
- یاریمایان، یاریماز، یاریسادا، قالماز.
- یاز بوزا، قؤیئ گؤنه.
- یاز گؤنؤنؤن هاواسئ، ار آروادئن داعواسئ.
- یازئن اؤلئنده آخان سولار بولانار.
- یاسا گئدن، تؤیا دا گئدر.
- یاس صاحاب اؤزوندو، یاسدان گلن اؤزونمادئ.
- یاستئغئن آغیر اؤلسون.
- یا سئینار بو پئله‌کان(یئر قازما ابزاری)، یا چئخار بو میرچئالئق. (یئر آلتئ یئمه‌لی‌سی).
- یاشئ اوزونلار چاغیریر.
- یاشئ گؤتؤنده قاریشئیب.
- یاغار آنباریم دولار، یاغماز صاندیغیم.
- یاغ ایلن یارم قؤزشار، آرادا سؤغان بؤزؤشر.
- یاغماسا دا گورولدور.
- یاغ یاغ ایلن قایناز، آرادا یارما قؤزولار.
- یاغیش یاغمامیش کپنه‌یه بؤرؤنؤر.
- یاغئ یاغ اوسته قؤیار، یارما یاوان قالار.
- یالانچئ بشر، تک الله‌شر.
- یالانچئنئ اؤینه تک قؤوالا.
- یالانچئنئن اؤینه اود دؤشدؤ، هئچ کیم اینانمادئ.
- یالانچئنئن دیلی قیسا اولور.
- یالانچئنئن شاهیدی یانئندا اولار.
- یالاندیر دوغور اولسون.
- یالقیز قوش، یووا سئز قالار.
- یانار چیراق قاب آلتدا قالماز.
- یان دورون قیزلار نبی کروواندان گلیر.

بایاتـــیلار (۶)

زنجان

توپلایان : ثریا بخشی

بۆشقاب اۆسته حنا وار
قورتارمایـیب یـئنه وار
نه دئـییر دۆست آشینا
منیم گۆیلۆم سنه وار

قـئیزئیل اۆزۆک بندی یار
اۆز قۆوۆلوندان دۆندۆ یار
دۆنۆبدۆر قۆیون دۆنسۆن
ائله بیللم اۆلدۆ یار

آشیق گلیر سازئ وار
نه گۆزل آوازئ وار
هر پاییزئین بیر قـیشئ
هر قـیشئین بیر یازئ وار

آراقچئنـین من‌ده یار
سرمیشم چمن‌ده یار
دۆنـیا گۆزللـه دۆلسا
منیم گۆزۆم سن‌ده یار

اورمیئه‌نین باغئ وار
باغئندا چارداغئ وار
باغدا اۆزۆم ساییئسئ
من‌ده هیجران داغئ وار

ساوالانا یاغدئ قار
نه ایش‌دیر پروۆردیگار؟
بیر یان‌دان ائل طعنه‌سی
بیر یاندان آیرئلدئ یار

پرچین‌یندە اۆزۆم وار
عزیزیم یار، گۆزۆم یار
قارداشیم آتلاناندا
سرکرده‌سی اۆزۆم یار

منی گۆرۆب گۆلدۆ یار
هر دردیمی بیلدی یار
آچیب گۆل‌لۆ دسمالین
گۆز یاشیمئ سیلدی یار

دار کۆچه‌دن کئچدی یار
آغ کاتان گئـیمیشدی یار
سلام وئردیم آلمادئ
دئیه‌سن کۆسمۆشدۆ یار

گئدیرسن هارا دیلبر
قاش گۆزۆ قارا دیلبر
رحمین گلسین گل ائیله
دردیمه چارا دیلبر

سئل گلر آشماق ایستر
گؤزل اوز یاشماق ایستر
منیم کؤنلوم دونیادا
یارا قووشماق ایستر

درد آشار باشدان کئچر
کیپریکدن قاشدان کئچر
دوغرو سؤز ، دوغرو کلام
دمیردن ، داشدان کئچر

آغ آت چمن‌ده گزر
جیلوو قیچیندا گزر
من یاریمی تانیرام
بی‌لر ایچینده گزر

قیزیل اوزوک بت کسر
ایلده بیر قیتمت کسر
یاریَ وفاسیز اولان
اوره‌یی‌نی درد کسر

آیَ چیخار اوزاق دوشر
شام یانار، چیراق دوشر
یار گؤزوندن دوشن‌لر
کؤنولدن ایراق دوشر

داغلارا دولو دوشر
دولونون قولو دوشر
قبریمی یول اوسته قاز
دوست گلر یولو دوشر

قیزیل گولو دره‌رلر
مخمل اوسته سره‌رلر
خوش او قیزین حالینا
سئودیینه وئره‌رلر

آغ جورابیَ گئیه‌رلر
آغ آلمانیَ سویارلار
آجیغینا گلمه‌سین
گؤزله سؤز دئیه‌رلر

دیب قاپینیَ دؤیورلر
قارا قیزیَ سئویرلر
گلمه منیم دالیمجا
اورگه‌ده‌رم دؤیه‌رلر

عزیزیم دولو گؤزلر
قار یاغار دولو گؤزلر
ساغ گؤزوم سنه قوربان
سول گؤزوم یولو گؤزلر

بو داغلار کیمی گؤزلر؟
تار چالان سیمی گؤزلر
قاشئین کیمی قاش اؤلماز
گؤزلرین کیمی گؤزلر

سو جؤشار داشدان گلر
تؤکؤلؤب داشدان گلر
یاریم منی ایسته‌سه
دورار اؤباشدان گلر

بو داغدا مارال ملهر
بالاسئین قؤوار ملهر
بیر یاندا چؤبان نئیی
بیر یاندا داوار ملهر

قوشلار جئیغا جئیغ ائیلر
حیطی پالچئیق ائیلر
زهلهم گئدر اؤ یاردان
هردن بیر آجئیق ائیلر

یاغئیش یاغار سس‌لنر
آی‌ چئیخار هؤس‌لنر
سیزین باغئین بؤلبؤلؤ
بیزیم باغدا سس‌لنر

داغلارا قار دؤشؤبدؤر
گؤره نه هامار دؤشؤبدؤر
قبریمی یادلار قازیب
الحدیم دار دؤشدؤبدؤر

آپار منی بنده وؤر
ساچئیندا کمنده وؤر
مین بیر یئردن یارام وار
اسیرگه‌مه سن ده وؤر

دؤچرخه‌ن قؤشا زنبور
دؤلان گل قاپیدا دور
من واختئینئ بیلمیرم
گلنده زنگینی وؤر

آیا باخ نئجه گئدر
گؤن گلر گئجه گئدر
اولدوزلار آراسئیندان
بیر یؤل وار حاجا گئدر

یاز دؤغان یایا گئدر
سو آخار چایا گئدر
وفاسیز یاریْ چئیخان
امه‌یی زایا گئدر

لای لای لار (۵)

زنجان

ثریا بخشی

لای لایئین بیردن بیردن
بئشی‌یئین قیزیئل گؤلدن
دیله‌ییین اوزاق قالسئین
گؤل بالام، یامان گؤزدن

لای لای بالام نارئن‌دان
گؤل قوربائین، نارئن دن
باشئین قوی سینه‌م اوسته
لای لای دئییم نارئن‌دان

لای لای باغئیم مئشه‌م‌سن
دؤلو عطیر شؤشه‌م‌سن
من باغبانام، سن گؤلؤم
دؤموؤیؤم سن، پئشه‌م سن

لای لای (بالام) ترکیم‌سن
دؤشؤنجه‌م سن، درکیم‌سن
اوجا بوی ساوالائیم
سهندیم‌سن، ارکیم‌سن

لای لای اوبام، ائلیم‌سن
دیل دوداغئیم، دیلیم‌سن
قوچ کؤراوغلوم اولماسان
عئیواض آدلئ دلیم‌سن

لای لای بالام مزه‌سن
گؤل چیچکدن تزه‌سن
قوربان اولوم او گؤنه
آیاق توتوب گزه‌سن

لای لای دئدیم بیله‌سن
دؤشمه‌یه‌سن دیله سن
بویا باشا چاتاسان
اوینایاسان گؤله‌سن

لای لای بالام گؤله‌سن
دائیشاسان، گؤله‌سن
آرزیم بودور قاچاسان
تازا گلن ایله سن

لای لایئین بیر دنه‌سن		لای لای بیر باغین اولسون
اینجی‌سن، دوردنه‌سن		باغلار اویلاغین اولسون
من اولسم سنه قوربان		تاری‌دان آرزیم بودور
سن اولمه بیر دنه‌سن		آت مینن چاغین اولسون
لای لای گولون بیری‌سن		لای لای گول باغا دونسون
ملک‌می‌سن ؟ پری‌سن؟!		باغیم یایلاغا دونسون
بو ایل ایمک‌له‌یئرسن		بیرجه کلمه دین دانیش
گلن ایلده یئری سن		اوره‌یم داغا دونسون
لای لای بالا، واخت ایکن		لای لایئین شیرین، شیرین
یاتیب اویان واخت ایکن		یوخلایات شیرین، شیرین
دوستو، یاری، قارداشی		باشین قوی سینه‌م اوسته
گئدیب یوخلا، واخت ایکن		صوبحه‌تک‌شیرین، شیرین
لای لای عومرون چوخ اولسون		لای لایئین اینجیتمه‌سین
گویلون گوزون توخ اولسون		کیم سنی سینسیتمه‌سین
سنه لای لای چاغیریم		آرزیم بودور قم گولو
دوشمانلارین یوخ اولسون		سینه‌ن اوسته بیتمه‌سین
لای لایئین چیچک اولسون		لای لای خومار باخیشین
یارپاغی لئچک اولسون		باش آلتدا ناز بالیشین
بوردا بیر بالا یوخدور		گوزمه‌سین‌لر یامان گون
بالامدان گویچک اولسون		نه دوستون، نه تانیشین

لای لایئین شیرین، شیرین		لای لای بالام یاز اولدو
بالادیر بالدان شیرین		بولودلار گؤزوّ دولدو
دوداغئین بال پوهره‌سی		باخچادا بیر گوّل آچدی
قایماقدان دادلی دیلین		باغبانئین اوزوّ گوّلدوّ
لای لای قوزو قوربانئین		لای لای سرین بوزلو سو
بیری، یوّزوّ قوربانئین		اوشاقلارئین پوّزلوسو
قوزودان قوربان اولماز		دوزلولارئین نازی‌سان
آنان اوّزوّ قوربانئین		نازلی‌لارئین دوزلوسو
لای لای بالام، اوره‌یین		لای لای کیپری‌یی اوخلو
دردی منه اوره‌یین		سن کی، گؤزل‌سن چوخلو
یاتدیغئین یئر شئهلی‌دیر		سنه قوربان کسه‌رم
دور قوی آچیم بله‌یین		ایلده بیر دانا توخلو
لای لای داغا چن اوتدو		لای لای نار قوش اوزوّمو
شئه اوتوردو، چن اوتدو		ائیلر قوش، نوش اوزوّمو
کیم نه دئدی بالامئین؟		یوخلا سنه گتیرسین
یاش، گؤزده دن دن اوتدو		قوشلار مئیخوش اوزوّمو
لای لایئین آخشام اولدو		لای لای قوّزرولو پوّسته
اولدوزلار سانا دولدو		باشئین قوی دیزیم اوّسته
بالا دردین چکمک‌دن		قوی تاماح دیشین چیخسئین
اوره‌یئیم قانا دولدو		اوندا مندن بال ایسته

آتالار سوزو

محمد قاضی

- حاضیئر یئمک، پنیر چؤره‌ک.	- داش دیه‌نه، یؤل گئده‌نه بللی‌دیر.
- حق وئرمه‌یه‌نین آدیئن قؤیارلار حق‌وئردی.	- دؤنیا یاز ایکن قیئش قدیرینه باخ.
- حییله ایله ایش گؤره‌ن مؤحنت ایله جان وئره‌ر.	- دؤغرو اؤل آسلان یؤلو ایله گئت.
- خاتین اؤزؤندن خؤفلو اؤلار.	- دؤست شکر اؤلسا بیردن یئمه.
- خاتین چؤبان قورددان پیس‌دیر.	- دیل عاغیل خزینه‌سینین قیلئینجی‌ئدیر.
- خراب اؤلماسا، آباد اؤلماز.	- دینج آدامسان قانلئ قاپیسئندا نه ایشین وار؟
- خؤروزون ساققالئ آغارسا بیر شاهیئیا دیئمز.	- دیره‌یه بیر شئی اؤلماسئن پردی یئرینه گلر.
- خئیئیرسیزین‌آدئین قؤیارلار خئیئرالله.	- ساریئ سامان آدامدان وفالئ‌ئدیر.
- خیاطئین ایینه‌سی ایتمه‌سه، گؤنده مین دؤن تیکر.	- سامان قالا-قالا گؤموشه دؤنر، آرپا قالا- قالا سامانا دؤنر.
- دارغا عمیم‌دیر، داها نه قمیم‌دیر.	- سامان تؤستؤسؤ آدام بؤغار.
- دازیما باخما یازیما باخ.	- سؤرادان چیخان بوینوز قولاق دلر.
- داش داشئ سئندیرار.	- سویو کؤزه‌ده‌دیر گؤنؤ باجادا.
- داشا میخ وئورمازلار.	- سئچان یووآسئ چؤپ‌سؤز اؤلماز.
- دالیئدان گلن سسه قولاق وئرمزلر.	- شاهینله دوه اؤولانماز.
- داپانان آپارار.	- شر دئمه‌سن خئیئیر گلمز.
- دؤست آجئ سؤیلر.	- شرف شؤشه‌دیر، سئینسا دؤزه‌لمز.
- دؤست ایله آلیئش وئریش ائیله‌مه.	- شفا وئره‌ن آغی دا وئره‌ر.
- دؤغرولوق دؤست قالاسئ‌ئدیر.	- شئیئتان کارخاناسئ بؤش قالماز.
	- عار ائدن کار ائتمز، کار ائدن عار.

آذربایجان قدیم فولکلور رقص‌لری(۶)

کمال حسن‌اوغو
کوچورن: پیام سرابلی

۶ ـ دولما ـ دولما[1]

خلیل اولدوزدن فرقلی اولاراق «دولما، دولما» آذربایجان‌دا داها گئنیش یایئلمیش‌دیر. «مینگه چئویر»ده ایندی ده داوام ائدیر. بو هر شئیدن اول اوشاق اویونوندور. بؤیوک یاشلی اوشاقلار بو اویونو چوخ سئویرلر. «دولما -دولمادا» تکجه بیر رقص دئییل. سوزئت‌ده اویون‌دا حتّا ایدمان دا وار. بو جلدلیک سورعتله قاچماق حساسلیق یاریشی‌دیر. «دولما-دولما»نین تکجه صحنه‌ده دئییل همچینین اوشاقلار اوچون ایله‌نجه‌لی برنامه‌لرده، پیونئر(پیشاهنگی) دوشرگه‌لرینده، مکتب‌ده کئچیریلن گئجه‌لرده یولکا شنلیک‌لرینده (ژانویه، میلادی ایلین باشلانیش بایرامی)، اوشاق سحرجیک‌لرینده (صوبحگاه) ده گؤسترمک اولار. آشاغیدا «دولما- دولما» اویونونون تخمینی سئناریوسو تقدیم اولونور.

سئناریو: قیزلار سئویمجله قاچیب گلیرلر. اونلار «قاچدی، توتدو» اویناییرلار. بیری او بیری‌لرینی قوورور. لاکین توتا بیلمیر. همین قیز پرت اولور. داها اونلارین آردینجا قاچماق ایسته‌میر. اونو دیله توتورلار. لاکین او راضی اولمور. هامی اینجیک حالدا چکیلیر. بیردن قیزلاردان بیری «دولما-دولما» اویناماغی تکلیف ائدیر. هامی سئویمیر. بونلاردان بیری باشقا بؤلگه‌دن گلمه‌دیر. او، خاهیش ائدیرکی، بو اویونون نئجه اولدوغونو اونا باشا سالسینلار.

بیرینجی قیز دئییر:

---

[1] ـ رقصین باشقا آدلاری «یایلیق آتدی»، «اوجاق یاندی» و «یایلیق گیزلتدی»دیر.

– اوتورون. من هامیسینئ باشا سالیم.

هامئ دووزه وورۆب اوتورور.

– باخ منیم الیمده یاپالیق وار. من سیزین آرخانیزجا داپره بۆیو گزه‌جه‌یم. هردن بیرینین آراخاسیندا ایپلیب یاپالیغئ یئره قۆیاجاغام. اگر همین آدام حیسّ ائله‌سه یاپالیغئ گۆتۆرۆب دالیمجا قاچاجاق. توتا بیلسه من داپره‌نین ایچریسینده اوتوروب دۆلما اولاجاغام. او ایسه یاپالیغئ گزدیره‌جک. توتا بیلمه‌سه من ایسه تزه‌دن یاپالیغئ گزدیره‌جه‌یم.

– اگر او آدام حیسّ ائله‌مه‌سه کی یاپالیغئ اونون آراخاسیندا قۆیموسان اوندا نئجه؟

– اوندا من اوینایا– اوینایا بیر دۆزه وورۆب تزه‌دن اونا یاخین‌لاشارام و اونون چیینینه وورارام. او منیم دالیمجا قاچیب منی توتمالئ‌دیر.

– بس دۆلما اولانلار نه انده‌جکلر؟

– اونلار آخیردا قالانلارین ایسته‌ینه گۆره یا اوینامالئ یا دا کی اوخومالئ‌دیرلار. بو صحنه مۆحاضیره کیمی کئچمه‌لی‌دیر. گلمه قیز داییما دائیشان قیزین سۆزۆنۆ کسیر. خیردالیقلارا کیمی اویرنمک ایسته‌ییر. او دا هیرس‌لنیر، قالانلارئ دا مۆختلیف آتماجالار آتیرلار. اوینونون ماهییّتینی قیزا باشا سالماغا چالیشیرلار. نهایت هامئ اوتورور.

– «بس کیم چالاجاق؟»– دئیه بیری سۆروشور.

– «بونو من اؤز عۆهده‌مه گۆتۆروم»– دئیه باشقاسئ جاواب وئریر. باخ قارداشیم واحید اوتوروب من اونو چاغیریرام. «واحید یۆلداشیئنئ دا قارمونونو دا گۆتۆروب گلین بورا».

واحید و الینده ناغارا اولان یۆلداشئ گلیرلر. اونلارئ داپره‌نین یانیندا اوتورورلار. بیرینجی قیز الینده یاپالیق رقص انده– انده دۆزه‌نی دۆلانیر. «تره‌که‌مه»

چالئنئیر. قئیز رقص آددئیملاریئ ایله گزیر. هردن ایئیلیر اؤزؤنؤ ائله گؤستریر کی، یاتاغئیئ بو وئ یا دیگر قئیزئین آراخاسئیندا یئره قویئور. اؤنلار دا دؤنؤب باخئر یاخود ال‌لرینی آرخالارئیندا گزدیریرلر. قئیز حیسّ ائدیلمه‌دن یاتاغئیئ ایکینجی قئیزئین آراخاسئیندا یئره قویئور. رقصی داوام ائتدیریره‌رک داثره‌نی دؤلانئیر. ایکینجی قئیز هئچ نه‌دن شوبهه‌لنمیر. بیرینجی قئیز بؤتؤن بیر دؤؤره وؤراراق اؤنا یاخئنلاشئیب چیئنینه وؤراندا ایکینجی قئیز آیئلئیر. بیرینجی ایسه تئز داثره اؤزره قاچئیر. ایکینجی قئیز دؤنؤب یاتاغئیئ گؤتؤرؤر. آیاغا دوروب بیرینجی قئیزئین دالئنجا قاچئیر. چاتا بیلمیر. بیرینجی قئیز آرتئیق اؤنون یئرینده اؤتوروب. بیرینجی قئیز یئنه «تره‌که‌مه» اؤینایاراق دؤؤره وؤرور. ایکینجی قئیز ایسه یؤماق کیمی بؤزؤشؤب دیزی اؤسته داثره‌نین مرکزینده اؤتوراراق «دؤلما»یا چئویریلیر.

بیرینجی قئیز یاتاغئیئ اؤچؤنجؤ قئیزئین آراخاسئیندا یئره قویئور. اؤ، همین ساعات باشا دؤشؤر سئچراتئیب الینده یاتاغئیق بیرینجی‌نین دالئنجا قاچئیر. اؤنو توتماغا چالئشئیر وئ توتا بیلمیر کئچیب مرکزده ایکینجی قئیزئین یانئیندا اؤتورور.

بیرینجی قئیز اؤچؤنجؤ دفه رقص ائده- ائده دؤؤره وؤرور وئ یاتاغئیئ دؤردؤنجؤ قئیزئین آراخاسئیندا یئره قویئور. اؤ بیرینجی قئیزئ توتور اؤنو مرکزه گؤندریر. اؤزؤ ایسه الینده یاتاغئیق رقص ائده- ائده داثره‌ده چالانلارئین اطرافئیندا دؤلانئیر نئچه دفه بئله تکرار اؤلونور. نهایئت ایکی قئیز قالئیر. بیری دؤؤره وؤران ، اؤ بیری ایسه آخئرئنجئ. ایکیسی ده صحنه‌نین آرخا خطی‌نین مرکزینده دوروب مصلحت‌له‌شیر وئ اودوزانلارا جریمه تعئین ائدیرلر. اودوزان قئیزلار دوروب کنارا چکیلیرلر وئ بو ایکی قئیزئین سیفاریشی ایله اؤیناماق یاخود اؤخوماق اؤچؤن اؤز نؤوبه‌لرینی گؤزله‌ئیرلر.

قئیزلارئین بیرینه «میرزه‌ئی» اؤیناماغئ امر ائدیرلر. اؤ اؤیناتئیر. اونلار یئنی‌دن مصلحت‌له‌شیرلر. اؤ بیری قئیزا «آلمانئ آتدئم خارالا» اؤخوماغی وئ اؤیناماغئ امر

ائدیرلر وٓ اوٚچوٚنجوٚ «لاچئن» اوٚخویور وٓ هامئ اوٚنون سسینه ایسه سس وئریر. آخیرئنجئ قئیز «بایاتئ» چاغیریر. بئشینجی یئنه اوٚینایئیر، آلتئینجئ اوٚینایاراق قاچیر. هامئ اوٚنون دالئینجا قاچیر اوٚنو ساخلاماغا چالیشیر.

بعضی مصلحت لر: بو هر شئیدن اوّل اوٚیون‌دور وٓ اوٚنو اوٚیون کیمی ده کئچیرمک لازئم‌دیر. رقص‌لر کؤمک‌چی واسیطه‌دیر. کیم نه باجاریر اوٚنو دا رقص ائتمه‌لی‌دیر. بونا گؤره ده قورولوشچو اوٚلجه‌دن کیمین کیمی توتاجاغئنئ، کیمین اوٚتوراجاغئنئ وٓ اوٚینایاجاغئنئ موٚعیّن ائتمه‌لی‌دیر. رقصلری سیفاریش ائدن هرکیمی آپاریجئ قئیز بونلارئ اوٚلجه‌دن بیلمه‌لی‌دیر.

قئیزلارئن یاپیلیق‌لا دؤوره وٓوردوقلارئ واخت دایئما عئینی بیر موسیقی، مثلن «تره‌که‌مه» چالئنیر باشقاسئ دا اوٚلار دؤوره وٓوران قئیز بو موسیقی‌نین ملوٚدیاسئ آلتیندا رقص، همیشه رقص آددئم‌لارئ ایله یئریئیر وٓ اوٚتوران قئیزلارئن آراخاسیندا ائیلیر. موسیقی یالنئیز دائیشیق‌لار واختئ وٓ بیر ده «قوٚودو قاچدئ» زامانئ کسیلیر.

اودوزان قئیزلار اوٚچوٚن هر هانسئ بیر رقص سئچمک اوٚلار. یاخشئ‌سئ بودور کی، اوٚنلار آغیر وٓ سوٚرعتلی رقص‌لر اوٚلسون. همچینین رقص کاراکترلی ماهنئ‌ئین ایفاسئ دا مصلحت گؤرولوٚر. بو ماهنئ‌لارئن موسیقی‌سی ایله جریمه‌له‌نمیش قئیزلار دا رقص ائده بیله‌ر. یوخاریدا «دوٚلما- دوٚلما» رقص اوٚیونونون صحنه وارپانتئ گؤستریلیر لاکین اوٚنو ساده‌جه اوٚیون کیمی اوٚلجه‌دن حاضیرلامامیش قورمامیش دا کئچیرمک اوٚلار بونو مکتب‌ده کئچیریلن گئجه‌لرده، پیئونئر(پیشاهنگی) دوٚشرگه‌لرینده، حیطلرده یاشیل اوٚت اوٚزرینده ده ائتمک موٚمکوٚن‌دوٚر. بئله حال‌لاردا چالانلارئن اوٚلماسئ واجیب ائل ملوٚدیپالارئ ایله چالماقلا دا اوٚخوماق اوٚلار.

یئتیم سئیدی

ناغیلین آدی: یئتیم سئیدی (زنگان روایتی)
ناغیل اوخویان:آشیق مسلم عسگری
ناغیل یازان: محمد رزّاقی (زنگان)
یازما تاریخی:۱۳۸۳-نجو ایلین اون بیرینجی آیئتین اون دوردو

سئیدی سازی آلیب گلیر. عمی قیزی‌سی بونون گوزه‌ل‌لیییندن خبردار اولور و چاغیریر یانینا. ایستیر سیید‌نین گوزلوزو آلسین اونلان ایزدیواج ائله‌سین سئیدی رد ائلیر و دئییر «دوه بوینوز چیخاردانا قوم‌لار چیچک آچاندا- اوندا آللام سنی اوز عمیم قیزی». سئیدی آناسی ایله وِیدالاشیر؛ دوشور یولا، یولدا ایکی دفه قیزلار دسته‌سینه راست گلیر اونلارا بیر نئچه کلمه سوز اوخویور. گلیب چاتیر پری خانیمین قلعه‌سینه.

آمما پری خانیم بیر پهلوان ایدی. شهرین کنارئندا اوزونه بیر قلعه تیکدیرمیشدی. هئچ قودرت باشارا بیلمزدی بوندان باج آپارسئین. پری خانیم گئده‌ردی اوولاردئ گتیرردی یئیه‌ردی. آنجاق فیکری سئیدی‌نین یانیندا ایدی. اونون یولونو گوزله‌ییردی. او گون پری خانیم چیخمیشدئ شیکارا؛ بیر چمن‌لیک‌دن کئچنده گوردو بیر اوغلان بو چمن‌ده یاتیب. یاخینلاشدئ؛ باخیب گوردو اوغلاتین سئیدی‌یه بنزری وار. آنجاق پری خانیم دئدی آدام- آداما اوخشار. اوتوروب اوغلاتین باشئ اوسته ایسته‌ییر بونا نئچه بند سوز اوخوسون تا بیلسین کی بو سئیدیدی یا یوخ؟ ساچلارئندان

بیر دسته تئل آییرئیب سینه‌سی اوسته ساز یئرینه قرار وئردی. گؤرک یاتان سئیدی‌یه نه دئییر:

قریب ائللدن گلن اوغلان　　اویان منیم یاریم اویان
سنه قوربان اوزوم اوغلان　　اویان منیم یاریم اویان

یالائیم یوخدور سؤزومده　　طاقت چکیلدی دیزیمدن
توت الیمدن، اوپ اوزومدن　　اویان منیم یاریم اویان

حمایئل اوللام یانیندا　　آسلانتام ساغی سولوندا
بوسه وئررم دوداغیمدان　　اویان منیم یاریم اویان

یئتیم سئیدی یوخودان آیئینمادی. پری خانیم آتینا مینیب گلدی اوز قلعه‌سینه. نئچه ساعات سوروشاندان سونرا یئتیم سئیدی دوروب یولونون آردین توتدو. بیر موددت گلن‌دن سونرا بیر قلعه گؤردو شهرین کناریندا. آجلیق، سوسوزلوق بونو گیرله‌یئب دئدی بو قلعه‌ده حتمن آدام اولار. من اوندان بیر آز یئمک ایسته‌یئم. گلیب قاپینی چالدی پری خانیم انشیدیب بیلدی ائله یولدا قالان اوغلاندیر قاپیشین دلیینندن باخیب گؤردو ائله چمن‌ده یاتان اوغلان دایانیب قاپیشین دالیسیندا دئدی:

– آی اوغلان نه سؤزون وار؟

سئیدی آلیر بئله دئسین:

باش گؤتوروب من بورایا گلمیشم　　بیر نئعمت ایستیرم یولا واراییم
باش اوسته آللاهی قمخار بیلمیشم　　بیر نئعمت ایستیرم یولا واراییم

پری خانیم قاپیشین دالیسیندان سئیدی‌یه جاواب وئریر:

باش‌گؤتوروب‌سن بورایاگلمیش‌سن　　دوغرودانیش یارقوربانین‌من اوللام
باش اوسته آللاهی قمخار بیلمیش‌سن　　دوغرو دانیش یار قوربانین من اوللام

سئیدی دئییر:

اوزاقدئ بورادان ییوللارئم منیم سارالئیب گؤز نه‌دیر گؤللریم منیم
یامان اولدو ائی قیز بیر حالئم منیم بیر نئعمت ایستیرم ییولا واراییئم

پری جاواب وئریر:

یامان اولماز گؤز نه‌دیر حالئن سنین سارالماز بو ییرده گؤللرین سنین
آغ سینه‌م اوستونده وار ییرین سنین دوغرو دانئیش یار قوربانئن من اوللام

سئیدی:

سحر- سحر چئیخان دان اولدوزودور کؤلگه‌ده بسله‌نن املیک قوزودور
آدئ پری گؤیور رزمین قیزئ‌دئیر بیر نئعمت ایستیرم ییولا واراییئم

پری:

سحر- سحر چئیخان دان اولدوزوییام کؤلگه‌ده بسله‌نن املیک قوزوییام
آدئم پری «گؤیور رزم»ین قیزئ‌ییام دوغرو دانئیش یار قوربانئن من اوللام

پری خانئم قاپئنئ آچئیب سئیدی کئچدی ایچری. بیر آز چؤره‌ک گئیریب سئیدی ییئدی؛ گؤزلرینه ایشئیق گلدی. سئیدی دئدی:

- پری خانئم سندن اوترو تبریزدن بورا گلمیشم.

پری جاواب وئردی:

- آرادا بیر سؤز وار. گرک عقد و ایلقار اوخونسون.

ییئتیم سئیدی دئدی نئیئنه‌ییم؟

پری دئدی:

- گئدرسن شهرده عقد اوخوتدورارسان گلرسن.

دوروب گئتسین شهره. قلعه‌دن چئیخاندا گؤردو اوچ دنه مؤللا گئدیرلر. دئدی ییاراسئ اوزده اولانئن طبیبی اوزونه گلر. سئیدی کسدی مؤللالارئن قاباغئن سالام

وئردی. علیک آلدیلار. ایسته‌دیلر سئیدی‌نین یانیندان سؤزوشوب کئچسین‌لر سئیدی قوئیمادی. دئدی:

– سیز ایله منیم ایشیم وار.

مؤللالار دئدی‌لر:

– سنین بیزنن ایشین اولسا، بیزیم سنله ایشیمیز یوخدور. سئیدی آتدان انیب آلدی گؤرک مؤللالارا نه دئییر:

مؤللالار مؤللاسی مؤللالار خاصی شرط–ی پئیغمبری سیزدن ایسته‌رم
آئینماز سیلینمز گؤیلؤمؤن پاسی شرط–ی پئیغمبری سیزدن ایسته‌رم

دئدی‌لر:

– پئیغمبرین نئچه شرطی وار. هانسی‌نی ایستیرسن؟

دئدی:

– ایجازه وئرسز دئیه‌رم:

شئیدا بؤلبؤل اوچدو قوندو داغلارا من قوربانام آغ بوخاقدا خاللارا
اؤزوم قوربان قلم توتان اللره شرط–ی پئیغمبری سیزدن ایسته‌رم

گئدن یوخدور نامه یازام ایرانا درد– قم الیندن گلمیشم جانا
او نه‌دی کی عقد اوخونور اینسانا شرط–ی پئیغمبری سیزدن ایسته‌رم

مؤللالار دئدی‌لر:

– چوخ زادا عقد اوخونور.

سئیدی آلیر سؤزونو بئله قورتارسین:

پریم منیم گؤر نه اسر اسدیریر صبر–ی قرارئمی منیم کسدیریر
ایلقار وئریب کبین‌نامه کسدیریر شرط–ی پئیغمبری سیزدن ایسته‌رم

مؤللالار یئتیم سئیدی‌دن ایلقار آلدیلار. بیریسی پری خانیمین طرفیندن وکیل اؤلوب بیریسی سئیدی‌نین طرفیندن. عقد اؤخودولار. یئتیم سئیدی‌یه کبین‌نامه وئردیلر. سئیدی مؤللالاردان آیریلیب گلدی پری خانیمین قلعه‌سینه.

سئیدی گلمه‌میشدن پری خانیم تکینه گئدیب اؤزلاردیؤ قوشلاردیؤ؛ گتیریب یئیه‌ردی. بیر نئچه گؤن سئیدی گلندن سؤنرا دا یئنه اؤزؤ گئتدی. آمما او نئچه گؤندن سؤنرا پری خانیم سئیدی‌یه دئدی:

– منیم اؤزؤ گئتمه‌یئم یاخشیؤ دئییل. دایؤ من گئده بیلمه‌رم.

سئیدی دئدی:

– اؤلمایا محبتین مندن سؤیوتوب.

پری دئدی:

– یؤخ اگر ایجازه وئرسن ایکی کلمه اؤره‌یئمه سؤز گلیب سنه اؤخویوم.

باشیئنا دؤندؤیؤم آلا گؤز سئیدی ازل‌کی قؤوتیم قالمایئیب منیم

دؤلاتیم باشیؤزا من آلیم قادان ازل‌کی قؤوتیم قالمایئیب منیم

من پری‌دیم بو قالادا قالیردیم بیر کمنده اؤزلار قوشلار آلیردیم

من اؤزؤمؤ چؤخ قؤوتلی بیلیردیم ازل‌کی قؤوتیم قالمایئیب منیم

ایپک شدده آچیلمازدیؤ بئلیمدن هئچ حئیوان دا قورتارمازدیؤ الیمدن

اؤپؤش وئررم دؤداغیمدان دیلیمدن ازل‌کی قؤوتیم قالمایئیب منیم

سئیدی او گؤندن یاؤ–اؤخ گؤتؤروب گئتدی اؤؤ وؤرا. گزیب دؤلاتیب بیر چؤلده نئچه جئیران گؤردؤ. دایاتیب اونلارین بره‌گاهیندا ایسته‌دی جئیرانلارین بیرینی اؤزلاسین. جئیران دایاتیب دیک باخدیؤ سئیدینین گؤزؤنه. یئتیم سئیدی جئیراتین گؤزلرینی گؤره‌ن کیمی اللری تیتره‌دی یاؤ– اؤخ دؤشدؤ یئره. وؤرا بیلمه‌دی. قاییدیب

الی بۆش گلدی. پری سۆروشدو نەدن الی بۆش گلدین. سئیدی بیر سۆز دئمەدی نئچه گۆن بو تهر کئچدی. سئیدی طاقت گتیرمەییب دردین دئدی:

– پری! سن منه معشوقەسن. نئچه کی اؤ ساچلارئندان آییرئیب منه وئرمەسن. شیکار ائلەیه بیلمەرم. اؤز وئوراندا گؤزۆمه باخئر ائله بیلیرم سن‌سن وئورا بیلمیرم.

پری خانئیم تئللریندن بیر دسته آییرئیب کسدی وئردی سئیدی‌یه. پری خانئیمئن تۆکۆ تاوئوس پری کیمی هره‌سی بیر رنگ چالاردئ. سئیدی تئلی چولادئ ایپک دسمالا قۆیدو جیبینه. اؤندان سۆزا گئدەردی اؤولاردئ قوشلارئ گتیرردی.

آمما گۆنلرین بیرینده سئیدی گلیب بیر بولاغئن باشئندا ایییلیب سو ایچسین بیلمەدی. اؤ تئل دۆشدۆ کریزین گؤزۆنه. سئیدی سو ایچیب دوروب گلدی. بیر مۆددت‌دن سۆنرا الین آتدئ جیبینه پری خانئیمئن تئلینه باخسئن گؤردۆ ائئ داد– بیداد تئل یۆخدور. ناراحات اؤلدو باشلادئ اؤزۆنۆ مذمّت ائلەمەیه.اؤز–اؤزۆنه دئدی: پری خانئیم تۆکۆنۆ منه امانت وئردی من ساخلایا بیلمەدیم.بیر یئره فیکری ایشلەمەییب ائوه گلدی. سالام علئیکۆم. علئیکۆم السالام. پری خانئیم گؤردۆ یئتیم سئیدی‌نین حالئ چۆخ پۆزغوندور. خبر آلدئ:

– سئیدی جان نه اؤلوب؟

سئیدی دئدی:

– منیم سازئمئ وئر نئچه کلمه اؤره‌یئمه سۆز گلیب سنه دئییم.

پری خانئیم سازئ وئردی سئیدی‌یه:

باشئینا دۆندۆیۆم آلا گۆز پری وئردییئین تئل بیر عۆممانا قرق اؤلدو

یۆلوندا قۆیۆموشام بو جانی– سری وئردییئین تئل بیر عۆممانا قرق اؤلدو

پری دئدی:

– سئیدی جان ائله بیل من گؤزلریمی چئخاردئیب سنه وئرمیشم. ائله بو جور ساخلایاجاغسان.

پری سئیدی‌نین سؤزؤن اینانمادی. آلیب سئیدی‌یه بئله دئییر:

باشئینا دؤندؤیؤم آلا گؤز سئیدی دؤغرو دانیش یار قوربانین من اؤللام
دؤلائیم باشئوا من آلیم قادان دؤغرو دانیش یار قوربانین من اؤللام

اؤلمویا منیم تؤکؤم جادوگر الینه زادا دؤشه؛ اؤندا ائؤیمیز یئخیلار. سئیدی دئدی:

من گلیردیم بیر صحرادان کئچمه‌یه یؤلوم دؤشدؤ بیر بولاغا چئشمه‌یه
سیئاه تئللر اؤ بولاغا دؤشمه‌یه وئردییین تئل بیر عؤممانا قرق اؤلدو

پری خانیم:

من پری‌یم پهلوانام یئریمده دؤز ایلقارام هر نه چیخسا دیلیمدن
اؤزگه بؤلبؤل ایی‌له‌مه‌سین گؤلؤمدن دؤغرو دانیش یار قوربانین من اؤللام

سئیدی:

بورا قؤربت منه سن سیز دار اؤلماز قریب یئرده یاردیم اؤلماز جار اؤلماز
هارا باخسام سنین کیمی یار اؤلماز وئردییین تئل بیر عؤممانا قرق اؤلدو

پری خانیم سئیدی‌نی ایکی گؤزؤندن ده چؤخ ایسته‌ردی. سئیدی‌یه دئدی:

– سئیدی جان من بئله باخیرام سن منی یاخشیؤ ساخلایا بیلمه‌یه‌سن آنجاق عئیبی یؤخ.

سئیدی آند ایچدی دئدی:

– گرک من گئدم هر یئرده اؤلسا اؤ تئللری تاپام.

یئتیم سئیدی سمند آتا مینیب (سمند آت پری خانیمین آتی ایدی) گلدی بولاغین باشئینا ال ائله‌دی بولاغی آختارماغا.

ائشیت ناغیلی باغچی‌دان. تئل دؤشدؤ سویا. بیر باغین دیواریندا دئشیک آچمیشدیلار، آرخین سویو گلیب اوردان کئچردی باغین ایچینه گئدردی. بو تئل

سویونان بئله گلیب گلیب، باغین ایچینده ایلیشدی بیر کؤلا. بو یاندان باغبان باغین ایچینده گزیب دؤلانیردی آرخین یاتیبلا گلیردی گؤردو بیر دنه لعل- جواهیر کیمی بیر زاد پارئللیر، ایشیغی دؤشدو بونون گؤزونه، گلیب گؤردو بیر دسته تؤک. آمما بو بئله بشر تؤکؤنه بنزه‌میر تئللرین هره‌سی بیر رنگ چالیر. گؤتؤروب باخدی. فیکرینه بو یئتیشدی بو تؤکو آپارارام عؤثمانلی تؤپال پاشانین یاتینا، تؤپال پاشا منه یاخشی بیر انعام وئره‌ر. تؤکو گتیریب بیر خونچا بزه‌دی تؤکو ده قؤیدو مجمه‌یی‌نین آراسینا اوستونو چکیب گتیردی تؤپال پاشانین یاتینا. پاشا دئدی:

- دوستوم نه گتیریبسن؟

دئدی: پاشا ساغ اولسون ایجازه وئر اوستونو گؤتؤروم. ایجازه وئردی اوستونو گؤتؤردولر. باخدی گؤردو بیر دسته تؤک آمما پار-پار پارئللایی‌ر.

- دئدی هاردان گتیریبسن بو تؤکو؟

- دئدی باغدا ایلیشمیشدی کؤلا توتوب گتیرمیشم.

تؤپال پاشا فیکیرله‌شیب دئدی:

- بو تؤکون یئیه‌سی وار؟

دؤوره‌ده اولانلاردان دئدیلر:

- بو«گؤزور رزم»-ین قیزی «پری خانیم»-ی‌ن تؤکودو. اونون تؤکو بشر تؤکونه بنزه‌مز. - دئدی هر یاندا اولسا، قیزی سیزدن ایستیرم.

گلن سایی‌دا اوخویارسیز کی، تؤپال پاشا نه جور پری خانیمی سئیدی‌دن آییریر. و سئیدی‌نین باشاینا نه گلیر و سئیدی نه جور گئدیر پری خانیمین دالیسیجا.



نجف داستانی(۴)

علیرضا ذیحق

کئچمیش بؤلؤمون خؤلاصه‌سی:

پریزاد کی، نجفین قیئیئنا دؤشؤب و شاه عاباسین وزیری‌نین قیزی‌نی آلیب. مشغول اولور نامازا و دئییر کی، یئددی گؤن گرک ناماز قیلام. بو یاندان نجف همدان‌دا بیر اوزوچونون، احمد اوزوچونون، واسیطه‌سی ایله تیلیسمدن چیخیب اوزوچو احمدین قیزی «خانلارخانی»نی آلیر. ایکی‌سینه گلیرلر ایصفهانا. ایندی اوخویاجاق سیز کی، خانلارخانی شهرین کناریندا چادیردا قالیر. نجف گلیر شهره. شاه عاباسین آداملاری بونو توتور. خانلارخانی خبردار اولور بیر فضیلی نامه یازیر شاه عاباسا. شاه عاباس دا نجفی آزاد اندیر. خانلارخانی دا گلیر شهره. نجف و اوچ آرواديی (پریزاد، خانلارخانی و وزیرین قیزی) بیر- بیرینه یئتیشیرلر.

آز گئدیرلر چوخ گئدیرلر، آشیرمالاری آشیرلار، کئچیت‌لری کئچیرلر و او زامان‌دیر کی یاواش - یاواش ایصفهانا بیر منزیل قالیر. نجف خانلارخانی اوچون دوزگون بیر چادیر حاضیرلایئیب اوندان ایسته‌ییر کی، بیر آز اورادا قالیب دینجه‌له و بو گئده شهر ایچینه گؤره اوزضا نه جورذو. نجف گؤردو تاجیر لیباسیندا شهره گیرسم تانیئیئیب ائله‌ین اولار وض- اوزضادان یاخشی باش آچانمارام. گؤردو بیر سایئیل و لیباسلارینی اوننان عوض ائله‌دی. دئمه‌یه‌سن سایئیلین دویونونون آچیلان زامانی ایدی

وْ خالیق ایستیر بونو فلاکت‌دن قورتارسئین. ساییل گؤردوْ لیباسلارئین دؤیمه‌لری قیزیل‌دان جواهیردن لعل‌دن‌دیر. دئدی: «بو لیباس‌نان منیم لیباسیمئین اؤیونو توتماز! باخ گؤروْم منی سریییب‌سن یا اؤزوْنوْ؟ حاشا خیدمت‌دن، بونلارئ اولاغئین اؤستوْنه آتاسان آپارماز! من مسخره آدامئ دئییلم سؤوْش چیخ گئت!» نجف دست به دست ال آتیب لیباسلارینئ سؤیوندو وْ چکمه‌لری آیاغئندان چیخاریب قوْیدو ساییلین قاباغینا. ساییل باخدئ بو، ال چکه‌سی دئییل! کؤر آللاهدان نه ایسته‌ر ایکی گؤز! ایندی کی، آللاه یئتیریب نیئه تپیک آتسئن! پالتارلارئ تئزلیک‌له دییشدی‌لر وْ ساییل سئوْینجیندن ائله اکیلدی کی کوْچه‌ـ دربنده اوْنو توتماق ماحال ایدی.

نجف ساییل قیزیئغینا دوْشدوْ وْ اؤز ائوْلرینی هدف ائله‌یب، کسدی قاپئنئ. باجئ‌سئ پوْنهان حیطدن گؤردوْ قاپئدا بیر دیلنچی. گؤز اوجو باخدیقدا گؤردوْ ائئ فلک‌ـی کجرفتار نه ایش‌لر گؤروْسن ائله بیل بو منیم قارداشیم‌دیر نه ساییل. یاخینا گئده‌رکن گؤزلریندن تانیدئ اوْنو وْ گؤردوْ اصیل قارداشئ‌دیر بو. باجئ قارداش قوْل‌ـ بوْیون اوْلوب سئوْینج یاشلارئ گؤزلریندن آخدئ. آنا موْنتظیردیر قیز گلسین، گؤردوْ یوباندئ. دالیجا گئتدیک‌ده گؤردوْ بیر ساییل‌له قوْل‌ـ بوْیون اوْلوب! اوْردان آغاجئ گؤتوْروْب قیزئ هدف ائله‌دی. گاه قیزئ تاپدیر، گاه ساییلی کی، اوْنلارئ آییرسئین بیرـ بیریندن. قیز آغلارکن دئدی: «وْورما آنا سؤزوْم وار!»

دوْلانـنام باشینا آنـا — آنا قارداشیم گلیب‌دیر
یئتمه‌سن ایـمانا‌ـ کـانـا — آنا قارداشیم گلیب‌دیر
فقیرین قلبیـنه دییـمه — بنفشه قددیـمی ایـمه
قوْللارئن قوروسون دؤیمه — آنا قارداشیم گلیب‌دیر
چوْخ دوْلانـیب داغئ داشئ — دیده‌لریم توْکوْر یاشئ
پوْنهانـئن نجف قارداشئ — آنا قارداشیم گلیب‌دیر

بو سؤزلرده ائشیت‌گیلن کیمدن پریزاددان. باخدیؤ سن اؤلمه‌یه‌سن خبرزاد وار. گؤره‌سن نه اؤلوبدو نه بؤلؤشؤر بونلار بوردا. قیز بئله باخاندا گؤردؤ دؤستو تاپیلیب. قیز سئوینجیندن آز قالدیؤ پنجره‌دن اؤزؤن آتسین ائشییه. سسلندی آناجان آدام سایاقلی وورماز. بلکه بیر دردی وار شاید جاوان‌دیر تؤیؤ پولو ایستیر. دئمه‌یه‌سن وزیرین قیزیؤ دا اؤتوروب باخیر. پریزاد نجف قیلیغیندا ساییلی چکدی ایچری و انهمالجا هرزادیؤ قاپیناسینا آنلاتدیؤ. گؤردؤ بوردا حیئله لازیم‌دیر حیئله. وزیرین قیزیؤنئین خبری یوخ. پریزاد نئیله‌ییر، آچیر صاندیغیؤ، بیر دست حاضیری اعیانی لیباس قوییور نجف‌ین قاباغینا. لیباسلاریؤ گئییب هره‌سی بیر صندل‌ده نارین‌دان باشلاییرلار صؤحبته. وزیرین قیزیؤ ایچری گیرجک گؤردؤ نجف بیر ایدی اؤلدو ایکی. بونلارین هانسیؤ اصل‌دیر هانسیؤ بدل سئچه بیلمیر وزیرین قیزیؤ. پریزاد گؤردؤ وزیرین قیزیؤ ناراحات‌دیر و ایشین نه اؤلدوسوندان خبرسیز. گؤرک پریزاد بونو نه قیلیق باشا سالاجاق:

دؤلاننام باشیئنا وزیرئین قیزیؤ — سنین یارئین، منیم بوتام گلیب‌دیر
هیجران آتشینه یاندیئردیؤ بیزی — سنین یارئین، منیم بوتام گلیب‌دیر
قاشلارئین قارادیئر؛کیرپی‌ئین شوخ — ساچلارئین یلدادیئر وئرمه‌سن یئله
اؤزؤ اؤز الیمله دؤشموشدؤ سئحره — سنین یارئین، منیم بوتام گلیب‌دیر

وزیرین قیزیؤ دئدی: «منیم شئعردن باشیم چیخماز! آچیق دیء گؤروم نه اؤلوب؟!» پریزاد ال آتیب یاسمن زولف‌لرین، بوللور تک تؤکدؤ اوزونه و ایشین نه اؤلدوسونو آنلادارکن بئله دئدی:

وزیر قیزیؤ قوییؤ دؤلانیم باشیئنا — گئدک دئیه‌ک خانلارخانیؤ خوش گلدین
رحمین گلسین گؤزدن آخان قانیئنا — گئدک دئیه‌ک خانلارخانیؤ خوش گلدین
عاصیؤ دئسه‌ن من هامیئدان عاصیؤیام — گؤزل دئسه‌ن گؤزل‌لرین خاصیؤیام
من ده سنین تک بیر قیز تاپماسیؤیام — گئدک دئیه‌ک خانلارخانیؤ خوش گلدین
سینه‌می یاندیران عشقین کؤزؤدؤر — آدیؤ خانلارخانیؤ اؤوچو احمد قیزیؤدیر

اوٗدا بیرتک نجف‌خانئین گؤزوٗدوٗر گئدک دئیه‌ک خانلارخانئ خوٗش گلدین

وٗزیرین قئیزئ بیلمیر آغلاسئین بیلمیر گوٗلسوٗن. هیرسیندن آنجاق چئخئیب دوٗز گئتدی آتاسئ‌ئین یانئینا. باش‌دان کئچه‌نی آنلادارکن شاه عاببباسئ دا جریان‌دا قوٗیدولار. ایش بوردا پئرتلادئ. آللاه هئچ کسین ایشین بولاشدئیرماسئین. مأمور ئیوٗللادئ نجفی توتدولار. ایستیرلر بوٗینون وٗورسون‌لار کی، تاجیرلرین خبری اوٗلدو. پریزاد گئدیب هر بیرزادئ آچئقجاسئینا تاجیرلره آنلاتمئشدئ. اوٗنلار گلیب خاهیش ایلتیماس‌لا شاه‌دان ایسته‌دیلر کی، حقیقت بیلی‌نین‌جه مؤهلت وٗئرسین. اگر گوٗناهکارسا ایختیئار همیشه شاهئین‌دئیر. نجف زیندانداا قالسین گؤرک آینده نه جوٗر اوٗلور. نجف بیر نامه یازدئ وٗئردی قاصیده ئیئتیرسین پریزادا اوٗ دا گوٗتوٗرسوٗن خانلارخانئینا. خانلارخانئ چوٗن صاحیب شمشیردی، قئیلئینج، قالخان، خدنگ، اوٗخ وٗ یای‌لا موٗنتظیردیر. نیگران‌دئیر کی، نجف هاردا قالدئ. نیئه بو قده‌ر ئیوباندئ! پریزاد خانلارخانئ‌نئ گؤردوٗک‌ده اوٗرک‌لندی وٗ سرگوٗذشتینی آچئیب دئدیکده باهار بولودو تکین گوٗزلریندن یاش تؤکوٗلدوٗ. نجفین نامه‌سینی خانلارخانئ اوٗخودوقدا، بیر شئعر یازئیب قاصید ایله شاه عاببباسا گوٗنده‌ردی:

بیزدن سلام اوٗلسوٗن اوٗ شاه عاببباسا دئیئنه شئیخ اوٗغلونا، مئیدانا گلسین
گوٗتوٗرسوٗن لشگری قاباقئیتسئین دالئ دئیئنه شئیخ اوٗغلونا، مئیدانا گلسین
بئلیمده واریمدئیر میصری قئیلئینجئیم بیلک‌ده واریم‌دئیر ئیددی نرگوٗجوٗم
داغئیدئیب حاصارئ قصری ئیئیخارام دئیئنه شئیخ اوٗغلونا، مئیدانا گلسین
اوٗوٗچو احمد قئیزئ خانلارخانئ‌یام قوٗوٗقا گوٗنوٗ من دوشمانئ تانئیرام
نجف سوٗوٗداگرین قوٗچ قوربانئ‌یام دئیئنه شئیخ اوٗغلونا، مئیدانا گلسین

قاصید مکتوبو شاه عاببباسا ئیئتیردیکده، بیر قئیزئین تک جانئینا داغلاردا مسکن سالماغئیندان وٗ اوٗنا بو قئیلئیق‌دا مئیدان اوٗخوماغئیندان خوٗشو گلدی. شاه اوٗنون جسارتینه حئیران قالئیب قاصیده حوٗکم وٗئریب اوٗنو قصره دعوٗت ائله‌دی. خانلارخانئ قصره

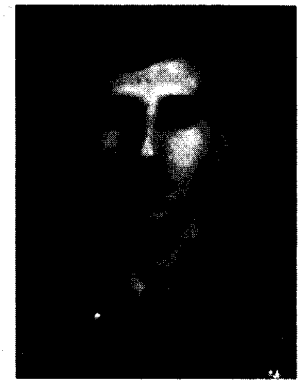
گیریب شاه عاباسئین حوّضورونا چاتارکن اوزوّندن نیقابئ گؤتوّروّب تئل‌لرینی افشان ائتدی وّ سئوگیلی‌سی نجفی ایسته‌دی. شاه امر ائتدی نجفی گتیردیلر. گؤرک نجف، شاه عاباسا نه دانیشیر:

شاهیم سن صاحیب نظرسن	دیلیم دئیه‌ر العفوْ العفوْ
قوْشونون وار هزار هزار	نجف دئیه‌ر العفوْ العفوْ
شاهیم سن صاحیب کامال‌سان	اؤلکه‌لردن باج آلان‌سان
احوالئیما بد گوْمان‌سان	نجف دئیه‌ر العفوْ العفوْ

شاهئین هیرسی سوْیوْیوب نجفی عفوْ انده‌رکن اوْچ سئوگیلی‌سینی بیر یئره یئیغیب هامئ‌سئینا بیرلیکده توْیْ توتدو. ائله بیر توْیْ کی قئیرخ گئجه قئیرخ گوْن شنلیک ایصفهانی بوْرودو. آللاه هامئینئ مورادئینا چاتدئیرسئین نجف ده مورادئینا چاتدئ.

داستانداکئ آدلار:

ایصفهان	میصری قیلئینج	مجنوْن شیخی صنعان
بئهبهان	پریزاد	نوح(ع)
الخاچ چیمه‌نی	گوْنش(دایه)	بغداد
محمّد سوْوْداگر	یوسیفی کنعان	بصره
احمد سوْوْداگر	اوْوْچو احمد	میصیر
موْولای موْتّقین	همدان	قئیلمان اهلی(خانلارخانئ)
نجف	خانلارخانئ	پوْنهان(نجفین باجیسئ)
شاه عاباس	«هل اتی» سوره‌سی	



محمد شاهزاده
ایله
ملئیکه خانیم

محمد عبادی (قاراخانلئ)

شاه ایسماعیل‌نان عرب زنگی دن بیر اوغلان اوشلور آدئ محمّد شاهزاده. محمد شاهزاده روّیادا سمرقند شهرینده «قئیس پادشاه»ین قئیزئ «ملئیکه خانئیم»ـا وورولور. ملئیکه خانئیما چاتماق اوّچوّن دوّشوّر یوّلا آنجاق یوّلدا قارا دئوّین تیلیسمینه دوّشوّر.

محمّد شاهزاده‌نی قارا دئوّ گتیردی مئیوّه‌لی باغا سالدئ. اوّنون یاداینا بیر یاندان آناسئ، بیر یاندان یوّلونو گوّزله‌یئن سئوّگیلیسی دوّشوّب باشلادئ آغلاماغا. قارا دئوّ اوّز-اوّزوّنه دئدی بو بورادا تک قالیب آغلارسا آریقلایار، قوّی بونو اوّیانکئ باغدا «سیّاهی سمند»ین یاتئینا سالیم تک قالیب دارّیخماسئن. قارا دئوّ اوّنو گتیریب اوّ بیری باغدا سیّاهی سمندین یاتئینا سالدئ. محمّد باخدئ گوّردوّ بورادا بیر هوّندوّر قارامتیل بیر قانادلئ آت وار. اوّز- اوّزوّنه دئدی بو آتا مینیب بورادان قاچسام یاخشئ اوّلار.

قارا دئوّین بیر عادتی وار ایدی شیکاردان سوّنرا بیر هفته یاتاردئ. اوزاندئ یاتماغا. آناسئ «عیفریته» ایسه گئتدی اوّ بیری اوّغلو آغ دئوّین سارایئینا.

محمّد شاهزاده آلتئ گؤندؤر بو باغدا اؤتوروب آغلاماقدادیر. اؤرادا بیر آغاجئین باشئندا «وؤوروغون» قوشونون یووآسئ وار ایدی باخیب محمّد شاهزاده‌یه یازئقلیغئ گلدی. اونا دئدی: آیْ اؤغلان ایگید ده آغلایار؟ من سنه کؤمک ائله‌رم. بو باغدا قارا دئوْ پری‌لر سولطانئ‌نئین اؤغلو پریزاده‌نی آلتئ ایل‌دیر دؤستاق ائله‌ییب، سن اونو آزاد ائله‌سن اؤ دا سنه کؤمک ائله‌ر. گل اؤ اؤلان یئری من سنه گؤستریم. وؤرغون قوشو محمّد شاهزاده‌نی گتیردی بیر قاپئ‌نئین یانئنا، - دئدی اؤ قیرمیزئ داشئین آلتئندا بیر آچار وار اونو گؤتوْر بو قاپئنئ آچ پریزاده‌نی آزاد ائله. اؤ سیناهی سمند آتئ دا، ائله اونون آتیدیر، مینین بورادان قاچئین. محمّد شاهزاده آچارئ گؤتوْروْب قاپئنئ آچدئ، گؤردوْ پریزاده‌نین قوْللارئ باغلئ‌دیر؛ اونون قوْللارئنئ آچدئ، جریانئ اونا صؤحبت ائله‌دی.

پریزاده دئدی: اؤ صاندیقدا بیر سئحیرلی کمند وار اونو گؤتوْر. اؤ کمندی بیر دفه آتاندا دؤرد یوْز (۴۰۰) آدامئن قوْل- قیچینا سارئلیب آیاقدان سالار بیر ده منیم بو قیلینجیمئ گؤتوْر. من آلتئ ایل‌دیر بورادا دؤستاغام داها قوْللارئمدا طاقت قالمایئیب. بیر گل گئدک بو قیلینج‌لا مؤحکم وؤر قارا دئوْین بوْینو قیرئلسئین اؤ قالخیب دئیه‌جک بیرده وؤر اوندا سن وؤورما دئنن منی آنام بیر دفه دوْغوب، بیر دفه قیلینج وؤورارام چوْن ایکی دفه وؤورسان اؤ تزه‌دن دیریلر.

محمّد شاهزاده پریزاده ایله گلدیلر قارا دئوْین یانئنا، گؤردوْلر اؤ یاتیبدیر. محمّد شاهزاده مؤحکم قیلینج‌لا وؤوردو قارا دئوْین بوْینو قیرئلدئ. دئوْ قالخیب دئدی: بیرده وؤور، محمّد شاهزاده دئدی: آنام منی بیر دفه دوْغوب بیر دفه قیلینج ائندیررم. سوْنرادان بورادان چکی‌دن یوْنگوْل قییمت‌دن آغیر نه

جواهیر وار ایدی گؤتوروب دولدوردولار سیتاهی سمندین بتلینده‌کی خورجونا هر ایکیسی ده آتیئ مینیب سمرقند شهرینه یؤلا دوشدولر.

سمرقند شهری‌نین یاخینلیغیندا گؤردولر بیر قاریئ قاز اوتاریر، محمّد شاهزاده پریزاده‌یه دئدی: قوی بو قاریئدان ملتیکه خاتیمین یتیرینی اوچیره‌نک.

محمّد شاهزاده دئدی: آی قاریئ آنا! بیزی بو گئجه‌لی‌یه قوناق ائله‌رسن؟

قاریئ بونلارا باخیب گؤردو ایکی آدام‌دیرلار بیر اوجا قانادلیئ آتین اوسته، آنجاق او آداملارین بیری آی کیمی گاه یاتیب ایشیق وئریر گاه قاتیدیر اوئ‌کی حالیئنا آدام اولور. دئدی: بو آتیز بیزیم دامخایا یترلشمز اونو چؤلده باغلاییین آمما اؤزونوزو گئجه‌لی‌یه قوناق ائله‌رم.

بونلار گلدی‌لر قاریئتین اوینه. محمّد شاهزاده جیبیندن بیر اووج قیزیل چیخاردیب وئردی قاریئا دئدی: گئت شهردن بیرآز یئمه‌لی آل گتیر یتیه‌ک قاریئ سئوینجک قیزیل‌لاریئ آلیب بیر ایکی‌سینه چوخلو یئمک آلیب گتیردی. محمّد شاهزاده دئدی قاریئ آنا! بو شهرده ملتیکه خاتیم هارادا اولور؟

قاریئ دئدی: اوغول اون دوققوز مملکتین شاهیئ اونو ایسته‌ییردیلر، اونلارین هامیسیئ بیر- بیریله وورو‌شدو آخیردا توزکمان شاهیئتین اوغلانلاریئ شیرزاده ایله پلنگ‌زاده بیرده اونلارین عمی‌سی اوغلانلاریئ شیرپلنگ ایله شیرنهنگ هامیئا قالیب اولدولار. ایندی اونلاردا نه قدر ملتیکه خاتیما ائلچی گؤنده‌ریرلر او هله هئچ بیرینه هن دئمه‌ییبدیر.

محمّد شاهزاده دئدی: آی قاریئ آنا! اونون یاتیئنا گئده بیلرسن؟

قاریئ دئدی: اوغول اونون یتددی یترده قاروولو وار بو ایش اولمایان ایش‌دیر.

محمّد شاهزاده جیبیندن بیر اؤیوج قیزئل چئخاردیب وئردی قاریئا دئدی: ایندی نئجه گئده بیلرسن؟

قاریئ دئدی: اؤغول! باخ گؤر قاریئ آنان ایندی اؤنون یاتیئنا نئجه گئدهر. محمّد شاهزاده بارماغیئندا اؤلان اؤزؤیؤنؤ کی، اؤستؤنده آدیئ حک اؤلموشدور وئردی قاریئا دئدی: بونو اؤنا نیشان وئرسن اؤ سنین سؤزلرینه ایناناز. بیرده بیر مکتوب یازیب وئردی قاریئا کی، ملئیکه خانیئما چاتدیرسین. آلدیئ گؤرک محمّد شاهزاده نه یازدیئ:

ازل باشدان منی درده سالان یار
یازدیم بو نامهنی عیان سئوگیلیم
نه مؤددتدیر منی درده سالیبسان
یاتیبسان یوخودان اؤیان سئوگیلیم
هردن- هردن بئله دؤشؤرسن یادا
یار تک قالیب یئتن یؤخدور فریادا
لئیلی مجنون دئییب قالدیئ صحرادا
مجمنونو چؤللرده قؤیان سئوگیلیم

رسول (ص) شفاعتچی حق اؤزؤ قاضی
داوود (ع) پئیغمبره وئردی قؤچ- قوزو
«محمّدم» ائتدیم بیان سئوگیلیم

قاریئ آنا! نامهنی گؤتؤروب اؤزؤیؤده سالیر بارماغیئنا گلیر ملئیکه خانیئمین قصرینه قاروؤولارئنا دئییر کی، منی ملئیکه خانیئم چاغیریبدیئ. قاروؤولار دئییر: ملئیکه خانیئم سنی نئیلیر؟ قاریئ دئییر: من اؤنون سؤد آناسیئیام بیلمیرم نهیه چاغیریب. ملئیکه خانیئما خبر وئریرلر. ملئیکه خانیئم دئییر: یؤل وئرین گلسین. قاریئ ایچری گیرجک بارماغیئنداکیئ اؤزؤیؤن اؤستده محمّد شاهزادهنین آدیئنیئ گؤرجک آز قالیر

حالدان گئتسین دئییر: آیْ قارئ آنا! گل گئدک منیم اوْ خلوَت اوْتاغیما سنین‌له ایشیم وار. گلیرلر خلوَت اوْتاغا.

ملئیکه خانیم دئییر: آیْ قارئ آنا! بو اوْزوْیوْ کیم وئریب سنه؟

قارئ دئییر: من نه بیلیم یْول‌نان گئدن بیر اوْغلان.

ملئیکه خانیم قارئیا بیر اوْوْوج قیزیل وئریب دئییر دوْزوْن دیء قارئ قیزیل‌لارئ گوْرنده گوْزلری بوز اوْسته چیخمیش دانائین گوْزلرینه دوْنور. دئییر: قیزیم بو اوْزوْیوْن یْیه‌سی بیر آیْرئ اوْغلانلا گلیب ایندی بیزده دیرلر هله سنه بیر مکتوبدا گوْنده‌ریبدیر قارئ مکتوبو وئریر ملئیکه خانیما. ملئیکه خانیم مکتوبو آلیب گوْرک جاوابیْندا نه یازیب گوْندریر:

شوْکوْر حاققا صدا گلدی یارئمدان
سنه قوربان اوْلسون بو جان سئودی‌ییم
امانت- امانت یامان گوْزلردن
ساقین! سن اوْل گینان پوْنهان سئودی‌ییم

یونیس (ع) تک قالمیشدیم هیجران بحرینده
زوْلئیخایا دوْندوْم یوسیف (ع) قهرینده
یعقوب (ع) تک قالمیشدیم کنعان شهرینده
گوْزوْمو یوْل‌لاردا قویان سئودی‌ییم

«ملئیکه»نین گوْزل یارئ محمّد
سنه قوربان دوْولت وارئ محمّد
یاخئین قویما گوْله خارئ محمّد
دادا یئتسین شاه-ی مردان سئودی‌ییم

قارئ مکتوبو آلیب بیرده ملئیکه خانیمئین اوزوئوزونو آلیب گتیردی محمّد شاهزاده‌یه. محمّد شاهزاده مکتوبو اوخویوب اوزوئوز ده آلیب ساخلادئ. سن دئمه چوغول اوْلمه‌میش‌دیر. ملئیکه خانیمئین چوْپوْر بستی آدئندا بیر کنیزی وار ایدی. قارئ‌ئین ملئیکه خانیم‌لا نه صوْحبتی اوْلموشدو هامئ‌سئ‌نا گیزلیندن قولاق آسمئیشدئیر. داپانمادان قاچدئ جرپانئ توْرکمان شاهئ‌ئین اوْغلانلارئنا صوْحبت ائله‌دی.

شیرزاده، پلنگ‌زاده بیرده عمی‌سی اوْغلانلارئ محمّد شاهزاده‌نین اوْستوْنه قوْشون چکدیلر. محمّد شاهزاده پریزاده‌نین وئردی‌ئی سئحیرلی کمندی آتدئ بونلارا ساری، کمند دوْردوْنوْن ده ال- آپاقلارئنا دوْلاشئیب هامئ‌سئ‌ئین قوْل- قئچئینئ باغلادی. بوپاندان قوْشون پریزاده ایله محمّد شاهزاده‌نین اوْستوْنه پئریش ائله‌دی. بونلار سیپاه-ی سمند ایله گیردیلر قوْشونون ایچینه ایکی پاندان ساغئ ساغ، سوْلو سوْل خزل تکین قئریئب پئره توْکدوْلر. آخئردا محمّد شاهزاده هامئ‌پا قالیب گلیب ملئیکه خانیمئ آلیب اوْز وطنینه قاپئتدئ.

سوْن

ایضاحلار:

داستاندا ایشله‌نن آدلار

شاه ایسمایئیل	آغ دئو	شیرپلنگ
گوْل عوْذارخانیم	قارا دئوین تیلیسم جنئیرانئ	شیرنهنگ
رمل‌دار پری	قارا دومان	رسول (ص)
عربی زنگی	عیفریته	داوود (ع)
محمّد شاهزاده	قیزیل قوش	ایسمایئیل(ع)
درویش	سیپاه-ی سمند	یونس (ع)
سمرقند شهری	وورغون قوشو	زوْلئیخا (ع)
قئیس پادشاه	پری‌لر سولطانی‌ئین اوْغلو پریزاده	یوسیف (ع)
ملئیکه خانیم	قئیرمیزئ داش	یعقوب (ع)
اپک قارئ	آچار	کنعان شهری
قمردای(شاه ایسماعیلئین آتئ)	سئحیرلی کمند	شاه-ی مردان
لله	پریزاده‌نین قپلینجئ	چوپور بستی،
بزیرگان	توْرکمان شاهئ	ملئیکه خانیمئین
قارا دئو	شیرزاده	کنیزی
	پلنگ زاده	

ساده اینسانلارئن ناغیلئ



گؤندرن: ساسان ناطق

قدیم زامانلاردا ساده بیر عائیله وار ایدی. بیر گؤن، سحر تئزدن، اؤغول ایله دده، حئیوان اؤتارماغا چؤله گئتدیلر. ناهارا یاخئین، اؤغلان دده‌سینه دئدی: گئدیم یئمک گتیریم.

اؤغلائین دده‌سی دئدی: یؤخ اؤغول، سن قال بوردا من گئدیم، گلیم.

دده‌سی گئتدی ناهار گتیرسین. اؤغلان بیر ساعات گؤزله‌دی، گؤردؤ خبر چیخمادئ. ایکی ساعات گؤزله‌دی، گؤردؤ خبر چیخمادئ. دئدی: گؤره‌سن بونا نه گلدی، یؤلدا یئخیلیب اؤلمه‌دی؟

اؤغلان مال-حئیوانئ بؤشلاییب، گئتدی دده‌سینین دالیجا، قاپیلارئنا یئتیشه‌نده، ائشیتدی اؤلرییندن آغلاماق سسی گلیر، دئدی: وایْ دده، حتمن بیر شئیْ اؤلوب.

اؤغلان کئچدی ایچری، گؤردؤ دده‌سی ساغدئیر. اؤیانا باخدئ، گؤردؤ ننه‌سی ده ساغدئیر. بو یانا باخدئ، گؤردؤ باجیسئ دا ساغدئیر. اؤز-اؤزؤنه دئدی: بونلار به نییه آغلاییرلار؟ نه اؤلوبدور؟

اوغلان سوْروشدو: دده نیئه آغلاییرسان، نه اولوبدور؟ به سن گلدین منه ناهار گتیره‌سن.

دده‌سی دئدی: مندن نیئه سوْروشورسان، گئت ننه‌ندن سوْروش.

اوغلان ننه‌سینه دئدی: نه اولوب، نیئه آغلاییرسیز؟

ننه‌سی دئدی: بالا، من دئیه بیلمه‌رم. باجیندان سوْروش.

اوغلان باجیْسینا دئدی: نیئه آغلاییرسیز؟

باجیْسیْ دئدی: دیلیم لال اولسون، من دئیه بیلمه‌رم.

اوغلان دئدی: آخیْ نیئه آغلاییرسیز. دئیین گوْرک نیئه آغلاییرسیز.

آخیر، ننه‌سی دئدی: صوْبح سیز گئدندن سوْنرا، قیز یوْخودان دوردو، دئدی یوْخودا گوْروْب سن اوْنله‌نیبسن، اوْغلون اولوب، اوْدا اوْلوْب.

اوغلان دئدی: آلا کوْل باشیْزا، گوْر نه‌یه آغلاییرلار. هله من اوْنلنمه‌میش، یوْخودا گوْروْب‌لر من اوْنلنمیشم، اوشاغیم اولوب، اوْدا اوْلوْب.

اوغلان، اوْز-اوْزوْنه دئدی: بخته‌وْر باشیْمیْزا، گوْر کیملرله یاشاییْریق.

اوغلان آجیْغیْندان باش گوْتوْروْب، گئدیر. دئدی: دئیه‌سن بوردا قالماغیم صلاح دئییل. گوْر نه قدەر ساده اینسانلارلا یاشاییْرام.

اوغلان، یوْلون یاریْسیْندا گوْردوْ بیر آرواد بیر چاییْدا ایْله‌شیب، پالتار یوْیور.

آرواد، اوغلانا دئدی: آیْ قارداش هاردان گلیرسن؟

اوغلان آجیْغیْندان دئدی: جهنم‌دن.

آرواد دئدی: منیم دده‌می گوْرمه‌دین؟

اوغلان دئدی: نیئه، گوْردوْم. باغلامیْشدیْلار آغاجا، تاپدالییْردیْلار.

آرواد دئدی: بیلمه‌دین نیئه؟

اوغلان دئدی: یوْز توْمن ایسته‌ییْردیلر. دئییردیلر یا یوْز توْمنی وْئر یا اوْلدوْره‌جه‌ییک.

آروات دئدی: سنی آند وئریرم آللاها، بیر یئره گئتمه. دایان بوردا، من گئدیم یوّز توّمن گتیریم، وئر قوّی ددهمی بوشلاسئینلار.

اوغلان دئدی: عئیبی یوخدور.

پالتار یوّیان آروادئین اری، نه قدهر وسایيل ساتمئیشدئ. یوّز توّمن جوّرلمیشدی بیر آت آلسئین. آروات ائودن یوّز توّمنی گوّتوّردو، قاچا-قاچا گتیردی وئردی اوغلانا. دئدی: سنی آند وئریرم آلاها، دئنهن منیم ددهمی بوشلاسئینلار.

اوغلان یوّز توّمنی آلدئ، یوّلا دوّشدو. یوّلدا دئدی: من ائله بیلیردیم اوّز عاییلهم سادهدیر، منیمکیندن سادهسی ده وار ایمیش. یوّز توّمن دیلسیز-آغیزسیز پولو گتیردی وئردی منه، دئدی گئت ددهمین یاخاسئینئ قورتار!

اوغلان گئتدی. او طرفدن، آروادئین اری گلدی. آروادئینا دئدی: تئز او یوّز توّمنی گئت گتیر کی، آت آلمیشام.

آروات دئدی: کیشی یا منی اوّلدوّر یا منی بوشا، یا هر نه ائلهسن ائله. حال قضیئه بئلهدی: بیر کیشی گلدی بوردان کئچدی. اوّنونلا دانیشدیم. دئدی جهنّمدن گلیرم. دئدیم منیم آتامئ گوّردوّن؟ دئدی گوّردوّم. اوّنو دوّیوّردوّلر. یوّز توّمن ایستهییردیلر ددهمی بوشلاسئینلار. من ده یوّز توّمنی وئردیم ددهمی بوشلایالار. ایندی منی اوّلدوّرسن ده اوّلدوّر.

کیشی دئدی: آروات، عاغلئین اوّلسون، کیم جهنّمدن گلر. آیئ عاغیلسیز، پولو وئریبسن گئدیب. اوّنون یوّلونو گوّرست، هاردان گئتدی؟

آروات یوّلو گوّرستدی، دئدی: بوردان بئله گئتدی.

کیشی آتئ میندی، چاپدئ اوغلاتئین دالیسیجا. گئتدی پولو اوندان آلسئین.

او طرفدن، اوغلان گئدهنده، گوّردو بیر دیّیرمان وار. دیّیرمانا آز قالاندا، گوّردو دالدان بیر آتلئ گلیر. بیلدی کی، پولون یئیهسیدی. اوغلان گیردی ایچری. دیّیرمانچئیا دئدی: آیئ دیّیرمانچئ قارداش سن کئچل سن؟

دئیرمانچئ دئدی: نئجه؟

اوغلان دئدی: کئچل‌لری توتورلار.

دئیرمانچئ دئدی: یعنی نه؟ من کئچل دئییلم. قاباقلار فقط باشئمئن بیر یئرینین تۆکۆ یۆخ ایدی.

اوغلان دئدی: ائله توتورلار دا، داها بدبخت اولدون. توتسالاردا اولدورورلر.

دئیرمانچئ دئدی: به نه ائله‌ییم؟

اوغلان دئدی: هئچ زاد، قاچ گیر بوغدالارئن ایچینده گیزلن. گؤرک باشئمئزا نه گلیر.

دئیرمانچئ گیزله‌ندی. اوغلان دا بئلینه بیر تلیس باغلادئ و اوز-گؤزونه بیر آز اون سپدی. آتلئ گلدی، آتدان دۆشدو یئره. دئدی: آی دئیرمانچئ قارداش بورا گلن او بیر نفر هارا گئتدی؟

اوغلان دئدی: نه بیر نفر؟ من چؤخدان بوردایام. بیرینی گؤرمه‌میشم.

آتلئ دئدی: ایندی اوزوم گؤزومله گؤردوم قاچا-قاچا گیردی دئیرمانئن ایچینه.

اوغلان دئدی: اوندا منیم باشئم قال ایمیش، گؤرمه‌میشم. حتمن بوردا بیر یئرده گیزله‌نیب.

آتلئ اونا دئدی: آماندئر، گل بو آتئ ساخلا، من کئچیم ایچری‌یه گؤروم او هاردا گیزله‌نیب.

اوغلان آتین جیلوونوندان یاپیشدئ و او کیشی کئچدی ایچری. اوغلان آتئ مینیب، اوردان گئتدی. سونرا یئتیشدی بیر چوبانا. گؤردو چوبان مال-قوییون اوتارئر. دئدی: آی قارداش، بتر آجام. منه بیر آش وئرسن ایچسم، آتئ وئره‌جه‌یم سنه. بیر کاسا آش وئر، بو آتئ وئریم سنه.

چوبان دئدی: دایان بوردا مال-حئیوانئن یانیندا، من قاچیم سنه آش گتیریم.

چوبان گئتدی اؤینه. آروادینا دئدی: آی آروات، تئز اول، بیر کاسا آشا بیر آت آلمیشام. سن آش پیشیر، من قاچیردیم اونا وئریم، آتی آلیم گلیم.

آروات دئدی: نئینه‌ک، من آشی پیشیریم.

چوبان دئدی: سن آشی پیشیرینجه، قوی من ده آتا بیر آخیر دوزه‌لدیم.

چوبان گئتدی: تؤوله‌ده بیر آخیر دوزه‌لتدی. آروات، چوبانا دئدی: آشی حاضیر ائله‌میشم.

چوبان دئدی: دایان، سن بوییلوسان. قوی بوینومو سوییکه‌یم آخیرا، سنه بیر تپیک آتیم، گوروم بیردن آتین یانیندان کئچسن، تپیک سنه دیر؟

آروات دئدی: آی کیشی نئچه واخت ایدی اوشاغیمیز اولموردو، بیر دنه اوشاغا قالمیشام. گوزله اونو دا تپیکله وروب، سالارسان.

چوبان دئدی: سن دایان بوردا.

آروات دایاندی. چوبان باشینی توتدو آخیرا، بیر تپیک وردو، آروادین اوشاغی دوشدو.

آروات دئدی: آللاه اؤینی یئخسین، اوشاغی دا سالدین. ایندی نه جور اولاجاق؟

چوبان دئدی: قوی آتی آلیم، گلیم. مینیب، گئدیب دوییانی گزه‌جه‌یم. مککه‌یه‌ده گئده‌جه‌یم.

آروات دئدی: آی کیشی، نه اولار آتی مینیب، مککه‌یه، هر یانا گئدن‌دن سونرا، وئره‌سن من ده گئدم ننه‌م گیله.

چوبان آروادی کوتک‌له‌دی. دئدی: آتین تری سوییومامیش، اونو مینیرسن؟ قوی هله تری سوییوسون.

آروات دئدی: آی کیشی، من ائله ایندی گئتمه‌دیم کی.

آروات آشی وئردی چوبانا، دئدی: گل آپار.

چوبان دئدی: توک سبده، باغلا دالیما گئدیم.

آرواد، آشیئ توکدو سبده، باغلادیئ چوبانین دالیئنا. چوبان اوزو آشاغا گئدن‌ده، آرواد دئدی: آیئ کیشی!

چوبان دئدی: نه‌دی؟

آرواد دئدی: سنی آللاه، هر نه‌ییمی الیمدن آلدیئن، او آتیئ وئره‌رسن مینه‌رم.

چوبان دونوب، وئرمه‌یه‌جک دئیه‌نده، آش توکولوب، باشیئنیئ یاندیئردیئ. چوبان دئییینه-دئییینه گئتدی. یئتیشدی گوردو اوغلاندان خبر یوخدور. ها بویانا، ها او یانا، گوردو یوخدور. حتمن آپاریب مال-حئیوانیئ آشاغیدا اوتاریر.

گئدک اوغلاتین سوراغینا. اوغلان، چوبانین هامیدان ساده اولدوغونو گورن‌ده، اونون مال-حئیوانیئنیئ آتین قاباغیندا سورور، آپاریر اوتلرینه. اونا دئدیلر: به نه جور اولدو قاییتدین؟

دئدی: واللاه، گوردوم سیزدن ساده‌سی بو دونیادا چوخدور، اونا گوره گلدیم، یوخسا گلمزدیم. ائله هر یئره گئتدیم، گوردوم هامیئ ساده‌دیر.



زنگانئین «ایشیق یۆل مۆأسیسه‌سی ایله قانیشلیق»

زنگان – محمّد رزّاقی

ایشیق یۆل قئیری دۆۆلتی، قئیری اینتیفاعی وٚ قئیری سیئاسی بیر قورومدور. بو مۆأسیسه‌نین چالیشما پروانه‌سی زنگانئین اوستانداری‌سئ طرفیندن ۲۴ / ۷ / ۱۳۸۴ –ده وئریلیب آمما رسمی شکیلده چالیشمایا باشلاماسئ ۱۸ / ۱۱/ ۱۳۸۴ – دن اۆلوبدور.

بو مۆأسیسه‌نین هدفلری بونلاردیر:

- زنگانئین بومی وٚ یئرلی فرهنگی‌نین بۆتۆن نۆماد وٚ سمبول‌لارینئ یئغیشدیریب بیر یئره توپلاماق.
- زنگانئین فۆلکلۆر، موسیقی، ادبیئات وٚ ... سینی توپلاماق.
- زنگاندا فۆلکلۆر وٚ ادبیئات ساحه‌سینده چالیشیب، اؤزلریندن ایز قۆیان اینسانلارئ آختاریب تاپما وٚ اونلاردان تقدیر وٚ تشککۆر ائله‌مه.

- توپلانان فولکلورلارئ چاپ وٓ نشر ائله‌مه.
- فولکلور ساحه‌سینده چالیشان اینسانلارا ایللیک ادبی جایزه وئرمه.
- فئستیوال، سئمینار، علمی قورولتای‌لار قورما.
- وٓ ...

ایشئیق یول موٴسیسه‌سی ایندی‌یه کیمی ۴ اوٴتوروم کئچیریب. بو اوٴتوروم‌لارئین قیساجا راپورو وئریلیر.

بیرینجی اوٴتوروم:

کئچن ایل ایسفند آیئ‌ئین ۱۸ ده موٴسیسه‌نین ایلک یئغینا‌غینا تورک شاعیر وٓ یازیچی‌لار چاغیریلمیشدیر. آنجاق یازیچی‌لار اولسون بو یئغینا‌غین سحر وئریلن موٴجویزی ناهاردان سونرا دیردن دوشوب، زنگائین سوٴهروٴردی سالونونون قاپی‌سئ زنگائین صولح سئور شاعیر وٓ یازیچی‌لارئ‌ئین اوزونه باغلئ قالدئ. بو قورولمایان یئغینا‌غین موٴضوسو آنا دیل ایدی.

ایکینجی اوٴتوروم:

یئنی ایلین فروردین آیئ‌ئین ۳۰ - دا قئیری دوٴولتی تشککول‌لرین ائوینده قورولدو. بو اوٴتورومون دائیشئیق موٴضوسو آشئیق صنتی وٓ اسکی وارلئغئمیز، اوزل قوناق دا زنگائین قوجامان آشئیق صنتچی‌سی آشئیق موٴسلوم عسگری ایدی. بو اوٴتوروم‌دا حورمتلی وٓ سایئین شاعیر وٓ یازیچی‌لار اوز سوٴرغولارئنئ آشئیق صنتینه گوره سوٴروشوب، آشئیق موٴسلوم ده دیرلی جاوابلار وئردیلر. اوٴتورومون اورتاسئندا آشئیق موٴسلوموٴن (گنجلیک سسی) ۱۳۵۰ جی ایلده اوٴخویان «قاراباغ شیکسته‌سی » ناوار اوزوندن یئنه سسلندیریلدی. بو اوٴتوروم‌دا «ایشئیق یول» طرفیندن فروردین‌ین ۳۰ -و «آشئیق صنتی وٓ آشئیق ادبیاتئ» گوزنو آدلاندیریلدئ. اوٴتورومون سونوندا «ایشئیق یول طرفیندن » «آشئیق موٴسلوم عسگری» -دن تقدیر وٓ تشککور اولوندو.

اۆچۆنجۆ اۆتوروم:

اۆردیبئهیشت آیئ‌ئین ۲۷ -ده یئنه ده قئیری دۆولتی تشککۆل‌لرین ائۆینده «ایشئیق یۆل» اۆز اۆتورومونو قوردو. بو دفه دائیشئیق مۆضوسو: «آتالار سۆزۆ»، اۆزل قۆناق دا «ذبیح اله شاه‌محمّدی» ایدی . ذبیح اله شاه‌محمّدی ۆ قارداشئ قیزئ فاطمه شاه‌محمدی ایله بیرلیکده ۳۲۰۰ دن آرتیق زنگائین یئرلی آتالار سۆزۆنۆ توپلاییب، ایسلامی ایرشاد امکداشلیغئ ایله کیتاب شکلینده یاییبلار. بو اۆتوروما قاتیلان فۆلکلۆر ۆ ادبییات سئوئرلر بو کیتابا گۆره اۆز سۆرغولارینئ سۆروشوب. ذبیح اله شاه‌محمدی ده جاواب وئردیلر. بو کیتابین آدئ «ضرب المثل‌های ترکی در گویش زنجانی»دیر. اۆتورومون سۆنوندا «ایشئیق یۆل» قورومو اوستاد ذبیح اله شاه محمدی‌دن زنگائین فۆلکلۆروندا چکدی‌یی امک‌لره گۆره تشککۆر ۆ تقدیر ائله‌دی.

دۆردۆنجۆ اۆتوروم:

خورداد آیئ‌ئین ۳۱ -ده ساعات ۱۶ دان باشلاییب ۱۸ -ده قورتاران اۆتوروم کئچمیش اۆتورومالارا گۆره فرقلی ایدی. «ایشئیق یۆل»دا ایشتیراک اندن «محمد فضلی»نین هۆنرمند قارداشئ «احمد فضلی»نین رحمته گئتدی‌ییئنه گۆره بو اۆتوروم یالئز شئعر اۆخوماق ۆ «تاریخ - اوسطوره» ایله ایگیلی تاریخ آراشدئرئجئ‌سئ «حسن حۆسئینعلی»نین دائیشئیغئ ایله سۆنا یئتیشدی. بو اۆتورومون اۆزل قۆناغئ یۆخ ایدی.

آرتیرما:

زنگائین «ایشئیق یۆل» مۆأسیسه‌سی، هر آییئن سۆن چرشنبه‌سی ساعات ۱۶- ۱۸ -ه قده‌ر قئیری دۆولتی تشککۆل‌لرین ائۆینده بیر اۆتوروم کئچیریر.

Designer:L-Esmaeili

